



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ویژه نامه مهدوی (عج) فهرست

ویژه اندیشه و سیره اهل بیت :

شماره ۷۴ - تابستان ۱۳۸۷

صاحب امتیاز:

آستانه مقدسه حضرت معصومه / مؤسسه زائر

مدیرمسئول:

عبدالرضا ایزدپناه

سرمدبیر:

محمود مهدی پور

هیئت تحریریه:

عبدالرحیم حجتی، احمد زمانی، محمدجواد صاحبی، احمد عابدی،
غلامعلی عباسی، عباس کوثری، جوادمحدثی و محمدحسن نجفی.

مدیر داخلی:

محمد ابراهیم احمدی

نشانی مجله:

قم، خیابان شهداء، جنب مدرسه امیرالمؤمنین(ع)،

دفتر فرهنگ کوثر.

تلفکس: ۷۷۳۵۴۷۸

توزیع: ۷۷۳۵۳۰۳، نشانی اینترنت:

WWW.masoumeh.com

یادآوری:

- فرهنگ کوثر از مقالات ویژه اهل بیت استقبال می کند.
- آثار به شرط برخورداری از موازین علمی، پژوهشی به نوبت چاپ می شود.
- مقاله های رسیده، پس فرستاده نمی شود.
- مؤلفان، پاسخگوی دعاوی احتمالی درباره نوشته های خود هستند.
- مقاله های ارسالی را خوانا، مستند و بر یک روی صفحه و بین ۱۰ تا ۱۵ صفحه بنویسید.
- برگرفتن از فرهنگ کوثر با ذکر مأخذ آزاد است.
- دفتر مجله در ویرایش مقالات آزاد است.

جامعه و مهدویت محمود مهدی پور ۲

اندیشه

جوانان در خدمت مهدی ۷ عبدالرحیم اباذری ۱۰

حضرت مهدی در نگاه علامه حسن زاده آملی غلامرضا گلی زواره ۱۶

معرفت و ولایت امام زمان ۷ مهدی خلیلیان ۲۴

انتظارات امام از گروه های اجتماعی سید جعفر ربانی ۳۰

امنیت اخلاقی در عصر مهدوی مهدی احمدی ۳۷

امامت و مهدویت در کاوش های کرین غلامرضا گلی زواره ۴۸

مهدی گل هستی سید علی نقی میر حسینی ۵۷

فرهنگ

برکات علمی و فرهنگی عصر ظهور عبدالکریم پاک نیا ۶۵

رجعت محبوبه عظیم زاده ۷۲

دولت طلعه جواد محدثی ۸۱

مهم ترین شبهات مهدویت ناصر بهرامی ۸۸

سیره و تاریخ

کاوشی در احادیث مهدوی حسن عاشوری لنگرودی ۹۶

قرآن در سیره و سخن امام مهدی ۷ محمد جواد طیبی ۱۰۷

آیین ادب

شب آفتابی م. طلوع ۱۱۹

حس غریب لیلا اسلامی گویا ۱۲۲

داستان یک مسجد مرتضی عبدالوهابی ۱۲۵

مدیحه سرایان مهدوی محمدتقی ادهم نژاد ۱۲۹

یاران

وکلاهی حضرت مهدی ۷ ابوالقاسم تجری گلستانی ۱۳۷

تجلی یار در جبهه محمد اصغری نژاد ۱۴۹

گزارش

نگاهی به کتاب مکیال المکارم عبدالرحیم اباذری ۱۵۵

محور های پژوهش در مورد امام زمان ۷ جواد محدثی ۱۵۹

آشنایی با مراکز مهدویت علی کرجی و باباجانی ۱۶۳

سفرنامه کربلا سید حسن فاطمی موحد ۱۷۹

امام مهدی ۷ در آینه کوثر ۱۸۹



جامعه و مهوریت

محمود مهدی پور



گونه‌ای دیگر می‌بیند. اگر اصلاح اندیشه و توسعه دید انسان را مهم‌ترین سرمایه و وظیفه بشریت بدانیم، این تحول تنها در پرتو «ایمان به غیب» در زندگی انسان ایجاد می‌شود.

«ایمان به غیب» تحوّل بنیادین در «فهم» و «عقل» و «احساس» انسان است که ترازوی ارزیابی انسان را اصلاح می‌کند و برد نگاه انسان را تا بی نهایت افزایش می‌دهد.

«ایمان به غیب» یکی از بزرگ‌ترین هدایای آسمان به زمین است. «ایمان به غیب» دایره‌ای گسترده دارد؛ از ایمان به وجود خدا، یگانگی، ربوبیت و علم و حکمت الهی تا ایمان به وجود امام و امامت و ظهور آخرین حجت الهی را فرا می‌گیرد.

«عالم غیب» گر چه از نگاه ما دور است ولی

انسان‌ها در برابر وجود مقدس امام عصر(عجل الله تعالی فرجه) و اندیشه مهدویت، سه حالت دارند:

۱. ایمان.

۲. انکار.

۳. تردید.

این سه حالت، اختصاص به موضوع مهدویت ندارد. نسبت به خدا، پیامبران الهی و پیشوایان پاک و کل عالم غیب و جهان دیگر هم همین سه حالت در جوامع انسانی جریان دارد.

«ایمان» چشمی نوین و نگاهی جدید به انسان می‌بخشد که دنیا و آخرت را به



«عصمت» آن بزرگوار هم با همین اندیشه‌های سه گانه و موضع‌گیری‌های متفاوت روبروست. در میان کسانی که از دیدگاه عقیدتی، امام زمان⁷ را باور دارند، در مرحلهٔ احساس و رفتار، سه گونه موضع‌گیری به چشم می‌خورد!

۱. موضع عشق، شور و شوق

در گفتار و رفتار عالمان دین و پیروان سنت نبوی، نمونه‌های فراوان تاریخی و نشانه‌های عشق به ساحت آن بزرگوار نمایان است. به تعداد مهدیه‌ها، مؤسسات مهدوی، سایت‌های مهدوی، کتاب‌های مهدوی و اشعار و مقالات موجود دربارهٔ امام عصر(عج)، آیه‌های «عشق مهدوی» در فرهنگ و تاریخ مسلمان موج می‌زند.

حضور مردم در مراسم نیمه شعبان، در مسجد سهله و جمکران، دعای ندبه و مجالس جشن و سرور و هزینه‌های فراوان به یاد و نام آن بزرگوار و تلاش کودکان و جوانان در تکریم و بزرگداشت آن حضرت و حتی نامگذاری فرزندان به نام مهدی و مهدیه، نماد این موضع امت اسلامی است.

۲. موضع خصومت، گریز و ستیز

تلاش‌های رسانه‌ای غرب برای سیاه‌نمایی چهرهٔ ملکوتی امام زمان⁷، کوشش‌های آمریکا در مقابلهٔ سینمایی با تفکر مهدویت، تلاش یهود و وهابیت برای مبارزه فکری - فرهنگی و انکار و تخریب این

دریچه‌ای از قلب و عقل ما به سوی آن باز می‌شود. ایمان به جهان غیب، حرکت طبیعی و فکری آدم‌هاست. علل و عوامل انحراف از این مسیر عقلی و فطری را باید جستجو کرد.

همان «علل گرایش به مادیگری» که در برابر توحید و خداآوری وجود دارد، با اندکی تفاوت در مورد انکار پیامبران و عدم اعتقاد به پیشوایان معصوم^۸ هم موجود است. اصولاً عامل انحراف و کجروی و حتی سقوط فکری و مرگ معنوی در ابعاد مختلف اصول دین، مشابه یکدیگر است. انکار و ستیز فرهنگی و عملی با «امامت»، گامی به سوی انکار «نبوت» است. و انکار «نبوت» راهی به سوی مقابله با «ربوبیت خدا» و «توحید» و اصل وجود خدا محسوب می‌شود.

امامت، جلوگاه اجرایی فرمان خدا و تابش خورشید توحید در جامعه‌هاست. همان دلایلی که سبب می‌شود، انسان از خدا بگریزد یا با فرمان او مخالفت کند، عامل گریز و ستیز انسان در برابر پیامبران الهی و امامان اهل بیت^۹ است.

انبیاء و پیشوایان پاک به دلیل تسلیم بودن در برابر فرمان خدا و اطاعت محض از او با کینه، تمسخر، تهمت و کارشکنی از سوی یاران شیطان مواجه می‌شوند. سه حالت ایمان و انکار و تردید، نه تنها نسبت به مصلح جهانی و منجی بشریت حضرت مهدی⁷ وجود دارد، بلکه «امامت»، «عدالت» و



اندیشه در سایت‌ها و مطبوعات، برخاسته از این گونه موضع‌گیری است.

۳. موضع بی‌طرفی و بی‌تفاوتی

این موضع‌گیری، نشان غفلت و ناآگاهی و عدم عقیده به حق و باطل در نظام جهانی است. و سرانجام به یکی از دو نوع برخورد اول و دوم برمی‌گردد و یا در نوسان بین مهدی‌گرایی و مهدی‌ستیزی، تداوم می‌یابد. اصولاً مواضع فکری و رفتارهای اجتماعی، بشریت را به سه گروه مؤمن و کافر و منافق، تقسیم می‌کند. معیار ایمان و کفر و نفاق تنها مسأله توحید و خداشناسی و معاد و نبوت نیست. در زمینه امامت هم همین موضع‌گیری‌ها و حالت‌ها وجود دارد و روایات ما، انکار امامت و امامان و مهدویت را از دیدگاه آثار اخروی در حد انکار توحید و نبوت و معاد می‌داند، گرچه از دیدگاه فقهی و حکم ظاهری منکران امامت و مهدویت، کافر تلقی نمی‌شوند.

بشریت در برابر «مهدویت» مواضع و تفکرات مختلفی دارد، که مجموعه این اندیشه‌ها و فعالیت‌ها را در عناوین زیر می‌توان دسته‌بندی کرد:

۱. مهدی سالاری؛
۲. مهدی پژوهی؛
۳. مهدی شناسی؛
۴. مهدی گرایی؛
۵. مهدی باوری؛

۶. مهدی یآوری؛

۷. مهدی جویی؛

۸. مهدی گریزی؛

۹. مهدی ستایی؛

۱۰. مهدی ستیزی؛

۱۱. مهدی نمایی.

این عناوین مجموع فعالیت‌های ذهنی، زبانی، رفتاری مثبت و منفی انسان‌ها نسبت به ساحت مقدس مهدوی (عج) است.

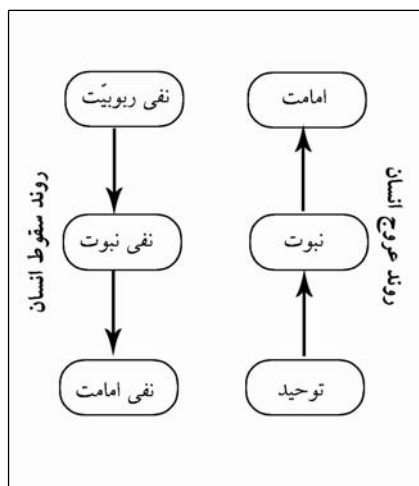
نگفته پیداست، گریز و ستیز و برخورد کفرآلود و و نفاق‌آمیز با امامت و مهدویت، برای خدا و پیامبران الهی و حضرت حجت^۷ هیچ‌گونه ضرر و زبانی ندارد. این انسان‌ها و جوامع انسانی هستند که به دلیل عدم معرفت، عدم محبت و سر برتافتن از اطاعت خدا و اولیای او، در خسران مبین و محرومیت و رنج و مشقت دنیوی و عذاب اخروی بسر می‌برند.

انقلاب برای بشریت

پیروزی، قیام و انقلاب مهدوی هم بیش از آن که به سود امامان و ولی عصر^۷ باشد، به سود انسان‌هاست. معمرین خلاد به امام رضا^۷ گفت: «عجل الله فرجک؛ خداوند فرج شما را زودتر برساند». امام رضا^۷ در پاسخ فرمود: «این فرج، مایه گشایش و آسایش شماست. اما من به خدا



«ربوبیت الهی» و انکار توحید و وجود خدا را در پی دارد.



در دعای شریف «اللهم عرفنی نفسک»^۲ روند تکامل انسان‌ها از خداشناسی تا دین‌شناسی، ترسیم شده است.

زراره بن اعین از امام صادق^۷ نقل کرده است که حضرت فرمود:

قائم ما قبل از قیام، غیبتی دارد. او می‌گوید: پرسیدم: چرا؟ حضرت فرمود: بر جانش بیم دارد (و اشاره کرد که شکم او هدف قرار می‌گیرد)، سپس فرمود:

ای زراره! او همان کسی است که انتظارش دارند. و او همان است که برخی از مردم در ولادتش شک می‌کنند؛ برخی می‌گویند: او در شکم مادر است. برخی می‌گویند: او غایب است. برخی

سوگند از آن بهره‌ای ندارم مگر به اندازه‌ی ظرفی که مشتی آرد در آن است و مهر شده است (بیش از میزان مقرر نمی‌توان از آن برداشت کرد).^۱

در روایات اسلامی از انتظار فرج، گاهی به عنوان «فرج الهی» گاه «فرج مؤمنین» گاه «فرج ائمه» و گاه «فرج امام عصر (عج)» تعبیر شده است. همه این عبارات درست است. زیرا خداوند آن نظام مطلوب را پدید می‌آورد و این انقلاب بزرگ را به دست امام عصر می‌آفریند؛ در پرتو این قیام، اهداف امامان تحقق می‌یابد و مؤمنان در سایه این تحول بزرگ آسمانی، اهداف خویش را میسر می‌بینند. لذا این تعبیرها هر کدام با یک نگاه به نام عاملان یا بهره‌گیران از این «انقلاب جهانی» اشاره می‌کند.

از توحید تا مهدویت

در مرحله‌ی عروج معنوی و عقیدتی، انسان با توحید فطری و خداآوری به جستجوی پیامبران می‌پردازد. به نبوت لبیک می‌گوید. در سایه اعتقاد به پیامبران، راهی به سوی اوصیای ایشان و «امامت» پیدا می‌کند و با تصریح و نص صادره از پیشوایان قبلی، امام بعدی را می‌شناسد؛ ولی در مرحله‌ی سقوط و نزول عقیدتی و اخلاقی، انسان گام‌های اول را با دوری از امامت برمی‌دارد. دوری از امامت به انکار نبوت و فهم ناقص از آن می‌انجامد و انکار انبیا، نفی



می‌گویند: تولد نیافته و برخی می‌گویند: دو ساله بوده که پدرش رحلت کرده است.

براستی جز این نیست که خدای تبارک و تعالی دوست دارد، شیعه را امتحان کند، در آن هنگام باطل‌گرایان به تردید گرفتار می‌شوند.

زراره می‌گوید: به حضرت گفتم: قربانت گردم. اگر آن روز را درک کردم، چه کار کنم؟ حضرت فرمود: مدام این دعا را بخوان:

«اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ أَنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ، لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ أَنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ أَنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي».

در روندی معکوس، پلکان سقوط انسان‌ها از پله امامت آغاز می‌شود و با سقوط از مقام توحید پایان می‌یابد. از پیامبر اعظم^۹ چنین نقل شده است:

«مَنْ جَحَدَ عَلَيَّ أَمَامَتَهُ بَعْدِي فَقَدْ جَحَدَ نَبَوْتِي وَمَنْ جَحَدَ نَبَوْتِي فَقَدْ جَحَدَ اللَّهَ رُبُوبِيته؛^۳ هر کس امامت علی را انکار کند، نبوت مرا انکار کرده و هر کس پیامبری مرا انکار نماید، ربوبیت خدا را رد کرده است».

ردّ امامت در صحنه عمل، انکار نبوت و انکار آن، انکار یگانگی و ربوبیت را در پی دارد و لذا از بزرگ‌ترین منکرات، انکار فضیلت و جایگاه امام است. در تفسیر (يَا مَرْهَمَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُم

عن المنكر) آمده است که: «و المنكر من انكر فضل الامام و جحده».^۴ یعنی امام عصر^۷ کسی را که منکر فضیلت امام باشد و یا او را انکار نماید، نهی از منکر می‌کند.

«امامت» تداوم بخش «نبوت» است. برخورد نادرست با امامت، مولود اندیشه غلط درباره نبوت است و برای اصلاح اندیشه و عقیده درباره پیامبری و پیامبران، باید نسبت به توحید و خداشناسی فهم عمیق و دقیق ایجاد شود.

از آنجا که فرمان خدا و فرهنگ توحید در عرصه جامعه توسط پیامبران و امامان اجرائی می‌گردد؛ ستمگران بیش از آنکه با خدا مبارزه کنند و توحید را نفی نمایند، با پیامبران و پیشوایان جانشین آنان درگیر بوده‌اند.

پس از رسول اعظم بیشترین مبارزه با توحید در قالب مبارزه با امامت نمود یافته است. در یک بررسی آماری می‌توان این حقیقت را اثبات کرد که مخالفان خدا در جهان، کمتر از مخالفان پیامبر اکرم^۹ و تعداد دشمنان پیامبر، کمتر از دشمنان امامت و آمار مخالفان امامت، کمتر از آمار مخالفان مهدویت است. شیطان در مرحله تئوری و نظریه پردازی وجود خدا را انکار نمی‌کند ولی از تسلیم در برابر خلیفه خدا سر باز می‌زند. «آدم» خلیفه خداست و خلافت او قبل از آفرینش انسان، به فرشتگان



فلسفی حکومت‌های غیر الهی و تضعیف نظام امت و امامت است.

حذف عترت از مسند رهبری امت اسلامی و حتی حذف آل پیامبر از صلوات بر آن بزرگوار، تعطیل امامت و تبدیل آن به خلافت، تفکیک امامت دینی و رهبری اجتماعی، تقسیم امامت بر اساس مناطق گوناگون جغرافیایی، تجزیه امامت بر اساس موضوعات اجتماعی، انکار امامت الهی، تکذیب امامان و ادعای دروغین نیابت، افتراء بر پیشوایان اهل بیت^۱ و تعمیم امامت، همه و همه گام‌هایی در جهت مقابله با رهبری الهی و غصب حق امام معصوم در هدایت جامعه و مدیریت جهان است.

از نگاه ما، خداوند ولی و صاحب اختیار اول و آخر، حاکم حکیم و عادل جهان و انسان (احکم الحاکمین و اعدل العادلین)، ملک و مالک دنیا و آخرت و سلطان جاودان نظام هستی است، و امامان نمایندگان او در اداره جهان و مدیریت انسان هستند. بنابراین هر گونه برخورد و درگیری با امامان، مقابله با حاکمیت الهی است. امامان، مظهر قدرت او و منصوب ذات اقدس اویند. انکار وجود یا امامت آنان، انکار عصمت و عدالت ایشان و مقابله تبلیغی و نظامی با آنان، مبارزه با حاکمیت و ربوبیت الهی است.

در زمینه امامت حضرت مهدی(عج) و حکومت جهانی ایشان، به دلیل احساس خطر بیشتر و زمان

اعلام شده است. اصولاً آفرینش آدم^۷ برای آن بود که خدا در زمین خلیفه‌ای قرار دهد.

(وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً)^۸

در حدیثی از امام صادق^۷ هم آمده است که: «الحجة قبل الخلق و مع الخلق و بعد الخلق»^۹.

راستی برادران اهل سنت و پیروان همه ادیان توحیدی پاسخ دهند:

امروز «خلیفه خدا» و حجت الهی در جهان کیست؟

اگر مهدی آل محمد^۹ نیست، چه کسی جانشین خدا در روی زمین است؟

«اولوالامر» امروز کیست؟

چه کسی دین خدا را بر همه ادیان پیروز خواهد کرد؟

تلاش مخالفان

مخالفان تفکر و نظام امامت، با شیوه‌های گوناگون با اندیشه و نظام مهدوی (عج)، می‌جنگند. تبلیغ سکولاریسم، تبلیغ دموکراسی غربی، تبلیغ اقطاب و مشایخ صوفیگری، تبلیغ نیهلیسم، ترویج سوفیسم، ترویج فیمینسم و زن سالاری و ... همه و همه، آگاهانه یا ناآگاهانه تلاش‌هایی برای تحکیم



«آخرت‌گرایی»، شور و شوق به آنچه نزد خداست و زهد و وارستگی نسبت به جاذبه‌های دنیوی، از شاخصه‌های امام است.

امام از انحراف و لغزش و اشتباه در گفتار و رفتار، مصون و معصوم است. از این که بر اساس هوس حکمی صادر کند، یا به سوی دنیا‌گرایی داشته باشد، منزّه است. همانطور که پیامبر اکرم^۹ چنین بود. تمام آنچه در پیامبر شرط است، در امام هم شرط است و به جز «مقام پیامبری» دیگر ارزشها در وجود امامان می‌درخشد.

راه شناخت امام چیست؟

این صفات و فضایل اخلاقی، جز از راه وحی الهی قابل دسترسی نیست؛ زیرا آگاهی از درون افراد برای عموم مردم مقدور نیست. لذا خداوند، ولیّ مؤمنین و جانشین پیامبر را خود به رسول اکرم^۹ معرفی می‌کند:

(اِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ ...)^۸؛ (و یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک...) ^۹ و...

پیامبر، مأمور است که جانشین معرفی شده توسط وحی را به جامعه معرفی کند. این جمله که فرمود: «من کنت مولاه فهذا علیّ مولاه...» و این حدیث که اعلام کرد:

طولانی‌تر، مخالفان مهدویت با شیوه‌های گوناگون به مقابله برخاسته‌اند:

۱. انکار میلاد حضرت، انکار فرزند داشتن امام حسن عسکری^۷.

۲. اعلام رحلت امام در کودکی.

۳. تلاش برای دستگیری و اعدام ان بزرگوار.

۴. ادعای دروغین بابیت و نیابت.

۵. ادعای مهدویت و پیدایش دهها، بلکه صدها مهدی دروغین در کشورهای مختلف جهان.^۷

۶. مبارزه با مراجع و روحانیت شیعه به دلیل نیابت عام از امام عصر(عج) و پیگیری اهداف آن بزرگوار، نمونه‌هایی از تلاش دشمنان مهدویت برای قطع ارتباط با آن «یوسف عصر» است.

شناخت ویژگی‌های امامان به طور عام و خصائص خاص مهدوی(عج) چیزهایی است که نسل امروز را از افتادن در دام صیادان شیاد روزگار مصون می‌دارد.

ویژگی‌های امام چیست؟

امام در تفکر شیعی، افضل افراد جهان و نزدیک‌ترین فرد به خدای عزوجل است. خوبی‌هایی که در دیگران پراکنده وجود دارد، در او یک جا جمع است. فضائی همانند «آگاهی به کتاب خدا»، «سنت رسول^۹»، «فقاہت در دین»، «جهاد در راه خدا»،



اَسْلَامُ عَلَیْكَ يَا حُجَّةَ اللّٰهِ فِي اَرْضِهِ،
 كَسْلَامُ عَلَیْكَ يَا عَيْنَ اللّٰهِ فِي خَلْقِهِ،
 اَسْلَامُ عَلَیْكَ يَا نُورَ اللّٰهِ الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ
 الْمُهْتَدُونَ، وَيُفَرِّجُ بِهِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ،
 اَسْلَامُ عَلَیْكَ اَيُّهَا الْمُهَذَّبُ الْخَائِفُ،
 اَسْلَامُ عَلَیْكَ اَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحُ،
 اَسْلَامُ عَلَیْكَ يَا سَفِينَةَ النَّجَاةِ،
 اَسْلَامُ عَلَیْكَ يَا عَيْنَ الْحَيَاةِ،
 اَسْلَامُ عَلَیْكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْكَ وَعَلَى آلِ
 بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ ...^{۱۱}

پی‌نوشت‌ها

۱. بحارالانوار، ج ۷۷، فقال یا معمر: ذاك فرجكم انتم فاما انا فوالله ما هو الا مزود فيه كف سويق مختوم بخاتم.
۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۲.
۳. المحجة البيضاء، ج ۱، ص ۲۴۶.
۴. الکافی، ج ۱، ص ۶۳۱.
۵. بقره/۳۰.
۶. کمال الدین، ج ۱، ص ۴۰.
۷. نام و تاریخچه بیست و دو نفر از این مدعیان دروغین در تاریخ عصر غیبت که توسط چهار نفر از محققان حوزه علمیه قم نوشته شده، آمده است.
۸. مائده/۵۵.
۹. مائده/۶۷.
۱۰. منهاج النجاه، فیض کاشانی، ص ۳۹.
۱۱. مفاتیح الجنان، زیارت امام زمان در روز جمعه.

«هان ای گروه اصحاب من! براستی علی بن ابی طالب وصی من، خلیفه من بر شماست چه در زندگی و چه پس از مرگ. او صدیق اکبر است. او فاروق است که حق را از باطل جدا می‌کند. او باب ارتباط با خداست. او راهی به سوی خدا و راهنمای ارتباط با اوست. هر کس او را به رسمیت بشناسد، مرا پذیرفته و هر کس او را انکار کند، مرا قبول نکرده است و هر کس از او پیروی کند، از من پیروی کرده است».^{۱۰}

این موارد، نمونه‌های تصریح پیامبر بر امام پس از خویش است. در زمینه اثبات وصایت و معرفی «سلسله امامان» ده‌ها آیه و حدیث در منابع معتبر آمده است. گریز و ستیز با مهدویت و حتی گریز و ستیز با ولایت فقیه، مولود نشناختن و بدشناختن چهره راستین این ارزش‌های الهی و اجتماعی است. تقابل این اندیشه‌ها با منافع سلاطین و شیاطین، و حسادت برخی ناآگاهان نسبت به آل ابراهیم خلیل ریشه بسیاری مخالفت‌هاست. برای «شناخت» و «ایمان» و «محبت» و «اطاعت» مهدوی(عج)، باید رابطه او را با خدا و خلق خدا بهتر بشناسیم.

زیارت‌نامه حضرت صاحب الزمان^۷ در روز جمعه که در مفاتیح الجنان نقل شده، آینه‌ای شفاف در برابر سیمای زیبای مهدوی است. این زیارت را با آرزوی دیدار و معرفت آن بزرگوار، هم می‌خوانیم:



جوانان در خدمت مهدی (عج)



عبدالرحیم اباذری

قرائن و شواهد گوناگون در طول تاریخ اسلام و تجربه‌های عینی در نهضت بزرگ اسلامی و هشت سال دفاع مقدس، به روشنی حکایت از این حقیقت دارند که نقش مؤثر جوانان در ظهور حجت (عج) و حکومت آن حضرت به مراتب کارآمدتر از گذشته و چشمگیرتر از امروز خواهد شد و ایشار و جانبازی و خدمت رسانی قشر جوان در راه تحقق آرمان‌های حضرت ولی عصر (عج) به اوج نهایی خود خواهد رسید. این مهم، با احادیثی از امامان معصوم نیز مورد تأکید قرار گرفته است؛ چنان که امام صادق⁷ فرمود:

«بینا شباب الشيعة على ظهور سطوحهم نياماً إذا توافوا إلى صاحبهم في ليلة واحدة على غير ميعاد فيصبحون بمكة؛^۱ هنگام ظهور حضرت مهدی (عج)، جوانان شیعه در حالی که روی پشت بام خانه‌هایشان در خواب به سر می‌برند، همگی در یک شب به ندای آسمانی آن حضرت لبیک می‌گویند و در همان شب بدون وعده قبلی به





رسید، آن گاه آن ۳۱۳ یاور خاص امام مهدی(عج) که آنها نیز از قشر جوانان با ایمان هستند، به آن امام همام ملحق می‌شوند.^۳

سید حسنی جوان

این جوان از نسل امام حسن مجتبی^۷ است و در توصیف او نوشته‌اند که: جوان خوش سیمایی است که قبل از ظهور امام قائم(عج) از منطقه دیلم (گیلان) و قزوین، حرکت و قیام خود را آغاز می‌کند. این جوان پرشور که از شیعیان خالص به شمار می‌آید، در سطحی فراگیر و با صدایی رسا مردم را به یاری آل محمد^۹ دعوت می‌کند.

«نهضت سید حسنی» توأم با اخلاص و رفتار، کردار و گفتارش مطابق شریعت محمد^۹ خواهد بود. مردان شجاع بی‌شماری از مناطق مختلف به او می‌پیوندند و بر ضدّ ستم و تجاوز مبارزه می‌کنند. سید جوان به کمک یاران سلحشور خویش بر همهٔ ستمگران پیروز می‌گردد و تا حدودی، عدالت و قوانین اسلامی را در میان مردم برقرار می‌سازد.^۴

سید حسنی وقتی با هم‌زمان خود وارد شهر کوفه می‌شود، به او خبر می‌دهند که حضرت حجت(عج) ظهور کرده است. او به حضور امام مهدی(عج) شرفیاب می‌شود و از محضر آن حضرت دلایل امامت و مواریث انبیا را درخواست می‌کند. امام صادق^۷ در ذیل این حدیث شریف می‌فرماید:

سوی مکه می‌شتابند، در بامداد خود را به شهر می‌رسانند و به زیارت امام و رهبر خویش نایل می‌شوند و در خدمت آن حضرت قرار می‌گیرند.

در این حدیث شریف علاوه بر پیشگام بودن جوانان در لبیک گفتن به آن حضرت، داشتن حالت انتظار و گوش به زنگ بودن آنان قبل از ظهور، در این امر مهم استفاده می‌شود.

نخستین پیک جوان

در حدیث دیگری از امام صادق^۷ نقل شده است که، هنگام ظهور حضرت حجت(عج) جوانی از جانب آن حضرت به عنوان نماینده، انتخاب و عازم مکه مکرمه می‌شود تا پیام حجت خدا را به ساکنان آن دیار برساند و آنان را به پیروی و حمایت از حکومت جهانی مهدی موعود فرا خواند. این جوان که در برخی روایات از وی به عنوان «نفس زکیّه» یا «سید حسنی» یاد شده است، سراسیمه خود را به مکه می‌رساند و پیام امام مهدی(عج) را به مردم ابلاغ می‌کند، ولی حکمرانان مکه او را میان رکن و مقام به شهادت می‌رسانند^۲ و این جوان با ایمان و شجاع، اولین سفیر و نمایندهٔ حضرت مهدی(عج) و نخستین شهید حکومت جهانی آن حضرت خواهد شد.

از برخی منابع و روایات استفاده می‌شود که در مرحله اول وقتی این جوان پاک سرشت به شهادت



الله سمیع علیم) فأنا بقية آدم و خيرة نوح و مصطفى إبراهيم و صفوة محمد...»^۷

آن گاه ضمن اعلان آغاز ظهور، مردم رابه پیروی از دین و حکومت جهانی خویش فرا خواهد خواند. در این وقت اولین گروه بیعت کننده با آن حضرت، همان ۳۱۳ نفر خواهند شد. این عده، بدون اینکه همدیگر را بشناسند، هر کدام از یک منطقه‌ای در مکه حضور می‌یابند و پروانه‌وار در اطراف امام گرد خواهند آمد که البته اینان جزو شخصیت‌های اجرایی - سیاسی و در واقع از کارگزاران و حاکمان حکومت جهانی امام مهدی(ع) به شمار می‌آیند و هر کدام مسئولیت اداره و رهبری یکی از مناطق و سرزمین‌های حکومت اسلامی را برعهده خواهند گرفت.

از برخی روایات استفاده می‌شود که یکی از اوصاف و ویژگی‌های بارز و مهم این ۳۱۳ نفر، علاوه بر ایمان راسخ و شجاعت و قدرتمندی، جوان بودن آنان است؛ چنان که امام علی^۷ در حدیثی می‌فرماید:

«أصحاب المهدی(عج) شبابٌ لا کُهلٌ فیهم إلاّ مثل کحل العین و الملح فی الزاد و أقلّ الزاد، الملح...»^۸؛ یاران حضرت مهدی(عج) جوانانی هستند که در میان آنها پیرمرد به چشم نمی‌خورد؛ مگر خیلی اندک مانند سرمه در چشم و

به خدا قسم که این جوان(سیدحسینی) حضرت حجت را می‌شناسد و یقین دارد که او امام برحق است، ولی هدفش از این کار، این است که حقیقت و واقعیت را بر مردم و یاران خود نیز آشکار سازد. آنگاه حضرت حجت(عج) دلایل و براهین را ظاهر می‌فرماید. در این هنگام، سید جوان تکبیرگویان دست خود را به سوی آن حضرت می‌برد و با امام مهدی(عج) بیعت می‌کند و همراه سایر همزمان خود، جزو یاران حضرت قرار می‌گیرد.^۹

۳۱۳ یاور جوان

وقت موعود که امام قائم در مکه معظمه ظهور می‌کند و در حالی که تکیه بر بیت الله الحرام کرده، این خطبهٔ حیاتی را خواهند خواند:

«أيها الناس أنا فلان بن فلان، أنا بن نبیّ الله، أدعوکم إلى ما دعاکم إليه نبیّ الله...»^۶
 «أنا ولیّ الله، أنا أولى بالله و بمحمد^۹
 فمن حاجتی فی آدم فأنا أولى الناس بآدم و من حاجتی فی نوح فأنا أولى الناس بنوح و من حاجتی فی إبراهيم فأنا أولى الناس بإبراهيم و من حاجتی فی محمد فأنا أولى الناس بمحمد و من حاجتی فی النبیین فانا أولى الناس بالنبیین. إن الله تعالی یقول: (انّ الله اصطفی آدم و نوحاً و آل إبراهيم و آل عمران علی العالمین ذریةً بعضها من بعض و



نمک در غذا، که کمترین چیزی که در غذا ریخته می‌شود، نمک است...».

در برخی از کتب روایی و تاریخی در توصیف این یاران خاص امام مهدی(عج) آمده است که: «أَنَّهُمْ حُكَّامُ الْأَرْضِ وَ عُمَالُهُ عَلَيْهَا وَ بِهِمْ يُفْتَحُ شَرْقُ الْأَرْضِ وَ غَرْبُهَا... وَ هُمُ النَّجَبَاءُ، الْقَضَاءُ، الْحُكَّامُ عَلَى النَّاسِ...»^۹.

از مجموع این عبارات و از محتوای آنچه پیشتر گذشت، استفاده می‌شود که این اصحاب خاص در عین اینکه جوان هستند، از دانش و آگاهی کامل و از توانمندی و قدرت لازم در امور اجرایی و کارآمدی و تحرک کافی برخوردار خواهند بود و هر کدام به تنهایی خواهند توانست یک کشور مستقل اسلامی و یک امت بزرگ محمدی را اداره کنند.

جوانان کف در رکاب مهدی(عج)

«اصحاب کف» از جمله جوانانی هستند که توفیق یاری حضرت حجت(عج) را به دست خواهند آورد. اینان هنگام ظهور مهدی(عج) زنده و برانگیخته می‌شوند و در رکاب آن حضرت قرار می‌گیرند.^{۱۰}

اصحاب کف اگر چه افرادی سالخورده به شمار می‌آیند، اما به خاطر ایمان، صداقت، جانبازی و فداکاری در راه خدا و مبارزه با ظلم و دفاع از حق، هنگام ظهور حضرت به صورت جوان سر از خاک

بیرون می‌آورند و در خدمت امام مهدی(عج) قرار می‌گیرند؛ چنان که در برخی از روایات دیگر نیز به اصحاب کف، جوان «فَتَى» اطلاق شده است.^{۱۱} اصبع بن نباته در حدیث طولانی از امیرمؤمنان علی^۷ نقل می‌کند که حضرت در بخشی از سخنانش فرمود:

«... پس از سه روز از ظهور و قیام قائم آل محمد(عج)، عده‌ای از سپاهیان اسلام جهت نبرد با رومیان، عازم انطاکیه می‌شوند. آنها صندوق مقدس را از غار انطاکیه بیرون می‌آورند که نسخه اصلی تورات و انجیل در داخل آن است. سپس رومیان به طرف ساحل دریا، نزدیک غار «اصحاب کف» هجوم می‌آورند. در این هنگام، خداوند جوانان کف را به همراه سگشان از غار برمی‌انگیزد. دو نفر از آن جوانان به نام‌های ملیخا و خمالها از پیروان، شاهدان و تسلیم شوندگان به امام مهدی(عج) خواهند شد».^{۱۲}

رمز جوانی در یاران مهدی(عج)

از مجموع بحث‌های گذشته به این نکته مهم می‌رسیم که، گویا چهارچوب قیام حضرت^۷ و اساس این حرکت سرنوشت‌ساز را، همت والای جوانانی که دارای ایمان قوی، علم، قدرت و درایت کافی هستند، تشکیل خواهد داد و مسئولیت خطیر اجرایی، دفاعی و سازماندهی این نهضت اسلامی - جهانی بیش از همه، بر دوش پرتوان جوانان جان



۲. در حدیث دیگری امام علی ^۷ خطاب به خلیفه دوم فرمود:

«تو صاحب کعبه نیستی، صاحب کعبه جوانی (مهدی) از قریش است که اموال کعبه را در آخرالزمان در راه خدا انفاق می‌کند».^{۱۴}

۳. امام حسن مجتبی ^۷ فرمود:

«مهدی (عج) نهمین فرزند برادرم، حسین است. خداوند عمر او را در غیبت طولانی می‌کند، سپس با دست توانای خویش او را به صورت جوان چهل ساله‌ای ظاهر می‌سازد تا معلوم شود که خداوند متعال بر همه چیز قادر و توانا است».^{۱۵}

۴. امام حسین ^۷ درباره آن حضرت فرمود:

«اگر مهدی (عج) قیام کند، مردم او را انکار می‌کنند؛ زیرا او به صورت جوان ظاهر می‌شود، بزرگ‌ترین امتحان الهی این است که صاحب آنان در سن جوانی خروج می‌نماید؛ در حالی که مردم تصورشان این بود که او پیرمرد سالخورده‌ای است و به شک و توهم دچار می‌شوند».^{۱۶}

۵. امام باقر ^۷ از امیرمؤمنان ^۷ نقل می‌کند که از آن حضرت درباره اوصاف مهدی (عج) سؤال شد، آن حضرت فرمود:

«مهدی (عج) جوانی چهارشانه، متوسط القامه و خوش سیما است، نور صورتش، سیاهی مو و ریش آن حضرت را تحت الشعاع قرار می‌دهد».^{۱۷}

۶. در روایات زیادی از امام صادق ^۷ نقل است که حضرت فرمود:

برکف و متقی و دارای نبوغ سرشار، سنگینی خواهد کرد و این، به خاطر ساختار پرتحرک و ماهیت پویای این حرکت تکامل یافته انبیا و امامان معصوم در طول تاریخ است که هرگز ضعف، سستی، تنبلی، و بالاخره پیری و فرسودگی در آن نمی‌تواند راه یابد. بنابراین، اگر از میان پیرمردان هم کسانی بخواهند در این حرکت و قیام شرکت کنند و سهیم باشند، قبل از هر چیز باید خود را به اوصافی که ویژه جوانمردان و جوانان پاک سرشت و با ایمان از قبیل: ایثار، مقاومت، عشق، شور، تحرک، شیدایی و ایمان است، مسلح سازند.

جالب اینکه وقتی به روایات این باب مراجعه می‌کنیم، در می‌یابیم که در کلام امامان معصوم^{۱۸} خصلت جوانی، یکی از ویژگی‌های بارز خود امام مهدی (عج) هم عنوان شده است و با عبارات مختلف، جوانی آن حضرت به طور مستمر مورد عنایت و تأکید آن سروران قرار گرفته است و این هر انسان صاحب اندیشه و فکری را به تأمل و تفکر وامی‌دارد.

در این بخش به عنوان حسن ختام، به چند نمونه از این احادیث اشاره و توجه می‌کنیم:

۱. امیرمؤمنان علی ^۷ در توصیف حضرت حجت (عج) فرمود:

«مهدی، جوانی از قبیله قریش، مرد چابک و ماهری از تبار دلیرمردان است که در سن سی یا کمتر از چهل سالگی ظهور خواهد کرد».^{۱۹}



پی‌نوشت‌ها

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۰؛ غیبة نعمانی، ص ۳۱۶، باب ۲۰، حدیث ۱۱.
۲. الغیبة، طوسی، ص ۴۶۴ و ۴۴۵؛ الارشاد، مفید، ج ۲، ص ۳۶۸؛ کمال‌الدین و تمام النعمة، صدوق، ج ۲، ص ۴۹ و ۳۳۰.
۳. ر.ک: منابع پیشین و بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ۲۷۳، ۲۱۷، ۱۹۲، ۱۴۷.
۴. منتهی الامال، شیخ عباس قمی، ج ۲، ص ۴۹۵.
۵. همان، ص ۴۹۶؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۵ و ۱۶.
۶. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۶.
۷. همان، ص ۳۰۵، ۱۳۵ و ۳۴۱.
۸. الغیبة، طوسی، ص ۴۷۶؛ الغیبة، نعمانی، ص ۳۱۶؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳؛ منتخب الاثر، صافی، ص ۴۸۴.
۹. اعیان الشیعة، سید محسن امین، ج ۲، ص ۸۴.
۱۰. المهدی، سید صدرالدین صدر، ص ۱۰۵.
۱۱. ر.ک: میزان الحکمة، ج ۵، ص ۱۰؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۵.
۱۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۵.
۱۳. المهدی، ص ۲۱۸؛ ملاحم و فتن، ابن طاووس، ص ۷۳؛ نجم الثاقب، میرزای نوری، ص ۱۱۴.
۱۴. المهدی، همان.
۱۵. کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۱۶.
۱۶. المهدی، همان.
۱۷. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۴۴؛ المهدی، ص ۸۰.
۱۸. ر.ک: الغیبة، طوسی، ص ۴۷۰، ۴۲۰، ۴۱۹، ۲۸۵.
۱۹. کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۵۲؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۵.
۲۰. المهدی، ص ۲۸۰.
۲۱. همان، ص ۷۹.

«مهدی(عج) جوانی کامیاب «شاباً موفّقاً، فتی موفّق» و رشید یا جوان بلند قامت و چهارشانه (شابّ مربوع) است که در سنّ نزدیک به سی یا چهل سالگی ظهور می‌کند».^{۱۸}

۷. از امام رضا^۷ نیز نقل است که فرمود:

«علامت مهدی(عج) این است که وی از نظر سنی، پیر، اما در ظاهر و سیما، جوان خواهد بود؛ به طوری که هر کس آن امام را زیارت کند، چهل ساله یا کمتر از آن تصور خواهد کرد».^{۱۹}

۸. در روایتی از ابن عباس نقل است که گفت:

«من امیدوارم که چند شبانه روزی نگذرد تا اینکه خدا، جوانی را از ما اهل بیت^{۲۰} برانگیزاند که فتنه‌ها دامن‌گیرش نشود و او نیز دنبال فتنه‌ها نرود. وی امور این امت را به پا خواهد داشت. همچنان که خدا کار این امت را به ما آغاز کرد، امیدوارم که به ما هم ختم کند».

راوی می‌گوید: از ابن عباس پرسیدم: آیا پیران

شما از این امر عاجزند که شما این امیدواری را درباره جوانان خود دارید؟ گفت: «خدا هر عملی را که بخواهد، انجام می‌دهد».^{۲۱}

۹. در اخبار و احادیث اهل سنت آمده است که:

«مهدی(عج) جوانی با چشمان مشکى، ابروهای

باریکه بینی بلند و ریش انبوه است و در طرف

راست صورت و دست راستش خال وجود دارد».^{۲۱}



حضرت مهدی علیه السلام در نگرش و نگارش

علامه حسن زاده آملی



غلامرضا گللی زواره



طلیعه

بهار آمده با کاروان لاله به باغ

به دشت ژاله گل نو دمیده می آید

به سوی قله بی انتهای بیداری

پرنده ای که به خون پر کشیده می آید

در آن کران که بود خون عاشقان جوشان

شهید عشق سر از تن بریده می آید

به پاسداری آیین آسمانی ما

گزیده ای که خدا برگزیده، می آید^۱

برای سخن گفتن از آن فروغ فروزان باید وضو

ساخت و رکعتی نماز توأم با شور و نشاط خواند و به

صحن آینه ایمان قدم نهاد. او طنین پر صفای

صداقت، مدیحه سرای اشتیاق به ساحت قرب حق،

بلبل نغمه سرای سرمدی و رایحه دل انگیز بهار

هستی است.

در این نوشتار سیری در آثار علامه حسن زاده
آملی داریم و گل های مهدوی (عج) در آن را به
خوانندگان تقدیم می داریم

امام زمان، انسان کامل

آیت الله حسن زاده آملی می نویسد: امام زمان در
عصر محمدی، انسان کاملی است که جز در نبوت
تشریعی و دیگر مناصب مستأثره ختمی، حائز میراث
خاتم به نحو اتم است و مشتمل بر علوم، و احوال و
مقامات او به طور اکمل است و با بدن عنصری در
عالم طبیعی و سلسله زمان موجود است؛ چنان که
لقب شریف صاحب الزمان بدان مشعر است؛ هر چند
احکام نفس کلیه الهیه وی بر احکام بدن طبیعی او،



بدان که فایده وجود امام، منحصر به جواب دادن سؤال‌های مردم نیست، بلکه موجودات و حتی کمالات موجود به وجود آنها وابسته‌اند و در حال غیبت افاضه و استفاضه او استمرار دارد، همچون خورشیدی که از پس ابرها، نور، گرما و حرارت خود را به موجودات می‌رساند:

آن شاخ گل ار چه هست پنهان ز چمن
از فیض وجود اوست عالم گلشن
خورشید اگر چه هست در ابر نهران
از نور وی است باز عالم روشن
به علاوه، باید دید آیا خلیفه الله غایب است یا ما حاضر نمی‌باشیم و در حجابیم و اسم خود را بر سر آن شاهد هر جایی می‌گذاریم:
یارب به که بتوان گفت این نکته که در عالم
رخساره به کس ننمود آن شاهد هر جایی
ما را که برهان‌های یقینی عقلی و نقلی به تواتر
از بیت وحی داریم، نیاز به تمسک‌های اقناعی (قانع‌کننده) نمی‌باشد، مگر اینکه برای انس مردم با این وضع گوییم: لاک پشت از دور توجه به تخم خود می‌کند و آن را برای وجود لاک پشتی مستعد می‌گرداند. آیا نفس کلی قدسی خلیفه الله و ولی الله و حجة الله به خلق در حال غیبت، از توجه نفس لاک پشت به وی کمتر است؟!^۱

قاهر و نشئت‌عنصری او مقهور روح مجرد کلی اوست و از وی به قائم و حجة الله و خلیفه الله و قطب عالم امکان و واسطه فیض و به عناوین بسیار دیگر نیز تعبیر می‌شود.^۲

وی عقیده دارد: انسان کامل که تجلی آن امام معصوم است، تبلوری از اسم اعظم الهی است.^۳ از دیدگاه ایشان بقای تمام عالم، به بقای انسان کامل است؛ چون انسان کَوْن جامع و مظهر اسم جامع است و تمام اسما در ید قدرت اوست. صورت جامعه انسانی و غایت غایت‌های تمام موجوداتی که امکان وجود دارند، اوست. بنابراین دوام مبادی غایات، دلیل استمرار بقای علت غائیّه است. پس به بقای فرد کامل انسان، بقای تمام عالم خواهد بود.^۴ مقام قطب همان رتبه امامت و مقام خلافت است که تعدد و انقسام به ظاهر و باطن در آن راه ندارد. امام در هر عصر بیش از یک شخص ممکن نیست و آن خلیفه الله و قطب زمان است و کلمه خلیفه به لفظ واحد در کریمه (إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً) اشاره به وجوب وحدت خلیفه در هر عصر است. شقوق اعلم و اعقل و مانند آن و نیز تقسیم نمودن خلافت به ظاهر و باطن، حق سکوتی است که اوهام موهون را بدین قسمت اقناع و ارضا می‌نماید.^۵

«حجت خدا» خواه ظاهر باشد و خواه غایب، شاهد است؛ شاهد قائمی که هیچ گاه قعود ندارد.



شواهدی بر امکان دوام بدن عنصری

وقتی روح انسان بر اثر ارتقا و اشتداد وجود نوری از سنخ ملکوت و عالم قدرت و سطوت می‌گردد، هر گاه طبیعتش را مسخر خود کند و بر آن غالب آید، احکام عقل‌های قدسی و اوصاف عرشی بر وی ظاهر می‌گردند؛ تا به حدی که بدنش متخلّق به وجودهای مجرد و نوری می‌گردد. نتیجه بی‌دغدغه‌ای که از این تحقیق حاصل است، امکان دوام چنین انسانی که کامل حقیقی برزخ بین وجوب و امکان می‌باشد، در نشئت عنصری است.

کیمیاگر به دانش و فن خود نقره را زرّ خالص می‌گرداند و در نتیجه این عنصر پایدارتر می‌شود. اگر انسان کامل با دانش کیمیا گونه خود، بدن عنصری خویش را قرن‌ها پایدار بدارد، چه منعی متصور است؟ آن حضرت در صغر سن همچون یحیی از حکمت برخوردار شد و در طفولیت، امام انام گردید و به سان حضرت عیسی بن مریم در وقت صباوت به مقام ارجمندی رسید. شگفت از اشخاصی است که خضر و الیاس از انبیا، و شیطان و دجال از اعدا را در قید حیات می‌دانند، ولی وجود ذی‌وجود حضرت صاحب الزمان را منکرند؛ حال آنکه آن حضرت از انبیای سلف، افضل بوده و اوست ولد صاحب نبوت مطلقه و ولایت کلیّه.

شگفت‌تر آنکه برخی از اهل تصوف که خود را اهل معنا و معرفت می‌پندارند، بر این تصور قائل‌اند که در هندوستان برهمنان و جوکیان، مرتاضان و ریاضت‌کشانی هستند که به سبب حبس نفس و کم غذا خوردن سالیان متمادی عمر می‌کنند، با این وجود منکر حضرت حجت‌اند!^۷

کیمیا، فلز را از جنسی به جنس دیگر تبدیل می‌کند و به آن عمر درازتر می‌بخشد، اما مومیّا، حیوانات و غلات و اجساد مرده را از فساد حفظ می‌نماید. در حفاری‌هایی که از مصر باستان به عمل آمده، در مقبره فرعون مصر گندم‌هایی در سنبل از اهرام مصر به دست آوردند و در شک بودند که آیا قوه نمو در آنان باقی است یا نه. آنها را برای امتحان کاشتند، مشاهده کردند سبز و بارور گردیده است. این نکته را در بقای وجود شریف حضرت مهدی منتظر (روحی له الفداء) اعمال کن، با اینکه هنوز به اندازه آن دانه گندم از عمر شریفش سپری نشده، و اصولاً این دو موضوع قابل مقایسه نمی‌باشند و برای انس اذهان با این امر شگفت، ناگزیر باید به چنین مثال‌هایی روی آورد و ورای چنین تمثیلاتی که به مواردی اشاره شد، ما در این باره برهان‌های عقلی و شواهد نقلی متعددی داریم.^۸

ولی خدا به خوبی قادر است از اکسیر التفات خویش بدن خود را هم‌رنگ روح گرداند و باقی و



حقایق مستند

علامه حسن زاده آملی در جای دیگر می‌نویسد:
اگر کسی در خصوص شخص حضرت مهدی موعود محمد بن حسن عسکری^۸ و جزئیات حالات و امامت و غیبت و علائم ظهور او، اندک تتبعی در جوامع روایی فریقین و کتب سیره و تاریخ بنماید، به حقیقت بر وی مسلم خواهد شد که ایمان به مهدی موعود و ایقان به غیبت و ظهور آن حضرت، از ابتدای ظهور اسلام در اذهان مسلمانان مطرح بوده است.^{۱۲}

ایشان در جای دیگر خاطرنشان می‌کند:
هیچ کتابی را در اثبات حجت قائم بهتر از قرآن نیافتم. خود قرآن، تبیان است که هیچ گاه زمین خالی از حجت با بدن عنصری نیست.^{۱۳}
در بقای دنیا به وجود انسان کامل که: «لولا الحجة لساخت الارض بأهلها» در فصّ یونسی فصوص الحکم و شرح قیصری بر آن، بیانی شریف دارند. آنها تأکید می‌نمایند: وجود آن انسان کامل به عنایت الهی در جمیع حالات و مکان‌ها حراست و حفاظت می‌گردد و او هم به عون حق تعالی، زمین و اهلش را از تخریب و فنا مصون می‌سازد.^{۱۴}
در فتوحات مکیّه طبع بولاق در چهار مجلد و نیز طبع مصر در هشت مجلد و همچنین چاپ بیروت تحریفاتی صورت گرفته است و چند سطر از عبارات

دائم سازد و این موضوع، امر بعیدی نخواهد بود. آنان که منکر وجود آن حضرت‌اند و لفظ مهدی و صاحب الزمان را توجیه و تأویل می‌کنند، از کوردلی ایشان است، والاّ به اندک شعوری چه جای انکار است. (وَاللّٰهُ يَهْدِي مَنْ يَّشَاءُ اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ).^۹

قرآن کریم درباره یونس پیامبر^۷ فرمود:
(فَلَوْلَا اَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ لَلْبَثَ فِي بَطْنِهِ اِلٰى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ). پس اگر حجت الهی را در ظهر ارض عمری دراز باشد، چه جای استبعاد است. لذا آیه مذکور در امتداد غیبت امام زمان حجة بن الحسن العسکری^۷، تمام و کمال است.^{۱۰}

هر کسی از کودکی معلوم است در آینده چه کاره می‌باشد و سرنوشت او در اطوار حالاتش بیانگر احوال عین ثابت و احکام سرّ القدر اوست. به هنگام تولد حضرت موسی^۷، ظالمان خون‌ها ریختند. پس این طفل در آتیه مرد نبرد، قیام و جهاد است. ظالمان از تولدش در هراس بودند، در نتیجه این کودک برای قسط و عدل تلاش می‌کند و درباره حضرت مهدی (عج) نیز روایت آمده است که شباهتی به حضرت موسی^۷ دارد، چنان که در زمان ولادتش همین تفحص که درباره آن پیامبر به وجود آمد، درباره ایشان صورت گرفت.^{۱۱}



را از باب ۳۶۶ کتاب فتوحات مکّیه که درباره بقیه الله قائم آل محمد مهدی موعود است، نقل کرده است.^{۱۶}

اثری مفید و ارزشمند

علامه حسن زاده آملی علاوه بر اینکه خوانندگان را به جوامع روایی شیعه چون: کافی کلینی، غیبت نعمانی، دلائل الامامه طبری، کمال الدین صدوق و جلد سیزدهم بحارالانوار ارجاع می‌دهد، به منابعی دیگر اشاره می‌کند؛ از جمله کتاب «البیان فی اخبار صاحب الزمان» از تألیفات شیخ حافظ ابو عبدالله محمد بن یوسف شافعی (م ۶۵۸ ق.) که در ۲۵ باب و با تأکید بر روایات اهل سنت تدوین گردیده است.

به نوشته استاد حسن زاده، مؤلف بیانی عالمانه، شیوه‌ای ادیبانه و قلمی استوار دارد. شخصی به نام فضلعلی فرزند عبدالکریم، از فضایی شهر عالم پرور تبریز صاحب کتاب حقائق العارفین، بر این اثر حواشی جالبی نگاشته و در تصحیح آن کوشیده است. کتاب البیان با وجود کم حجمی، حاوی مطالبی سودمند است و هر کدام از ابوابش اهمیتی به‌سزا دارند، اما باب‌های دوم، هفتم، نهم، سیزدهم، بیست و چهارم و پنجم، را شأنی دیگر و درخور دقت بیشتر و تأمل افزون‌تر است.

شیخ محی الدین ابن عربی را که «امام قائم» را تا پدرانش نام برده است، برداشته‌اند؛ اما وقتی عبدالوهاب شعرانی «متوفای ۹۷۳ هجری» در جلد دوم کتاب یواقیت و جواهر (ص ۱۴۵) طبع دوم جامع ازهر مصر، سنه ۱۳۰۷ هجری همان عبارت شیخ اکبر را که اخیراً حذف نموده‌اند، روایت و نقل کرده است، این عبارت در باب ۳۷۶ فتوحات آمده که خلاصه‌اش چنین است:

حضرت مهدی قیام نمی‌کند، مگر اینکه دنیا را ستم و تباهی فراگرفته باشد و البته او جهان را مشحون از قسط و عدل می‌سازد و اگر یک روز از دنیا باقی مانده باشد، آن روز چنان طولانی می‌گردد که آن جانشین راستین پیامبر و از عترت آن حضرت، فرزند فاطمه که هم نام حضرت محمد است و به آن خاتم رسولان شباهت دارد، قیام می‌کند و مسلمانان بین رکن و مقام با او بیعت می‌کنند.

شیخ در چند جای فتوحات تصریح کرده است: به حضرت امام قائم شرفیاب گردیده است. به علاوه، رساله شقّ الجیب را فقط در بود آن جناب و غیبتش نوشته است.^{۱۷}

ابوالفضایل علامه شیخ بهایی در خاتمه حدیث سی و ششم کتاب اربعین قسمتی از کلام ابن عربی



علامه حسن زاده این طور استنباط کرده است که: گر چه مؤلف به شافعی مشهور است، اما به شرف شیعه امامیه شدن، تشرف یافته است و حقیقت امر هم این است که هر مسلم بانصاف اهل رشد و خرد، اگر بدون هیچ گونه تعصب در جوامع روایی، تفاسیر و تاریخ اسلامی فحص و بحث کند، اسلام عزیز را همان طریقه اقوم «امامیه» می یابد و نه غیر آن. مؤلف در آغاز کتاب اشاره ای به بصیرت و هدایت خود دارد و می افزاید: «به قصد ثواب در موقف حساب و نایل گردیدن به شفاعت حضرت رسول اکرم^۹ و آل او در یوم مآب، این کتاب را در بیست و پنج باب تالیف کردم و آن را از طرق شیعه عاری نمودم تا حجت تمام شود».

شیوه شایسته مؤلف، این است که هر حدیث را با سند روایی خاص خود که از مشایخ روایت کرده، نقل می کند. پس از نقل حدیث، جای آن را در دیگر مآخذ روایی نام می برد، وجوه اعتبار آن را از حیث صحت و حسن، استفاضه و تواتر یادآور می شود و برخی کتاب هایی را که در باب «صاحب الامر» تدوین گردیده است، معرفی می کند.

اولین حدیثی که در کتاب با اسناد و ذکر مآخذ آن از رسول اکرم^۹ روایت کرده است، علاوه بر اینکه سند زنده ای بر ارشاد و هدایت او به سوی

تشیع است، حجتی بالغ است و در حکم طلیعه ای نورانی برای دیگر مباحث کتاب به شمار می رود. در فرازی از این حدیث، صاحب کتاب البیان یادآور می شود: حضرت پیامبر اکرم^۹ خطاب به حضرت فاطمه زهرا^۳ می فرماید: «ای فاطمه! از خاندان ما شخصی به نام مهدی امت قیام می کند، در هنگامی که فتنه ها آشکار گردیده، صغیر و کبیر به یکدیگر رحم نمی کنند، و قلوب مردم در غفلت و ضلالت است، به برکت وجودش دین احیا و عدالت بر جهان حاکم می گردد؛ چنان که قبل از آن آغشته به ستم و تباهی بوده است».

کتاب دیگر در این باره «مناقب المهدی» تألیف حافظ ابونعیم اصفهانی، صاحب کتاب معروف حلیه الاولیاء است که احادیث مربوط به امام زمان^۷ را با ذکر سندهای گوناگون به شیوه ای جالب آورده است.^{۱۷}

شرف زمین و آسمان

حکیم عارف حسن زاده آملی در جایی گفته است: روایاتی از رسول خدا^۹ با سندهای بسیار و طرق متعدد از هر دو فرقه (شیعه و سنی) بسیار وارد شده که مهدی (عج) از فرزندان آن حضرت و همانم اوست و فرمانروایی اش از مشرق تا مغرب خواهد بود و خداوند توسط او زمین را از قسط و عدالت



برخوردار می‌سازد. آن گاه با استناد به منابع روایی معتبر یادآور می‌شود:

دوازدهمین امام، موسوم است به نام رسول خدا و مکناسست به کنیه آن حضرت، رزق و روزی جهانیان به یمن وجود اوست و بقای دنیا به برکت بقای او، خاتم اوصیا و شرف زمین و آسمان است و او بقیه الله است در ارضش و منتقم از اعدایش، او حجت آل محمد، صاحب زمان و خلیفه رحمان، مولایمان و اماممان و فرزند امام حسن عسکری است که خدای فرجش را نزدیک گرداند.

سنش در هنگام شهادت پدر بزرگوارش پنج سال بود، لیکن خداوند در این سن اندک او را حکمت و فصل الخطاب عنایت فرمود و آن حضرت را آیت عالمین قرار داد. به او حکمت ارزانی داشت؛ چنان که با یحیی در کودکی چنین کرد. او را در طفولیت امام قرار داد؛ همچنان که عیسی را در گهواره به پیامبری رسانید. او از پلیدی و ناپاکی منزّه است و از عصیان و نافرمانی به دور، و سیره اش سیره پدرانش می‌باشد و خارق عادات.

قبل از تولدش از غیبت و دولتش خبر داده بودند و او صاحب شمشیر و از ائمه هدی و قائم بحق، منتظر دولت ایمان است و کسی است که خداوند به وسیله او زمین را از قسط پر نماید؛ چنان چه قبل از آن جور و جفا زمین را پر کرده است.^{۱۸}

اگر چه حضرت بقیه الله قائم آل محمد (ارواحنا فداه) حائز درجه نبوت نیست، ولکن واجد اسمای کمالیه آن کلمات کامله الهی می‌باشد:

حُسن یوسف، دم عیسی، ید بیضا داری

آنچه خوبان همه دارند، تو تنها داری
از امام به حق ناطق، کشاف حقایق، جعفر الصّادق^۷ منقول است که چون حضرت قائم ظاهر شود، پشت بر دیوار خانه کعبه نهد و سبزد و سیزده مرد بر او جمع گردند و اوّل کلامی که به آن ناطق گردد، این آیه خواهد بود: (بَقِيتُ اللّٰهَ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِيْنَ)^{۱۹}.

اگر کسی در خصوص شخص حضرت مهدی (عج) در جوامع روایی تتبعی نماید، مشاهده می‌کند که روایات صادر از پیامبر و اوصیای احد عشر، بلکه توقیعات و وقایع زمان غیبت صغرا و اخبار به امور غیبی و کرامات خود آن بزرگوار، به حدی است که اگر از روی انصاف در آنها تدبّر کند و غرض ورزی و لجاجت در کار نباشد، جز اعتراف به امامت و غیبت ذی وجود آن جناب چاره‌ای ندارد؛ هر چند که از اقامه دلیل عقلی بر لزوم وجود حجت واسطه بین مفیض و مستفیض علی الدوام عاجز باشد. این اخبار وحی آثار همه بطون و اسرار آیات قرآنی‌اند که از زبان قرآن‌های ناطق صادر شده‌اند.^{۲۰}
علامه آملی در نامه‌ای به آشنایی نوشته است:



- این خوشه‌چین از خرمن ولایت اهل بیت عصمت و طهارت، نه اینکه به تقلید آبا و تقلید و پیروی از ابنای عصر و متابعت اهل بلد و طایفه و قبیله و یا به گفته زید و عمرو به مذهب اثنی عشری است، بلکه از نور علم و درایت و برهان و معرفت چون آفتاب زلال درخشان در نصف النهار در هوای صحو برایش مبرهن و روشن است که دین حق و صدق همین است و بس، و به علم یقین بلکه به عین یقین یافته است که «صراط مستقیم» که شب و روز از خداوند تبارک و تعالی طلب می‌کنیم، جز این نیست.^{۲۱}
- و در نامه‌ای دیگر متذکر می‌گردد:
- برادرم! بنگر و عبرت بگیر، دست توّل به دامن خاتم اوصیا و اولیا، امام زمان مهدی موعود حجة بن الحسن العسکری^۷ دراز کن که گردنه‌های سهمگین و هولناک در پیش داری و آن بزرگوار امیرکاروان است.^{۲۲}
- پی‌نوشت‌ها**
۱. نصرالله مردانی.
 ۲. انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه، علامه حسن حسن زاده آملی، ص ۶۹.
 ۳. همان، ص ۱۳۵ - ۱۳۶.
 ۴. همان، ص ۱۵۱ - ۱۵۲.
 ۵. همان، ص ۱۴۸ - ۱۴۹.
 ۶. همان، ص ۱۵۹.
 ۷. ر.ک: یازده رساله فارسی، علامه حسن زاده آملی، رساله نهج الولایة.
 ۸. هزار و یک نکته، علامه حسن زاده آملی، ص ۱۳۹.
 ۹. همان، ص ۱۲۴.
 ۱۰. همان، نکته ۲۳۶، ص ۱۴۱.
 ۱۱. مُمِذُّ الْحَکَم در شرح فصوص الحکم، علامه حسن زاده آملی، ص ۵۳۶.
 ۱۲. هزار و یک نکته، نکته ۷۲۰، ص ۵۸۲.
 ۱۳. همان، نکته ۲۶۱، ص ۱۵۰ - ۱۵۱.
 ۱۴. همان، نکته ۸۸۲، ص ۷۲۵.
 ۱۵. شرح فصّ حکمة عصمتیة فی کلمة فاطمیة، ص ۱۰۲ - ۱۰۳.
 ۱۶. هزار و یک نکته، نکته ۶۳۱، ص ۳۸۷.
 ۱۷. ر.ک: یازده رساله فارسی، علامه حسن زاده آملی، رساله نهج الولایة و نیز کتاب امامت به قلم ایشان، بخش آخر.
 ۱۸. امامت، علامه حسن زاده آملی، ص ۲۳۷ - ۲۳۸.
 ۱۹. یازده رساله فارسی، رساله آنّه الحق، ص ۲۴۵.
 ۲۰. یازده رساله فارسی، رساله نهج الولایة، ص ۱۶۳.
 ۲۱. نامه‌ها بر نامه‌ها، علامه حسن زاده آملی، ص ۱۸۳.
 ۲۲. همان، ص ۳۰.

۱. نصرالله مردانی.
 ۲. انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه، علامه حسن حسن زاده آملی، ص ۶۹.
 ۳. همان، ص ۱۳۵ - ۱۳۶.



معرفت و ولایت امام زمان (ع)



مهدی خلیلیان

ضرورت شناخت امام

ایمان، بدون شناخت امام زمان (عج) تحقق نمی‌پذیرد؛ در این باره دلیل‌هایی وجود دارد.

۱. دلیل عقلی: علت‌ها و فلسفه‌هایی که در ضرورت و لزوم وجود پیامبر^۹ گفته‌اند، بر ضرورت وجود جانشین پیامبر نیز صادق است. پس بر خداوند متعال واجب است او را نصب فرماید، بر مردم نیز واجب است آن امام را بشناسند؛ زیرا پیروی کردن بدون معرفت امکان ندارد.

۲. دلیل نقلی: روایاتی فراوان در حدّ تواتر در این باره وارد شده که برخی از آنها را، «کلینی» آورده است.^۱

در کتاب «کمال الدین» نیز می‌خوانیم:

«هر که در چهار چیز شک کند، به همهٔ اموری که خداوند نازل فرموده، کافر است: یکی از آنها معرفت امام در هر زمان به شخص و صفتش است».^۲

همچنین امام صادق^۷ از پدران بزرگوارش نقل کرده رسول اکرم^۹ فرمود:

«هر کس قائم از فرزندان مرا در زمان غیبتش منکر شود، به مرگ جاهلیت مرده است».^۳

و «نعمانی» به سند خود از حضرت امام صادق^۷ آورده است:

«هر کس شبی را صبح کند در حالی که امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت می‌میرد».^۴



راه اثبات امامت

هیچ راهی برای اثبات امامت، جز «نص» و «معجزه» وجود ندارد؛ زیرا درجای خود ثابت شده که عصمت از جمله شرایط امامت است، که اگر امام معصوم نباشد، هدف از نصب او تحقق نمی‌یابد. لذا بر خداوند است که امام معصوم را با یکی از دو راه به مردم معرفی کند:

۱. به وسیله پیغمبر^۹ یا امام پیشین؛

۲. به وسیله معجزه‌ای که به دست او انجام

شود.

بخشی از روایات متواتر به طور خاص بر امامت آن حضرت دلالت دارند.^۵ درباره معجزات و کرامات مولا صاحب الزمان^۷ نیز احادیث بسیار وارد شده است که می‌توان در آثاری چون: «کمال الدین و تمام النعمه»، «الخرائج»، «بحار الانوار» و «النجم الثاقب» به آنها دست یافت.

حقوق و الطاف حضرت^۷ بر ما

حقوق آن بزرگوار بر ما فراوان و الطاف و مراحش بیرون از شمار است، بلکه همچون دریایی خروشان و موج است که در آن، غواصی نتوان کرد. برخی از حقوق و مراحم او، عبارت‌اند از:

۱. حق وجود و هستی: خداوند به برکت وجود

آن حضرت، همگان را آفرید؛ که اگر او نبود، هیچ کس نبود، نه زمین وجود می‌یافت و نه فلک؛

۲. حق بقا در دنیا: اگر امام زمان (عج) نبود، هیچ

چیز در دنیا برقرار نمی‌بود؛

۳. حق قرابت و خویشاوندی پیامبر^۹؛

۴. حق منعم بر متنعم و حق واسطه نعمت؛

۵. حق پدر بر فرزند؛

۶. حق آقا و ارباب بر بنده؛

۷. حق عالم بر متعلم؛

۸. حق امام بر رعیت.



چرا برای آن وجود مقدس دعا کنیم؟

۱. شایسته است انسان برای مؤمنان دعا کند؛

زیرا هم کیش و هم عقیده او هستند و این مطلب به حکم عقل و شرع ثابت است. بنابراین دعا کردن برای آن سالار مؤمنان بر ما لازم است؛

۲. دفع بلا و عذاب از مردم به برکت شیعیان آن

حضرت؛

۳. طلب حقوق ائمه و مؤمنان و طلب خون آنها؛

۴. عزت اولیا با ظهور آن حضرت؛



۵. کشف و برطرف کردن ناراحتی‌ها از اهل ایمان؛

۶. کشف علوم برای مؤمنان؛

۷. فتح شهرها و کشورهای کافران.

اگر یکی از این امور در کسی یافت شود، بر ماست به حکم عقل و شرع یا فطرت انسانی برای وی دعا کنیم و تمام این امور در وجود مقدس امام زمان (عج) جمع است.^۶



نتایج دعا برای فرج

شایسته است پیش از آغاز به مقصود، نکاتی چند را یادآور شویم:

۱. ممکن است برای برخی توهم گردد که چون امام زمان (عج) وسیله‌ای برای رسیدن برکات به مخلوقات است، پس از مردم بی‌نیاز است و احتیاجی به دعای مردم ندارد!

اما در پاسخ می‌توان گفت: آنچه از روایات برمی‌آید، ظاهراً آن است که زمان ظهور حضرتش از امور بدائی است که امکان پیش و پس افتادش وجود دارد. بنابراین شاید جلو افتادن آن به جدیت و

اهتمام اهل ایمان در دعا کردن برای تعجیل فرج آن حضرت مشروط باشد.

از سوی دیگر، چون دعای ما برای حضرتش از باب هدیه شخص حقیر فقیری به رادمردی بزرگوار است، تردیدی نیست که این، نشانه نیاز این فقر به بخشش آن بزرگ، و شیوه بندگان به اربابان محسوب می‌شود.

۲. با توجه به اینکه ما هدفی ارزنده داریم که موانعی انجامش را به تأخیر می‌اندازد، بر ما واجب است در دفع و رفع آن موانع جدیت و همت کنیم و چون تأخیر ظهور مولای ما صاحب الزمان (عج) بر اثر موانعی است که از ناحیه ما سرچشمه گرفته، بر ماست که از خداوند متعال، برطرف کردن آنها را تمنا کنیم. پس دعا کردن برای تعجیل فرج، در حقیقت دعا برای خودمان و سودمند به حالمان است. اکنون آثار، فواید و ویژگی‌هایی را که بر دعا کردن برای تعجیل فرج مترتب است، فهرست‌وار مرور می‌کنیم:

۱. فرموده حضرت ولی عصر (عج): «بسیار دعا کنید برای تعجیل فرج، که فرج شما در آن است».
۲. این دعا سبب ازدیاد نعمت‌هاست.
۳. اطاعت از «اولی الامر» است که خداوند اطاعتشان را واجب کرده است.
۴. در عالم برزخ و قیامت، مونس مهربانی خواهد بود.



دلایل آن عام است و همه انواع را شامل می‌شود. بیشتر این فضیلت‌ها با بسیار دعا کردن برای تعجیل فرج مولای قائم ما (عج) حاصل می‌گردد؛ چرا که آن حضرت فرمود: «و برای تعجیل فرج، بسیار دعا کنید». گفتنی است کمال این آثار با تحصیل ملکه تقوا و پاک سازی نفس از زشتی‌ها و ردایل امکان می‌پذیرد.

بهترین اوقات و مکان‌های دعا

دعا برای حضرت صاحب الزمان (عج) و درخواست ظهور آن حضرت از درگاه خدا، در برخی اوقات سفارش و تأکید بیشتری شده و از آیات و روایات و ادله عقلی، شواهدی بر آن وجود دارد که عبارت‌اند از:

۱. پس از هر نماز واجب؛
۲. در قنوت نمازها؛
۳. سجده شکر؛
۴. هر صبح و شام؛
۵. واپسین ساعات روز؛
۶. روز پنج شنبه؛
۷. شب جمعه؛
۸. روز جمعه؛
۹. هنگام زوال ظهر؛
۱۰. پس از نماز عصر؛
۱۱. هنگام مسجد رفتن؛

۵. بهترین اعمال است.
۶. باعث زدودن غم‌ها می‌شود.
۷. فرشتگان برایش دعا می‌کنند.
۸. تمسک به ثقلین (کتاب و عترت) است.
۹. خوشایندترین اعمال نزد خداوند است.
۱۰. ثواب کمک به مظلوم را دارد.
۱۱. هفتاد هزار نفر از گنهکاران را شفاعت

می‌کند.

۱۲. از اهل بهشت خواهد بود.
۱۳. با امیرالمؤمنان و در درجه آن حضرت خواهد بود.
۱۴. کردارهای بد او به کردارهای نیک مبدل می‌شود.

۱۵. عقوبت راه، با دعا، از اهل زمین دور می‌سازد.
۱۶. روز قیامت، هدیه‌هایی ویژه دریافت می‌دارد.
۱۷. به ثواب طلب علم، نایل می‌گردد.
۱۸. وفا به عهد و پیمان خداوند است.
۱۹. دعای پیامبر اکرم^۹ شامل حالش می‌شود.
۲۰. حساب او آسان می‌گردد.
۲۱. پاداش گرامی داشتن شخص کریم را دارد.
۲۲. تعظیم شعائر خداوند است.
۲۳. چنگ زدن به ریسمان الهی است.
۲۴. سبب کامل شدن ایمان می‌گردد.^۷

فواید یاد شده و مکارم مزبور با دعا کردن به هر زبان و هر گونه برای آدمی، حاصل می‌گردد؛ زیرا



۶. از درگاه خدا بطلبید دعای هر کس را که برای
تعییل فرج مولایمان دعا می کند، مستجاب گرداند
و ...^۸

وظایف «ما»

به طور خلاصه، وظایف و تکالیف ما در عصر
غیبت چنین است:

۱. به دست آوردن شناخت صفات و آداب آن
حضرت (عج)؛

۲. رعایت ادب به یاد امام (عج)؛

۳. محبت امام عصر به طور خاص؛

۴. محبوب ساختن او در میان مردم؛

۵. تداوم بر دعا به آن حضرت؛

۶. شناختن علامت‌های ظهور؛

۷. صدقه‌دادن به نیابت از آن حضرت؛

۸. صدقه‌دادن به عزم سلامت آن حضرت؛

۹. زیارت مشاهد رسول اکرم^۹ و دیگر

معصومان؛

۱۰. سعی در خدمت کردن به حضرتش؛

۱۱. اهتمام ورزیدن به یاری آن حضرت؛

۱۲. تصمیم قلبی برای یاری آن امام؛

۱۳. خشنود کردن اهل ایمان؛

۱۴. طلب خیر برای حضرتش؛

۱۵. درود فرستادن بر او؛

۱۲. روز عرفه؛

۱۳. روز نوروز؛

۱۴. روز عاشورا.

همان گونه که دعا برای تعییل فرج حضرت
حجت (عج) در زمان‌هایی ویژه تأکید شده، در
مکان‌های معینی نیز مؤکد است؛ از جمله این
مکان‌ها می‌توان از : مسجد الحرام، حرم حضرت
سیدالشهدا^۷، عرفات، سرداب (در سامرا)، حرم
حضرت رضا^۷، حرم هر یک از امامان معصوم^۸ و
... نام برد.

چگونگی دعا برای تعییل فرج

۱. اینکه به صراحت از خدای تعالی، این امر را
مستلّت کند و به زبان فارسی یا عربی یا هر زبان
دیگری تقاضایش را باز گوید.

۲. از خداوند بخواهد فرج و گشایش امر
آل محمد^۹ را تعییل فرماید و زودتر برساند؛ زیرا
فرج آن حضرت، همانا فرج آن بزرگواران است.

۳. اینکه فرج امر تمام اهل ایمان، یا گشایش امر
اولیای خدای تعالی را مستلّت دارد؛ زیرا با فرج آن
حضرت (عج)، فرج اولیای خدا انجام می‌پذیرد.

۴. درخواست کند موانع ظهور برطرف گردد.

۵. نابودی دشمنان آن حضرت (عج) را از خداوند

بخواهد.



برنامه خروج و قیامش را آسان گردانند، و در دنیا و آخرت بین ما و او جدایی نیندازد...».

پی‌نوشت‌ها

* یادآوری این نکته لازم است که مباحث این مقاله، برگرفته از کتاب شریف «مکیال المکارم» تألیف سید محمد تقی موسوی اصفهانی و با ترجمه سید مهدی حائری قزوینی است.

۱. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۲، ص ۴۴۹؛ ج ۱، ص ۲۰۳، ۱۸۰ و ۳۷۴.
۲. کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۴۱۳.
۳. همان، ص ۴۱۲.
۴. الغیبه، ابن ابی زینب نعمانی، ص ۶۲.
۵. اصول کافی، ج ۱، ص ۵۲۵؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۳۶۱؛ الخرائج، راوندی، ص ۹۸ و ...
۶. مؤلف ارجمند مکیال المکارم، بخشی از این امور را به ترتیب حروف الفبا در کتاب خویش آورده است؛ بخش چهارم، ص ۶۹ - ۳۴۴.
۷. بخش پنجم کتاب مکیال المکارم، به این مطلب اختصاص دارد. مؤلف محترم در این باب نود فایده و ویژگی را همراه با دوازده نتیجه بر می‌شمارد.
۸. از مهم‌ترین دعا‌هایی که از امامان معصوم رسیده، می‌توان به دعای صلوات، ندبه و ... اشاره کرد.

۱۶. صبر بر آزار و تکذیب دشمن؛

۱۷. درخواست صبر از خدای متعال؛

۱۸. ناشناس ماندن و پرهیز از شهرت؛

۱۹. تهذیب نفس؛

۲۰. درخواست دیدار آن حضرت؛

۲۱. حفظ زبان به غیر از یاد خدا؛

۲۲. زیارت مزار مولایمان حضرت امام

حسین ^۷.

مؤلف مکیال المکارم در این زمینه می‌نویسد:

«مهم‌ترین و واجب‌ترین امور از نظر عقل و شرع عبارت است از: ادا کردن حق کسی که بر عهده تو حقی داشته، و نیز پاداش دادن به آن که به تو احسانی کرده باشد. بی‌تردید کسی که از تمام مردم حقش بر گردن ما افزون‌تر است و از همه بیشتر و بهتر احسانش شامل حال ما می‌شود و نعمت‌ها و منت‌ها بر ما دارد، و هم آن کسی که خداوند معرفتش را متمم دین ما و باور به او را مکمل یقین ما، و انتظار فرجش را بهترین اعمال ما قرار داده، کسی است که دیدارش نهایت آرزوی ما است؛ یعنی صاحب زمان، پرچمدار عدل و احسان، پاک‌کننده آثار کفر و طغیان، که به متابعت از او، امر شده‌ایم؛ دوازدهمین امام معصوم و واپسین اوصیا و جانشینان پسندیده پیغمبر ^۹ که خداوند فرجش را نزدیک و



انتظارات امام زمان عجل الله از گروه های اجتماعی

سید جعفر ربانی



یا ابا صالح احمد

امام زمان (عج) در دعای «اللهم ارزقنا توفیق الطاعة» برای قشرهای مختلف، دعاها را فرموده که در واقع انتظارات و توقعات آن حضرت را نشان می‌دهد. این دعا را می‌توان به دو قسمت تقسیم کرد: در بخش نخست، برای همگان و عموم مردم درخواست‌هایی از خداوند کرده و در قسمت دوم برای هر یک از قشرهای جامعه به طور جداگانه دعا شده است.

در قسمت دوم، آن حضرت در واقع توقع و نگرانی خود را از هر قشر نیز بیان فرموده است. مقصود ما در این مقاله، همین قسمت است که اینک به خواست خداوند به بخشی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. علما

«و تفضل علی علمائنا بالزهد و النصیحة؛

پروردگارا! به علمای ما، زهد و خیرخواهی برای جامعه عنایت فرما».



امام در این قسمت از ثروت اندوزی و ترک نصیحت دانشمندان، اعلام نگرانی می‌کند.



این نکته را اضافه می‌کنیم که قرآن وقتی ویژگی علمای اهل کتاب را بر می‌شمرد، به همین دنیاطلبی و کتمان کردن حقایق به وسیله آنان اشاره می‌فرماید.

۲. دانشجویان

«و علی المتعلمین بالجهد و الرغبة؛ پروردگارا! به دانشجویان توفیق تلاش و تمایل به تحصیل علم عنایت فرما».

دعا و توقع امام زمان (عج) از همه دانش پژوهان آن است که در طلب علم، رغبت و تمایل نشان دهند و از هر گونه تنبلی و کسالت دوری کنند. امام صادق ^۷ آن گاه که جنود (لشکر) عقل و جهل را بر می‌شمرد، نشاط و شادابی را لشکر عقل و کسالت را لشکر جهل برمی‌شمرد،^۸ و به همین جهت در دعایی از کسالت و ناتوانی به خدا پناه می‌برد: «اللهم إني أعوذ بك من الكسل والهرم».^۹ در کتاب‌های روایی هم باب مستقلی با عنوان «باب کراهة الكسل» ذکر شده و روایاتی در مذمت کسالت و تنبلی آورده‌اند.

امام کاظم ^۷ می‌فرماید: پدرم خطاب به بعضی از فرزندان چنین فرمود: «إياك و الكسل و الضجر فانهما يمنعانك من حظك من الدنيا و الآخرة»^{۱۰} از بی‌حوصلگی و کسالت به دور باش که این دو، مانع بهره‌مندی از دنیا و آخرت خواهند بود».

در روایات به این دو محور اشاراتی شده و این دو ویژگی را ملاک برای عالمان بیان کرده‌اند. از امام صادق ^۷ نقل است: اگر دیدید عالم علاقه‌مند به دنیاست، او را متهم سازید؛ زیرا هر عاشقی به گرد معشوق خود می‌چرخد. خداوند به داود ^۷ وحی کرد: «بین من و خودت عالمی را که فریفته دنیا شده واسطه قرار مده که تو را از محبت من باز می‌دارد. اینان، راهزنان بندگان من هستند. کمترین عقوبت من برای آنها، این است که حلاوت و شیرینی عبادتم را از آنها می‌گیرم».^{۱۱}

در مورد آشکار کردن علم و بیان احکام الهی و خیرخواهی برای جامعه نیز امامان بزرگوار چنین فرموده‌اند:

«إذا ظهرت البدع فعلى العالم أن يظهر علمه فإن لم يفعل سلب نور الإيمان»^{۱۲} هر گاه بدعت‌ها آشکار گردد، عالم باید علم خود را اظهار کند، و گرنه نور ایمان از او گرفته خواهد شد».



در روایات توجه خاصی به جوانان شده؛ چه اینکه جوان مورد عنایت خداوند است. امام صادق ^۷ خطاب به برخی از یارانش فرمود: «أما علمت أن الله تعالى يكرم الشباب منكم؛^{۱۲} آیا نمی‌دانید که خداوند جوانان شما را گرامی می‌دارد؟!»

جوانی، زمان شکل‌گیری شخصیت است و بدین سبب امامان معصوم تأکید بر انس جوانان با قرآن دارند. امام صادق ^۷ می‌فرماید: «جوان مؤمنی که قرآن می‌خواند، قرآن با گوشت و خون او آمیخته می‌شود و خداوند او را با ابرار قرار می‌دهد»^{۱۳}. روشن است که چنین جوانی، در روز قیامت، در برابر مشکلات آن روز ایمن خواهد بود. از سوی دیگر، جوانی، زمان اوج قدرت است و از این احساس، در بعضی روایات تعبیر به مستی^{۱۴} و در بعضی دیگر تعبیر به جنون^{۱۵} شده است. بدین علت، باید جوان را در مسیر عبادت و بندگی خداوند قرار داد. یکی از اقدامات لازم در این جهت، مسئله ازدواج است. پیامبر ^۹ خطاب به جوان‌ها چنین فرمود: «يا معشر الشباب من استطاع منكم الباه فليتزوج فانه اغض للبصر و احسن للفرج»^{۱۶} ای جوان‌ها! هر کس از شما که می‌تواند، ازدواج کند؛ چرا که ازدواج برای چشم‌ها پوشاننده‌تر و برای دامن، حفظ‌کننده‌تر است (و چشم را از نگاه به نامحرم‌ان و دامن را از آلودگی باز می‌دارد).

امام علی ^۷ می‌فرماید: «آن گاه که اشیاء با یکدیگر جفت شدند، «کسالت» و «عجز» نیز با یکدیگر ازدواج کردند و فرزندی به نام «فقر» به دنیا آمد»^۷.

در وصایای پیامبر ^۹ به علی ^۷ آمده است: «یا علی! از دو خصلت بپرهیز: کسالت و بی‌حوصلگی! چرا که در این صورت، قدرت بر ادای حق نخواهی داشت و راحتی را از دست خواهی داد»^۸.

امام صادق ^۷ هم فرمود: «إِيَّاكَ وَ الضَّجْرَ وَ الكسلَ إِنهما مفتاح سوء. انه من كسل لم يؤد حقاً وَ من ضجر لم يصبر على حق»^۹ از بی‌حوصلگی و کسالت به دور باش که این دو، کلید هر بدی است؛ چرا که کسالت مانع از اقدام به کارها، و بی‌حوصلگی از بین برنده استقامت خواهد بود». امیرالمؤمنان ^۷ فرمود: «آفة النُّجَح الكسل»^{۱۰} آفت پیروزی و موفقیت، کسالت است». و نیز همان حضرت یکی از ویژگی‌های متقین را، حریص بودن بر علم می‌داند (و حرصاً فی علم)^{۱۱}.

۳. جوانان

«و علی الشباب بالإنبابة و التوبة؛ پروردگارا! به جوانان ما توفیق بازگشت (به فرمانت) و توبه، عنایت فرما».



بسیاری از ارزش‌های اخلاقی زنده می‌گردند و در مقابل، بی‌شرمی و بی‌حیایی به ویژه در زن‌ها می‌تواند بسیاری از ناهنجاری‌ها را در پی داشته باشد.

در روایتی دیگر، امام صادق ^۷ به نقل از رسول الله ^۹ می‌فرماید: «خیر نسائکم العفیفۃ الغلمۃ؛^{۱۹} بهترین زنان شما، زنان با عفت و شوهر دوست هستند».

در حدیثی از امام باقر ^۷ چنین می‌خوانیم: «خداوند با حیاست و اهل حیا را دوست می‌دارد»^{۲۰} و در مورد دیگر، آمده است: «الحیاء خیر کله؛^{۲۱} حیا همه‌اش خوبی است».

آنگاه که بانوان جامهٔ حیا و عفت را به در آوردند، تبدیل به دام‌های شیطان می‌گردند: «النساء حیالة الشیطان».^{۲۲}

۵. ثروتمندان

«و علی الأغنیاء بالتواضع والسعة؛ پروردگارا! به ثروتمندان تواضع و توفیق احسان به دیگران عنایت فرما».

پیامد ثروت، تکبر و بخل است و اغنیا باید متوجه باشند که به خاطر فقر، از نعمت‌های خداوند بهره‌مند شده‌اند؛ چنان که امام موسی بن جعفر ^۷ می‌فرماید: «خداوند می‌فرماید: من ثروتمندان را به خاطر احترامشان ثروتمند قرار ندادم و فقرا را به علت اهانت به آنها فقیر نگرداندم، بلکه این (فقر و

در این زمینه قرآن داستان پاکی و صدق حضرت یوسف ^۷ را ذکر می‌کند که چگونه در اوج جوانی، خود را از گناه وارهاند.

دربارهٔ طبیعت پاک جوانان همین بس که امام صادق ^۷ می‌فرماید: «علیک بالاحداث فیانهم أسرع إلی کل خیر؛^{۱۷} جوان‌ها را دریابید؛ چرا که سرعت آنان به طرف خوبی و خیر از دیگران بیشتر است».

۴. بانوان

«و علی النساء بالحیاء و العفة؛ پروردگارا! به زن‌ها حیا و عفت عنایت فرما».

نقش بی‌بدیل بانوان آنگاه آشکار می‌گردد که تاریخ را ورق زیم و نقش فاطمه زهرا ^۳ و حضرت زینب ^۳ را به دقت نگریسته، سپس پیروان هر یک از این بزرگواران همچون همسر زهیر بن قین در کربلا و دیگران را مورد توجه قرار دهیم. اما آنچه بر قدر و منزلت زنان می‌افزاید، حیا و عفت آنان است. در روایتی امام صادق ^۷ سرچشمهٔ مکارم و بزرگواری‌ها را «حیا» معرفی می‌کند و می‌فرماید: «المکارم عشر... و رأسهن الحیاء».^{۱۸}

شاید به ندرت بتوان روایتی را پیدا کرد که در مقام شمارش ارزش‌های اخلاقی، نامی از حیا به میان نیاورده باشد، بلکه همیشه امامان ^{۱۰} و رهبران دینی بر حیا تأکید کرده‌اند؛ چرا که با پیدایش حیا،



منابع دیگری را قرار داده؛ مانند دادن صدقه به فقرا. این، همان است که خداوند می‌فرماید (والذین فی اموالهم حق معلوم).^{۲۶} پس حق معلوم، غیر از زکات است که بر هر کسی بر حسب توانایی‌اش واجب و لازم است.^{۲۷} امام رضا^۷ از امام صادق^۷ نقل می‌فرماید: «ولو خرج الناس زکوة أموالهم ما احتاج أحد؛^{۲۸} اگر زکات را که حداقل واجب است، همه پرداخت کنند، فقری باقی نخواهد ماند». نیز امام صادق^۷ می‌فرماید: «خداوند فقرا را شریک اموال اغنیا قرار داده. پس ثروتمندان حق ندارند اموالشان را برای غیر شرکای خود صرف کنند».^{۲۹}

۶. فقرا

«و علی الفقراء بالصبر و القناعة؛ پروردگارا! به فقرا صبر و قناعت عطا فرما».

امام صادق^۷ فرمود: «خداوند به پیامبران خود ده ویژگی عنایت کرد. پس در خود بنگرید، اگر آن ویژگی‌ها در شما هست، خدا را حمد کنید و اگر در شما نیست، آن را از خداوند بخواهید و از جمله آن ده خصلت، صبر و قناعت است».^{۳۰}

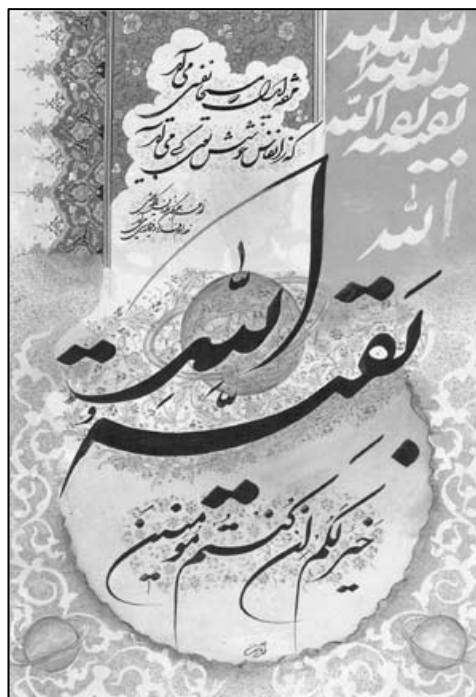
نیز امام صادق^۷ می‌فرماید: «پیروزی را طلب کردم و آن را در صبر یافتم، و بی‌نیازی را خواستم و آن را در قناعت یافتم».^{۳۱}

انسان در مسیر زندگی، نیاز به مرکبی خستگی‌ناپذیر و سلاحی برنده دارد که از نگاه امام

ثروت) آزمایشی برای فقرا و ثروتمندان است و اگر فقرا نبودند، اغنیا مستحق بهشت نمی‌شدند».^{۳۲}

امام صادق^۷ نیز فرموده است: «ثروتمندان شیعیان ما، امین بر محتاجان هستند. پس ما را در مورد ایشان مراعات کنید. خداوند، شما را حفظ کند».^{۳۳}

ثروتمند بی‌درد، مرده متحرک است و بی‌جهت نیست که در حدیث وارد شده: نشستن با اغنیا، دل را می‌میراند».^{۳۴}



اسلام برای ریشه کنی فقر، احکامی را هم برای اموال و ثروت‌ها وضع کرده است؛ از جمله زکات را واجب کرده که حداقل وظیفه مسلمانان است و اگر این منبع برای رفع نیاز آنان کفایت نکند، خداوند



است؛ هر چند کم باشد!^{۳۶} و در حدیث دیگر می‌فرماید: «عدل از عسل شیرین‌تر، از روغن نرم‌تر، و از مشک خوشبوتر است».^{۳۷}

در زمینه ثمرات و آثار عدل - مخصوصاً آن گاه که عدالت از جانب حکومت باشد - حضرت صادق^۷ می‌فرماید: «ان الناس يستغنون إذا عدل بينهم و تنزل السماء رزقها و تخرج الأرض برکتها بإذن الله تعالی»؛^{۳۸} مردم هنگامی که عدل در میانشان اجرا شود، بی‌نیاز می‌گردند، و آسمان روزی (باران) خود را نازل می‌کند و زمین برکات خود را خارج می‌سازد، به اذن خداوند متعال». در پایان از خداوند می‌خواهیم تا خورشید عدالت از پس پرده برون آید و عدل حقیقی را در تمام ابعاد آن اجرا بفرماید. ما نیز باید ضمن آنکه این دعا را در همه جا ترنم می‌کنیم، بکوشیم که به انتظارات حضرت مهدی^۷ پاسخ دهیم و به علاوه، پیام او را هم به همه قشرهای جامعه برسانیم.

پی‌نوشت‌ها

۱. این دعا در چند کتاب معتبر وارد شده؛ از جمله: البلد الامین، ابراهیم بن علی عاملی کفعمی (م ۹۰۵)، ص ۳۵۰، چاپ سنگی؛ کشف الغمة، علی بن عیسی اربلی (م ۶۹۳)، ج ۱، ص ۲۷۹؛ مکتبة بنی هاشم، تبریز، ۱۳۸۱ق؛ المصباح، کفعمی، ص ۲۸۰، انتشارات رضی، قم، ۱۴۰۵ق.

علی^۷ «صبر، مرکبی است همیشه کارآمد و قناعت، شمشیری است برآن».^{۳۹}

در پاره‌ای از روایات هم آمده است که: قناعت گنج بی‌پایان است. لازمه صبر و قناعت دو چیز است: اول دست نیازیدن به مال حرام، و دوم چشم ندوختن به مال دیگران.

۷. حاکمان

«و علی الأمراء بالعدل و الشفقة؛ پروردگارا! به والیان، عدالت محوری و مهرورزی عنایت فرما». امیرمؤمنان^۷ فرمود: «خداوند شش گروه را به شش علت عذاب می‌کند و از جمله حاکمان را به سبب ظلم معذب می‌سازد».^{۴۰} در روایت دیگر چنین می‌خوانیم: «إنَّ شرَّ البقاع دور الأمراء الذین لا یقضون بالحق»؛^{۴۱} بدترین مکان‌ها، خانه‌های حاکمانی است که به حق قضاوت نمی‌کنند».

اگر حاکمان عادل باشند، اطاعت مردم از آنان سبب عزت آنها خواهد گردید، و گرنه جز ذلت چیزی نصیب مردم نمی‌شود. امام سجاد^۷ فرمودند: «و طاعة و لالة العدل تمام العز»؛^{۴۲} تمام عزت در اطاعت از والیان عادل است».

این سخن امام صادق^۷ نیز جالب است که در توصیف عدل می‌فرماید: «عدالت از آبی که نصیب شخصی تشنه شود، گواراتر است. چقدر عدالت بزرگ



- ۲ . الكافي، محمد بن يعقوب كليني (م ۳۲۹)، ج ۱، ص ۴۷، دار الكتب الاسلاميه، تهران؛ بحار الانوار، علامه مجلسي (م ۱۱۱۰)، ج ۲، ص ۱۰۸، مؤسسة الوفاء، بيروت؛ علل الشرايع، شيخ صدوق (م ۳۸۱)، ج ۲، ص ۳۹۵، مكتبة الداوري؛ مجموعة ورام، ورام بن ابي فراس (م ۶۰۵)، ج ۲، ص ۳۶، مكتبة الفقيه، قم؛ مشكاة الأنوار، ابوالفضل على بن حسن طبرسي (م ۶۰۰)، ص ۱۴۰، كتابخانه حيدريه، نجف؛ منية المريد، شهيد ثانی (م ۹۶۶)، ص ۱۳۸، انتشارات دفتر تبليغات، قم.
- ۳ . وسائل الشيعه، حر عاملي (م ۱۱۰۴)، ج ۱۶، ص ۲۷۱، مؤسسة آل البيت^۷؛ بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۲۵۲؛ علل الشرايع، ج ۱، ص ۲۳۵؛ عيون اخبار الرضا^۷، شيخ صدوق، ج ۱، ص ۱۱۳، انتشارات جهان؛ الغيبة، شيخ طوسي (م ۴۶۰)، ص ۶۳، مؤسسة معارف اسلامي، قم؛ رجال الكشي، محمد بن عمر كشي (قرن چهارم)، ص ۹۳، انتشارات دانشگاه مشهد.
- ۴ . الكافي، ج ۱، ص ۲۰.
- ۵ . همان، ج ۲، ص ۵۸۵.
- ۶ . همان، ج ۵، ص ۸۵.
- ۷ . همان، ص ۸۶.
- ۸ . وسائل الشيعه، ج ۱۶، ص ۲۳.
- ۹ . مستدرک الوسائل، ميرزای نوری (م ۱۳۲۰)، ج ۱۱، ص ۱۷۷، مؤسسة آل البيت^۷، قم.
- ۱۰ . مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۴۴؛ غررالحکم و دررالکلم، عبدالواحد أمدي (م ۵۵۰)، ص ۴۶۳، انتشارات دفتر تبليغات، قم.
- ۱۱ . بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۳۱۵؛ اعلام الدين، حسن بن ابي الحسن الديلمي (م ۸۴۱)، ص ۱۳۶، مؤسسة آل البيت^۷.
- ۱۲ . الكافي، ج ۸، ص ۳۳.
- ۱۳ . وسائل الشيعه، ج ۶، ص ۱۷۷.
- ۱۴ . مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۷۱.
- ۱۵ . من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق (م ۳۸۱)، ج ۴، ص ۳۷۷، انتشارات جامعه مدرسين.
- ۱۶ . مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۳.
- ۱۷ . الكافي، ج ۸، ص ۹۳.
- ۱۸ . همان، ج ۲، ص ۵۶.
- ۱۹ . همان، ج ۵، ص ۳۲۴.
- ۲۰ . من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۵۰۶.
- ۲۱ . همان، ج ۴، ص ۳۷۹.
- ۲۲ . همان، ص ۳۷۶.
- ۲۳ . الكافي، ج ۲، ص ۲۶۵.
- ۲۴ . همان.
- ۲۵ . همان، ص ۶۴۱.
- ۲۶ . ذاريات/۱۹.
- ۲۷ . الكافي، ج ۳، ص ۴۹۸.
- ۲۸ . همان، ص ۵۰۷.
- ۲۹ . همان، ص ۵۵۶.
- ۳۰ . الكافي، ج ۲، ص ۵۶.
- ۳۱ . بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۵۸.
- ۳۲ . همان، ج ۶۸، ص ۹۶.
- ۳۳ . الكافي، ج ۸، ص ۱۶۳.
- ۳۴ . من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۶.
- ۳۵ . الكافي، ج ۱، ص ۲۰.
- ۳۶ . همان، ج ۲، ص ۱۴۶.
- ۳۷ . همان، ص ۱۴۷.
- ۳۸ . همان، ج ۳، ص ۵۶۸.



امر در سیاست، رفاه اجتماعی تقریباً نقشی ندارد و در اقتصاد، منفعت شخصی عامل اصلی است».

«از بین رفتن تصور عمومی درباره مسائل شرم‌آور و اخلاقی، در جنگ‌ها و شوهای تلویزیونی که در برنامه‌های عصر شبکه‌های تلویزیونی - پخش می‌شوند - قابل ملاحظه است... این گونه شوها از این تخیل زنده‌اند که بهتر است به جای اینکه نامشهور باقی بمانم، با عیب و نقص خود مشهور شوم. بهتر است یک خوک (آدم رذل) مشهور باشم تا انسانی اخلاقی، اما صفر یعنی نامشهور».

هیچ کدام از مکاتب فلسفه اخلاقی غرب، مانند: مکتب هگل، کانت، فروید و غیره، «فلسفه اخلاق غرب» را تأمین نکرده‌اند. به علاوه، هیچ کدام از این مکتب‌ها، نظام اخلاقی خاص خود را ارائه نداده‌اند، بلکه به بیان دیدگاه‌های فلسفی خود در بعد اخلاق بسنده نموده‌اند. «نقطه مشترک بین همه این دیدگاه‌ها، این است که رفتار انسانی را به شرطی «اخلاقی» می‌دانند که خود انسان، هدف و قانون اعمال خویش را تعیین کند و خیر را مدّ نظر داشته باشد».

در غرب، نظام و ارزش‌های اخلاقی ثابتی مطرح نیست، بلکه خیر و شر، تابع نظر و رأی اکثریت مردم و به مرور زمان، قابل تغییر است. آموزش مسائل جنسی به دانش‌آموزان، رواج دارد و آنان از چهارده



در مجله اشپیگل، تحت عنوان «آلمانی‌ها، ملتی بدون اخلاق» آمده است: «در پایان هزاره^۱، جامعه گرفتار بحران عمیق اخلاقی است. اتفاق نظر در اینکه خیر و شر چیست، در حال زوال است؛ و این



سالگی با روابط و مسائل جنسی آشنا می‌شوند. این درس منوط به موافقت والدین نیست، بلکه به صورت اجباری برای همه دانش‌آموزان^۲ تدریس می‌شود.

از طرف دیگر، مفاهیم اخلاقی مانند: «حیا»، «عفت»، «غیرت» و «تقوا» دیگر دارای ارزش مثبت اخلاقی نیستند و برای بسیاری از مفاهیم مانند: «ناموس» و «غیرت» در زبان‌های غربی مثل زبان آلمانی، معادلی وجود ندارد.

یکی از معضلات اجتماعی جوامع غربی، رواج پرنوگرافی^۳ و اشتغال گروه کثیری به این کار است. امروزه بازار این گونه تولیدات در غرب از رونق فراوانی برخوردار است و در حال حاضر به عنوان یکی از شاخه‌های اقتصادی پر درآمد کشورهای غربی مطرح است و افرادی که در پخش پرنوگرافی به طور مستقیم اشتغال دارند، حدود ده هزار نفرند. تخمین زده می‌شود اگر پرنوگرافی در آلمان ممنوع گردد، حدوداً نود درصد کل ویدئوکلپ‌های این کشور، تعطیل خواهند شد. درآمد مالیاتی دولت از این امر، به بیش از ۳۵۰ میلیون مارک تخمین زده می‌شود. رسانه‌های گروهی غرب، با پخش این فیلم‌ها و تصاویر مبتذل، دیدگاه خاصی را به اذهان کودکان و نوجوانان القا می‌کنند و با این تلقین‌ها، عملاً جلو رشد آزادانه آنان را می‌گیرند.

یکی از معضلات ناشی از ترویج پرنوگرافی شیوع پدیده تجاوز به زنان است، اگرچه بعضی افراد تصور می‌کنند که هرچه در بعد جنسی، آزادی بیشتری حاکم باشد، کنجکاوی و رغبت انسان به این مسائل کمتر می‌شود، اما تحقیقات انجام شده در غرب، خلاف آن را نشان می‌دهد. پژوهشی از دانشگاه پتسدام آلمان (Universitaet Potsdam) نشان داد که از ۲۵۰ پسری که مورد سؤال قرار گرفته‌اند، ۳۲ درصد اقرار کردند که به طور هدفدار، از مشروبات الکلی و یا مواد مخدر یا مست کننده استفاده کرده‌اند تا به اهداف جنسی خود برسند.

از جمله دیگر معضلات دامن گیر غرب - که خود ناشی از رواج پرنوگرافی است - افزایش آمار طلاق نسبت به ازدواج است. به عنوان نمونه، آمار رسمی اتریش نشان می‌دهد که بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۱م. تعداد طلاق‌ها در این کشور از نرخ ده هزار مورد به ۲۰۵۸۲ طلاق در سال افزایش یافته است. بر این اساس، در اتریش حدود ۶۰٪ کلیه ازدواج‌ها به طلاق کشیده می‌شود.

شلوگل - وزیر کشور اتریش - در سخنرانی خود در جلسه افتتاحیه «گردهمایی دو روزه پلیس بین‌الملل» که در همین زمینه در وین افتتاح کرد، ارقام نگران کننده‌ای را ذکر می‌کند و می‌گوید:



بخشد، عمل به احکام نورانی اسلام است که با فطرت بشریت هماهنگ است. آماری که گذشت، نشانه «جاهلیت مدرن» است که قبل از ظهور، رخ داده و اینک آن را می‌بینیم.

امنیت اخلاقی در آستانه ظهور

از احادیث استفاده می‌شود که حضرت مهدی (عج) مثل پیامبر بزرگوار اسلام^۹ در برابر جاهلیت قرار می‌گیرد که همین «جاهلیت مدرن» است. اکنون بر اساس روایات، وضعیت امنیت اخلاقی جامعه را در آستانه ظهور به تصویر می‌کشیم. البته ناگفته نماند تصویری که پیش رو دارید، مربوط به همه جهان نیست؛ چون اگر همه جهان به این وضعیت مبتلا شوند، حضرت یار و یآوری برای قیام نخواهد داشت و اصولاً شرایط آماده نخواهد شد. طبیعتاً یک الگوی مناسب از «جامعه مهدوی» باید به مردم دنیا نشان داده شود تا زمینه ظهور فراهم باشد.

پوشش نامناسب

همیشه گناهان بزرگ یکبارہ از انسان سر نمی‌زند بلکه شیطان آرام آرام و مرحله به مرحله نقشه‌های تباہ‌گرانه خود را اجرا می‌کند. نوع پوشش، یکی از آن موارد است. شاید برخی از جوانان به این نکته توجه نداشته باشند که نوع پوشش آنها، تأثیر فراوانی بر

«سالانه تا دویست هزار زن، از کشورهای اروپای شرقی به اروپای غربی برده می‌شوند. به اکثر این افراد وعده آینده درخشان به عنوان مُدِل داده می‌شود؛ ولی وقتی به کشورهای غربی رسیدند، استثمار و به فحشا واداشته می‌شوند. اتریش به لحاظ موقعیت جغرافیایی خود، یکی از محورهای تجارت زنان، از اروپای شرقی است...».

ممکن است کسی گمان کند که بالاخره سهمی از سود این تجارت به آن زنان بیچاره می‌رسد؛ در صورتی که از محتوای پژوهش‌ها چنین برمی‌آید که این درآمد ناچیز هم از آنها پس گرفته می‌شود و به بسیاری از آنان مواد مخدر تزریق می‌شود تا ساکت بمانند.^۴

سال گذشته در یکی از مناطق ساحلی شلوغ بلژیک در شهرک «بردنه» در منطقه هلندی زبان این کشور زن و مردی رابطه نامشروع برقرار کردند و هر چند در دادگاه به جرم گستاخی اجتماعی و قانون شکنی محکوم شدند، ولی قاضی با استفاده از اختیارات قانونی خود آنان را بخشید.^۵

به راستی، دلیل آمار و حوادث ذکر شده، چیست؟ اگر «مکاتب غربی» می‌توانستند «امنیت اخلاقی» را تأمین کنند، این گونه آمار و حوادث را شاهد نبودیم.^۶ آنچه می‌تواند جامعه را امنیت اخلاقی



جنس مخالف دارد. اهل بیت^۶ وضعیت پوشش در آستانه ظهور را این چنین معرفی کرده‌اند: مردان خود را با طلا می‌آرایند و لباس‌های ابریشمی می‌پوشند^۷ زن‌ها لباس مردانه می‌پوشند و پوشش حیا از آنها گرفته می‌شود^۸ و با لباس‌های مردانه جلوه‌گری می‌کنند^۹ و مردان و زنان همانند می‌گردند.^{۱۰} لباس‌هایی در جامعه عرضه می‌شود که وقتی زنان آن را می‌پوشند، در عین پوشش، برهنه‌اند. و اراذل و اوباش بر مردم شریف و آزاده برتری می‌یابند.^{۱۱} زنان زینت‌های خود را آشکار می‌سازند، از دین بیرون می‌روند، به فتنه‌ها می‌گیرند، به سوی شهوت‌ها و لذت‌ها می‌شتابند، محرمات الهی را حلال می‌شمارند و سرانجام در جهنم جاویدان‌اند.^{۱۲}

نکات قابل توجه این است که در اسلام «پوشش» برای حفظ حیا است. برخی گمان می‌کنند همین که زن بدن خود را پوشانید، کفایت می‌کند و به همین دلیل، از هدف اصلی «حجاب» دور می‌شوند، در حالی که حجاب، مقدمه عفت است. پوششی که نتواند عفت زن را تأمین کند و حیا او را نشان دهد، نظر اسلام را تأمین نکرده است. روایات بالا نیز اشاره به همین مطلب داشتند که: زن‌ها، لباس مردانه می‌پوشند و پوشش حیا از آنها گرفته می‌شود.

آری، وقتی که حیا و عفت از جامعه زدوده شد، طبیعی است که اراذل و اوباش بر مردم شریف برتری یابند و وقتی که افراد جامعه به سمت و سوی شهوت‌رانی کشیده شوند، محرمات الهی را حلال می‌شمارند و در چنین جامعه‌ای است که امام صادق^۷ فرمود: «اذا رأيت النساء يبدلن انفسهن لأهل الكفر»^{۱۳} زنان را می‌بینی که خودشان را به اهل کفر، نثار می‌کنند. لذا ما بیم آن داریم که وارد شدن بانوان مسلمان به مسابقات ورزشی دنیای کفر، سرانجام شومی این چنین داشته باشد.

فساد و فسق علنی

گناه و مخالفت با دستورهای الهی، بد است؛ چه مخفیانه باشد و چه علنی. اما گناه کوچکی که علنی انجام شوند، از برخی گناهانی که بزرگ‌ترند و در نهان انجام می‌شوند، بدتر است. شکستن حرمت دستورها و اوامر الهی و بی‌اعتنایی به فرموده پیامبر و اهل بیت^۶ خطر بزرگی است که باعث بی‌تفاوتی مردم جامعه به احکام اسلامی می‌شود و خود، زمینه انجام گناهان بزرگ‌تر را فراهم می‌آورد و باعث می‌شود که به مرور زمان مردم گناهان علنی انجام شده را گناه تلقی نکنند و کسی نیز جرئت اعتراض پیدا نکند.



رؤوسهم بالمعازف؛^{۱۸} جمعی از امت من مسکرات را می‌نوشتند، اما آنها را به اسم‌های دیگر نام می‌برند و بر بالای سر آنها ساز و آواز و نوازندگی نواخته می‌شود».

امام صادق^۷ همچنین از خوردن شراب به بهانه اینکه خواص دارویی دارد، خبر می‌دهد: «و رأیت الخمر یتداوی بها و توصف للمریض و یستشفی بها؛^{۱۹} خمر، جنبه دارویی پیدا می‌کند، برای بیماران توصیه می‌شود و بیماران به قصد درمان و بهبودی می‌خورند».

بدیهی است در جامعه‌ای که از یک سو، جوانانش موسیقی‌های شیطانی را می‌پسندند و شراب می‌خورند^{۲۰} و از سویی دیگر، گناهان خود را علنی کرده و از قبح آن کاسته‌اند و برای جلوگیری از اعتراض‌های احتمالی، انواع توجیه و دروغ را نیز به کار برده‌اند، «امر به معروف و نهی از منکر» جایگاه والایی نخواهد داشت. پیامبر اکرم^۹ فرمود: «إذا کثر الجور والفساد و ظهر المنکر و أمرت أمتی به و نهی عن المعروف و ینکرون الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر؛^{۲۱} زمانی خواهد آمد که جور و فساد فزونی یابد و گناهان و زشتی‌ها علنی شود و برخی از امت من به آن منکرات، امر و از معروف، نهی و امر به معروف و نهی از منکر را انکار کنند» و به تعبیر امام علی^۷: «یصبح الأمر

اهل بیت نور، از جمله امام علی^۷ در این باره می‌فرمایند: «تظهر الملاحی و یمر بها فلا یجتریء أحد علی منعها؛^{۱۴} آلات لهو و لعب در رهگذر مردم آشکارا می‌گردد و مردم از آنها عبور می‌کنند و کسی جرئت نمی‌کند که از آن جلوگیری کند».

پیامبر اکرم^۹ می‌فرماید: «و یتجاهر الناس بالمنکرات ... فینفق المال للغناء؛^{۱۵} مردم در آن زمان، به طور آشکار منکرات را انجام می‌دهند ... و مال و ثروت را در راه غنا و آوازخوانی‌ها مصرف می‌کنند».

امام علی^۷ نیز ضمن توصیف آن دوره، بیان می‌دارد که جوانان خوانندگی آمیخته با غنا و نوازندگی و شرب خمر را کاری بجا و حلال می‌دانند.^{۱۶} امام صادق^۷ اوضاع را همین گونه می‌بیند و می‌فرماید: «و الخمر تشرّب علانیة و یجتمع علیها من لا یخاف الله و یدعی الیه؛^{۱۷} و مشروبات الکلی به صورت علنی مصرف می‌شود و کسانی که از خدا نمی‌ترسند، به دور هم جمع می‌شوند و شراب می‌نوشتند و به آن دعوت می‌کنند».

رسول گرامی اسلام نیز از توجیه عمل خلاف خبر می‌دهد و می‌فرماید: «لیشربن الخمر أناس من أمتی یسمونها بغير اسمها و یضرب علی



بالمعروف ذليلاً و الفاسق فيما لا يحب الله محموداً؛^{۲۲} آمران به معروف در بین مردم، ذلیل و خوار خواهند بود و فاسقان و گمراهان مورد ستایش و احترام.

با نگاهی به روایات مربوط به پیش از ظهور، درمی‌یابیم که مهم‌ترین دلایل گسترش این گونه مفاسد، سه چیز معرفی شده است:

۱. ترک امر به معروف و نهی از منکر و معرفی منکر به جای معروف و معروف به جای منکر؛^{۲۳}
۲. اجرا نشدن حدود شرعی در گناهان جنسی که خود باعث متزلزل شدن نظام خانواده و ازدیاد طلاق می‌شود؛^{۲۴}
۳. بی‌توجهی به روزی حلال، درآمدهای نامشروع و توجه بیش از اندازه به شکم‌پرستی.^{۲۵}

بی غیرتی

اگر جامعه‌ای از دستورهای فطری و اسلامی و یاد خدا فاصله گرفت و نماز را تباه ساخت و قدم در جاده شهوت‌رانی گذاشت و از هوای نفس تبعیت کرد^{۲۶}، درد بی غیرتی و بی تفاوتی آن جامعه را به سمت قهقرا پیش خواهد برد. آنچه در ادامه می‌آید، عمدتاً وضعیت کنونی «دنیای غرب» را نشان می‌دهد:

۱. از بین رفتن کانون خانواده به معنای واقعی آن را، در کلام معصومان^۱ این چنین می‌یابیم. پیامبر می‌فرماید: «... و اذا رأيت المرأة تصانع زوجها على نكاح الرجال و رأيت خیر بیت یساعد النساء على فسقهن»^{۲۷}... هنگامی که ببینی زن از همسرش مطلع است که او با همجنس خود رابطه دارد و به روی او نمی‌آورد و می‌بینی که در بهترین خانه‌ها زن تشویق می‌شود که فسق و فجور کند.

علی^۷ می‌فرماید: «و یری الرجل من زوجته القبیح فلا ینهاها و لا یردها عنه و یأخذ ما تآتی به من کدّ فرجها و من مفسد خدرا حتی لو نکحت طولاً و عرضاً لم تهمة و لا یسمع ما قیل فیها من الکلام الردیء فذاک هو الدیوث»^{۲۸} مرد از همسرش انحرافات جنسی را می‌بیند و اعتراض نمی‌کند. آنچه را که زنش از طریق خودفروشی به دست آورده، می‌گیرد و می‌خورد و اگر انحراف سراسر وجودش را فرا گیرد، اعتراض نمی‌کند. به آنچه انجام می‌گیرد و در حقش گفته می‌شود، گوش نمی‌دهد پس این مرد، دیوث و بی‌غیرت است.

مردمی که خدا را به کلی از یاد ببرند و راه صحیح ارضای غریزه جنسی را که خداوند مشخص کرده، در پیش نگیرند، گرفتار موارد زیر خواهند شد:



جواهراتش را بر سرش بگذارد و از درنده و درنده خوبی هراس نداشته باشد».

امام صادق ^۷ نیز امنیت زنان را این گونه به تصویر می کشد: «...يُطْفِئُ اللَّهُ بِهِ الْفِتْنَةَ الصَّمَاءَ وَ تَأْمِنُ الْأَرْضُ، حَتَّى أَنْ الْمَرْأَةَ لِتَحِجَّ فِي خَمْسِ نِسْوَةٍ مَا مِنْهُنَّ رَجُلٌ، لَا يَتَّقِينَ إِلَّا اللَّهَ؛ ^{۳۵} ... خداوند به وسیله او (امام مهدی ^۷) فتنه های جانکاه را آرام و ساکن می سازد، زمین امن گردد، یک زن در میان پنج زن بدون اینکه مردی آنها را همراهی کند، به حج می روند و جز خدا از کسی باکی ندارند».

مقابله با ناامنی اخلاقی

امام عصر (عج) چگونه این معضلات بزرگ فرهنگی را حل می کند؟ بدون تردید او برنامه های جامع و همه جانبه برای ایجاد امنیت کامل اخلاقی خواهد داشت و در هنگام ظهور اجرا خواهد کرد. آنچه در پی می آید، گوشه ای از این برنامه است که از میان روایات استخراج شده است.

۱. احیای کتاب و سنت

امام عصر (عج) مردم خسته از شرارتها و ظلم و تباهی ها و تشنه کلام حق را به سه اصل توحید و نبوت و ولایت دعوت می کند. امام باقر ^۷ فرمود: «يَدْعُو النَّاسَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ وَ

مردان با مردان، و زنان با زنان ارتباط نامشروع خواهند داشت ^{۳۹} و رسماً همجنس بازان با یکدیگر ازدواج خواهند کرد. ^{۳۰} ازدواج با محارم رخ خواهد داد و آن را کافی خواهند دانست ^{۳۱} و به فرموده پیامبر اسلام ^۹ «... وَ رَأَيْتُ النَّاسَ يَتَسَافِدُونَ كَمَا تَتَسَافَدُ الْبَهَائِمُ، لَا يَنْكُرُ أَحَدٌ مِنْكَراً تَخَوُّفاً مِنَ النَّاسِ. ^{۳۲} ... برخی از مردم را می بینی که همانند چهارپایان به طور علنی روابط جنسی برقرار می کنند و کسی از ترس مردم نمی تواند آن را تقبیح کند».

پس از ظهور

آنچه گذشت، تصویری سیاه و هولناک از «جامعه در آستانه ظهور» از بعد اخلاق جنسی است. که هم اکنون کم و بیش، این وضع را مشاهده می کنیم. اما به راستی، جامعه عصر ظهور از نظر امنیت اخلاقی چگونه خواهد بود؟

امام علی ^۷ می فرماید: «در عصر پس از ظهور، زن با همه زیب و زیور خود از عراق تا شام می رود و چیزی او را نمی ترساند» ^{۳۳}. امام در حدیث دیگری می فرماید: «تَأْمِنُ السَّبِيلُ حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ وَ الشَّامِ لَا تَضَعُ قَرْنِيهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ وَ عَلَى رَأْيِهَا زِينَتَهَا لَا يَهِيْجُهَا سَبْعٌ وَ لَا تَخَافُ؛ ^{۳۴} راهها امن شود؛ به طوری که زن از عراق تا شام برود و پای خود را جز روی گیاه نگذارد،



الولاية لعلی بن ابی طالب و البراءة من عدوه؛^{۳۶} او مردم را به سوی کتاب خدا، سنت پیامبر و ولایت علی بن ابی طالب و بیزاری از دشمنان حضرت دعوت می‌کند.

این دعوت که با عمل نیز همراه است، به قدری تأثیرگذار است که امام علی^۷ فرمود: «حتی لا یبقی قرية الا نودی فیها بشهادة ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله بکرة و عشیا؛^{۳۷} دیگر در روی زمین هیچ نقطه‌ای نمی‌ماند، جز اینکه هر صبح و شام در آن به یکتایی خدا و رسالت پیامبر^۹ ندا داده می‌شود».

و امام صادق^۷ نیز در عصر ظهور هر نوع شرک و کفر را رد می‌کند: «الملک لله الیوم و قبل الیوم و بعد الیوم و لکن اذا قام القائم لم یعبد الا الله عزوجل؛^{۳۸} سلطنت امروز، دیروز و فردا نیز از آن خداست، لکن هنگامی که قائم ما قیام کند، جز خدای تبارک و تعالی پرستیده نمی‌شود».

۲. عمل به روش پیامبر^۹

امام صادق^۷ ضمن تشبیه دقیق عصر امام زمان(عج) که «جاهلیت نو» بر آن حاکم است، با عصر پیامبر اکرم^۹ که گرفتار جاهلیت بود، پیرامون عملکرد امام زمان(عج) نیز می‌فرماید: «... یصنع کما صنع رسول الله یهدم ما کان قبله کما هدم رسول الله امر الجاهلیة و یستأنف

الاسلام جدیداً بعد ان یهدم ما کان قبله؛^{۳۹} او همان کاری را می‌کند که پیامبر خدا کرد. تمام فرهنگ و مناسبات جاهلی را بر هم می‌ریزد و اسلام ناب را دوباره به مردم عرضه می‌کند». و باز امام ششم^۷ می‌فرماید: «ابطل رسول الله ما کان فی الجاهلیة و استقبل الناس بالعدل و کذلک القائم؛^{۴۰} پیامبر اکرم نشانه‌های جاهلیت را از بین برد و با عدالت میان مردم رفتار نمود. قائم نیز چنین خواهد کرد».

۳. گسترش معرفت و اخلاق

امام باقر^۷ در توصیف رشد عقلی و تربیتی در عصر مهدوی می‌فرماید: «اذا قام قائمنا وضع یدیه علی رؤوس العباد فجمع بن عقولهم و اکمل به اخلاقهم؛^{۴۱} وقتی قائم ما قیام کند، دستی به سر بندگان خدا می‌کشد و عقل آنها را جمع و اخلاقشان را به کمال خواهد رساند». و طبق فرمایش پیامبر اسلام^۹: «و تعکف الناس علی الطاعة و الخشوع و الدیانة؛^{۴۲} همه مردم به اطاعت و عبادت خداوند گراییده، در اجرای احکام دیانت می‌کوشند». و در نتیجه بنابر سخن امام صادق^۷: «و یذهب الزنا و شرب الخمر و یذهب الربا و یقبل الناس علی العبادات و تؤدّی الأمانات و یهلك الأشرار و تبقى الأخیار؛^{۴۳} روابط نامشروع، مشروبات الکلی و رباخواری از بین می‌رود،



۵. برخورد با متخلفان

در هر جامعه‌ای عده‌ای هستند که ناآگاهانه خلافتی را مرتکب می‌شوند که با امر به معروف و نهی از منکر متنبه می‌شوند، اما برای تعدادی جز اجرای حدود و برخورد سخت‌گیرانه‌تر جواب‌گو نیست. امام باقر^۷ در وصف حضرت مهدی و یارانش فرمود: «... یا مرون بالمعروف و ینهون عن المنکر».^{۴۶} امام جواد^۷ نیز به نقل از رسول خدا^۹ در وصف حضرت قائم^۷ می‌فرماید: «او حدود را اقامه خواهد کرد».^{۴۷}

امام زمان(عج) که مظهر رحمت خدای سبحان است، برای حفظ «امنیت جامعه» با برخی برخورد سخت‌گیرانه تر دارد. امام علی^۷ فرمود: «الا ان فی قائمنا اهل البیت کفایة للمستبصرین و عبرة للمعتبرین و محنة للمتکبرین لقوله تعالی: (و انذر الناس یوم یأتیهم العذاب)»^{۴۸} هو ظهور قائمنا المغیب لانه عذاب علی الکافرین و شفاء و رحمة للمؤمنین؛^{۴۹} آگاه باشید که قائم ما اهل بیت برای آنان که طالب هدایت باشند، بس است و برای آنها که بخواهند عبرت بگیرند، عبرت است و برای آنان که کبر و نخوت ورزند، عذابی جانکاه است؛ چنان که خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: «مردم را از روزی که عذاب خدا فرا می‌رسد، بترسان» و آن، روز ظهور

مردم به عبادت و اطاعت روی می‌آورند، امانت‌ها را به خوبی رعایت می‌کنند. اشرار و اوباش نابود می‌شوند و افراد صالح باقی می‌مانند».

وقتی در رأس همه جوامع عالم، انسان کامل و معصومی باشد که بتواند رفتار عاقلانه را به مردم بیاموزد، طبیعتاً مردم به سراغ عبادت خداوند خواهند رفت و فسادهای اخلاقی رخت بر خواهد بست. اگر هم عده‌ای مزاحمت ایجاد کنند و مانع تعقل مردم شوند و امنیت اخلاقی را برنتابند، از گردونه هستی حذف خواهند شد.

۴. نهضت علمی

بدیهی است که علت برخی کجروی‌ها، ناآگاهی و جهل است. امام عصر(عج) در عصر حضور پربرکتش علم و دانایی مردم را افزایش خواهد داد. پیامبر اسلام^۹ در حدیثی ضمن توصیف قیام امام(عج) فرمود: «سراسر عالم را از علم و دانایی بهره‌مند می‌سازد، پس از آنکه به جهل و نادانی گرفتار آمده باشد».^{۴۴} قطعاً امام عصر(عج) از ابزارهای پیشرفته نیز که در زمان حکومتش رشد چشمگیری هم خواهد کرد، برای گسترش دانایی بهره خواهد گرفت. امام باقر^۷ فرمود: «در زمان امام مهدی به شما حکمت داده می‌شود؛ تا آنجا که زن در درون خانه‌اش مطابق با کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت می‌کند».^{۴۵}



قائم ما از پشت پرده غیبت است که برای کافران، عذابی جانکاه و برای مؤمنان، نجات و رحمت است.

۶. معرفی جایگاه امامت

از آنجا که امام معصوم، حجت خدا در زمین است و همه برکات به خاطر او به مردم می‌رسد و او امان مردم است، توجه به جایگاه امام و درک و فهم آن، نقش مهمی در اطاعت پذیری از امام معصوم دارد. در همین زمینه حضرت مهدی (عج) فرمود: «أنا خاتم الأوصياء و بی يدفع الله البلاء عن أهلی و شیعتی»^{۵۰} من آخرین وصی پیامبر هستم و خداوند به خاطر من، بلا را از اهل من و شیعیانم برطرف می‌کند.

مردم عصر ظهور، این حقیقت را به خوبی درک می‌کنند و به همین جهت به او عشق می‌ورزند. امام صادق^۷ فرمود: «المهدی محبوب فی الخلاق، یطفیء الله به الفتنة الصماء»^{۵۱} حضرت مهدی (عج) محبوب مردم است و خداوند به خاطر او فتنه‌های جانکاه را خاموش می‌سازد.

پی‌نوشت‌ها

۱. منظور، قرن بیستم است.
۲. در سنین مختلف این کار به صورتهای متفاوت آموزش داده می‌شود، تا جایی که در سنین بالا شاگردان

(دختر و پسر) باید عمل آمیزش را به صورت اشاره‌ای در کلاس انجام دهند. آیا منادیان آموزش‌های جنسی در ایران از اینان الگو نگرفته اند؟

۳. عرضه محصولات مستهجن با ابزار هنری.
۴. نشریه تربیت اسلامی، شماره ۸، محمد والدمن، مقاله: چگونگی تنظیم رفتارها و روابط جنسی در غرب و کشورهای اسلامی بر اساس مقایسه دو جامعه آلمان و اتریش با جامعه ایران (خلاصه مقاله).
۵. www.iscanews.ir / ۱۹ / ۱ / ۸۷، کد خبر: ۸۷۰۱۱۹-۰۹-۱۹۲۶۴۸
۶. برای ملاحظه آمار بیشتر: رک: «امنیت اخلاقی از نگاه نبوی»^۹، مجله فرهنگ کوثر، ش ۶۸ و «امنیت اخلاقی از نگاه امام هادی»^۷، مجله فرهنگ کوثر، ش ۷۱.
۷. وسائل الشیعه، حر عاملی، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، ج ۲، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۳۴۹.
۸. الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۲۰؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۴.
۹. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۲.
۱۰. منتخب الاثر، لطف الله صافی گلپایگانی، ج ۳، مکتبة الصدر، تهران، ص ۲۹۲.
۱۱. همان، ص ۴۲۶.
۱۲. همان.
۱۳. الکافی، شیخ کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۸، ص ۳۸.
۱۴. منتخب الاثر، ص ۴۳۰؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۸.
۱۵. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۴.
۱۶. منتخب الاثر، ص ۴۳۷.



- ١٧ . بشارة الاسلام ، ص ٢٥؛ الكافي، ج ٨، ص ٣٨.
- ١٨ . المحلى، ابن حزم، دارالفكر، تحقيق شيخ احمد محمد شاكر، ج ٩، ص ٥٧؛ سبل السلام، محمد بن اسماعيل كحلاني، شركت مصطفى البابي الحلبي، ج ٤، ١٣٧٩ق، ج ٤، ص ٣٤.
- ١٩ . الكافي، شيخ كليني، دارالكتب الاسلاميه، تهران، ج ٨، ص ٤١.
- ٢٠ . الزام الناصب، في اثبات الحجة الغائب، على يزدي حائري، ج ٢، ص ١٦٢.
- ٢١ . همان، ج ١، ص ١٨٧.
- ٢٢ . منتخب الاثر، ص ٢٩٣ و ٤٢٨؛ بحارالانوار، ج ٥٢، ص ٢٥٦.
- ٢٣ . نگرشی بر اخبار و علائم ظهور حضرت مهدي(عج)، على اكبر عارف، دارالنور، ج ١، ١٣٨١ش، ص ١١٥.
- ٢٤ . منتخب الاثر، ص ٤٣٣.
- ٢٥ . بحارالانوار، ج ٥٢، ص ٢٦٠.
- ٢٦ . الزام الناصب، ج ١، ص ٢٢٨.
- ٢٧ . منتخب الاثر، ص ٤٢٩؛ بحارالانوار، ج ٥٢، ص ٢٥٧.
- ٢٨ . الزام الناصب، ج ٢، ص ١٦٣.
- ٢٩ . معجم احاديث الامام المهدي، على كوراني عاملی، ج ١، ١٤١١ق، موسسه معارف اسلامي، قم، ج ٥، ص ١٧٦.
- ٣٠ . الزام الناصب، ج ٢، ص ١٦٢.
- ٣١ . الكافي، ج ٨، ص ٣٩.
- ٣٢ . بحارالانوار، ج ٥٢، ص ٢٥٩؛ اعيان الشيعه، سيد محسن امين، دارالتعارف للمطبوعات، بيروت، ج ٢، ص ٧٨.
- ٣٣ . خصال، شيخ صدوق، تصحيح على اكبر غفاري، ١٣٦٢ش، منشورات جامعه مدرسين، ص ٦٢٦.
- ٣٤ . بحارالانوار، ج ٥٢، ص ٣١٦؛ شجرة طوبى، محمدمهدى حائري، ج ٥، ١٣٨٥ق، منشورات مكتبة الحيدريه، نجف اشرف، ج ١، ص ١٧٩.
- ٣٥ . عصر الظهور، على كوراني، ج ١، ١٤٠٨ق، مكتب الاعلام الاسلامي، قم، ص ٣٢٦.
- ٣٦ . بحارالانوار، ج ٥٢، ص ٣٤٣.
- ٣٧ . ينابيع المودة لذوى القربى، قندوزي، ج ١، ١٤١٦ق، دارالاسوه للطباعة و النشر، ج ٣، ص ٢٤٠.
- ٣٨ . روزگار رهايي، كامل سليمان، ص ٦٤٣.
- ٣٩ . منتخب الاثر، ص ٣٠٥؛ وقت ظهور نزديك است، غلامعلي صفائي بوشهري، موعود اسلام، ج ١، ١٣٨٣ش، ص ٤٣.
- ٤٠ . بحارالانوار، ج ٥٢، ص ٣٨٢.
- ٤١ . همان، ص ٣٣٦.
- ٤٢ . روزگار رهايي، ص ٦٠٦.
- ٤٣ . منتخب الاثر، ص ٣٠٨.
- ٤٤ . بحارالانوار، ج ٥٢، ص ٢٥٣.
- ٤٥ . همان.
- ٤٦ . همان، ج ٥١، ص ٤٧.
- ٤٧ . همان، ج ٥٢، باب ٢٧، ح ٤.
- ٤٨ . ابراهيم / ٤٤.
- ٤٩ . الزام الناصب في اثبات الحجة الغائب، على يزدي حائري، ج ٢، ص ٢٠١.
- ٥٠ . بحارالانوار، ج ٥٢، ص ٣٠.
- ٥١ . عصر الظهور، ص ٣٢٦.



تأملاتی در پژوهش‌های غربی‌ها

«خاورشناسی» پدیده‌ای است سر برآورده از شکست مهاجمان صلیبی؛ آنان که در نبرد راه به جایی نبردند، در لباس علاقه‌مندان به فرهنگ و تمدن مشرق زمین، به میدان آمدند و نخست با نقل و ترجمه آثار و سپس با بررسی و تحقیق و آموختن آداب و رسوم ملت‌های شرق و به ویژه مسلمانان آسیا و آفریقا دانشی پی‌افکنند که می‌توان آن را خاورشناسی نامید.

متأسفانه به همان نسبت که در مصرف هر کالایی به مارک‌های غربی اولویت داده می‌شود، در عرصه‌های فرهنگی و ادبی هم قول اروپاییان بر سخن محققان خودی رجحان دارد و خودباختگی در برابر آرا و اقوال اهل فرنگ تا حدی است که اعتماد به نفس و خودباوری را سلب می‌کند. تردیدی نیست که پژوهش‌های این غربیان حتی اگر به قصد شناخت منابع مادی و فرهنگی سرزمین‌های اسلامی برای به تاراج بردن امکانات ملل مسلمان صورت گرفته، آگاهی‌های مفیدی دارد، ولی به صداقت و صلاحیت این جماعت باید به دیده تردید و تأمل نگریست و در بسیاری موارد تحقیقات و نسخه‌شناسی‌های آنان، میدان وسیعی برای عرض اندام گزافه‌گویان کم مایه‌ای شده که در این آشفته بازار، کشف‌های بی‌ارزش خود را در قالب مطالعات

امامت و مهدویت در کاوش‌های «کربن»

غلامرضا گل‌زواره





ادبی، کلامی و عرفانی در برابر خودباختگان شیفته فرهنگ بیگانه به تماشا بگذارند.

بدون شک آنان منابعی را کاویده‌اند، نسخه‌هایی را احیا کرده‌اند، بسیاری از موارث فرهنگ اسلامی را به زبان‌های اروپایی برگردانیده‌اند و شرح‌ها و فهرست‌های جالبی نوشته‌اند. روش علمی و شیوه‌های تحقیقی آنان نیز آموزنده و انکارناپذیر است، اما آن درستی و اصالت و علم‌جویی که انتظار می‌رود، در همه جوانب کار آنان مشهود نیست؛ بلکه در قالب همین کارهای علمی و فکری، خصومت خود را با اسلام بروز داده‌اند و اصولاً به قول دکتر مصطفی سبّاعی - محقق مسلمان - غالب غربیانی که به مباحث اسلامی پرداخته‌اند از کشیشان، مبلغان مسیحی و رجال برجسته یهودی و مسیحی بوده‌اند که قصدشان تحریف اسلام یا بد جلوه دادن حقایق دینی و نیز ایجاد تفرقه میان مذاهب اسلامی بوده‌است. برخی نیز کوشیده‌اند میراث مهم فرهنگ و تمدن اسلامی را به قومی خاص منتسب کنند و نیز چهره علمی مسلمین را مخدوش و ناهموار جلوه دهند. مضاف بر اینکه شماری اندک از این غربیان که روح علمی و خالی از هر گونه غرضی داشته‌اند نیز به قول استاد محمدرضا حکیمی، فهم درستی از منابع و متون اسلامی نداشته‌اند.^۱

علامه طباطبایی گفته‌است: در آثار موجود به زبان اروپایی، «تشیع» به صورت یک فرقه فرعی

معرفی شده و تمام دید و علت وجودی آن به یک نزاع صرفاً سیاسی و اجتماعی تقلیل یافته و کمتر به علل دینی که باعث پیدایش شیعه گردیده، توجه شده است، حتی در تحقیقات درباره شیعه باز سهم اساسی، از آن (فرقه) اسماعیلیه است و شیعه دوازده امامی حتی به اندازه مکتب اسماعیلی مورد نظر قرار نگرفته است.^۲

اما با وجود این آشفتگی‌ها و تاریکی‌ها از آن سوی ظلمات غرب، گاهی روشنایی‌هایی به چشم می‌خورد که نوید دهنده و امیدوار کننده هستند. یکی از این نمونه‌ها، فیلسوف معاصر فرانسوی «پروفسور هانری کُربن» است و در این نوشتار اجمالاً با زندگی و افکار و اندیشه‌های او درباره تشیع، امامت و حضرت مهدی(عج) آشنا خواهیم گردید.

شیفته معنویت و حکمت

هانری کُربن در فروردین ۱۲۸۲ش / ذیحجه ۱۳۲۰ق. در منطقه نورماندی، شمال فرانسه به دنیا آمد. بعد از تحصیلات مقدماتی و متوسطه به دانشگاه سوربن رفت و در سال ۱۳۰۴ ش. لیسانس گرفت. یک سال بعد، گواهی‌نامه عالی فلسفه و در سال ۱۳۰۷ ش. دیپلم تتبعات عالی دانشگاه پاریس و سرانجام در سال ۱۳۰۸ ش. دیپلم مدرسه السنّه شرقی پاریس را گرفت و در همین سال‌ها با زبان‌های عربی و فارسی آشنا شد.^۳



از آثار حکمای الهی ایرانی نمودند و به واسطه مقدمه و تعلیقات محققانه‌ای که بر افکار و آثار علمای ایرانی مرقوم داشته و موجب ارزش بیشتر این کتب شده و نگارنده را در کارهای علمی ارشاد نموده‌اند، متشکر و ممنونم».^۵

وی می‌افزاید: «کربن، اولین مستشرقی است که به اهمیت افکار و عقاید و آثار دانشمندان ایرانی و محققانی از حکمای شیعه دوازده امامی که از زمان صفویه تا عصر ما متصدی تدریس و منشأ ترویج فلسفه و عرفان بوده‌اند، توجه نموده است».^۶

اُنس با برکت

کربن، وقتی آوازه مقام علمی علامه سید محمد حسین طباطبائی را شنید، شیفته کمالات معنوی و فضایل این حکیم وارسته گردید و برای شناخت تشیع، سالی چند ماه از پاریس به ایران می‌آمد و به پژوهش در مورد تشیع می‌پرداخت. او از طریق برخی اساتید دانشگاه از محضر علامه تقاضا کرد تا در این باره به وی کمک کند. آن مفسر عالی‌مقام که از اشتیاق فکری و علمی این محقق اروپایی با خبر بود، خواسته‌اش را اجابت کرد و با وجود کهنسالی و ضعف مزاج، هر دو هفته یک بار از قم به تهران می‌رفت تا در جلسه‌ای علمی به سؤالات کربن درباره معارف تشیع پاسخ دهد و حقایق گران‌بهای این مذهب را در اختیار او و عده‌ای دیگر از

نخستین مقاله‌اش در نشریه بررسی‌های فلسفی درباره یکی از آثار شهاب الدین سهروردی به طبع رسید، بعدها کتاب مستقلی درباره مؤسس حکمت اشراق تألیف کرد. کربن مدت‌ها ریاست انستیتوی فرانسه و ایران را عهده دار بوده و به همت وی، مشاهیر برجسته‌ای از شیعیان در عرصه‌های کلامی، فلسفی و عرفانی چون: قاضی سعید قمی، ملاصدرا، سهروردی و ابن سینا برای جامعه علمی و فرهنگی اروپا به نام‌هایی آشنا مبدل شدند. او پژوهش‌هایی در آثار ابوعلی سینا، ابن عربی و محمود شبستری انجام داد و برخی نوشته‌های این بزرگان را پس از تصحیح و ترجمه در اختیار علاقه‌مندان به حکمت اسلامی قرار داد. بزرگ‌ترین اثرش کتابی است تحت عنوان «درباره اسلام ایرانی» که در بخش اول آن به معرفی مکتب شیعه پرداخته است. شرح حال عارف شیعی ایرانی، سید حیدر آملی را نوشت و دو کتاب معروفش را منتشر ساخت.^۷

کربن را باید مفسر و فیلسوف حکمت معنوی شیعه نامید و مطالعات او در این باره، لطف و جذبه وصف‌ناپذیری به آثارش بخشیده است. شگفت آنکه وی حکما و دانشمندان شیعه ایرانی را به نشر و ترویج متون کلامی، فلسفی و عرفانی شیعه تشویق می‌کرد. مرحوم استاد سید جلال الدین آشتیانی نوشته است: «از استاد بزرگوار و مستشرق نامدار آقای کربن که حقیر را به تشویق به تألیف منتخباتی



علاقه‌مندان قرار دهد.^۷ مجموعه مصاحبه‌های کربن با علامه طی سال‌های ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ ش. در قالب دو جلد کتاب به طبع رسیده و در اختیار علاقه‌مندان قرار داده شده است. علامه طباطبائی به حقیقت جالبی اشاره می‌کند:

«آقای دکتر کربن اظهار می‌داشتند که تا کنون مستشرقین، اطلاعات علمی که از اسلام به دست آورده‌اند و مطالعاتی که در کتب و آثار اسلامی انجام داده‌اند و تماسی که با رجال علمی اسلام گرفته‌اند، همه آنان در محیط تسنن بوده و از انظار و عقاید علمای اهل سنت و تالیفات آنان تجاوز نکرده است و حتی در تشخیص مذاهب مختلف اسلامی و توضیح اصول و مبانی آنها، به رجال اهل تسنن و آثارشان مراجعه کرده‌اند و اگر احیاناً مستشرقی به ایران آمده، در اثر اعتماد به فرآورده‌های دیگران اعتنایی به حقایق مذهب تشیع ننموده و تنها به تحقیق در وضع عمومی و اجتماعی این مذهب که از عامه مردم منعکس است، قناعت ورزیده و یا از افراد غیر وارد، اطلاعاتی کسب کرده‌اند. در نتیجه حقیقت مذهب تشیع آن جوری که شاید و باید، به دنیای غرب معرفی نشده است».^۸

کربن برخلاف باور همه مستشرقان گذشته، اعتقاد داشت که «مذهب تشیع» مذهبی حقیقی، اصیل و پابرجاست. او می‌افزاید: به حقایق و معنویات اسلام باید از دریچه نگاه شیعه که واقع‌بینانه است

نگاه کرد. از این رو، من تلاش کرده‌ام مذهب تشیع را به نحوی که شاید و باید، به گونه‌ای که درخور واقعیت این مذهب است، به جهان معرفی کنم. کربن معتقد بود: مذهب تشیع تنها مذهبی است که رابطه هدایت الهی را میان خدا و مردم همیشه نگه می‌دارد و به طور پیوسته ولایت را زنده و پابرجا می‌دارد. مذهب یهود، نبوت را که رابطه‌ای واقعی میان خداوند و انسان‌هاست، در حضرت موسی^۷ ختم کرده و نبوت مسیح^۷ و محمد^۹ را قبول ندارد. نصارا هم در حضرت عیسی^۷ متوقف شده‌اند. از مسلمین، اهل سنت در حضرت محمد^۹ توقف و رابطه میان مردم و خدا را قطع کرده‌اند و تنها مذهب تشیع است که نبوت را با حضرت محمد^۹ ختم شده می‌داند، ولی ولایت را که همان ادامه هدایت است، بعد از آن حضرت زنده می‌داند. تنها مذهب تشیع معتقد است که حقیقت‌های زنده‌ای میان بشریت و الوهیت باقی و پابرجاست و حضرت مهدی(عج) آخرین آن است.^۹

علامه طباطبائی می‌گوید: در سال ۱۳۳۸ ش. که در یکی از نواحی دماوند ملاقاتی با کربن داشتم، کربن مذاکره را ادامه داد و گفت: امسال موقعی که در اروپا بودم، در شهر ژنو سوئیس کنفرانسی در موضوع امام منتظر حضرت مهدی(عج) طبق عقیده شیعه داشتم و این موضوع برای دانشمندان اروپایی



که در آن جلسه حضور داشتند، کاملاً تازگی داشت.^{۱۰}

دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی نقل کرده است: روزی در حضور علامه طباطبایی به هانری کربن گفتم: شما که این گونه با معارف اسلامی آشنا شده‌اید، با چه ذکری مأنوس می‌باشید. گفت: ذکر من «قال الباقر» و «قال الصادق» است!^{۱۱}

کربن اعتقاد داشت: یگانه مذهب زنده و اصیل که همچنان حیات دارد، شیعه است؛ زیرا قائل به امام حق است و با اتکا و اعتماد به وجود حضرت مهدی (عج) طراوت و تازگی خود را استمرار می‌بخشد. گویا کربن خود نیز به این معارف و معنویت‌ها نزدیک بود و چنین بارقه‌ای در روح و روانش تحوّل ایجاد کرده بود. فرزند بزرگ علامه طباطبایی گفته است: «یک روز پدر با نشاط خاصی به من گفت: این پروفیسور به تشیع اعتقاد پیدا کرده است، ولی شرایط اقتضا نمی‌کند آن را آشکارا به زبان جاری کند». چند صباحی که از این گفته پدر گذشت، یک روز هانری کربن درباره حضرت مهدی (عج) سخنان پرشوری ایراد کرد و در ضمن آن گفت: من به خاطر بحث درباره تشیع و رسیدن به حقایق و معارف ناب این مذهب، نزدیک بود کرسی تحقیقات خود را در دانشگاه سوربن از دست بدهم. پدر وقتی از این موضوع آگاهی یافت، شادمان گردید و گفت: «دیدي اين کربن به تشیع ایمان

آورده است، ولی نمی‌خواهد با صراحت اعتراف کند». ^{۱۲} علامه به یکی از شاگردان خود فرموده بود: «کربن دعا‌های صحیفه مهدویه را می‌خواند و از شدت تأثر گریه می‌کرد». ^{۱۳}

حلقه وصل بین مُلک و ملکوت

کربن می‌نویسد: شرط لازم برای راه یافتن به عوالم تشیع، این است که بر خوان گسترده معنویت آن بنشینیم، ولی مهمان این روحانیت گردیدن، ایجاب می‌کند که در باطن و درون خود جایی برایش تدارک ببینیم. و می‌افزاید: برای فهم اندیشه ائمه هدی، ما نمی‌توانیم دلیل راه و منبعی بهتر از شارحان تراز اول تعالیشان بیابیم؛ زیرا با توجه به مضمون‌های آنها، این تعالیم نمی‌توانند محل صدور جز امامان داشته باشد. کربن مجموعه ارزشمند دعاها، مناجات و زیارات را که میراث گران‌بهای به جای مانده از ائمه است، مورد توجه قرار داد و معتقد بود: وظیفه ما این است که آوای رسای ادعیه شیعی را به سمع دیگران برسانیم.

او خاطر نشان می‌کند: اهل تشیع در تعالیم رسیده از پیامبر، کُنه نبوت و امامت را در می‌یابد. به اعتقاد او، رسالت پیامبران ظاهر ولایت را متجلی می‌کند و کرامت امامان، ما را با راز و رمز باطن آشنا می‌سازد. امامت در مجموع، خاتم ولایت کلیه است و دوازدهمین امام بالآخر خاتم ولایت محمدیه است. سیمای دوازدهمین اختر تابناک آسمان ولایت



بیش از ده قرن است که امر مسلط در وجدان مذهبی تمام شیعیان است و در نهان‌خانه اخلاصی پرشور و حال و در معیت شخصیت پر رمز و راز دوازدهمین امام، روزگار را سپری می‌سازند.

راز و رمزی که در وجود جناب ختمی ولایت شکل گرفته، همان «انتظار فرج» است که تشیع ضمن همنوایی با کلّ جهان اسلام درباره مسدود بودن نبوت تشریعی، تأکید می‌ورزد که لاجرم بابی دیگر برای انتظار باید گشوده باشد. ضمیر خود آگاه شیعی به سوی آینده‌ای نامعلوم و مبهم چشم نمی‌دوزد، بلکه نگاهش به فرجی معطوف است که آخر الزمان است. ظهور امام دوازدهم، بیان‌کننده کمال انسان تام و تمام است... کجاست درگاه ذات احدیت که از آن، رو به سوی او گذاریم، کجاست وجه الله آن سیمای ملکوتی که اولیا روی به سویش آورند، کجاست آن جبل متین؟ [آقا] کوی وصال کجاست و در کدامین سرزمین مأوا گرفته‌ای؟ آیا در رضوی یا سرزمین دیگر کاشانه برگزیده‌ای.^{۱۴}

این عبارات را کربن با اقتباس و الهام از دعای ندبه ذکر می‌کند.

مکمل ضروری معرفت نبوی

هانری کربن وقتی می‌خواهد تاریخ فلسفه اسلامی را بنگارد، خود را در طرح‌های محصور قبلی محدود نمی‌کند و عقیده دارد: نمی‌توان فکر شیعه و حکمت تشیع را که از منابع روایی و سخنان اهل

بیت پیامبر به دست می‌آید، در تقسیم بندی ادوار حکمت اسلامی فراموش کرد. به اعتقاد او مکمل ضروری آموزه‌های پیامبر، معارف امامان است و ولایت، روشن‌ترین توضیح شناخت پیامبر است. اولیاءالله و دوستان خداوند، پیامبران و امامان هستند که برگزیدگان بشریت‌اند و اسرار الهی از طریق الهام بر آنان مکشوف می‌گردد. تعالیم کامل ائمه، مجموعه رسائل بزرگی را تشکیل داده که قرن‌هاست محور افکار شیعیان بوده است که قرار دادن آنها در مرتبه‌ای ممتاز در فلسفه اسلامی، مطلبی اساسی است. افراد شیعه به معنای واقعی کلمه، کسانی هستند که به ادراک اسرار ائمه نایل شده‌اند و در برابر آنان، کسانی که ادعا کرده‌اند تعالیم امامان به ظاهر دین؛ یعنی مسائل حقوقی و اجرای تشریفات دینی محدود می‌گردد، حقیقت تشیع را مثله کرده‌اند.

حقیقت جاوید نبوی، دارای دو بُعد است: باطنی و ظاهری. ولایت به طور مشخص مغز نبوت و تحقق کمالات نبوی است. بین شخص پیامبر و امام قبل از قرابت زمینی، در سبق وجود، نسبتی معنوی و ازلی موجود بوده است: «من و علی، نور واحدیم». آن گاه پیامبر اشاره می‌فرماید که چگونه این نور در انبیا از نسلی به نسل دیگر انتقال یافت و پیش رفت تا به من و ذریه‌ام رسید.



کربن ضمن اثبات برتری ولایت و امامت بر خلافت با توجه به منابع روایی و کلامی شیعه تصریح می‌کند: قرآن کتابی نیست که بتوان معانی آن را با فلسفه معمولی دریافت، و معانی حقیقی به طور قطع با قیاس منطقی قابل درک نخواهد بود. برای فهم این مضامین و محتوای عالی، کسی باید که در عین حال که وارث علم روحانی است، ملهم نیز باشد و باطن و ظاهر در او گرد آمده باشد. چنین کسی، حجت الهی؛ یعنی امام و پیشواست. پس کوشش فکری باید صرف آن گردد تا حقیقت امامت در دوازده امام مورد توجه دقیق قرار گیرد.^{۱۵}

تجلی کمال انسانیت

به حقیقت امامان کسانی هستند که قلوب مؤمنان را بر می‌افروزند، ارکان زمین و نشانه‌هایی روشن هستند که خداوند در قرآن به آنها اشاره کرده است، علم لدنی دارند، از طریق آنان می‌توان به درگاه ربوبی راه یافت. فکر اساسی که از طرف بزرگان شیعه مورد تأمل و تعمق واقع شد، این است که نبوت با خاتم انبیا به پایان رسید، اما تازه ولایت و امامت آغاز گردید و واپسین آنان صاحب الزمان است، ناپیدا از حواس پنج‌گانه، اما حاضر در دل مؤمنان. غیبت آن امام هدی بعد از شهادت پدر و طی دو مرحله، صورت گرفت و این بار تاریخی رموز آغاز شد که از قلمرو تاریخ عادی و اعتباری بیرون است؛ زیرا با وجود آنکه امام برحسب ظاهر در

پرده غیبت به سر می‌برد، بر دل و جان شیعیان پرتو افشانی می‌کند و شعور وجدانی پیروان راستین خویش را سرشار از معنویت می‌سازد. منابع روایی و مستند شیعه و سخنان خود امام در مقابل شیادی‌ها و دستاویزهایی که انتظار آخرالزمان و ظهور قریب الوقوع امام را پایان می‌داد، مانعی ایجاد کرد و فتنه‌های بابی و بهائیت طرفی نیست. تأثیرگذاری امام غایب تا لحظه ظهور، در عالم رؤیاهای راستین یا در تجلیات شخصی و خصوصی و شهودی، قابل مشاهده است و البته چنین تجلی‌هایی زمان غیبت را قطع نمی‌کند و اگر چه آن حضرت در پرده غیب به سر می‌برد، فیوضات او همچون امامی که حی و حاضر و در میان مردم زندگی می‌کند، همچنان استمرار دارد؛ حتی در همین عالم احساس، ادراک ایشان برای اهل معنا و آنان که لیاقت و شایستگی داشته‌اند، صورت گرفته است. و به عبارتی، جلوه یا عدم جلوه امام بر اشخاص، به تزکیه نفس و لایق بودن آنان بستگی دارد. مردم به وسیله اعمال و رفتار منفی خویش شایستگی لازم برای دیدن امام را از میان می‌برند، آن گاه خود بین امام و خویشستن حجاب می‌گردند؛ زیرا وسیله مشاهده تجلی؛ یعنی معرفتی را که از راه خودسازی و پالایش قلب به دست می‌آید، از دست می‌دهند یا آن را بی‌خاصیت می‌سازند و از توان لازم می‌اندازند. پس تا وقتی که مردم، مستعد شناسایی و معرفت امام نگردند، سخن گفتن از ظهور امام غایب بر آنان عملی نخواهد بود.



آشکار گردیدن وجود مبارکش، امری یا واقعه‌ای نیست که ناگهان روزی اتفاق بیفتد، بلکه امری است که روز به روز در اعماق وجود شیعیان مؤمن و مخلص رخ می‌دهد و آنان را سرشار از شوق معنوی می‌سازد و این ویژگی، عقیده به عدم تحرک و مخالفت با ترقی را که در اسلام تشریعی غالباً مورد نکوهش قرار داده‌اند، در هم می‌شکند.

پیامبر اکرم^۹ فرموده‌اند: «اگر فقط یک روز به پایان جهان باقی مانده باشد، خداوند آن روز را چندان طولانی خواهد کرد تا مردی از ذریه من ظهور کند و جهان را پر از عدل و داد سازد؛ چنان که تا آن هنگام از ستم و جور پر شده بود». روزی که چندان طولانی خواهد شد، زمان غیبت است و این حدیث صریح، طنین خود را در تمام قرون و در تمام مراتب شعور و ضمیر شیعه منعکس ساخته است. اهل معرفت از این حدیث دریافته‌اند که ظهور امام که معنای پنهانی تمامی آیات مُنزل را آشکار می‌کند، به نوع بشر مجال خواهد داد تا انسجام و اتحاد خود را به دست آورد و از پراکندگی فکری و تفرقه دست بردارد. امام مهدی^۷ معنای باطنی این وحدت کلامی، سیاسی و اجتماعی است، انسان کاملی که همه چیز را گویا می‌کند و همه از او جان می‌گیرند. کمال روز افزون این ظهور، به ایمان و عمل پیروانش بستگی دارد.

سرچشمه مکارم و سجایای اخلاقی که مفهوم آن مشتمل بر کلیه نهاد و خُلق و خوی شیعه است،

در همین نکته نهفته است. اساس اندیشه آن است که امام منتظر کتاب آسمانی جدید یا قانون تازه‌ای نخواهد آورد، بلکه معانی مکتوم تمامی مُنزلات را آشکار می‌کند؛ زیرا چون خود او انسان کامل است، پس حقیقت وحی و تنزیل و کاشف منزلات و سرّ مکتوم و باطن حقیقت ابدی نبوت است. معنای ظهور امام منتظر، جلوه کمال انسانیت است که در باطن و ضمیر آن کس که به قدرت الهی زنده است، جلوه می‌کند. خلاصه این سخن وحی، سرّ الهی است که برعهده انسان است، بار تکلیفی که طبق آیه قرآن آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها از پذیرفتنش امتناع کردند و از تحمل آن سر باز زدند.^{۱۶}

کربن، به اعتقاد سید جلال الدین آشتیانی، شیفته خاتم الاوصیا بود و در سال ۱۳۴۹ ش. در باشگاه دانشگاه مشهد در این باب سخنرانی محققانه‌ای داشت و استاد دکتر غلامرضا ذات‌علیان که به زبان فرانسه مسلط بود، گفته‌های کربن را ترجمه کرد. آن چنان این دانشمند فرانسوی درباره اعتقاد شیعه به وجود انسان کامل و مکمل و عدم انقطاع رابطه خاص بین امام عصر و ذات باری، ماهرانه و مستدل توأم با شور و حال سخن گفت که اساتید برجسته دانشگاه مشهد را متحیر کرد و اشتیاق او به جناب حضرت ختمی ولایت، شنوندگان را تحت تأثیری عجیب قرار داد. او خاطر نشان ساخت: بنا بر اعتقادات تشیع جعفری، وجود ولی کامل در هر عصری امری ضروری است و مطابق



پی‌نوشت‌ها

۱. حماسه غدیر، چاپ قدیم، محمدرضا حکیمی، تهران، مؤسسه انجام کتاب، ص ۲۳۷؛ ر.ک: شیخ آقا بزرگ تهرانی، همو، ص ۲۲۰ - ۲۲۱.
۲. شیعه در اسلام، علامه سید محمد حسین طباطبایی، مقدمه کتاب.
۳. فلسفه ایرانی و فلسفه تطبیقی، هانری کربن، مقدمه مترجم.
۴. فرهنگ کامل خاورشناسان، عبدالرحمن بدوی، ترجمه شکرالله خاکرند، ص ۲۸۸ - ۲۸۹.
۵. منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، سید جلال الدین آشتیانی، ج ۲، ص ۲۴.
۶. همان.
۷. جرعه‌های جانبخش، غلامرضا گلی زواره، ص ۲۸۹.
۸. مجموعه مذاکرات با هانری کربن (شیعه)، علامه طباطبایی، مقدمه، ص ۲۳.
۹. مکتب تشیع، سال ۱۳۳۹ ش، مذاکرات و نوشته‌های علامه طباطبایی با کربن، مقدمه.
۱۰. ر.ک: جرعه‌های جانبخش.
۱۱. مجله پرسمان.
۱۲. مجله شاهد، پیاپی ۴۸، (۱۵ آبان ۱۳۶۲ ش)، ص ۱۴؛ مجله جوانان، ش ۸۲۱، ص ۵۲.
۱۳. مهر تابان، علامه سید محمد حسین حسینی تهرانی، ص ۴۷.
۱۴. در احوال و اندیشه‌های هانری کربن، سید جلال الدین آشتیانی و دیگران، ص ۹۰ - ۹۵.
۱۵. تاریخ فلسفه اسلامی، هانری کربن، ترجمه دکتر اسدالله مبشری، ص ۳۸ - ۴۹.
۱۶. همان، اقتباس از صفحات ۶۷ تا ۱۰۳.
۱۷. مجموعه مقالات انجمن واره بررسی مسائل ایران شناسی، به کوشش علی موسوی گرمارودی، ص ۲۸-۳۰.

احادیث «عترت» منقول از جناب ختمی نبوت، بقای یکی از افراد عترت بر سبیل تجدد افراد با بقای قرآن امری مسلم و غیر قابل انکار است و بعد از غروب شمس نبوت، ولایت محمدیه در مشکات عترت: متجلی و جاری و ساری است و به حضرت خاتم الاولیا مهدی موعود امام زمان ختم می‌شود.

کربن بر اساس همین اشتیاق به طریق ولایت، کتاب جامع الاسرار و منبع الانوار عارف بزرگ شیعی سید حیدر آملی و مقدمه محققانه این عارف بزرگ بر فصوص الحکم را چاپ کرد و با مقدمه‌ای انتشار داد.

کربن اعتقاد داشت: ندای تشیع تا کنون در جهان به زحمت شنیده شده است. امروزه مسائل به طور عمومی در سطحی مطرح می‌شود که این ندا از ما درخواست می‌کند خود را از آن جدا سازیم. اگر بخواهیم آنچه تشیع آن را تجلی امام و ظهور ولایت می‌نامد قلباً درک کنیم، هیچ فیلسوف موحدی که به وظایف انسانی خود آگاه است، نمی‌تواند در مقابل این امر بی‌تفاوت باشد.

کربن به حق معتقد بود: آنچه را که در خصوص توحید و مظهر آن - که ولایت محمدیه، علویه و مهدویه است - عرفای اهل سنت نوشته‌اند، باید یک عالم محقق شیعی بنویسد یا می‌نوشت.^{۱۷}

سرانجام این محقق صادق غربی در سال ۱۹۷۹م. درگذشت و در پاریس دفن گردید.



مهدی



مهدی عجله گل هستی

سید علی نقی میرحسینی

اشاره

همه توحیدگرایان و غیب باوران جهان به نوعی، به منجی جهانی ایمان دارند، اما پیروان دین خاتم، تصویر دقیق‌تر و ملموس‌تری از آن را ارائه می‌دهند. از دیدگاه مکتب حیات بخش شیعه که دلباخته خاندان رسالت است، منجی آخرالزمان، امام دوازدهم، حضرت مهدی (عج) است. البته خاستگاه این مدعا نه یک حدس و احتمال، بلکه متن دین و چشمه‌سار زلال وحی است.

خدا، ستایشگر مهدی^۷

بر اساس گواهی مفسران شیعه و سنی و مورخان اسلام شناس، آیاتی بسیار در قرآن مجید وجود دارد که به مسئله مهم مهدویت و موعودگرایی اشاره دارد. آیات ذیل نیز بر همین مسئله تأکید دارند. به علاوه در این زمینه، یک حدیث قدسی را نقل می‌کنیم.

۱. (و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَا



ارثین^۱؛ «ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم».

امام علی^۷ در توضیح این آیه فرموده است: «لَتَعْظُنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَظْفَ الضُّرُوسِ عَلَى وَكْدِهَا»^۲ دنیا پس از سرکشی به ما روی می‌کند، چونان شتر ماده بدخو که به بچه خود مهربان گردد». سپس این آیه را تلاوت کرد.

نیز آن امام همام در تفسیر این آیه فرمود: «هُمْ آلُ مُحَمَّدٍ يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَهُمْ بَعْدَ جُهِدِهِمْ، فَيَعِزُّهُمْ وَيُذِلُّ عَدُوَّهُمْ»^۳ این گروه آل محمد^۹ هستند. خداوند مهدی آنها را بعد از زحمت و فشاری که بر آنان وارد می‌شود، بر می‌انگیزد و به آنها عزت می‌دهد و دشمنانشان را ذلیل و خوار می‌کند».

۲. (بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ...) ^۴؛ «آنچه خداوند برای شما باقی گذارده، برایتان بهتر است، اگر ایمان داشته باشید...».

گرچه مخاطب این آیه قوم شعیب است منظور از «بَقِيَّةُ اللَّهِ» سود و سرمایه حلال و یا پاداش الهی است، ولی هر موجود نفعی که از طرف خداوند برای بشر باقی مانده و مایه خیر و سعادت او باشد، بقیة الله به شمار می‌رود.^۵

در روایات متعدد بقیة الله، به وجود حضرت مهدی^۷ تفسیر شده است؛ از جمله امام باقر^۷

فرموده است: «أَوَّلُ مَا يَنْطِقُ بِهِ الْقَائِمُ^۷ حِينَ خَرَجَ هَذِهِ الْآيَةِ: (بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ)، ثُمَّ يَقُولُ: أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ وَحُجَّتُهُ وَخَلِيفَتُهُ عَلَيْكُمْ فَلَا يُسَلِّمُ عَلَيْهِ مُسَلِّمٌ إِلَّا قَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ؛ نخستین سخنی که امام مهدی^۷ پس از قیام خود می‌گوید، این آیه است: (بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ). سپس می‌گوید: منم بقیة الله و حجت و خلیفه او در میان شما. آن گاه هیچ کس بر او سلام نمی‌کند، مگر اینکه می‌گوید: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ»^۶.

۳. (اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا...) ^۷؛ «بدانید خداوند زمین را بعد از مرگ آن زنده می‌کند».

امام باقر^۷ در پاسخ این سؤال که احیا کننده زمین بعد از مرگ آن، چه کسی است؟ فرمود: «يُحْيِيهَا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِالْقَائِمِ بَعْدَ مَوْتِهَا يَعْنِي بِمَوْتِهَا كَفَرَ أَهْلِهَا...»^۸ خداوند بعد از آنکه زمین با کفر و نافرمانی اهلیش مُرد، آن را به وسیله حضرت قائم^۷ زنده می‌کند».

۴. امیرمؤمنان علی^۷ از رسول خدا^۹ چنین نقل کرد: (در شب معراج) وقتی مرا به آسمان گردش دادند، خدایم به من وحی کرد و فرمود: «يَا مُحَمَّدُ! إِنِّي أَطَّلَعْتُ عَلَى الْأَرْضِ أَطْلَاعَةً فَاخْتَرْتُكَ مِنْهَا فَجَعَلْتُكَ نَبِيًّا وَشَقَقْتُ لَكَ مِنْ



عرض کردم: پروردگارا! اینها کیان‌اند؟ فرمود: امامان، و این است قائم؛ آن که حلال مرا، حلال کند، و حرام مرا، حرام کند، و به وسیله او از دشمنانم انتقام بکشم و او راحت دوستان من است و او است که دل شیعیان را از ظالمان و منکران و کافران شفا می‌دهد و لات و عزرا را تر و تازه بیرون می‌آورد و آنها را می‌سوزاند و مردم در آن روز به آنها فریفته شوند و در آزمایش قرار گیرند؛ آزمایشی سخت‌تر از فتنه گوساله و سامری.^{۱۰}

چهارده پرتو از چهارده معصوم :

امامان معصوم : نیز در موقعیت‌ها و مناسبت‌های گوناگون، سخن از مهدی موعود به میان آورده و شیعیان و پیروانشان را به انتظار دیدار خورشید آخرالزمان ترغیب و تشویق کرده‌اند. آن بزرگواران چنان به انتظار مهدی باوران، رنگ معنویت بخشیده‌اند که آن را بهترین اعمال امت دانسته‌اند: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْقَرَجِ».^{۱۱}

در ادامه، این نوشتار شما را با چهارده کلام نورانی از چهارده معصوم : درباره امام عصر^۷ مهمان می‌سازد.

۱. از صلب امام حسین^۷

رسول خدا^۶ فرمود: «وَجَعَلَ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ أُمَّةً يَقُومُونَ بِأَمْرِي وَيَحْفَظُونَ

اسْمِي اسْمًا، فَإِنَّا الْمَحْمُودُ وَأَنْتَ مُحَمَّدٌ، ثُمَّ أَطْلَعْتُ الثَّانِيَةَ...»^۹ «ای محمد! به راستی من نظری به زمین کردم و تو را از آن برگزیدم و تو را پیامبر قرار دادم و از نام خودم برای تو نامی بازگرفتم. من محمود و تو محمدی. سپس دوباره نظری افکندم و علی را در آن انتخاب کردم و او را وصی تو و خلیفه تو و شوهر دختر تو و پدر نژاد تو قرار دادم و برای او نیز نامی از نام‌های خود را برگرفتم. من علیّ اعلاّیم و او علی است، و فاطمه و حسن و حسین را از نور شما آفریدم. سپس ولایت آنها را به فرشتگان عرضه داشتم. هر کس پذیرفت، نزد من از مقربان شد.

ای محمد! اگر بنده مرا عبادت کند، تا بریده شود و مانند مشک پیوسد و با انکار ولایت آنان نزد من آید، من او را در بهشت جا ندهم و زیر عرشم سایه نبخشم. ای محمد! دوست داری آنها را ببینی؟ عرض کردم: آری، پروردگارا.

خدای عزوجل فرمود: سر بلند کن.

سر بلند کردم، و ناگاه انوار علی، فاطمه، حسن، حسین، علی بن حسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی و محمد بن حسن قائم را دیدم. و «قائم» در وسط آنها مانند ستاره درخشنده بود.



عمویم (علی^۷) است و سپس یازده نفر از فرزندانم، که آخرین آنها قائم^۷ است».

۴. دوازدهمین امام شیعه

امام حسن مجتبی^۷ فرمود: «الْأُمَّةُ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ^۹ اثْنَا عَشَرَ، تَسْعَةٌ مِنْ صُلْبِ أَخِي الْحُسَيْنِ، وَ مِنْهُمْ مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةُ؛^{۱۵} امامان بعد از رسول خدا^۶ ۱۲ نفرند که نه نفر آنان از پشت و نسل برادرم حسین است و از جمله آن نه نفر، مهدی این امت است».

۵. قائم اهل بیت :

محمد بن ابی عمیر از حضرت صادق^۷ و آن حضرت از حسین بن علی^۷ نقل می‌کند: «فِي التَّاسِعِ مِنْ وَلَدِي سُنَّةٌ مِنْ يُوسُفَ وَ سُنَّةٌ مِنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ وَ هُوَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يُصْلِحُ اللَّهُ تَعَالَى أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ؛^{۱۶} در نهمین فرزند من، سنتی از یوسف و سنتی از موسی بن عمران خواهد بود، و او قائم ما اهل بیت است و خداوند مقدمات ظهور او را در یک شب فراهم خواهد کرد».

۶. مایه خشنودی خدا

امام سجاد^۷ در ضمن دعایی فرمود: «اللَّهُمَّ... اجْعَلْنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيهِ شِيعَتِهِ، وَ أَشَدَّهُمْ لَهُ حُبًّا، وَ أَطْوَاعَهُمْ لَهُ طَوْعًا...، وَارْزُقْنِي الشَّهَادَةَ بَيْنَ يَدَيْهِ حَتَّى أَلْقَاكَ وَ أَنْتَ عَنِّي رَاضٍ؛^{۱۷} [پروردگارا!] مرا از شایسته‌ترین

وَصِيَّتِي، التَّاسِعُ مِنْهُمْ قَائِمُ أَهْلِ بَيْتِي، وَ مَهْدِيٌّ أُمَّتِي، أَشْبَهُ النَّاسِ بِي فِي شَمَائِلِهِ وَ أَقْوَالِهِ وَ أَفْعَالِهِ؛^{۱۲} و خداوند از صلب حسین، امامانی را قرار داد تا امر مرا اقامه و وصیتم را حفظ کنند. نهمین آنها، قائم اهل بیت من و هدایت شده امت من می‌باشد که شبیه‌ترین مردم به من از نظر خُلق و خُلُق و گفتار و رفتار است».

۲. شبیه پیامبر^۹

امام علی^۷ در حالی که به امام حسین^۷ می‌نگریست، فرمود: «إِنَّ ابْنِي هَذَا سَيِّدٌ، كَمَا سَمَّاهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سَيِّدًا، وَ سَيَخْرِجُ اللَّهُ مِنْ صُلْبِهِ رَجُلًا بِاسْمِ نَبِيِّكُمْ، يُشَبِّهُهُ فِي الْخُلُقِ وَالْخُلُقِ...؛^{۱۳} این پسر من (امام حسین^۷) سرور و مهتر است، همچنان که رسول خدا^۶ او را سرور و آقا نامیده است. و خداوند از نسل او مردی را بر خواهد انگيخت که نام او، نام پیامبرتان و خلقت و خُلق و خوی او شبیه آن حضرت است».

۳. از نسل فاطمه^۳

حضرت فاطمه زهرا^۳ خطاب به جابر بن عبدالله انصاری فرمود: «هَذِهِ أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ، أَوَّلُهُمْ ابْنُ عَمِّي وَ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ وَلَدِي وَ آخِرُهُمُ الْقَائِمُ؛^{۱۴} (در این کتاب و نوشته) اسامی جانشینان رسول خدا^۹ است: نخستین آنان پسر



... هرکس مایل است تا محمد و امیرمؤمنان را تماشا کند، من همان محمد و امیرمؤمنان هستم. هرکس می‌خواهد امام حسن و امام حسین را مشاهده کند، من همان امام حسن و امام حسینم. هرکس می‌خواهد امامان معصوم از نسل امام حسین^۷ را بنگرد، من همان امامان معصوم می‌باشم...

۹. آزمایش الهی

امام موسی کاظم^۷ فرمود: «... إِذَا فُقِدَ الْخَامِسُ مِنْ وَلَدِ السَّابِعِ، قَالَ اللَّهُ اللَّهُ فِي أَدْيَانِكُمْ لَا يُزِيلُكُمْ أَحَدٌ عَنْهَا يَا بَنِيَّ إِنَّهُ لَا بُدَّ لَصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبَةٍ حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَقُولُ بِهِ إِنَّمَا هِيَ مَحَنَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ امْتَحَنَ بِهَا خَلْقَهُ وَلَوْ عَلِمَ آبَاؤُكُمْ وَأَجْدَادُكُمْ دِينًا أَصَحَّ مِنْ هَذَا لَاتَّبَعُوهُ فَقُلْتُ يَا سَيِّدِي مِنَ الْخَامِسِ مَنْ وَلَدَ السَّابِعِ قَالَ: يَا بَنِيَّ عَقُولُكُمْ تَصْغُرُ عَنْ هَذَا وَأَخْلَامُكُمْ تَضِيقُ عَنْ حَمَلِهِ وَلَكِنْ إِنْ تَعِيشُوا فَسَوْفَ تُدْرِكُوهُ»^{۲۰} محمد بن علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر^۷ نقل کرده که آن حضرت فرمود: هنگامی که فرزند پنجمی از امام هفتم غایب گردد، دور نکند شما را احدی از دینتان. فرزندم! برای صاحب این امر (حضرت حجت^۷) چاره‌ای جز غایب شدن نیست و آن قدر این غیبت طول می‌کشد و ادامه می‌یابد که

ولایت پذیران، و از شدیدترین دوست‌داران، و از فرمان‌بردارترین شیعیانش [امام مهدی^۷] قرار ده ...! و شهادت در محضرش را روزی ام‌کن تا تو را در آن حال که از من راضی هستی، ملاقات کنم».

۷. ارزش امام‌شناسی

از امام باقر^۷ نقل شده است: «... وَمَنْ مَاتَ وَهُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ لَا يَضُرُّهُ تَقَدُّمُ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخُّرُهُ، وَمَنْ مَاتَ عَارِفًا لِإِمَامِهِ كَانَ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ»^{۱۸} هرکس امام خویش را بشناسد، تقدّم و یا تأخّر این امر [ظهور] به او ضرر نمی‌رساند؛ [زیرا] کسی که با شناخت و معرفت امامش از دنیا برود، مانند کسی است که با حضرت قائم^۷ در خیمه‌اش باشد».

۸. عصاره انبیا و اولیا

امام صادق^۷ فرمود: «وَسَيِّدُنَا الْقَائِمُ مُسْتَنْدٌ إِلَى الْكَعْبَةِ وَيَقُولُ: يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ وَشَيْثَ فَهَذَا آدَمُ وَشَيْثٌ، ... أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مُحَمَّدٍ وَآمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَهَذَا آمِنَا ذَا مُحَمَّدٍ وَآمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ فَهَذَا الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ، أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ فَهَذَا آمِنَا ذَا الْأَئِمَّةِ ...»^{۱۹} آقا و سرور ما قائم، بر دیوار کعبه تکیه می‌زند و می‌فرماید: ای گروه مردمان! هرکس می‌خواهد آدم و شیث را ببیند، من همان آدم و شیثم



کسانی که به صاحب این امر قائل و معتقد هستند، از آن برمی گردند. این غیبت، امتحان و آزمایشی از خدای عزوجل است که خلائق را با آن می آزماید و اگر پدران شما و اجدادتان دینی صحیح تر از این سراغ داشتند، حتماً آن را پیروی و تبعیت می کردند. راوی می گوید: عرض کردم: ای سرور و آقای من! پنجم از فرزند هفتم کیست؟

حضرت فرمود: فرزندم! عقول شما از درک آن قاصر است و وسعت و توان حمل آن را ندارد، ولی اگر زنده بمانید، به زودی درکش خواهید کرد.^{۲۱}

۱۰. تحقق ظهور

امام رضا^۷ به دعبل خزاعی فرمود: «يَا دَعْبِلُ! الْإِمَامُ بَعْدِي مُحَمَّدُ ابْنِي وَبَعْدَ مُحَمَّدٍ ابْنُهُ عَلِيُّ وَبَعْدَ عَلِيٍّ ابْنُهُ الْحَسَنُ وَبَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ فِي غَيْبَتِهِ الْمُطَاعُ فِي ظُهُورِهِ وَ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأَهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا»^{۲۲}

(دعبل خزاعی گفت: چون قصیده خود را برای حضرت امام رضا^۷ خواندم، امام از شنیدن آن سخت بگریست، آن گاه رو به من کرد و فرمود: ای خزاعی! روح القدس با زبان تو این دو بیت^{۲۳} را خواند! می دانی این امام کیست؟) آن گاه (در پاسخ) فرمود: ای دعبل! امام بعد از من پسر من محمد است و بعد از او علی پسر او، بعد از او پسرش حسن

و بعد از حسن پسرش، حجت قائم منتظر است که (اهل ایمان) در زمان غیبتش انتظار او را می کشند و بعد از ظهورش از وی فرمان برداری می کنند. اگر از عمر دنیا جز یک روز نمانده باشد، خداوند آن روز را چندان طولانی می گرداند تا او بیاید و جهان را پر از عدل کند، چنان که پر از ظلم شده باشد.^{۲۴}

۱۱. هشدار به جاهلان

امام جواد^۷ از پدرانش از امام علی^۷ نقل فرمود: «... لَا تُعَاجِلُوا الْأَمْرَ قَبْلَ بُلُوغِهِ، فَتَنْدُمُوا، وَلَا يَطُولَنَّ عَلَيْكُمُ الْأَمَدُ، فَتَقْسُوا قُلُوبَكُمْ...»^{۲۵} پیش از فرا رسیدن زمان امر [ظهور] عجله نکنید؛ [زیرا که] پشیمان می شوید و [نیز] آن را دور نپندارید که دل ها و قلب هایتان را قساوت می گیرد...».

۱۲. انتظار فرج

امام هادی^۷ فرمود: «إِذَا رُفِعَ عِلْمُكُمْ مِنْ بَيْنِ أَظْهَرِكُمْ فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ مِنْ تَحْتِ أَقْدَامِكُمْ»^{۲۶} هر گاه پیشوای شما [دانش شما] از میان شما برداشته شود، از زیر پای خود منتظر فرج باشید.^{۲۷}

۱۳. شرط نگاه به مهدی^۷

امام حسن عسکری^۷ خطاب به احمد بن اسحاق قمی: «... لَوْلَا كَرَامَتُكَ عَلَى اللَّهِ وَ عَلَى حُجَجِهِ مَا عَرَضْتُ عَلَيْكَ ابْنِي هَذَا إِنَّهُ سَمِيُّ رَسُولِ اللَّهِ وَ كُنْيَتُهُ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ



نمی‌کنیم و شما را از یاد نمی‌بریم؛ که در غیر این صورت، سختی‌ها و گرفتاری‌ها بر شما فرو می‌آیند و دشمنان، شما را ریشه کن می‌کنند و از بین می‌برند».

به امید روز و لحظه رؤیت سیمای تابان و ظهور دل‌انگیزش!

پی‌نوشت‌ها

۱. قصص/۵.
۲. نهج البلاغه، دشتی، ص ۲۰۶، قصار ۲۰۹، انتشارات مشهور، قم، ۱۳۸۰.
۳. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج ۱۶، ص ۱۸، دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۶۷ ش. (به نقل از: تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۱۱۰).
۴. هود/۸۶.
۵. تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۲۰۴.
۶. همان، به نقل از: تفسیر صافی، ذیل آیه فوق؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۳۱؛ اعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۶۳ (با اندکی اختلاف در تقدیم و تأخیر الفاظ).
۷. حدید / ۱۷.
۸. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۶۸؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۴؛ اثبات الهداة، شیخ حر عاملی، ج ۳، ح ۲۳۸.
۹. کمال الدین و تمام النعمة، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۲۵۳.
۱۰. کمال الدین، ترجمه کمره‌ای، ج ۱، ص ۳۶۴ و ۳۶۵.
۱۱. خصال، شیخ صدوق، ترجمه سید احمد زنجانی فهری، مقدمه، ص ۲۹، انتشارات علمیه اسلامیه، اول، تهران، بی‌تا.
۱۲. اعلام الوری بأعلام الهدی، شیخ طبرسی، ص ۳۹۸، اسلامیه، سوم، تهران، ۱۳۹۰ ق.

قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِّتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا...^{۲۸} اگر نزد خدای تعالی و حجت‌هایش (امامان) ارجمند و بزرگوار نبودی، پسر من [امام عصر^۷] را به تو نشان نمی‌دادم. همانا او همانم و هم‌کنیه رسول خداست؛ کسی است که زمین را از قسط و عدل، پر می‌سازد، همان طور که از ظلم و جور پر شده است».

۱۴. تربیت یافتگان خدای

بنا به نقل ابی‌عمرو عمروی (ابی عمر العامری) از نواب خاص، امام مهدی^۷ فرمود: «نَحْنُ صَنَائِعُ رَبِّنا وَ الْخَلْقُ بَعْدُ صَنَائِعُنَا»^{۲۹} ما به وسیله پروردگارمان ساخته و تربیت شده‌ایم و مردم ساخته شده و تربیت یافته ما هستند».

خوشا به حال موعودگرایان و مهدی باوران؛ آنان که به عشق مهدی زنده‌اند و با عشقش می‌میرند و با امید شفاعتش در روز محشر به پا می‌خیزند. چه بزرگ و غرور آفرین است این نعمت! و اگر چنین نعمتی را خدای ارزانی نداشته بود، چه سرنوشت دردناک و آینده هولناکی داشتیم. خدای را سپاسگزاریم که اکنون که در عصر غیبت به سر می‌بریم، مورد توجه و عنایت او هستیم؛ چنان که خودش به دستگیری ما نوید داده است: «... إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ، وَ لَا نَاسِينَ لَذِكْرِكُمْ، وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ، وَ اصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ...»^{۳۰}؛ همانا ما در رعایت حال شما کوتاهی



ظهور امامی که ناچار می‌باید بیاید، حتمی است. او به نام خدا و برکات او قیام می‌کند تا در میان ما هر حقی را از باطل تمیز دهد و پاداش هر نعمت و نعمتی را عطا کند.

۲۴. مهدی موعود (ترجمه جلد سیزدهم بحار)، علی دوانی، باب سیزدهم، ص: ۳۸۳ - ۳۸۴، دارالکتب الاسلامیه، بیست و هشتم، تهران، ۱۳۷۸ ق، با اندکی تغییر و تخلص.

۲۵. خصال، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۶۲۲، جامعه مدرسین، اول، قم، ۱۳۶۲ ش؛ بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۰.

۲۶. الکافی، کلینی، باب فی الغیبه، ج ۱، ص ۳۴۱، کتابفروشی علمیه اسلامی، تهران، دوم، ۱۳۶۲ ش.

۲۷. همان.

۲۷. این روایت به سه گونه معنی می‌شود:

۱. هر گاه امام شما غایب شد، همیشه و در هر حال مثل اینکه چیزی را به آسانی از زیر پای خود برمی‌گیرید. انتظار فرج داشته باشید؛ اگر چه فرج و ظهور امام نزد خدا دور باشد.

۲. هر گاه علوم و معارف دینی از میان شما رخت بر بندد و جهان را جهالت و بی‌خبری فراگیرد، بدانید که فرج نزدیک است.

۳. هر گاه امام شما غایب شود، سر به زیر اندازید و گوشه‌گیری و شکیبایی ورزید که شکیبایی کلید فرج و گشایش است. (اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، ج ۲، ص ۱۴۲، کتابفروشی علمیه اسلامی، اول، تهران).

۲۸. کشف الغمه فی معرفة الاثمه، علی بن عیسی اربلی، ج ۲، ص ۵۲۶، بنی‌هاشمی، اول، تبریز، ۱۳۸۱ ق؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۴.

۲۹. الاحتجاج علی أهل اللجاج، احمد بن علی طبرسی، ج ۲، ص ۴۶۷، نشر مرتضی، اول، مشهد، ۱۴۰۳ ق؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸.

۳۰. الخرائج والجرائح، قطب راوندی، ج ۲، ص ۹۰۳، مدرسه امام مهدی، اول، قم، ۱۴۰۹؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵.

۱۳. بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۵۱، ص ۳۹ و ۱۱۶، (اسلامیه، تهران، مختلف).

۱۴. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۴۲؛ الاحتجاج، طبرسی، ص ۶۷.

۱۵. موسوعة کلمات الامام الحسن^۷، ص ۲۷۲، پژوهشکده باقرالعلوم^۷، اول، نشر معروف، قم، ۱۴۲۳ ق. به نقل از: بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۸۳، ج ۱.

۱۶. إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۲۷؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۷؛ موسوعة کلمات الامام الحسن، ص ۳۱۷.

۱۷. اقبال الاعمال، سید بن طاووس، ص ۳۶۴، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۷ ش؛ بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۲۳۴؛ مصباح المتهجد، ص ۶۹۸ و...

۱۸. بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۷۸ - ۷۷؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۱.

۱۹. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹.

۲۰. علل الشرائع، شیخ صدوق، ج ۱، باب علت الغیبه، ص ۲۴۴ - ۲۴۵، انتشارات داور، اول، قم؛ الکافی، ج ۱، ص ۳۳۶؛ اعلام الهدایه، مجمع جهانی اهل بیت^ع، ج ۹، ص ۲۲۰، انتشارات مجمع جهانی اهل بیت، اول، قم، ۱۴۲۲ ق.

۲۱. علل الشرائع، ترجمه سید محمد جواد ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۷۸۳، (انتشارات مؤمنین، اول، قم، ۱۳۸۰ ش).

۲۲. بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۲۳۸، به نقل از عیون اخبار الرضا^۷.

۲۲. بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۲۳۸، به نقل از عیون اخبار الرضا^۷.

۲۳. آن دو بیت شعر عبارت بود از:

خُرُوجُ إِمَامٍ لَا مَحَالَةَ خَارِجٌ
يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَ الْبَرَكَاتِ
يَمِيزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَ بَاطِلٍ
وَ يَجْزِي عَلَى النِّعْمَاءِ وَ النِّقَمَاتِ



بدون تردید انقلاب جهانی حضرت مهدی^۷ فقط دارای بعد سیاسی، نظامی و اجتماعی ساده نخواهد بود، بلکه طبق روایات مهم‌ترین بعد آن، تحولات فرهنگی است که در درون افراد و جامعه رخ خواهد داد. در آن عصر دل انگیز و شور آفرین انسان‌ها از درون تحول می‌یابند و بینش‌های مادی به معنوی و روحانی تبدیل می‌شود. کوتاه بینی‌های افراد جای خود را به دور اندیشی و تفکرات عمیق انسانی خواهد داد و در اثر انقلاب درونی انسان‌ها و اصلاحات واقعی مدینه فاضله تشکیل خواهد شد. جامعه جهانی آنچنان ارتقای فرهنگی و عقیدتی خواهد یافت که ارتباطات صحیح انسانی که تمام انبیا، اولیا و صلحا برای تحقق آن تلاش کرده اند، به اوج خود خواهد رسید.

در این فرصت برخی از دستاوردهای عصر ظهور را، در بخش‌های فرهنگی و نظام تعلیم و تربیت با توجه به روایات به نظاره می‌نشینیم.

گسترش علوم و معارف

دوران حکومت امام زمان^۷، عصر شکوفایی استعدادها و دانش‌های گوناگون و زمان گسترش و اوج‌گیری علوم و عقول انسان‌ها در طول تاریخ بشر است. علوم و دانش‌هایی که در طول اعصار و قرون در پشت پرده‌ها مکنون مانده است، ابراز می‌گردد و مرز دانایی و یادگیری تا سراپرده خانه‌ها و اعماق





«تَوْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ؛ در دولت مهدی (عج) به همه مردم، حکمت و علم می آموزند».^۲

تعلیم قرآن در عصر ظهور

حبه عرنی می گوید: امام علی^۷ در مورد تعلیم درست و آموزش همگانی قرآن در عصر ظهور فرمود:

«كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى شَيْعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ قَدْ ضَرَبُوا الْفَسَاطِيطَ يَعْلَمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلَ؛^۳ در آن دوران همانا شیعیانمان را می بینم که در مسجد کوفه خیمه ها زده و جلسات تعلیم قرآن به پا کرده اند و مردم را با معارف قرآن آن گونه که نازل شده، آشنا می کنند».

رشد فکر و معرفت مردم

حضرت امام باقر در حدیثی دیگر به رشد و کمال عقول مردم و توسعه افق بینش های آنان پرداخته و فرموده است:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِمَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامُهُمْ؛^۴ هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند دست محبتش را به سر بندگان می گذارد و عقول آنها را با آن به کمال می رساند و بلوغ فکری آنان رشد یافته و تکمیل می شود».

وجود تک تک انسان ها گسترش می یابد. با آمدن منجی عالم بشریت، همان گونه که ظلم و بیداد جای خود را به عدل و دادگری می سپارد و نابسامانی های اجتماعی به سامان می گراید، جهل و نادانی نیز جای خود را به علم و دانایی می دهد و جهان از نور وجود آن گرامی منور خواهد شد.

امام صادق^۷ در این باره نکات قابل اعتنایی را ارائه فرموده و تمام علوم را به ۲۷ حرف تقسیم کرده:

«علم و دانش ۲۷ حرف است. تمام آنچه پیامبران الهی برای مردم آوردند، دو حرف بیش نبود و مردم تاکنون جز آن دو حرف را نشناخته اند. اما هنگامی که قائم ما قیام کند، ۲۵ حرف دیگر را آشکار و در میان مردم منتشر می سازد و دو حرف دیگر را با آن ضمیمه می کند تا ۲۷ حرف انتشار یابد».^۱

این حدیث به روشنی، جهش فوق العاده علمی عصر انقلاب مهدی (عج) را مشخص می سازد و از وجود قوی ترین نظام آموزشی و عالی ترین برنامه های تربیتی، در آن عصر خبر می دهد. طبق این گفتار ارزشمند، تحول و پیشرفت علمی بشر در آن عصر نسبت به اعصار قبل، چندین برابر خواهد بود. امام باقر^۷ نیز از این تحول علمی این گونه خبر داده است:



می‌کنند که اعتماد به همدیگر به بالاترین سطح خود می‌رسد؛ به طوری که همدیگر را محرم و دوست صمیمی خود به حساب می‌آورند. امام باقر ⁷ صمیمیت و اعتماد عمومی را در آن زمان چنین به تصویر می‌کشد:

«أَتَى الرَّجُلُ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ فَلَا يَمْنَعُهُ»⁶ در آن دوران هر نیازمندی از جیب برادرش به مقدار نیاز بر می‌دارد و برادرش نیز جلوگیری نمی‌کند».

آموزش عملی ارزشها

علی ⁷ در خطبه ملاحم می‌فرماید:

«يُعْطُفُ الْهُوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَظُفُوا الْهُدَى عَلَى الْهُوَى وَ يَعْظُفُ الرَّأْيُ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَظُفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ ۰۰۰ يَأْخُذُ الْوَالِي مِنْ غَيْرِهَا عَمَّالَهَا عَلَى مَسَاوِي أَعْمَالِهَا ۰۰۰ فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدْلُ السَّيِّرَةِ وَ يُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ»⁷ چون مهدی (عج) ظهور کند، خواهش‌های نفسانی را به هدایت آسمانی بازگرداند، پس از آنکه رستگاری را به هوای نفس بازگردانده باشند. آرا و افکار را پیرو قرآن می‌کند، پس از آنکه به بهانه تفسیر، قرآن را تابع رأی خود گردانده باشند. او مسئولان و کارگزاران را بر اعمال بدشان کیفر خواهد داد... مهدی (عج) به شما نشان خواهد داد که روش عادلانه در حکومت چگونه است و آنچه را

بدین ترتیب، در پرتو ارشاد و هدایت و تعلیمات حضرت مهدی (عج)، افکار و اندیشه‌های مردم رشد می‌یابد و معرفتشان به کمال می‌رسد.

انقلاب اخلاقی و امنیت اجتماعی

در اثر انقلاب جهانی حضرت مهدی ⁷ و تعلیم و آموزش همگانی، انقلاب اخلاقی در درون وجود انسان‌ها رخ می‌دهد و به تبع آن، روی زمین امن و آباد خواهد شد. امیر مؤمنان ⁷ فرمود:

«در عصر ظهور وقتی قائم ما قیام کند، آسمان قطرات باران رحمت خود را بر زمین نازل می‌کند و زمین نباتات را می‌رویاند و کینه و عداوت از دل مردم زایل می‌شود و چهار پایان و درندگان با همدیگر در صلح آشتی خواهند بود. (ممکن است با توجه به جمله قبلی، کنایه از نابودی خوی درندگی در میان انسان‌ها باشد)؛ چنان که اگر زنی با پای پیاده از عراق به شام برود - در حالی که قدم‌هایش را در آن فاصله بر روی گیاهان و سبزه‌ها خواهد گذاشت (یعنی همه جا آباد و سبز و خرم خواهد بود) - و زیور آلات خود را هم همراه داشته باشد، هیچ خطری از جانب درندگان وی را تهدید نخواهد کرد و ترسی برایش نخواهد بود»⁸.

تقویت اعتماد عمومی

با ارتقای سطح فرهنگ، مردم صفات اخلاقی را در آن عصر چنان می‌آموزند و در وجودشان اجرا



رسول گرامی اسلام است. پیشوای پنجم به جابر جعفری فرمود:

«إِنَّ الْعِلْمَ بَكِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ^۹ يَنْبَغُ فِي قَلْبٍ مَهْدِينَا كَمَا يَنْبَغُ الزَّرْعُ عَنْ أَحْسَنِ نَبَاتِهِ فَمَنْ بَقِيَ مِنْكُمْ حَتَّى يَلْقَاهُ فَلْيَقُلْ حِينَ يَرَاهُ...؛ علم به کتاب خدا و سنت پیامبر^۹ در دل مهدی (عج) ریشه می دواند؛ آن چنان که گیاه در دل زمین ها ریشه می دواند. هرکس در آن عصر او را ملاقات کند، این گونه به او سلام و تحیت بگوید: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ وَ النَّبُوَّةِ وَ مَعْدِنِ الْعِلْمِ وَ مَوْضِعِ الرَّسَالَةِ»^۹.

تعلیم از طریق عمل

کارآمدترین روش در تعلیم و تربیت انسان‌ها، عامل بودن مربی به گفته های خود است. اساساً رمز توفیق انبیا و امامان معصوم^{۱۰} در امر تبلیغ دین، شیوه رفتاری آن بزرگواران است. رفتار و حرکات حضرت حجت^۷ نیز در آن دوران که در معرض دید عموم قرار خواهد داشت، بالاترین آموزش و تعلیم عملی معارف قرآن و اهل البيت^{۱۱} به شمار می‌رود؛ زیرا وجود امام^۷ جلوه تمام عیار برنامه‌ها و دستورهای الهی است. امام رضا^۷ در مورد ویژگی های امام زمان^۷ می‌فرماید:

که از کتاب و سنت متروک مانده، زنده خواهد ساخت».

امام در حقیقت با عمل خود همه چیز را به مردم خواهد آموخت.

اوج ارتقای تعلیم و تربیت

در آن زمان آموزش و پرورش به اوج تکامل خود می‌رسد و تمام اهداف انبیا و اولیا برای تعلیم انسان‌ها به کار گرفته خواهد شد. سطح معلومات مردم به درجه‌ای از رشد و کمال می‌رسد که تمام اعضای خانواده‌ها از آن برخوردار می‌شوند. معارف اسلامی و تعلیم احکام و مسائل دینی همه جا را فرا می‌گیرد؛ تا جایی که بانوان خانه دار به راحتی می‌توانند از کتاب خدا و سنت پیامبر تکالیف خود را فراگیرند. امام باقر^۷ در این زمینه می‌فرماید:

«تُؤْتَوْنَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِيَ فِي بَيْتِهَا بَكِتَابَ اللَّهِ تَعَالَى وَ سُنَّةَ رَسُولِ اللَّهِ^۹؛^۸ در زمان حضرت مهدی^۷ علوم و حکمت را آن چنان خواهید آموخت که یک زن خانه دار در منزل خودش طبق قرآن و شیوه رسول خدا^۹ حکم خواهد کرد».

دانا ترین معلم

مهدی منتظر^۷ که داناترین کس به علوم مورد نیاز بشری است، هر چه را که مصلحت بداند، به مردم خواهد آموخت که از جمله آنها قرآن و معارف



امام صادق ^۷ به علی بن عقبه نیز مژده داد: «وقتی که قائم قیام کند، حکومت را براساس عدالت قرار می دهد، و ظلم و جور در دوران او برچیده می شود، و جاده ها در پرتو وجودش، امن و امان می گردد، و زمین برکاتش را خارج می سازد، و هر حقی به صاحبش می رسد، و در میان مردم، همانند داود و محمد ^۹ حکم و داوری می کند. در این هنگام زمین گنج هایش را آشکار می سازد و برکات خود را ظاهر می کند، و کسی موردی را برای انفاق و صدقه و کمک مالی نمی یابد؛ زیرا همه مؤمنان بی نیاز و غنی خواهند شد...» ^{۱۲}

ظاهر شدن برکات زمین و خارج شدن گنج ها، نشان می دهد که هم زراعت و کشاورزی به اوج ترقی خود می رسد و هم تمام منابع زیر زمینی، کشف می شود و مورد استفاده قرار می گیرد. در آمد سرانه افراد، آن قدر بالا می رود که در هیچ جامعه ای، فقری پیدا نمی شود و همه به سر حد بی نیازی و خود کفایی می رسند. امام علی ^۷ هم فرمود:

«یزرع الانسان مدّاً، يخرج له سبعة مدّ كما قال الله تعالى: (كمثل حبة أُنبتت سبع سنابل في كل سنبلة مائة حبة والله يضاعف لمن يشاء) ^{۱۳}؛ در عصر حضرت مهدی ^۷ انسان

«امام داناترین، حکیم ترین، پارساترین، حلیم ترین، شجاع ترین، بخشنده ترین مردم است. او برای مردم از خودشان سزاوارتر، از پدر و مادرشان مهربان تر، و در برابر خداوند از همه متواضع تر است. آنچه به مردم فرمان می دهد، خود بیش از دیگران به آن عمل می کند، و آنچه را که مردم را از آن نهی کند، خود بیش از همگان از آن می پرهیزد» ^{۱۰}.

گسترش علم کشاورزی

علم کشاورزی که در همه عصرها مورد نیاز مردم است. طبق گفتار معصومان : مردم در عصر ظهور با این علم چنان آشنا می شوند که در هیچ زمانی در دنیا چنین پیشرفتی رخ نداده است و از زمین های کشاورزی خود هفتصد برابر بیش از گذشته محصول برداشت خواهند کرد؛ پیامبر ^۹ در این زمینه فرمود:

«تَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ تَنَعُّمًا لَمْ يَتَنَعَّمْ مِثْلَهُ قَطُّ الْبَرُّ مِنْهُمْ وَالْفَاجِرُ يُرْسَلُ السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مَذْرَأًا وَ لَا تَحْبِسُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ نَبَاتِهَا» ^{۱۱}
امت من در زمان ظهور آن گرامی طوری از نعمت های الهی برخوردار می شود که انسان های خوب و بد دنیا، چنان موقعیتی را هرگز به خود ندیده است . آسمان با کمال سخاوت باران خویش را فرو می ریزد و زمین گیاهان خود را می رویاند و همه جا سبز و خرم و آبادان خواهد شد.



یک مدّ دانه می‌کارد و هفتصد مدّ برداشت می‌کند؛ چنان که مضمون آیه شریفه قرآن است...».

توسعه بهداشت و سلامتی

از جمله برکات دولت مهدوی^۷، پیشرفت علم پزشکی و یادگیری مسائل بهداشتی و سلامتی در سطح عموم است. امام باقر^۷ این دستاورد عظیم بشری را در عصر ظهور این گونه تبیین فرموده است:

«مَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي مِنْ ذِي عَاهَةِ بَرٍّ وَ مِنْ ذِي ضَعْفٍ قَوِيٍّ؛^{۱۴} هر بیماری که عصر حضرت قائم^۷ را درک کند، بهبودی خواهد یافت و هر ضعیف و ناتوان جسمی در آن زمان نیرومند و قوی خواهد گشت».

تعلیم راهکارهای زندگی بهتر

در اثر تعلیم روش های نوین زندگی، هر کس به راحتی زندگی خود را مدیریت خواهد کرد و چشم نیاز به در آمد دیگران نخواهد دوخت. همچنین در دولت کریمه امام عصر^۷ امکانات جهان به طور مساوی بین همه تقسیم خواهد شد و به این جهت نیازمندی در میان نخواهد بود. اطلاع رسانی صحیح و عادلانه، آموزش راهکارهای مورد نیاز و تقسیم امکانات عمومی، بستر رفاه و آسایش زندگی را فراهم خواهد ساخت. امام باقر^۷ می‌فرماید:

«مهدی (عج) امکانات عمومی و اموال بیت المال را میان مردم چنان به تساوی قسمت می‌کند که دیگر نیازمندی یافت نمی‌شود تا به او زکات دهد. اصحاب زکات (که باید زکات بپردازند)، اموال خود را به پیش نیازمندان شیعه می‌آورند و آنان نمی‌پذیرند. ثروتمندان التماس می‌کنند و در اطراف خانه آنان می‌چرخند، ولی آنان از منازل خود بیرون می‌آیند و می‌گویند ما دیگر نیازی به درهم‌های شما نداریم».^{۱۵}



اصلاحات فرهنگی اجتماعی

آموزش شیوه های درست و روش های الهی و تغییر فرهنگ های ضد ارزشی و اصلاح رسوم و عادات غلط جامعه، از جمله ثمرات ظهور آن گرامی است. در حقیقت دوران استقرار حکومت مهدوی^۷ همراه با یک انقلاب فرهنگی و اصلاحات اجتماعی واقعی همراه خواهد بود. امام باقر^۷ در این باره می‌فرماید:



«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ^۷ سَارَ إِلَى الْكُوفَةِ وَ هَدَمَ بِهَا أَرْبَعَةَ مَسَاجِدَ وَ لَمْ يَبْقَ مَسْجِدٌ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَهُ شُرْفٌ إِلَّا هَدَمَهَا وَ جَعَلَهَا جَمَاءً وَ وَسَّعَ الطَّرِيقَ الْأَعْظَمَ وَ كَسَّرَ كُلَّ جَنَاحٍ خَارِجٍ فِي الطَّرِيقِ وَ أَبْطَلَ الْكُنْفَ وَ الْمَيَازِيبَ إِلَى الطَّرِيقَاتِ فَلَا يَتْرُكُ بَدْعَةً إِلَّا أَزَالَهَا وَ لَا سُنَّةً إِلَّا أَقَامَهَا؛^{۱۶} زمانی که امام زمان^۷ قیام می کند، در کوفه چهار مسجد را (که با انگیزه های غیر خدایی ساخته شده اند و مرکز آموزش های باطل شده اند)، تخریب می کند و به طور کلی هر مسجدی که مشرف به خانه های مردم باشد، آن حضرت بناهای مرتفع آن را که به منازل مردم اشراف دارد، از میان بر می دارد. راه های عمومی و جاده های اصلی را توسعه می دهد و هر چیزی را که سدّ راه مردم باشد، خراب می کند. پنجره هایی را که به کوچه باز شود، می بندد. ناودان هایی را که به کوچه ها باشد، از بین می برد. بدعتی نمی ماند، جز اینکه آن را نابود کند و سنتی نمی ماند، جز اینکه برپای دارد».

پی نوشت ها

۱. منتخب الأنوار المضيئة، ص ۲۰۱، الفصل الثاني عشر، علی نبیلی نجفی، نشر خیام، قم، ۱۴۰۱؛ الخرائج و

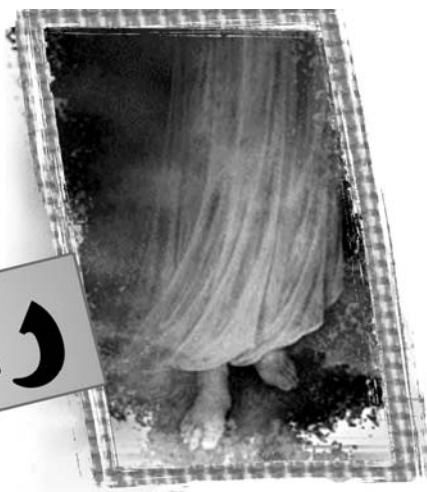
- الجرائج، قطب الدین راوندی، ج ۲، ص ۸۴۱، موسسه امام مهدی^۷، قم، ۱۴۰۹.
۲. الغيبة نعمانی، ص ۲۳۸.
۳. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۹.
۴. الکافی، ج ۱، ص ۲۵؛ کتاب العقل و الجهل، ج ۱۰.
۵. الخصال، ج ۲، ص ۶۲۶؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۰۴.
۶. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۲۱.
۷. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸، (خطبه ملاحم).
۸. الغيبة النعمانی، ص ۲۳۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.
۹. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۶، باب ۴، صفاته صلوات الله علیه.
۱۰. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۹.
۱۱. بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۶۹، باب ۴۱، نصوص الرسول.
۱۲. اعلام الوری، ص ۴۶۲.
۱۳. امام مهدی^۷ از ولادت تا ظهور، ص ۷۵۱.
۱۴. الخرائج والجرائج، ج ۲، ص ۸۳۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۵.
۱۵. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.
۱۶. وسائل الشیعه، ج ۲۵، ص ۴۳۶.



محبوبه عظیم زاده



رجعت



معنای لغوی و اصطلاحی

در لغت «رجعت» مصدر مرّه از ماده «ر ج ع» و به معنای یک بار بازگشت است^۱ و در اصطلاح علم کلام، به این معناست که گروهی از مردگان، مقارن با قیام جهانی حضرت مهدی (عج) و پیش از برپایی رستاخیز، به دنیا باز می‌گردند و از نظر امامیه، عقیده به بازگشت ائمه معصوم^۲ و مؤمنان محض و کافران محض پس از ظهور حضرت ولی عصر (عج) را رجعت می‌نامند؛^۳ همچنان که در حدیث آمده و از رفاعه بن موسی نقل شده است که امام صادق^۷ فرمود: «اولین کسانی که به دنیا برمی‌گردند، حسین بن علی^۷ و یارانش و یزید بن معاویه و یارانش هستند، و همه آنها را از اول تا آخر می‌کشد».^۴ سپس امام صادق^۷ این آیه را تلاوت

فرمود: (ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا)^۵.

رجعت، یکی از عقاید مسلم و تردید ناپذیر شیعه است که بر آیات قرآن کریم و احادیث معصومان^۶ استوار است و از زمان پیامبر اکرم^۹ مورد توجه و تأکید بوده است و با مخالفت‌هایی مواجه بوده؛ تا آنجا که برخی وقوع آن را غیر ممکن می‌دانند، اما فرمان رجعت همانند فرمان ظهور از ناحیه مقدس پروردگار متعال صادر می‌شود.

شیعه با ادله مختلف که برگرفته از قرآن، حدیث، دلیل اجماع و عقل است، رجعت را پذیرفته است و به بیانی، رجعت را «قیامت صغرا» می‌داند، ولی رجعت را شیعه جزء اصول دین نمی‌داند و منکر آن را کافر ندانسته است،^۸ اما این مسئله به قدری دارای



چنین روزی بعضی از اولیای الهی و برخی از دشمنان خدا که از دنیا رفته‌اند، رجعت خواهند کرد. با این توضیح، روشن است که زمان دقیق رجعت را با ذکر سال و ماه و روز آن نمی‌توان معلوم کرد،^۹ اما به طور کلی، بر اساس آنچه از روایات و کلمات علما به دست می‌آید، پیش از رستاخیز و در زمان حکومت حضرت مهدی (عج) اتفاق می‌افتد.

رجعت کنندگان

سید مرتضی (ره) در این باره می‌گوید: «آنچه شیعه به آن اعتقاد دارد، این است که خداوند هنگام ظهور امام زمان (عج) گروهی از شیعیان را که از دنیا رفته‌اند، به دنیا بر می‌گرداند».^{۱۰} با این توضیح روشن شد که رجعت مانند معاد نیست که عمومی باشد، بلکه مخصوص کسانی است که با ایمان محض یا کفر خالص از دنیا رفته‌اند و یکی از شواهد این ادعا، فرمایش امام صادق^۷ است که فرمود: «رجعت عمومی نیست، بلکه جنبه خصوصی دارد و تنها گروهی بازگشت می‌کنند که ایمان یا شرک خالص داشته‌اند».^{۱۱}

از رجعت کنندگان، عده‌ای هستند که در روایات نامشان آمده است و جزء افراد رجعت کننده شمرده شده‌اند که در اینجا اجمالاً اشاره‌ای به آنها می‌شود. مفضل بن عمر از امام صادق^۷ نقل می‌کند که فرمود: «با قائم (عج) ۲۷ نفر از پشت شهر کوفه

اهمیت است که امام صادق^۷ می‌فرماید: «کسی که به رجعت ایمان نداشته باشد، از ما نیست».^{۱۲}

در قرآن نیز درباره این موضوع آمده است: (وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ)^{۱۳}؛ «روزی که از هر امتی، گروهی از کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند، محشور می‌کنیم و آنها بازداشته خواهند شد». مرحوم طبرسی از قول بعضی از اساتید مثل شیخ طوسی می‌گوید: مراد از این آیه رجعت است؛ چون فرموده که گروهی را محشور می‌کنیم، و الا اگر مراد قیامت بود، باید می‌گفت: همه را محشور می‌کنیم؛ چنان که در قیامت همه بدون استثنا محشور می‌شوند: (وَحْشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نَغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا)^{۱۴}؛ «همه را در صف محشر از قبرها برانگیزانیم و یکی فرونگذاریم».

زمان رجعت

روایات گوناگونی که دلالت بر رجعت دارند، در یک معنا با هم اتحاد دارند و آن، این است که سیر نظام دنیایی به سوی روزی است که در آن آیات الهی به بالاترین و کامل‌ترین شکل ظهور خواهد کرد و در آن روز، گناهی وجود ندارد و شیطان قدرت اغواگری نخواهد داشت و همه عبادت‌ها خالصانه برای خدا خواهد بود و حق از باطل جدا می‌شود. در



دفاع از عقیده اسلامی خود، سخت‌ترین شکنجه‌ها را تحمل کردند.

اکنون به معرفی دو تن از این بزرگواران می‌پردازیم.

۱. زبیده

وی همسر هارون الرشید و از شیعیان بود. هنگامی که هارون از عقیده او آگاه گشت، سوگند یاد کرد که او را طلاق دهد. او به انجام کارهای نیک معروف بود. در زمانی که یک مشک آب در شهر مکه یک دینار ارزش داشت، او، حجاج و شاید هم مردم مکه را سیراب کرد. او با کندن کوه‌ها و احداث تونل‌ها، آب را از خارج حرم - از فاصله ده مایلی - به حرم آورد. زبیده، صد کنیز داشت که همگی حافظ قرآن بودند و هر کدام وظیفه داشتند تا یک دهم قرآن را بخوانند؛ به گونه‌ای که از منزل مسکونی او صدای قرائت قرآن، همانند زمزمه زنبورهای عسل بلند بود.^{۱۶} یکی از بانوانی که در عصر حضرت قائم(عج) زنده گردد، احتمالاً این بانو است.

۲. امّ خالد

هنگامی که استاندار عراق، (وسف بن عمر) زید بن علی را در شهر کوفه به شهادت رسانید، دست امّ خالد را نیز به جرم شیعه بودن و تمایل به قیام زید قطع کرد. ابوبصیر می‌گوید:

خروج می‌کنند، پانزده نفر از قوم موسی که هدایت شدند و به حق گرویدند(اشاره به آیه (وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ)^{۱۲} (دارد)، هفت نفر از اصحاب کهف، یوشع بن نون، سلمان، ابودجانه انصاری، مقداد و مالک اشتر. اینان یاران حضرت مهدی هستند.^{۱۳}

طبری در دلائل الامامة نام سیزده زن را نقل می‌کند که برای یاری رساندن به امام زمان (عج) و مداوای مجروحان و پرستاری بیماران، زنده می‌شوند و نام آنها را امام صادق^۷ بیان داشت و فرمود: «قنواء دختر رشید هجری، ام ایمن، حبابه والیبة، سمیه مادر عمار یاسر، زبیده، امّ خالد احمسیه، امّ سعید حنفیه، صیانه ماشطه و امّ خالد جهنیه».^{۱۴} همینطور در منتخب البصائر از دو زن به نام «وتیره» و «احبشیه» نام برده شده که از اصحاب و یاران حضرت قائم (عج) شمرده شده‌اند.^{۱۵} همچنین در مورد نقش زنان از امام صادق^۷ سؤال شده که فرمودند: «زخمی‌ها را مداوا و از بیماران پرستاری می‌کنند؛ همچنان که همراه رسول خدا^۹ بودند».

روشن است که این افراد هر کدام شایستگی‌هایی دارند و اکثر آنان از آزمون‌های الهی سرافراز بیرون آمده‌اند؛ همچون «صیانه» که مادر چند شهید بود و خود نیز با وضعی جان سوز به شهادت رسید. برخی دیگر چون «سمیه»، در راه



اولین کسی که رجعت می‌کند، امام حسین ^۷ است که این بزرگوار در صبح روز «عاشورا» خطاب به اصحاب خود می‌فرمود: «به خدا سوگند! اگر ما را بکشند، یقیناً بر پیامبرمان وارد خواهیم شد و تا زمانی که خواست خدا باشد، در آن عالم می‌مانیم. سپس من اولین کسی خواهم بود که زمین برایش شکافته می‌شود و همزمان با قیام قائم ما و رجعت امیرالمؤمنان ^۷ و زندگی مجدد رسول الله ^۹، رجعت خواهیم کرد».^{۲۵}



امکان رجعت

رجعت مانند محشور شدن در قیامت است. همان خدایی که همه را در قیامت محشور می‌کند، برای رجعت عده‌ای را برمی‌گرداند. در طول تاریخ نیز بارها مردن و زنده‌شدن و برگشتن اموات دیده شده است. در قرآن آمده: «شخصی از بنی اسرائیل که کشته شده بود، زنده شد».^{۲۶} همچنین در قرآن

خدمت امام صادق ^۷ بودیم که ام خالد با دست بریده شده آمد. حضرت فرمود: «ای ابا بصیر! آیا میل داری سخن ام خالد را بشنوی؟» عرض کردم: آری و به آن شادمان می‌گردم. ام خالد نزد حضرت مشرف شد و سخنانی عرضه داشت. من او را در کمال فصاحت و بلاغت یافتیم. حضرت ^۷ نیز در مسئله ولایت و برائت از دشمنان با او سخن گفت.^{۱۷} آری، آنان دلسوختگانی هستند که با رشادت‌های خود ثابت کردند که می‌توانند گوشه‌ای از بار سنگین حکومت جهانی اسلام را بر دوش کشند. امام صادق ^۷ در روایتی دیگر فرمودند:

«امام حسین و یاران شهیدش جزء رجعت کنندگان هستند».^{۱۸}

در روایات، افراد ذیل هم در شمار یاران آن حضرت ذکر شده‌اند:

۱. کسانی که چهل صباح «دعای عهد» را بخوانند؛^{۱۹}

۲. کسانی که هر شب سوره «اسراء» را قرائت کنند؛^{۲۰}

۳. هر کس شبیه سلمان فارسی باشد در عمل؛^{۲۱}

۴. همه شهیدان اسلام؛^{۲۲}

۵. همه مؤمنان خالص؛^{۲۳}

۶. پیامبران نیز در روایات متعددی جزو

رجعت کنندگان اند. عده‌ای با امام حسین ^۷ و بقیه مستقلاً رجعت می‌فرمایند.^{۲۴}



برگشتن عزیر پیامبر^۷ بعد از صد سال به زندگی آمده است.^{۲۷}

قدرت بی‌نهایت خداوند ایجاب می‌کند همان گونه که توانسته است انسان را از نطفه به وجود آورد، پس از مردن نیز بتواند او را دوباره زنده کند؛ زیرا قدرت خدای متعال بر همه ممکنات احاطه دارد و احدی از پیروان ادیان آسمانی در این امر تردید ندارد.

بنابراین اگر کسی بخواهد امکان رجعت را انکار کند، باید به یکی از دو امر گردن نهد: یا قبول کند که زنده شدن مردگان حتی در روز رستاخیز به طور کلی محال است، که التزام به این امر، مخالف اصل پذیرفته شده عقلی و دینی معاد است. یا اینکه قدرت خداوند را در مورد زنده کردن مردگان نفی کند؛ در حالی که هیچ شکی در قدرت خداوند وجود ندارد و این مطلب در امت‌های گذشته بارها رخ داده است.

با توجه به اینکه هیچ دلیل متقنی بر ناممکن بودن رجعت وجود ندارد، انکار آن بدون دلیل سفسطه و برخلاف اصول مسلم فلسفه است.

در حقیقت این بحث در ذیل مباحث قیامت قرار می‌گیرد و به همان دلایلی که روز رستاخیز ثابت می‌شود، امکان رجعت هم قابل اثبات است. علاوه بر آن، ادله جداگانه‌ای هم دارد. بنابراین هر گونه تردید در مورد امکان رجعت، در واقع تردید در مورد قیامت است.^{۲۸}

آیت الله مکارم شیرازی می‌گوید: بدون تردید احیای گروهی از مردگان در این دنیا، از محالات نیست؛ همان طوری که احیای جمیع انسان‌ها در قیامت کاملاً ممکن است ... و سخریه در برابر آن همانند سخریه در مورد معاد است؛ چرا که عقل چنین چیزی را محال نمی‌بیند و قدرت خدا آن چنان وسیع و گسترده است که همه این امور در برابر آن سهل و آسان است.^{۲۹}

علاوه بر این، بهترین دلیل بر امکان یک چیز وقوع آن است؛ چنان که قرآن کریم بازگشت گروهی از مردگان امت‌های گذشته را بیان فرموده است. کیفیت رجعت را هم این گونه می‌توان بیان کرد که خداوند در رجعت انسان‌ها را با همان صورت انسان کاملی که قبلاً بوده، بر می‌گرداند و این گونه نیست که رجعت‌کنندگان دوباره تولد پیدا کنند؛ زیرا محال است چیزی که بوده و به کمال رسیده، دوباره به عدم برگردد.^{۳۰}

فلسفه رجعت

با استفاده از آیات و روایاتی که در باب رجعت وارد شده است، به چند حکمت اشاره می‌کنیم:

۱. رسیدن به تکامل

از آنجا که عده‌ای از مؤمنان خالص به خاطر موانع و مرگ‌های غیرطبیعی از ادامه این مسیر معنوی (تکامل مطلوب) بازمانده‌اند، حکمت خدای



۳. یاری دین

دین اسلام بر همه ادیان غلبه می‌یابد و حکومت عدل الهی به دست توانمند و با کفایت قائم آل محمد (عج) جهانی می‌شود. خداوند می‌فرماید: «همانا فرستادگان خویش و مؤمنان را در دنیا و روزی که شاهدان برخیزند، یاری خواهیم کرد».^{۳۰} از ظاهر این آیه استفاده می‌شود که این نصرت دسته جمعی انجام می‌شود، نه به صورت فردی، و از آنجا که چنین نصرتی تا کنون تحقق پیدا نکرده است، قطعاً در آینده تحقق خواهد یافت؛ زیرا وعده الهی تخلف ناپذیر است. لذا امام صادق^۷ در تفسیر آیه می‌فرمایند: «به خدا سوگند، این نصرت در رجعت است؛ چرا که ائمه و بسیاری از پیامبران^{۳۱} در دنیا کشته شدند و کسی آنها را یاری نکرد. این مطلب در رجعت تحقق خواهد یافت».^{۳۲}

۴. انتقام و قصاص مستقیم

افرادی در این دنیا بوده‌اند که از تمامی حقوقشان محروم گشته و مظلومانه به قتل رسیده‌اند، بدون اینکه حق آنان گرفته شود. از حکمت‌های رجعت این است که خداوند هر دو طرف را به دنیا بر می‌گرداند تا شخص مظلوم، داد خود را از ظالم بگیرد. از امام کاظم^۷ نقل شده که فرمود: «مردمی که مرده‌اند، به دنیا بازگشت خواهند کرد تا انتقام خود را بگیرند. به هر کس آزاری رسیده، او به مثل آن قصاص می‌کند و هر کس خشمی دیده،

حکیم ایجاب می‌کند که آنان به دنیا برگردند و سیر تکاملی خود را به پایان برسانند. امام صادق^۷ می‌فرماید: «هر مؤمنی که کشته شده باشد، به دنیا برمی‌گردد تا (بعد از زندگی مجدد) به مرگ طبیعی بمیرد و هر مؤمنی که مرده باشد به دنیا بر می‌گردد، تا کشته شود (و به ثواب شهادت برسد)».^{۳۱}

۲. کیفر دنیوی

گروهی از منافقان سرسخت علاوه بر کیفر خاص خود در رستاخیز، باید به مجازات‌هایی در این جهان برسند؛ نظیر عذاب‌هایی که بعضی از اقوام سرکش دیدند. آیه (وَحَرَامٌ عَلَى قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ)^{۳۲}؛ «حرام است بر شهرهایی که در اثر گناه نابودشان کردیم، بازگردند. آنها هرگز باز نمی‌گردند»، اشاره به این معنا دارد؛ چرا که عدم بازگشت را در مورد کسانی می‌گوید که در این جهان به کیفر شدید خود رسیده‌اند و از آن روشن می‌شود گروهی که چنین کیفرهایی ندیده‌اند، باید بازگردند و مجازات شوند.^{۳۳}

بنابراین، هدف از بازگشت مجدد این دو گروه (مؤمنان و منافقان)، تکمیل سیر تکاملی برای دسته اول و تنزل به پست‌ترین درجه ذلت برای دسته دوم است و از اینکه رجعت عمومی نیست و اختصاص به مؤمنان و کافران محض دارد، روشن می‌شود که این دو مورد از حکمت‌های اصلی رجعت است.^{۳۴}



آفریدگار توانا در ضمن نشان دادن نور وجود حضرت مهدی^۷ فرمود: «بذلک القائم أنتقم منهم»؛^{۳۶} به سبب این قائم از قاتلان حسین^۷ انتقام خواهم گرفت».^{۴۰}

هدف رجعت؛ انتقام یا اصلاح؟

اولاً، حکومت امام مهدی(عج) به منظور اقامه عدل و قسط جهانی، همراه یاران مؤمن و توانمند و دارای عقلانیت کامل، آغاز می شود و با زبان تبلیغ و جهاد علمی قبل از جهاد نظامی، با رویکرد صلح طلبانه همچون پیامبر^۹ به ترویج دین اسلام و دعوت به آن می پردازد. در این میان وجود افراد جنگ طلب که با انگیزه های ظالمانه دست به ستیز مسلحانه و ایجاد ناامنی می زنند، قهر و انتقام الهی را می طلبد. از این رو، اولین هدف حکومت مهدی^۷ دعوت به صلاح و صلح، و آخرین گزینه او قیام مسلحانه است؛ چرا که همواره مهر امام بر قهر او غلبه دارد. از سویی هم این جنگ کاملاً ناخواسته است و امام را در این جنگ وادار به مقابله به مثل خواهد کرد.

امام مهدی^۷ بسان پیامبر^۹ نهضت خود را با دعوتی آشکار آغاز می کند و همانند پیامبر به انهدام انحرافات و جهالت ها می پردازد. بنابراین روح اسلام با برنامه های متعالی خود همواره در پی صلح و

مانند آن انتقام می گیرد و کسی که کشته شده، برای تقاص خون خود بر می خیزد. برای این منظور، دشمنان آنان نیز به دنیا بر می گردند تا مظلومان، خون ریخته شده خود را تلافی کنند و بعد از کشتن آنها سی ماه زنده می مانند، سپس همگی در یک شب می میرند؛ در حالی که انتقام خون خود را گرفته اند و دل هایشان شفا یافته است. دشمنان آنها به سخت ترین عذاب دوزخ مبتلا می شوند».^{۳۷}

۵. انتقام امام زمان از دشمنان

انتقامی که به حضرت نسبت داده شده، به معنی مجازات کردن و کیفر دادن سردمداران کفر و نفاق و شرک است، نه به معنی کینه توزی و فرونشاندن هوا و هوس های درونی. امامان معصوم ما از چنین هوس هایی پاکیزه هستند. انتقام به معنی کیفر، هیچ منافاتی با مقام امام^۷ ندارد؛ همان طور که خداوند هم از مجرمان انتقام می گیرد و این گونه انتقام به معنی مجازات در برابر کارهای ناشایست است و به هیچ وجه در آن کینه توزی مطرح نیست.

یکی از لقب های امام عصر(عج) «منتقم» است.^{۳۸} اگر او نمی توانست دشمنان اسلام را کیفر دهد یا در برنامه او انتقام وجود نداشت، هرگز چنین لقبی به او نمی دادند. در روایتی آمده است که: وقتی در روز عاشورا امام حسین^۷ و اصحابش به دست یزیدیان به شهادت رسیدند، ملائکه الهی بسیار ناراحت شدند و به درگاه خداوند شکایت بردند.



دوستی و مداراست، نه جنگ و خون‌ریزی و ناامنی.^{۴۱}

ثانیاً، افراد مؤمن، یک عمر تحت فشار طاغوت به سر برده و ناراحتی‌هایی را متحمل شده و بدون انتقام و قصاص از دنیا رخت بر بسته‌اند. از این رو، هرچند طاغوتیان به سزای اعمالشان می‌رسند، اما انتقام از آنان در مقابل چشم مظلومان نبوده و ناراحتی آنها بر طرف نشده است. پس این احتمال می‌رود که خداوند برای تسلی خاطر آنان، ظالمان را زنده گرداند و گوشه‌ای از عذاب را در پیش چشم مؤمنان به آنان بچشاند و این خود مضمون روایتی است که می‌فرماید: «یرجع المؤمن لزيادة الفرح و السرور و الكافر لزيادة الغم و الهم».

ثالثاً، یکی از آرزوهای هر مسلمان این است که در رکاب پیامبر اکرم^۹ و امامان معصوم^{۱۰} باشد که در رجعت، مؤمنین خالص به این آرزو می‌رسند.^{۴۲}

فواید رجعت

فواید رجعت بسیار است که بعضی را اهل بیت^{۱۱} در تفسیر آیات قرآن برای ما بیان فرموده‌اند و بعضی از آن فواید هم منحصر به حکمت الهی است که علم ما به آن معطوف نگردیده است، که ما اجمالاً به چند فایده رجعت می‌پردازیم.

فایده اول: تحقق وعده الهی طبق آنچه در قرآن کریم بیان فرموده است و آن، اقامه حکومت

مستقیم بر اهل زمین و جبران محرومیت آنها از حقوق واقعی و مسلمی است که ظالمان، غاصب آن بوده‌اند؛ همان گونه که امام صادق^۷ به مفضل فرمود:

«ای مفضل! اگر شیعیان ما در قرآن تدبر کنند، در فضیلت ما شک نکنند. مگر نشنیده‌ای این آیه را که (وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ)^{۴۳}. (سپس حضرت فرمود:) والله که تنزیل این آیه در بنی اسرائیل است و تأویلش (تفسیرش) در رجعت ما اهل بیت^{۱۲} است».

فایده دوم: خوشحالی مؤمنان در مقابل عذاب و گرفتاری دنیا برای منکران اثمه^{۱۳} و صاحب الامر^۷.

فایده سوم: اینکه رجعت، مقدمه‌ای برای قیامت و روز رستاخیز است.

فایده چهارم: اثبات این مدعا که اگر کافران را دوباره به دنیا برگردانند، آنها باز به انکار حق و روش خود ادامه خواهند داد و ایمان نخواهند آورد و حجت بر آنها تمام می‌گردد.

فایده پنجم: اثبات این مدعا که حق، همیشه پیروز و باطل، نابود شدنی است، و این موضوع را زمان روشن خواهد کرد و پیروزی حق، با رجعت ثابت می‌شود.

فواید دیگری هم وجود دارد که دانش امروز به آن پی نبرده است.^{۴۴}



پایان رجعت

از حدیث مفصل بن عمر بر می‌آید که پایان رجعت، قیامت است، با همه اوصافی که خداوند در قرآن برایش ذکر کرده است.^{۴۵}

پی‌نوشت‌ها

۲۳. غافر/۵۱.
۲۴. الشیعه و الرجعة، ج ۲، ص ۹۲.
۲۵. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۳.
۲۶. بقره/۷۳.
۲۷. بقره/ ۲۶۰.
۲۸. معارف مهدوی، دبیرخانه دائمی اجلاس دو سالانه بررسی ابعاد وجودی حضرت مهدی(عج)، ص ۲۴۴.
۲۹. تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۶.
۳۰. الهیات، جعفر سبحانی، ج ۴، ص ۲۹۲.
۳۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۴۰.
۳۲. انبیاء/۹۵.
۳۳. تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۶۰.
۳۴. رجعت، محمدرضا ضمیری، ص ۵۵.
۳۵. مؤمن/۵۱.
۳۶. الزام الناصب، علی یزدی حائری، قم، موسسه مطبوعاتی حق بین، ۱۳۹۷ق.
۳۷. مهدی موعود، علی دوانی، (ترجمه ج ۱۳ بحارالانوار، ص ۱۱۸۸).
۳۸. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶.
۳۹. همان، ج ۳۷، ص ۲۹۴.
۴۰. معارف مهدوی، ص ۲۴۶ - ۲۵۰.
۴۱. همان، ص ۲۵۳ و ۲۵۴.
۴۲. ۲۰۰ پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان(عج)، ص ۲۷۵.
۴۳. قصص/۵.
۴۴. ۲۰۰ پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان(عج)، ص ۲۷۷ و ۳۷۸.
۴۵. ظهور نور، ترجمه‌ای از کتاب الشمووس المضيئه، علی سعادت پرور، مترجم: سیدمحمد جواد وزیري فرد، ص ۲۵۷.

۱. لسان العرب، ابن منظور، ج ۸، ص ۱۱۴.
۲. رجعت از نظر شیعه، نجم الدین طیبی، ص ۱۵.
۳. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۷۶.
۴. اسراء/۶.
۵. ۲۰۰ پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان(عج)، سید جعفر موسوی نسب، ج ۲، ص ۲۷۶.
۶. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۲.
۷. نمل/۸۳.
۸. کهف/۴۷.
۹. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۹.
۱۰. همان، ص ۱۳۸.
۱۱. همان، ج ۵، ص ۳۹.
۱۲. اعراف/۱۵۹.
۱۳. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۰.
۱۴. دلائل الامامة، ص ۴۸۴.
۱۵. بیان الائمه، ج ۳، ص ۳۳۸.
۱۶. تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۰.
۱۷. معجم رجال الحديث، ج ۱۴، ص ۲۳، ۱۰۸ و ۱۷۶.
۱۸. بصائر الدرجات، ص ۴۸.
۱۹. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۵.
۲۰. معجم احادیث امام مهدی(عج)، ج ۵، ص ۱۲۲.
۲۱. دلائل الامامة، ص ۲۳۷.
۲۲. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۱۲؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲۹۵.



جواد محدثی

رفته است. بارها سخن از حرکتِ تمهیدی و زمینه سازی به میان آمده و از کسانی که بستر ظهور آن دولت کریمه را فراهم می‌سازند، ستایش شده است. پرچم‌های کوچک عدالت‌خواهی و حق‌گستری، باید در پیش‌درآمد آن حکومت حق برافراشته شود تا به امر و اذن پروردگار عالم، نوبت آن رسد که آن «پرچم بزرگ عدالت» برافراشته گردد و جهانیان در سایه آن شیرینی عدل را بچشند.

ای شمع جهان افروز، بیا
وی شاهد عالم سوز، بیا
ای مهر سپهر قلمرو غیب
شد روز ظهور و بروز، بیا^۱

حرکت تمهیدی

«مُتَمَهِّدین»، یکی از عنوان‌هایی است که در متون دینی برای یاران حضرت مهدی^۷ به کار



دولت طلّیعه

عمل به قرآن، داوری به حق، تن دادن به عدالت و تلاش برای قسط و داد، معیار صدق در این ادّعاست و هر کس می‌تواند خود را با این معیار محک بزند. نظام جمهوری اسلامی و خدمتگزاران مردم در این نظام و دولت، به میزان تطابق با شاخصه‌های حکومت مهدوی، می‌توانند مدّعی باشند که در طلّیعه آن دولت‌اند و «دولت طلّیعه»‌اند.

یاد کنیم از امام راحل (قدس سره) که بارها رسالت منتظران و تکلیف مردم و مسئولان را خاطرنشان کرد و فرمود:

«ما منتظران مقدم مبارکش، مکلف هستیم تا با تمام توان کوشش کنیم تا قانون عدل الهی را در این کشور ولیّ عصر حاکم کنیم».^۲

و در پیوند این انقلاب با حکومت مقدس آن حضرت فرمود:

«انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام، به پرچمداری حضرت حجّت - ارواحنا فداه - است».^۳

چگونه می‌توان به تکالیف این طلّیعه بودن عمل کرد و مقتضیات آن را شناخت و انگیزه خدمت در این مسیر یافت؟

وقتی که حاکمان، حکومت را طعمه شمارند.

انتظار سبز امت محمدی در این سرزمین، به حکومت روشن مهدوی خواهد پیوست و آن «بقیّة الله» که ذخیره الهی و میراث دار همه پیامبران و تحقق بخش همه وعده‌های انبیا در طول اعصار است، مسرّت منتظران را به کمال خواهد رساند، و چه افتخاری بالاتر از آنکه عده‌ای در مدار و محور آن دولت نور قرار گیرند؟ مهم آن است که در چرخه «تمهید» و زمینه سازی برای آن «تجلی اعظم عدل»، سهمی و نقشی داشته باشیم.

آنچه در دعا‌های خاص امام زمان ^۷ برای بازگشت به دنیا و رجعت در عصر ظهور درخواست شده، گوشه‌ای از همین آرزوی تمهیدی و عشق به خدمتگزاری در راه آن جلوه نور است و کسانی به این فوز و فیض نایل می‌شوند که در زندگی‌شان، روشی تمهیدی داشته باشند.





شهر انتظار

اگر آن عصر آرمانی را «شهر انتظار» بنامیم، برای ورود به آن «گذرنامه» ای خاص لازم است؛ مجوزی که از صبر و ثبات و قیام و اقدام و امید و تلاش نشئت می‌گیرد.

چشم به راهان سپیده‌ ظهور، در پیشانی صبح فردا، ظهور مصلحی را می‌بینند و می‌خوانند که از تبار رسولان و پیامبران و امامان است و ادامه دهنده راه و گشاینده همان آفاق و پیگیر همان اهداف. چراغ هدایت بشر را در دست دارد و پرچم عدالت گستری را بر دوش و یاران صادق و مؤمن را همراه. اگر او مسیح گونه می‌آید تا شفا بخش دردها را گردد، و پیامبر گونه می‌آید تا خرافات و جهالت‌ها را بزدايد، و علی گونه ظهور می‌کند تا ذوالفقار عدالت برکشد و سایه خجسته قسط را بگستراند، و حسین گونه می‌آید تا نسل ابوسفیان و رگ و ریشه یزیدیان را از بیخ برکند و شور حماسه در جهان بیفکند و منتقم خون شهیدان کربلا باشد، این خط و نشان در باور و بینش و موضع و رفتار منتظران و زمینه سازان هم باید باشد، و گر نه تعارض میان رفتار کنونی و آن امید و نوید به آینده آرمانی، نشان عدم صداقت است.

انتظار آن موعود، محور تجمع و همدلی دل‌سوختگانی است که از سیطره ستم بر سرنوشت

وقتی که دست اندرکاران و مسئولان، به امانت بودن مسئولیت اجرایی و تبلیغی و فرهنگی و تقنینی و قضایی خویش، آن هم به نیابت از آن حجت الهی توجه داشته باشند و صاحب اصلی حکومت را ناظر خویش بدانند.

باز هم سخنی از امام امت:

«امام زمان⁷ مراقب ما هستند، مراقب روحانیت هستند که چه می‌کنند اینها؟ امروز که اسلام به دست آنها سپرده شده و تمام عذرهای منقطع شده است...»^۸

گر چه از دید ما، «حکومت» حق خدا و پیامبران و اولیای الهی و حجج پروردگار است، ولی در عصر غیبت که «ولی فقیه» حکومت تشکیل می‌دهد، به عنوان «نایب امام زمان» است و اگر دیگران هم کاری در دست و باری بر دوش و مسئولیتی بر عهده دارند، از آنجا که نظام ما مبتنی بر ولایت، است با این پشتوانه مشروعیت یافته‌اند.

راستی، اگر حضرت مهدی⁷ به نقد و ارزیابی عملکردها بپردازد، کدام پرونده است که در عمل، رضایت خاطر او را تأمین کند؟ و کدام مسئول است که بتواند به آن حضرت گزارش کار بدهد و روسفید باشد و بداند که «مقبول» افتاده است؟

تکلیف «دولت طلعه» بسی سنگین است و خدمت صادقانه در آن، نیز بسی افتخار.



انسان‌ها به ستوه آمده‌اند و در دروازه «شهر انتظار»، چشم به افق ظهور دوخته‌اند و آماده هر گونه فداکاری در راه اهداف آن منجی‌اند.

ساکنان شهر انتظار، دل‌های سپید و روشنی دارند که زندگی‌ها آنان را نیز گرم و آفتاب‌گون می‌سازد.

طلیعه‌داران آن دولت حق، با هم مهربان و همدل‌اند و بر ضد دشمنان عدالت، همدست و همراه‌اند.

عشقشان، برپایی آن «جامعه آرمانی» است که «دولت مهدوی» نام دارد و تلاش آنان، زمینه‌ساز برپایی و شکل‌گیری آن «مدینه موعود» است و خود را وقف آن می‌سازند و همه نیروهای فکری، جسمی و اجتماعی خود را در این راه صرف می‌کنند تا انتظار راستین خود را اثبات کنند.

درست است که خداوند، حامی و یاور آن موعود و زمینه‌ساز آن دولت کریمه است، ولی جهاد ممهّدانه و تلاش زمینه‌ساز برای آن شرایط را هم نباید از چرخه عمل منتظران حذف کرد و از آنان «تماشاگر» ساخت. امام صادق^۷ می‌فرماید:

«در دوران حکومت حضرت مهدی^۷، عیسی مسیح از آسمان فرود می‌آید و پشت سر آن حضرت نماز می‌خواند. هم اوست که «دجال» را می‌کشد و خدای متعال، شرق و غرب جهان را به دست آن

امام موعود می‌گشاید و حکومت او که حکومت عدالت است، تا دامنه قیامت امتداد می‌یابد».

این نویدها و امیدها، بر سر در «دیار منتظران» نقش بسته است و در دل آنان نیز.

اگر وارد «شهر منتظران» شویم، آنجا که همه چشم به راه آن خورشید عدالت‌اند و خود را آماده دیدارش کرده‌اند، با کسانی رو به رو می‌شویم که صبح و شامشان تلاش خالصانه و ممهّدانه است، سلحشور و با غیرت‌اند، متحد و یکدل‌اند، مساجدشان آباد از عبادت و فرهنگشان متعالی است؛ فرهنگ جهاد و شهادت.

گویا سخن گویی، آنجا را چنین تصویر می‌کند: «... اینجا شهر منتظران است و چشم‌به‌راهان. می‌خواهیم در احوال آنان بنگریم و لذت ببریم، روح و روحیه بگیریم و امید اندوزیم. پر شویم و گسترش یابیم و عمق پذیریم، ایمان استوار داریم و خویشتن انسانی خویش باز یابیم و بر عظمت والای انسان نماز ببریم. باید حوزه منتظران مهدی موعود، پاسخ‌گوی آنچه یاد شد، باشد و هنوز بهتر و بالاتر...»^۸.

راستی... تکلیف ما در ساختن شهر منتظران چیست؟

ویژگی ساکنان آن، کدام است؟



اخلاق والا به دست می‌آید. به فرموده حضرت صادق ^۷ :

«مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلِ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ»^۷ هر کس دوست دارد از یاران حضرت قائم ^۷ باشد، پس چشم به راه و منتظر باشد و با پرهیزکاری و اخلاق شایسته عمل کند؛ در حالی که منتظر است.

روایات معصومین : می‌گوید:

وقتی آن واپسین ذخیره عرشی، آن «بقیة الله» برای نجات فرشیان و خاکیان ظهور کند و وعده حق برای موعود امت‌ها تحقق یابد؛ آن روز، روز خوش صالحان و پاکان است و روزی سخت بر ستمگران و حریم شکنان و کافران. این، همان «فرج» و گشایشی است که برای عموم مردم گیتی و به ویژه برای صالحان و خوبان، مژده داده شده است.

ولی برای رقم خوردن آن روز خجسته و نورانی، اهل انتظار هم باید گام پیش گذارند و از خود، ایثار و جهاد و تلاش شبانه‌روزی نشان دهند و با ظلم و بی‌عدالتی بستیزند و حق را حاکم سازند. در یکی از سلام‌ها و صلوات‌ها به ساحت آن ولی الله اعظم، چنین می‌گوییم:

و آیا ما ساکن «شهر انتظار» یم؟ یا بیرون از آن؟

امام کاظم ^۷ شخصیت شیعه منتظر و شهروند دیار انتظار را این گونه معرفی می‌کند:

«طوبی لشیعتنا، المتمسکین بحُبِّنا فی غیبة قائمنا، الثابتین علی موالاتنا و البرائة من أعدائنا، أولئك منا و نحن منهم...»^۸ خوشا به حال پیروان ما، آنان که در دوران غیبت قائم ما، به محبت و دوستی ما پایبندند و بر این پیوند همبستگی با ما، و برائت و بیزاری از دشمنانمان استوار و ثابت قدم‌اند، آنان از مایند و ما از آنانیم...».

این حفظ مواضع و ثبات قدم در باور و عقیده و حرکت در جبهه ولایت امامان، از ویژگی‌های مردم آن دوره و شیعیان خالص به شمار آمده است.

تفکر «مهدی باوری» و «مهدی گرایی»، عصر غیبت را هم به رنگ عصر حضور در می‌آورد و حضور پنهانی آن آفتاب پرده‌نشین، بر زندگی‌ها سایه ایمان و معنویت می‌افکند و زمینه ساز «دولت طلعه» می‌شود.

کسب آمادگی

مشتاقان آن «حاضر عصر غیبت» هم می‌کوشند شایستگی‌های آن دوران را در خویش و جامعه فراهم آورند. این لیاقت در سایه پاکی و تقوا و



«... خدایا، بر آن امام غایب و حجت قائم که منتظر فرمان توست، درود فرست.

خدایا، وعده‌اش را قطعی، دوری‌اش را نزدیک و غیبتش را بر طرف گردان.

خدایا، با ظهورش محنت‌ها را برطرف ساز و رعب او را در دل دشمنان بیفکن.

خدایا، او را با لشکریانی از ملائکه تأیید کن و بر دشمنان دین خود مسلط و پیروز گردان.

خدایا، به او الهام بخش، تا ستم‌ها را از میان بردارد و کاخ‌های بیداد را ویران سازد، کوه‌ها و بیابان‌ها را در نوردد و گنج‌های نهان را استخراج کند».^۸

در این فقرات از دعا، هم چشم‌انداز امید بخش آن دوران دیده می‌شود، هم تکلیف بزرگ مهدی باوران منتظر روشن می‌گردد.

یکی از اصحاب به امام صادق^۷ می‌گوید: مردم می‌گویند اگر مهدی^۷ قیام کند، کارها همین طور و خود به خود برای او جور و مهیا می‌شود و به اندازه یک حجامت هم خون ریخته نمی‌شود.

حضرت در پاسخ می‌فرماید:

«به خدا سوگند چنین نیست. اگر قرار بود کارها به این راحتی برای کسی مهیا شود، برای رسول خدا^۹ می‌شد، آن گاه که دندان‌هایش را شکستند و پیشانی او را خون آلود ساختند. نه، به خدایی که جانم در دست اوست سوگند، کار چنان خواهد بود که ما و شما از پیشانی خود عرق و خون را پاک

کنیم؛ ... کلاً و الذی نفسی بیده حتی نمسح نحن و أنتم العرق و العلق (ثم مسح جبهته)».^۹ وقتی شرایط عصر ظهور آن چنان است، منتظران راستین آن دولت هم از چنین تلاشی بی‌نصیب نباید باشند و این است معنای انتظار.

حضرت صادق^۷ می‌فرماید:

«لِيُعِدَّنَ أَحَدُكُمْ لَخُرُوجِ الْقَائِمِ وَ لَوْ سَهْمًا، فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا عَلَّمَ ذَلِكَ مِنْ نَبِيِّهِ رَجَوْتُ لِأَن يُنْسِيَ فِي عُمُرِهِ حَتَّى يُدْرِكَهُ وَ يَكُونَ مِنْ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ»^{۱۰} هر یک از شما برای خروج و قیام مهدی^۷ امکانات و شرایط را، هر چند یک تیر باشد، فراهم کند، خداوند هر گاه چنین نبیتی را در کسی ببیند و بداند، امیدوارم که عمر او را طولانی کند تا حضرت مهدی را درک کند و از کمک‌کاران و انصار او باشد.

این آماده‌سازی (و نه آماده خواهی)،^{۱۱} از شرایط انتظار مثبت و منتظر واقعی است و هر مجموعه و تشکل و گروه و فردی که داعیه انتظار دارد و مشتاق دیدار است، باید سهمی در این موضوع داشته باشد.

گرچه در روایات است که خداوند، امر فرج آن حضرت را یک شبه به سامان می‌رساند (يُصْلِحُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ)،^{۱۲} اما گام‌ها و اقدام‌های چشم به راهان نیز در شتاب آن «فرج



موعود» موثر است و تمهید و حرکت زمینه‌سازان منتظر، تسریع در ظهور فرج است.

در رکاب دولت کریمه

خوشا آنان که در طلیعۀ «دولت یار»، باری بر دوش بکشند و کاری در خور آن دولت کریمه انجام دهند و عضوی از آن مجموعه نور باشند و جامعه را به سوی آرمان‌های مهدوی فراخوانند.

اگر از نشانه‌های آن دولت، «رشد عقلی و فرهنگی مردم»، «کارآمدی و توانایی یاران او» و «ارتقای سطح معیشتی» و «حاکمیت معیارهای حق» را به شمار آوریم، خصال دست‌اندرکاران «دولت طلیعۀ» نیز روشن می‌شود. در حدیث امام علی^۷ چنین آمده است:

«مهدی^۷ از اصحاب خویش پیمان و بیعت می‌گیرد که سرقت و زنا نکنند، مُحَرَمی را نکشند، حریمی را هتک نکنند، به ناحق بر خانه‌ای هجوم نبرند و کسی را مورد ضرب و شتم قرار ندهند، زر و سیم نیندوزند، گندم و جو احتکار نکنند، مال یتیم نخورند، ندانسته شهادت ندهند، راهزنی نکنند، مساجد را ویران نسازند، از آلودگی‌ها دوری کنند، امر به معروف و نهی از منکر کنند، لباس خشن بپوشند، بر خاک سر نهند و در راه خدا آن گونه که شایسته است، جهاد کنند...»^{۱۳}.

تأکید بر این همه ویژگی برای چیست؟

تا آنان که چشم به دروازه صبح دوخته‌اند و آمدن خورشید نهان را انتظار می‌کشند، با شناخت اوصاف یاران او و ویژگی‌های دولت مهدوی، خود را با آن شرایط وفق دهند و همین کارها و برنامه‌ها را به عنوان «تمهید» و «طلیعۀ» برای آن دولت، انجام دهند، یا دست کم بستر اجرای آنها را فراهم سازند.

باشد که از زمینه‌سازان ظهور باشیم و تلاشگران برای تحقق عصر حضور ...

پی‌نوشت‌ها

۱. مرحوم غروی اصفهانی (کمپانی).
۲. کلمات قصار (مرکز نشر آثار امام)، ص ۴۹.
۳. همان، ص ۴۷.
۴. همان.
۵. خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، ص ۳۹۳، (با تغییراتی اندک).
۶. بحارالانوار، ج ۵۱، ۱۵۱.
۷. همان، ج ۵۲، ص ۱۴۰.
۸. مفاتیح الجنان، صلوات بر حضرت حجت.
۹. غیبت نعمانی.
۱۰. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶.
۱۱. تعبیر استاد محمدرضا حکیمی در «خورشید مغرب».
۱۲. منتخب الأثر، ص ۳۰۰.
۱۳. همان، ص ۴۹۶.



مهمترین شبهات مهدویت

ناصر بهرامی

فرصتی برای تردید. این مسئله را می‌توان از دو منظر مورد بررسی قرار داد.

۱. مادیون

زیست‌شناسان می‌گویند: اگر اختلال‌ها و آسیب‌هایی که به انسان می‌رسد و موجب کوتاهی عمر او می‌شود، رفع گردد، او بسیار عمر خواهد کرد. و برای این مطلب، عوامل طول عمر را بیان کرده‌اند؛ مانند: تغذیه مناسب^۱، خواب مناسب، آرامش روحی^۲، عامل ارث^۳، کم‌خوری^۴، هوای آزاد^۵، سخت‌کوشی^۶، سرما و منجمد ساختن^۷. هر کدام از اینها با بررسی‌های فراوان در مراکز پژوهشی، به اثبات رسیده و گفته شده که انسان و موجود زنده را می‌توان هزاران سال زنده نگاه داشت.^۸ دکتر هارولد مریمن، رئیس انستیتوی تحقیقات پزشکی آمریکا، معتقد است که ۱۹۷ درجه زیر صفر را می‌توان حیات جاودانی نامید.^۹ یک کارشناس انگلیسی می‌گوید: به هم خوردن تعادل ذخیره آهن و مس و منیزیم و پتاسیم و غلبه یکی از آنها بر دیگری، موجب فرارسیدن مرگ می‌شود و به تعبیر سعدی: «چون



مقدمه

در خصوص زندگانی امام زمان(عج) و مقوله «مهدویت» برخی از سؤالات و شبهات مطرح می‌شود که فراگیر و همگانی است، چه از سوی معتقدان و چه منکران. در این نوشتار می‌خواهیم به پرسش‌هایی چون: طول عمر و فلسفه غیبت حضرت مهدی^۷ پاسخ دهیم.

یک: طول عمر

طول عمر حضرت ولی عصر(عج) یک حقیقت قطعی و ثابتی است که نه راهی برای انکار دارد و نه



یکی زین چهار شد غالب، جان شیرین بر آرد از قالب».^{۱۰}

لذا دانشمندان زیست‌شناس با تلاشی بی‌نظیر به مبارزه با مرگ برخاسته، می‌گویند: می‌توان مرگ را یک بیماری دانست و لزومی ندارد که این بیماری کشنده باشد. آنها می‌گویند: آنچه امروز سبب مرگ می‌شود، انواع بیماری‌ها است که تا کنون پزشکان و زیست‌شناسان به شناختن ۴۵ هزار نوع آن موفق شده‌اند و در صدد معالجه آنها برآمده‌اند.^{۱۱} آزمایش‌های مکرر الکسیس کارل، در ژانویه ۱۹۱۲م. ثابت کرده است که اگر مواد غذایی لازم و تمام احتیاجات یک موجود زنده به او برسد، گذشت زمان کوچک‌ترین اثر پیری در او به وجود نخواهد آورد.^{۱۲} گروهی از زیست‌شناسان با تلاش‌های شبانه روزی خود کتاب‌های ارزنده‌ای را تهیه کرده و در زمینه دستیابی به طول عمر، مباحثی ارائه کرده‌اند که چند نمونه از این کتاب‌ها را نام می‌بریم: ۱. امید به یک زندگی نوین، پروفیسور شبش فرانسوی؛ ۲. جاودانیت، تاتان دارنیک؛ ۳. دانش طولانی کردن عمر، گوفلاند روسی.

۲. پیروان ادیان آسمانی

الف) مسلمانان

مسلمانان اعم از شیعه و سنی در باره طول عمر، مباحث قرآنی و روایی و تاریخی را بیان کرده‌اند.

قرآن: در قرآن کریم آیاتی هست که عمر طولانی در امت‌های پیشین را خبر می‌دهد؛ مانند آیه‌ای که می‌فرماید: «ما آنها و پدرانشان را از متاع دنیوی برخوردار ساختیم تا از عمر طولانی بهره‌مند شدند».^{۱۳}

در جای دیگر، قرآن نه تنها از عمر طولانی بلکه از امکان عمر جاویدان خبر می‌دهد؛ آنجا که می‌فرماید:

«اگر او (یونس) در شکم‌ماهی تسبیح نمی‌گفت، تا روز رستاخیز در شکم‌ماهی باقی می‌ماند».^{۱۴} همچنین درباره حضرت نوح می‌فرماید: «او را به سوی قومش فرستادیم. پس ۹۵۰ سال در میان آنها درنگ کرد».^{۱۵}

البته بر اساس روایات، عمر ایشان ۲۵۰۰ سال بوده است که ۹۵۰ سال آن را برای تبلیغ امت خویش صرف کرده است.

روایات: امام حسن^۷ در پاسخ به گروهی که به صلح آن حضرت اعتراض داشتند، به داستان حضرت خضر و موسی اشاره می‌کند، سپس در ذیل حدیث درباره ولایت و غیبت و طول عمر حضرت مهدی^۷ سخن می‌گوید:

«آن حضرت، نهمین فرزند برادرم حسین^۷ و فرزند بهترین کنیزان است. خداوند عمر او را در غیبت طولانی قرار داده است».^{۱۶}



دیگر حکمت‌ها بعد از ظهور آشکار خواهد شد؛ چنان که علت کارهای حضرت خضر برای حضرت موسی معلوم نشد، مگر به هنگام مفارقت آنها از یکدیگر.

۱. ترس از کشته شدن

پیامبر اکرم^۹ می‌فرماید: «لَا بُدَّ لِلْغُلَامِ مِنْ غَيِّبَةٍ»
فَقِيلَ لَهُ: وَلَمْ يَأْخُذْ بِرَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: «يَخَافُ الْقَتْلَ».^{۲۱}

البته در اینجا ترس فردی نیست، بلکه ترس از این است که زمین خالی از حجت الهی شود. بعضی می‌گویند: مگر خدا قدرت حفظ امام را ندارد؟ می‌گوییم: خداوند بر همه کارها احاطه دارد، ولی می‌خواهد امور هستی بر طبق اسباب و از مجرای عادی انجام گیرد و اگر برخلاف این باشد، دنیا دار تکلیف و اختیار و امتحان نخواهد بود.^{۲۲}

۲. مصونیت از بیعت با ستمکاران

حضرت ولی عصر (عج) پیش از رسیدن وقت ظهور و مأمور شدن به قیام، ناچار نمی‌شود که مانند پدران بزرگوارش از راه تقيه با خلفای وقت بیعت کند. امام حسن^۷ می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُخْفِي وَلَادَتَهُ وَ يُغَيِّبُ شَخْصَهُ ، لئَلَّا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا خَرَجَ؛^{۲۳} خدای تبارک و تعالی ولادت او را مخفی می‌کند و شخص او را از دیده‌ها پنهان می‌سازد تا

احادیثی وجود دارد که بر اساس عقیده برادران اهل سنت، حضرت ادريس نیز زنده و در آسمان‌هاست. علاوه بر احادیث به آیه شریفه: (وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا) ؛ «ما او را به جایگاه بس بلند بالا بردیم» نیز استناد می‌کنند.^{۱۷}

احادیث فراوان دیگری از طریق شیعه و سنی دلالت می‌کنند بر اینکه دجال در عصر رسول اکرم^۹ زنده بود و تا ظهور حضرت ولی عصر^۷ زنده خواهد ماند و به دست حضرت کشته خواهد شد.^{۱۸}

ب) تاریخ بشریت: در طول تاریخ، افراد بسیاری بوده‌اند که عمرهای طولانی کرده‌اند که نمونه‌هایی را بیان می‌کنیم: لقمان حکیم ۳۵۰۰ سال؛ ضحاک دوم هزار سال؛ ریان پدر عزیز مصر ۱۷۰۰ سال.^{۱۹}

کسانی هم در عصر کنونی بوده‌اند که عمرهای طولانی داشته‌اند: سید علی کوتاهی ۱۸۵ سال؛ شیخ علی بن عبدالله، حکمران سابق قطر ۱۵۰ سال؛ عباس طاهری ۱۳۱ سال.^{۲۰}

دو: فلسفه غیبت

فلسفه غیبت حضرت ولی عصر^۷ به طور کامل برای ما معلوم نیست، ولی گاه در روایات به مواردی از حکمت‌های آن اشاره شده که ذیلاً بیان می‌شود و



هنگامی که ظهور می‌کند، در گردن او بیعت با کسی نباشد».

۳. جداسازی مؤمنان واقعی

امام صادق ^۷ پس از بیان تأخیر فراوان کیفر قوم نوح ^۷ می‌فرماید: «غیبت قائم ^۷ به طول می‌انجامد تا حق روشن گردد و ایمان محض از تیرگی پاک شود و از شیعیان هر کس سرشت ناپاک دارد و بیم آن هست که اگر از امکانات وسیع و امن و امان گسترده در عهد قائم (عج) آگاه شود، منافقانه رفتار کند، با ارتداد آنها خالص و ناخالص از یکدیگر جدا شود».^{۲۴}

۴. آماده شدن اوضاع جهان

یکی از حکمت‌های غیبت، آمادگی فکری بشر برای ظهور آن حضرت است؛ زیرا روش و سیره آن حضرت، رعایت امور ظاهری و حکم به ظواهر نیست، بلکه او بر اساس واقعیات و بدون تقیه و مسامحه، به احقاق حقوق، ردّ مظالم، برقراری عدالت واقعی و اجرای تمام احکام اسلامی می‌پردازد.^{۲۵}

سه: امامت در کودکی

باید توجه داشت که هر کسی قابلیت و استعداد احراز مقام نبوت و امامت را ندارد، بلکه باید در مرتبه‌های انسانی قرار گیرد تا لیاقت ارتباط با عوالم غیب و دریافت علوم و ضبط آنها را داشته باشد.

رسیدن به چنین شایستگی و لیاقتی، گاهی باید با طی مراحل دشوار سیر و سلوک باشد، اما گاهی این استعداد و امتیاز، ذاتی است. خداوند به سبب همین شایستگی ذاتی امامان معصوم که به آنان اعطا فرموده، گاه در سنین کودکی به آنان مقام امامت را داده است. چنان که حضرت عیسی ^۷ در گهواره با مردم سخن می‌گوید و خود را پیامبری معرفی می‌کند که دارای کتاب است. در سورهٔ مریم، آیه ۲۹ و آیات دیگر اشاره شده که حضرت عیسی ^۷ از همان ایام کودکی به مقام رسالت رسیده است.^{۲۶}

حضرت امام جواد ^۷ نیز در هنگام شهادت پدر، نه یا هفت ساله بود و به این جهت، امامتش مورد تردید برخی از شیعیان واقع شد. اما وقتی آن حضرت به سؤالات فراوانی پاسخ گفت، این تردیدها برطرف شد.^{۲۷}

امام هادی ^۷ نیز شش سال و پنج ماه از سن شریفش گذشته بود که به امامت رسید.^{۲۸}

در میان اطفال عادی هم گاهی افراد نادری دیده می‌شوند که از حیث استعداد و حافظه، نابغه عصر خویش بودند و قوای ادراکی آنان برتر از مردان چهل ساله بوده است. در این زمینه به نمونه‌های فراوانی می‌توان اشاره داشت.



امام حسن عسکری^۷ به امامت رسید، در اکثر اوقات از پشت پرده با مردم سخن می‌گفت تا مردم برای پذیرش غیبت امام دوازدهم مهیا شوند.

علاوه بر این، اگر غیبت کبرا از همان اول صورت می‌گرفت، وجود مقدس امام زمان^۷ مورد غفلت واقع می‌شد و کم‌کم به فراموشی می‌پیوست. بنابراین غیبت صغرا آغاز شد تا شیعیان در آن ایام به وسیله نواب با امام خود تماس داشته و در وجود حضرت تردید نداشته باشند.^{۳۱}

پنج: آیا حضرت مهدی^۷ از ابزار جنگی استفاده می‌کند؟

در روایات کمتر سخن روشنی در این باره به چشم می‌خورد و تنها سلاح مورد اشاره در کلام معصومان: «سیف» (شمشیر) است.^{۳۲}

۱. عده‌ای بر این باورند که استعمال کلمه «شمشیر» در معنای حقیقی و ابزار برنده جنگی خاص است. البته این گروه درباره غالب شدن حضرت با این سلاح بر دشمنان، توجیهات متفاوتی دارند که مهمترین آنها عبارتند از:

الف) بعضی می‌گویند: اگر چه حضرت با شمشیر قیام می‌کند، ولی خداوند در آن شمشیر قدرت و اعجازی قرار داده که تمامی سلاح‌های موجود را مقهور نیروی خود می‌سازد.^{۳۳}

فاضل هندی، تمام علوم معقول و منقول را قبل از سیزده سالگی تکمیل کرده بود و قبل از دوازده سالگی به تصنیف کتاب پرداخت.^{۲۹}

توماس یونگ، از دانشمندان انگلیسی، در کودکی اعجوبه عصر خود به شمار می‌رفت. از دو سالگی خواندن را آموخت و در هشت سالگی به تنهایی به آموختن ریاضیات پرداخت.

سید محمد حسین طباطبایی، در سه سالگی حافظ کل قرآن و نهج البلاغه همراه با مفاهیم گردید.

در پایان این قسمت، به حدیثی از امام باقر^۷ اشاره می‌کنیم که می‌فرماید: «صاحبُ هذا الأمرِ أَصْغَرُنَا سِنًا وَ أَكْمَلُنَا شَخْصًا»^{۳۰} سن حضرت صاحب‌الامر از تمام ما کمتر و نیز گمنام‌تر است.

چهار: چرا از اول امامت، غیبت کبرا شروع نشد؟

غیبت صغرا، زمینه ساز غیبت کبراست. در واقع غیبت اول به منظور آمادگی مردم برای پذیرش غیبت کبرا رخ داد؛ زیرا غایب شدن در زمانی طولانی، امری بس غریب و نامأموس و باور آن برای مردم دشوار است. به همین جهت امام هادی^۷ با مردم کمتر معاشرت می‌کرد و جز با اصحاب خاص خود با کسی ارتباط نداشت. وقتی



پیامبر است» و وقتی چنین شد، نمادین بودن آن مشکل خواهد بود.^{۳۵}

البته هر کدام از اینها به دسته‌ای از روایات استشهد می‌کنند و عمدتاً دلیل این گروه این است که علت استفاده از سلاح‌های ساده همچون شمشیر - بر خلاف بهره‌گیری از سلاح‌های پیشرفته - عادلانه بودن مبارزه با آن است.

۲. دسته‌ای دیگر بر این اعتقادند که: شمشیر در این روایات، کنایه از قدرت و نیروی نظامی است. این گروه شواهد متعددی بر این ادعا ذکر می‌کنند؛ همان گونه که کلمه «قلم» کنایه از علم و فرهنگ است. ولی آنچه ایشان را به این قول وادار کرده، پیشرفت روز افزون تجهیزات نظامی و فناوری دفاعی است. از آنجا که صاحبان این قول نتوانسته‌اند بین شمشیر و سلاح‌های فوق پیشرفته نسبتی بر قرار کنند، به چنین توجیهی دست زده‌اند. آنان شمشیر را نماد قدرت و جهاد مسلحانه

دانسته، می‌گویند: هر ابزاری که قدرت حضرت را به نمایش بگذارد، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.^{۳۶}

۳. با توجه به تکامل خارق العاده علم در آن زمان، ممکن است سلاح‌هایی فراهم آید که هرگز در تصور انسان‌های امروز قابل درک نباشد، بنابراین، آن به اهلش و گذاشته شده است.

ب) دسته دیگر می‌گویند: خداوند در عصر ظهور تمامی تسلیحات پیشرفته را از کار انداخته، مردم به ناگزیر در جنگ از همان سلاح‌های ابتدایی (شمشیر و مانند آن) استفاده می‌کنند و بنابراین حضرت مهدی^۷ با همان شمشیر می‌جنگد.

ج) به رغم آنکه تمامی تسلیحات در اختیار حضرت قرار می‌گیرد، ولی از آنجایی که استفاده از آنها به ناگزیر ظالمانه نیز خواهد بود، حضرت تنها از سلاح شمشیر بهره خواهد برد؛ زیرا یکی از خصوصیات مهم و اساسی قیام و حکومت حضرت «عدالت» و «دادگری» است و در بسیاری از روایات از ایشان به عنوان مظهر و تجلی کامل عدالت یاد شده است، و یکی از اهداف ادیان الهی و به خصوص اسلام و مذهب شیعه، حاکمیت بخشیدن به صلح و آرامش در جامعه جهانی است تا در سایه آن، همه افراد بشر به کمال انسانی خویش دست یابند.

د) برخی دیگر گفته‌اند: به سبب جنگ‌های خونین فراوانی که در آستانه ظهور به وقوع می‌پیوندد، تمامی سلاح‌های پیشرفته از بین خواهد رفت و از آن پس، در جنگ تنها از ابزارهای ساده استفاده می‌شود.^{۳۷}

یکی از دلیل‌های این جمع، این است که روایات فراوانی می‌گوید: «شمشیر آن حضرت همان شمشیر



ضمن اینکه قیام آن حضرت، قیامی است متکی بر قدرت الهی، و آن قدرتی است فوق حد تصور که فرشتگان الهی هم همه به یاری وی می‌پردازند. البته در برخی کتب آمده: زمان قیام، سلاح‌های پیشرفته از کار می‌افتد. آنچه متیقن است، اینکه قدرت الهی در قیام امام زمان^۷ متجلی می‌شود.

شش: آیا بعد از ولی عصر^۷ قیامت برپا می‌شود؟

از روایات «رجعت» استفاده می‌شود که نخستین کسی که برای فرمانروایی جهان پس از شهادت حضرت مهدی^۷ رجعت می‌کند، امام حسین^۷ است. امام صادق^۷ فرموده‌اند: «نخستین کسی که زمین برای او شکافته می‌شود و به روی زمین رجعت می‌کند، حسین بن علی^۷ است».^{۳۷}

بر طبق روایات، امام حسین^۷ در اواخر حکومت امام زمان (عج) با اصحاب باوفایش رجعت می‌کنند و پس از شهادت حضرت مهدی^۷، امام حسین^۷ بدن آن حضرت را غسل و کفن می‌کند و به خاک می‌سپارد. امام رضا^۷ فرموده‌اند: «امام را جز امام غسل نمی‌دهد».^{۳۸} سپس امر حکومت را به دست می‌گیرد و به قدری حکومت می‌کند که از کثرت سن ابروهایش روی دیدگان مبارکش را می‌پوشاند...

البته در برخی روایات دیگر آمده: چون قائم آل محمد^۹ از دنیا برود و یا شهید شود، چهل روز پس از آن قیامت برپا می‌گردد و مردگان از گورها به درآیند و برای حساب و جزای محشر آماده گردند.^{۳۹} اما «شیخ حر عاملی» در این باره می‌نویسد: شاید چهل روز، ایام رجعت باشد و این عدد اشاره به کمی دوران حضرتش باشد، چون مقدار زیاد را با عدد هفتاد و مقدار کم را با اعداد کمتر معرفی می‌کنند. یا اینکه هر روزی برابر هزار سال باشد؛ چنان که خداوند می‌فرماید: «یک روز نزد پروردگار مثل هزار سال است که شما می‌شمارید»، و شاید هم مراد از قیامت در این روایات، قیامت صغرا یعنی رجعت باشد و البته اطلاق قیامت بر رجعت، مانعی ندارد و قیامت ممکن است بر هر دو اطلاق شود.^{۴۰}

پی‌نوشت‌ها

۱. طول عمر امام زمان از دیدگاه علوم و ادیان، سید محمد کاظم قزوینی، ص ۶۳.
۲. همان، ص ۶۰.
۳. دادگستر جهان، ابراهیم امینی، ص ۲۸.
۴. طول عمر امام زمان از دیدگاه علوم و ادیان، ص ۶۵.
۵. همان، ص ۶۵.
۶. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۲، ص ۲۱۷.



۲۶. دادگستر جهان، ابراهیم امینی، ص ۱۸۸.
۲۷. ر.ک: اثبات الوصیه، ص ۱۶۶؛ دادگستر جهان، ص ۱۸۹.
۲۸. مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۰۱.
۲۹. دادگستر جهان، ص ۱۹۱. به نقل از کتاب هدیه الاحباب، ص ۲۲۸.
۳۰. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۸؛ سیمای آفتاب، ص ۹۶، حبیب الله طاهری.
۳۱. دادگستر جهان، ص ۲۲۵؛ یک صد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان، علیرضا رجالی تهرانی، ص ۸۱؛ اثبات الوصیه، مسعودی، ص ۲۰۶؛ نشانی از امام زمان غایب^۷، دکتر محمد مهدوی رکنی، ص ۱۵؛ سیمای آفتاب، ص ۸۸.
۳۲. الکافی، ج ۸، ص ۵۰، ح ۱۳، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۵۹، ح ۲۹؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۱، ح ۳؛ الغیبه، ص ۱۶۴، ح ۵ و دهها کتاب دیگر.
۳۳. الخصال، صدوق، ج ۲، ص ۶۴۹، ح ۴۳.
۳۴. سیمای آفتاب، حبیب الله طاهری، ص ۳۷۱.
۳۵. الکافی، ج ۱، ص ۲۳۴، ح ۲.
۳۶. سیمای آفتاب، دکتر حبیب الله طاهری، ص ۳۷۰.
۳۷. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۴۶؛ تفسیر عیاشی، ص ۲۸۱.
۳۸. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۸۴؛ بحارالانوار، ج ۳، ص ۱۳.
۳۹. ارشاد، شیخ مفید، ترجمه ساعدی، ص ۷۰۸، نقل از کتاب یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان (عج)، علیرضا رجالی تهرانی، ص ۲۳۰.
۴۰. الايقاظ من الهجعة، شیخ حر عاملی، (ترجمه احمد جنتی، ص ۴۰۰) نقل از همان.
۷. مجله دانشمند، سلسله مقالات رابرت نیلسون، سال ششم، ش ۱۲، بهمن ۴۷ تا مهر ۴۸.
۸. طول عمر امام زمان از دیدگاه علوم و ادیان، ص ۵۰ به نقل از اطلاعات، ش ۱۱۸۸۱، ۲۳ دی ماه ۴۴.
۹. همان، ص ۵۰، به نقل از اطلاعات، ش ۱۱۸۸۱، ۲۳ دی ۴۴.
۱۰. سالنامه شهرت، س ۱۳۴۲، ص ۲۸۹.
۱۱. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۲، س ۲۲۲.
۱۲. طول عمر امام زمان از دیدگاه علوم و ادیان، ص ۲۲، به نقل از مجله المقتطف سال ۵۹، ش ۳، ص ۲۴۰.
۱۳. انبیا/۴۴.
۱۴. صافات/۱۴۴.
۱۵. عنکبوت/۱۴.
۱۶. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۵، باب ۲۹، ح ۲؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۹، باب ۲۴، ص ۱۲.
۱۷. قاموس قرآن، ج ۱، ص ۱۰۶.
۱۸. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۲۶۷، ص ۲۲۴۰؛ عقدالدرر، ص ۲۹۱، ۲۸۱؛ طول عمر امام زمان از دیدگاه علوم و ادیان، سید محمد کاظم قزوینی، ص ۱۰۰.
۱۹. روزگار رهایی، ترجمه علی اکبر مهدی پور، ص ۲۵۸.
۲۰. طول عمر امام زمان از دیدگاه علوم و ادیان، ص ۳۳.
۲۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۹۰، باب ۲۰، علة الغیبه؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۳، باب علة الغیبه.
۲۲. دادگستر جهان، ابراهیم امینی، ص ۲۳۴.
۲۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۹.
۲۴. همان، ج ۵۱، ص ۲۲۲.
۲۵. نوید امن و امان، لطف الله صافی گلپایگانی، ص ۱۸۳.



مذهب شیعه و سنی در مورد «مهدویت» در تولد آن حضرت است.

اکثر عالمان اهل سنت و جماعت بر این باورند که «مهدی موعود» هنوز متولد نشده است، لیکن شیعه امامیه می‌گوید: مهدی موعود فرزند امام حسن عسکری^۷ است و او در سال ۲۵۵ هجری در سامرا متولد شده است و در پس پرده غیبت زندگی می‌کند و روزی به امر خداوند ظهور خواهد کرد. این سخن تمامی شیعیان امامیه است و بسیاری از دانشمندان نامدار اهل سنت نیز این سخن را پذیرفته و در کتاب‌هایشان متذکر شده‌اند. از جمله:

- ابوطالب کمال الدین محمد بن طلحه شافعی قرشی در کتاب «مطالب السؤؤل»؛
- علی بن محمد ابن صباغ مالکی در «الفصول المهمة»؛
- شبلنجی در «نورالابصار»؛
- ابن حجر شافعی هیتمی مصری در «الصواعق المحرقة»؛
- ابن خلکان در «وفیات الاعیان»؛

- محمد امین بغدادی در «سبائك الذهب»؛
- عبدالوهاب شعراوی شافعی مصری در «الیواقیت و الجواهر فی بیان عقاید الاکابر»؛
- ابوالصلاح حلبی در «شذرات الذهب»؛



پیشگفتار

عقیده به مهدویت از امور مسلم و قطعی در تاریخ و کلام اسلامی است. جملگی مسلمانان اعم از شیعه و سنی به «مهدی موعود» باور دارند. در این شکی نیست. نقطه التقا و اصطکاک بین دو



- یوسف بن یحیی شافعی در «عقد الدرر فی ظهور المنتظر»؛

- شیخ عبدالله بن محمد مطیری شافعی در «ریاض الزاهرة».^۱

بعضی از پژوهشگران بیش از صد نفر از دانشمندان اهل سنت را نام برده‌اند که در کتاب‌های خویش ولادت امام مهدی (عج) را متذکر شده‌اند.^۲

مهدویت در اسلام

در زمره باورهای اسلامی، باور به مهدویت است. بحث مهدویت در دو عنوان «مهدویت عامه» و «مهدویت خاصه» دنبال می‌شود.

الف) مهدویت عامه

مهدویت عامه، یعنی اثبات این که باور به ظهور «مهدی موعود» در زمره باورهای اسلامی به شمار می‌آید. در اینجا سخن در اثبات این ادعا است که با توجه به منابع معرفتی در اسلام به ظهور منجی بشریت یا «مهدی موعود» بشارت داده شده است.

مهدویت از منظر قرآن

در قرآن مهدویت در حول سه محور بیان شده است، بدین شرح:

- شمس الدین ذهبی در «العبر فی خبر من غیر»؛

- گنجی شافعی در «کفایة الطالب»؛
- شمس الدین یوسف بن قزعلی بغدادی حنفی، معروف به سبط بن جوزی در کتاب «تذکره خواص الامة»؛

- محیی الدین ابن العربی در «الفتوحات المکیة»؛

- حافظ محمد بخاری، معروف به خواجه پارسای حنفی در «فصل الخطاب»؛

- حافظ محمد بن ابی الفوارس در «اربعمین»؛
- عبدالحق دهلوی بخاری در «مناقب»؛

- سید جمال الدین عطاء الله محدث در کتاب «روضة الاحباب»؛

- بلاذری در «مسلسات»؛
- شهاب الدین هندی، معروف به ملک العلماء در «هدایة السعداء»؛

- فضل بن روزهان در شرح «الشمایل ترمذی»؛

- قندوزی بلخی در «ینایع المودة»؛

- عبد الرحمان جامی در «نفحات»؛

- ابوالمعالی محمد سراج الدین رفاعی در «صحاح الاخبار فی نسب السادة الفاطمية الاخيار»؛



۱. حکومت صالحان و وراثت زمین

قرآن می‌گوید: (وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ)؛^۲ «پس از تورات نوشته‌ایم که زمین را بندگان شایسته من به ارث می‌برند».

خداوند بزرگ در این آیه با تأکید فراوان وعده داده است که در آینده، حکومت صالحان تحقق می‌یابد و بندگان صالح و شایسته خداوند وارثان زمین خواهند بود. در روایت آمده است که امام باقر^۷ فرمود: «هم اصحاب المهدی؛^۳ اینها یاران (امام) مهدی (عج) هستند».

۲. ظهور حق و غلبه دین

قرآن می‌گوید: (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)؛^۴ «او کسی است که پیامبرش را با هدایت (و دلایل آشکار) و دین حق فرستاده است تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند؛ هر چند مشرکان از آن ناخشنود باشند».

این وعده خداوندی در پرتو حکومت امام مهدی (عج) محقق می‌شود. امام صادق^۷ فرمود: «وَاللَّهِ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدَ، وَ لَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ (عج) فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ (عج) لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ لَا مُشْرِكٌ بِالْإِلَهِ كَرِهَ خُرُوجَهُ حَتَّى لَوْ كَانَ كَافِرًا أَوْ مُشْرِكًا

فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ قَالَتْ: يَا مُؤْمِنُ فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَافْكُسْنِي وَاقْتُلْهُ؛^۵ به خدا سوگند، تأویل این آیه بعد از ظهور امام مهدی (عج) حاصل می‌شود. آن گاه که حضرت ظهور کند کافری و مشرکی باقی نمی‌ماند...»^۶

فخر رازی در تفسیرش از «سُدی» نقل می‌کند که این آیه مربوط به بعد از قیام مهدی است و در این زمان فردی باقی نمی‌ماند، مگر اینکه به اسلام گرویده باشد.^۷

۳. استخلاف

قرآن می‌گوید: (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا)؛^۸ «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، وعده داده است که آنان را به یقین خلیفه روی زمین گرداند؛ آن گونه که به پیشینیان آنان خلافت بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده است پا بر جا و ریشه دار سازد، و بیم و ترس آنان را به آرامش و امنیت مبدل کند؛ آن چنان می‌شود که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من قرار نخواهند داد».



مهدی در روایات

درباره مهدی موعود، روایات منقول از پیامبر، عترت و صحابه به قدری زیاد است که جای هیچ گونه شک و تردیدی در آن باقی نمی‌ماند. بسیاری از صحابه پیامبر^۹ از جمله «علی بن ابی طالب»، «عثمان بن عفان»، «طلحة بن عبیدالله»، «عبدالرحمان بن عوف»، «عبدالله بن عباس»، «عمار بن یاسر»، «عبدالله بن مسعود»، «ابو سعید خدری»، «عبدالله بن حارث»، «قره بن ایاس مزنی»، «حذیفه بن یمان»، «جابر بن عبدالله»، «جابر بن ماجد»، «عبدالله بن عمر»، «انس بن مالک»، «عمران بن حصین» و «ام سلمه» روایات مربوط به مهدی موعود را از پیامبر^۹ نقل کرده‌اند.^{۱۱}

منصور علی ناصف نویسنده کتاب «التاج الجامع للاصول» می‌نویسد:

«در میان همه دانشمندان امروز و گذشته مشهور است که در آخر الزمان به طور یقین مردی از اهل بیت^{۱۲} ظاهر می‌شود که بر تمام کشورهای اسلامی مسلط می‌گردد، و همه مسلمانان از او پیروی می‌کنند و در میان آنها عدالت را اجرا می‌نماید و دین را تقویت می‌کند». سپس افزود: «احادیث مهدی را گروهی از اصحاب خوب پیامبر^۹ نقل کرده‌اند و بزرگان محدثین مانند «ابی

همان گونه که طبرسی در تفسیر این آیه بیان داشته است: از اهل بیت پیامبر^۹ روایت شده است که این آیه درباره مهدی از آل محمد^۹ است.^۹

امام سجاد^۷ فرمود: «هم والله شیعتنا اهل البيت؛ يفعل الله ذلك بهم علی یدی رجل منا و هو مهدی هذه الامة و هو الذی قال رسول الله^۹ لو لم یبق من الدنيا إلا یوم واحد لطول الله ذلك الیوم حتی یلی رجل من عترتی، اسمه اسمی، یملأ الارض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً»^{۱۰} به خدا سوگند آنان شیعیان اهل بیت پیامبرند، خداوند توسط اینها و به دست مهدی این امت این وعده را محقق می‌گرداند. همان مهدی‌ای که پیامبر^۹ فرمود: اگر عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را طولانی می‌گرداند تا مردی از عترتم که اسم او اسم من است، بیاید و زمین را پر از عدل و قسط کند؛ همان گونه که پر از ظلم و جور شده بود».

کوتاه سخن اینکه این امور سه گانه غلبه دین، وراثت زمین و استخلاف هنوز به طور کامل محقق نشده است. اینها در پرتو حکومت مهدی موعود محقق می‌گردد. این آیات قرآنی بدون اینکه نامی از مهدی موعود برده باشد، به حکومت و ظهور آن حضرت اشاره دارد.



داوود»، «ترمذی»، «ابن ماجه»، «طبرانی»، «ابی یعلی»، «امام احمد» و «حاکم نیشابوری» آن را در کتاب‌های خود آورده‌اند.^{۱۲}

خلاصه آنکه اعتقاد به مهدویت از ضروریات دین اسلام است و هیچ یک از فرقه‌ها و مذاهب اسلامی نمی‌توانند آن را انکار کنند. جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: پیامبر^۹ فرمود: «من انکر خروج المهدی فقد کفر بما انزل علی محمد»^{۱۳} هر که ظهور مهدی را انکار کند، اسلام را انکار کرده است.

بنا به نوشته مؤلف کتاب «منتخب‌الاثار» بیش از ۶۵۷ روایت درباره مهدی موعود وارد شده است.^{۱۴} اینک به برخی از آنها اشاره می‌شود:

پیامبر^۹ فرمود: «ابشرکم بالمهدی یبعث فی امتی علی اختلاف من الناس و زلزال فیملأ الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً»^{۱۵}؛ شما را بشارت می‌دهم به مهدی که در امت من برانگیخته می‌شود. هنگامی که اختلافات و دگرگونی‌ها در بین مردم فراوان شود، پس زمین را پر از قسط و عدل می‌کند، همان گونه که پر از ظلم و جور گردید.

نیز فرمود: «لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد لظول الله ذلک الیوم حتی یرج رجل من ولدی فیملأها عدلاً و قسطاً کما ملئت

ظلماً و جوراً»^{۱۶}؛ اگر از عمر جهان جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را به قدری طولانی می‌کند تا مردی از فرزندان من قیام نماید و دنیا را از عدل و قسط پر کند؛ همان گونه که با جور و ستم پر شده است.

در روایات پیامبر^۹ افزون بر بشارت به ظهور مهدی به برخی از ویژگی‌های آن حضرت نیز اشاره شده است؛ از جمله اینکه فرمود:

«مهدی از فرزندان فاطمه است»^{۱۷}،

«اسم او اسم من است»^{۱۸}،

«کنیه او کنیه من است»^{۱۹}.

افزون بر این بسیاری از ویژگی‌های حضرت مهدی (عج) در روایات بیان شده است که این روایات در مهدویت خاصه بیان می‌شود.

(ب) مهدویت خاصه

مهدویت خاصه به این معنا است که آن مهدی موعود و مورد بشارت پیامبر^۹ و جامعه عمل پوشاننده به وعده الهی در مورد «استخلاف»، «حکومت صالحان» و «ظهور حق و غلبه دین اسلام» که در قرآن اشاره شده است آن فرد، فرزند امام حسن عسکری^۷ است. او در سال ۲۵۵ هجری در «سامرا» متولد شد و اکنون از دیده‌ها پنهان است. و روزی به امر خداوندی ظهور خواهد کرد و جهان را از عدل و قسط پر می‌کند.



اینک در بحث مهدویت خاصه در پی اثبات این امر هستیم.

مبانی مهدویت خاصه

برای اثبات مهدویت خاصه بیان یک سری اموری که به عنوان مبانی مهدویت خاصه مطرح است، ضروری است. این مبانی بدین شرح است:

۱. ضرورت وجود امام

در زمره باورهای دینی ما مسلمانان باور به «ضرورت وجود امام» در همه زمان‌ها است. این سخن، هم از راه عقل مدلل و مبرهن می‌گردد و هم از راه نقل و روایت. عقل می‌گوید: نبوت و امامت یک فیض معنوی است، این فیض در میان امت‌های پیشین وجود داشت، تا رسید به زمان پیامبر اسلام^۹. حال سخن در این است که آیا با رحلت نبی مکرم اسلام^۹ آن فیض معنوی قطع شد یا نه؟ اگر بگوییم: قطع شد، در این صورت این اشکال وجود دارد که چرا چنین فیضی را خداوند به امت‌های پیشین داد، ولی به امت اسلامی نداده است؛ مگر امت اسلامی از نظر استعداد و لیاقت از پیشینیان کمتر است؟! به طور قطع و یقین می‌گوییم: کمتر نیست، بلکه بالاتر است. پس چرا این فیض از امت اسلامی قطع گردید؟

پاسخ درست به این سؤال این است که این فیض قطع نشده است. شیعه امامیه می‌گوید: بعد از رحلت پیامبر اسلام^۹ دوازده وجود نورانی و گوهر امامت؛ یعنی امامان معصوم، متصدیان این فیض بزرگ معنوی هستند، با این تفاوت که در زمان پیامبر^۹ ارتباط به صورت نبوت بود ولی بعد از پیامبر اسلام که خاتم پیامبران است و سلسله پیامبران به پایان رسیده است، این فیض به صورتی دیگر مطرح است. وجود انسان کامل واسطه فیض خداوندی است. فیض معنوی بعد از پیامبر از طریق وجود کامل امام برقرار است. امروزه آن واسطه فیض، وجود مقدس امام مهدی (عج) می‌باشد.

این برهان با روایاتی که می‌گویند: در هر عصری باید امامی باشد و مسلمانان آن امام را باید بشناسند تا در زمره مسلمانان و دینداران قرار گیرند، تقویت می‌شود.

در احادیث نبوی با تعبیرات گوناگون آمده است که باید در هر زمان امامی باشد و بر مسلمانان امام‌شناسی فرض است. فرمود:

«من مات بغير امام مات ميتة جاهلية»^{۲۰}

هر که بمیرد بدون آنکه امامی داشته باشد، به مرگ جاهلی مرده است.

نیز فرمود: «انَّ الحجة لا يقوم لَّه على خلقه الاَّ بامام حتى يعرف»^{۲۱} حجت بر مردم برپا



نمی‌شود، مگر توسط امامی که آن گاه شناخته می‌شود».

امام علی ^۷ فرمود: «لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ حِجَّةٍ ظَاهِرٍ أَوْ خَائِفٍ مَغْمُورٍ؛^{۲۲} زمین از حجت (و امام) خالی نمی‌شود، چه امامتش آشکار باشد و چه مخفی و مقهور».

۲. پذیرش روایات مربوط به امامان اثناعشر

روایات نبوی مربوط به ائمه اثناعشر مورد پذیرش همه مذاهب اسلامی است. شیعه و سنی این سخن را پذیرفته‌اند که رسول گرامی اسلام ^۹ بارها از دوازده امام بعد از خود سخن بر زبان جاری نمود و آن هم با الفاظ گوناگون.

آن حضرت گاه می‌فرمود: بعد از من دوازده «امیر» هستند.^{۲۳}

و گاهی از دوازده «نقیب» سخن به میان می‌آورد.^{۲۴}

و گاهی دوازده «خلیفه» را مطرح می‌کرد.^{۲۵}

و گاهی از واژه دوازده «وصی» بهره می‌گرفت.^{۲۶}

و گاهی هم از دوازده «امام»،^{۲۷}

دوازده «ولی»،^{۲۸}

دوازده «قیم»^{۲۹}

و یا دوازده «قائم»^{۳۰} سخن می‌گفت.^{۳۱}

از مجموع این تعبیرات یک نکته استفاده می‌شود و آن این است که باید بعد از پیامبر دوازده شخصیت متعالی و برگزیده مسئولیت امامت و رهبری دینی و سیاسی امت اسلامی را برعهده گیرند و این دوازده شخصیت پیوسته و پشت سر هم تا پایان عمر جهان و «أشراط ساعت» وجود دارند.

۳. پذیرش امامت امامان اثناعشر از طریق نصب

بعد از پذیرش امامت عامه، پذیرش امامت خاصه در مهدویت نقش دارد؛ یعنی قبل از اینکه به مهدی موعودی - که شیعه او را فرزند امام حسن عسکری ^۷ می‌داند - باور داشته باشیم، باید به امامت امامان اهل البیت؛ - یعنی امام علی ^۷، امام حسن ^۷، امام حسین ^۷، امام علی بن الحسین ^۷، امام محمد بن محمد بن علی ^۷، امام جعفر بن محمد ^۷، امام موسی بن جعفر ^۷، امام علی بن موسی ^۷، امام محمد بن محمد بن علی جواد ^۷، امام علی بن محمد هادی ^۷ و امام حسن بن علی عسکری ^۷ - به ترتیب پذیرا باشیم.

نیز باید بپذیریم که این امامان اهل بیت از طریق نصب و جعل الهی و با اعلان و بیان پیامبر ^۹ به امامت منصوب شدند.

آخرین گوهر امامت فرزند امام حسن عسکری ^۷ محمد بن حسن المهدی (عج) می‌باشد.



پیامبر^۹ در آغاز دعوت همگانی، آن گاه که از سوی خدای بزرگ مأموریت یافت و خویشاوندان خویش را در یک جلسه به اسلام دعوت کرد و در این دعوت امام علی^۷ به دعوت رسول خدا لبیک گفت، پیامبر^۹ امامت علی^۷ را برای زمان بعد از خود مطرح کرد و در طول بیست سال بعد از آن بارها از امامت حضرت علی^۷ خبر داد.

حضرت آخرین سال زندگی‌اش بعد از حجة الوداع فرمود: «من كنت مولاه فهذا علي مولاه»^{۳۳} هر که من مولای اویم، پس از من علی مولای اوست».

نیز آن گاه که آیه ولایت^{۳۳} نازل شد پیامبر فرمود: «هم خلفایی یا جابر و ائمة المسلمین من بعدی، اولهم علی بن ابی طالب ثم الحسن، ثم الحسين ثم علی بن الحسن، ثم محمد بن علی... ثم الصادق جعفر بن محمد، ثم موسی بن جعفر، ثم علی بن موسی، ثم محمد بن علی، ثم علی بن محمد، ثم الحسن بن علی، ثم سمی و کنی حجة الله فی ارضه و بقیته فی عباده ابن الحسن بن علی»^{۳۴} ای جابر! آنان جانشینان من هستند، و بعد از من پیشوایان مسلمانان اند؛ اولین آنان علی بن ابی طالب، پس از آن به ترتیب حسن، حسین، علی بن حسین، محمد بن علی...، جعفر بن محمد صادق، موسی بن

جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی می‌باشند، سپس کسی که همنام و هم کنیه من و باقی‌مانده خدا در بین بندگانش، پسر حسن بن علی (عسکری) امام و پیشوای مسلمانان است.»

۴. پذیرش روایات غیبت و ویژگی‌های امام مهدی (عج)

یکی دیگر از مبانی پذیرش مهدویت، پذیرش روایات مربوط به غیبت امام مهدی (عج) است. از زمان پیامبر^۹ به بعد هر یک از بزرگان آن خاندان به نوبت از ولادت، ویژگی‌ها، غیبت و ظهور امام مهدی (عج) از پیش خبر داده‌اند.

در روایت جابر که بیان شد، پیامبر فرمود: بعد از حسن بن علی (امام عسکری^۷) پسرش امام است. اسمش، اسم من است و کنیه‌اش، کنیه من است. او کسی است که خداوند به دست او مشارق و مغارب زمین را می‌گشاید. او کسی است که از اولیائش غایب می‌شود، غیبت او به قدری طولانی است که بسیاری مردّد می‌شوند. تنها قلب‌های امتحان شده، به آن ثابت و پایدار می‌مانند.^{۳۵}

به نوشته مؤلف کتاب «منتخب الاثر» فراوانی و گستردگی روایات مربوط به مهدی موعود و ویژگی‌های آن حضرت و اینکه او از دیده‌ها پنهان می‌شود، بدین شرح است:



- در ۵۸ روایت آمده است که امامان دوازده نفرند و اول آنان علی و آخر آنان مهدی (عج) است.
- در ۶۵۷ روایت به ظهور حضرت مهدی بشارت داده شده است.
- در ۴۸ روایت آمده است که می‌گوید: نام و کنیهٔ حضرت مهدی، همان نام و کنیهٔ پیامبر^۹ است.
- در ۲۱۴ روایت آمده است که امام مهدی از فرزندان امیرمؤمنان علی^۷ است.
- در ۱۹۲ روایت آمده است که حضرت مهدی از فرزندان فاطمه زهرا^۳ است.
- در ۱۸۵ روایت متذکر شده است که مهدی موعود از فرزندان امام حسین^۷ است.
- در ۱۴۸ روایت بیان شده است که مهدی موعود نهمین فرزند امام حسین^۷ است.
- در ۱۸۵ روایت آمده است که حضرت مهدی از فرزندان امام زین العابدین، علی بن الحسین^۷ است.
- در ۱۰۳ روایت امام مهدی از فرزندان امام محمد باقر^۷ معرفی شده است.
- در ۱۰۳ روایت امام مهدی از فرزندان امام جعفر صادق^۷ معرفی شده است.
- در ۱۰۱ روایت آمده است که امام مهدی از فرزندان موسی بن جعفر^۷ است.
- در ۹۵ روایت متذکر شده است که امام مهدی چهارمین فرزند امام رضا^۷ است.
- در ۹۰ روایت آمده است که حضرت مهدی سومین فرزند امام جواد^۷ است.
- در ۹۰ روایت بیان شده است که مهدی موعود از فرزندان امام هادی^۷ است.
- در ۱۴۶ روایت آمده است که امام مهدی^۷ فرزند امام حسن عسکری^۷ است.
- در ۱۴۷ روایت آمده است که نام پدر امام مهدی^۷ حسن است.
- در ۱۳۳ روایت آمده است که امام مهدی جهان را پر از عدل و داد می‌گرداند.
- در ۹۱ روایت آمده است که غیبت امام مهدی (عج) طولانی است.
- در ۳۱۸ روایت آمده است که عمر امام مهدی طولانی است.
- در ۴۷ روایت آمده است که دین اسلام به وسیله امام مهدی جهانی می‌شود و وعدهٔ استخلاف صالحان تحقق می‌یابد.
- در ۱۳۶ روایت آمده است که امام مهدی دوازدهمین و آخرین امام است.
- در ۱۰ روایت آمده است که امام مهدی دو غیبت دارد، غیبت صغرا و غیبت کبرا.



- در ۱۴ روایت آمده است که ولادتش مخفی است.

- در ۲ روایت آمده است که اگر از فرزندان پیامبر نام‌های محمد، علی، حسن پیوسته بیایند، چهارمین آن قائم و مهدی موعود است.^{۳۶}

موضع‌گیری خصمانهٔ حاکمان عباسی

برخورد حاکمان عباسی با امامان^۷ متفاوت بود؛ گاهی ظلم آنان محدود بود و گاهی تشدید می‌شد. گاهی حاکمان عباسی با آنان از در دوستی وارد می‌شدند و گاهی در نهایت شدت و دشمنی رفتار می‌کردند.

بعد از جریان ولایتعهدی امام هشتم^۷ و شهادت آن حضرت، عباسیان عرصه را بر امامان تنگ کردند. فشار آنان پیوسته مضاعف می‌شد و آنان امامان را در سنین پایین به شهادت می‌رساندند: امام جواد^۷ را در ۲۵ سالگی، امام هادی^۷ را در ۴۱ سالگی و امام عسکری^۷ را در ۲۸ سالگی به شهادت رساندند. این پدیده از تشدید فشارها و صدمات وارد بر امامان^۷ حکایت می‌کند.

از هنگامی که متوکل عباسی حکومت را در دست گرفت، سیاست ضد علوی تشدید شد. در این دوره، سادات بنی علی، به ویژه سادات بنی فاطمه از هر دورهٔ دیگر بیشتر در تنگنا بودند. متوکل، امام

هادی^۷ را به مقر خلافت، (سامرا) فرا خواند و حضرت را از نزدیک تحت نظر قرار داد و به دستور او مأمورانش با شدت تمام ملاقاتی‌های حضرت را کنترل می‌کردند. در زمان امام عسکری^۷ این محدودیت بیشتر شد.

این فزونی محدودیت و اعمال فشار به دو دلیل انجام می‌شد:

یکی اینکه در این زمان شیعیان از رشد کمی قابل توجهی برخوردار و در منطقهٔ عراق به یک قدرت بزرگ تبدیل شده بودند که حکومت را حق مسلم امامان^۷ می‌دانستند و خلافت عباسیان را نامشروع معرفی می‌کردند. اینها در پی فرصت بودند تا با حاکمان عباسی به نبرد برخیزند. این امر سبب شد که عباسیان فشار را بر شیعیان و به ویژه بر رهبران‌شان بیافزایند.

دوم اینکه طبق اخباری که از سوی پیامبر^۹ و اهل بیتش منتشر شده است، عباسیان می‌دانستند مهدی موعود نابود کنندهٔ حکومت‌های فاسد و خودکامه، از نسل امام حسن عسکری^۷ است. به همین جهت آنان پیوسته حضرت و خانواده‌اش را تحت نظر داشتند، تا شاید بتوانند آن فرزند را به چنگ آورند و او را به قتل برسانند. (همانند تلاش بیهودهٔ فرعونیان برای نابودی موسی^۷).



امام عسکری^۷ به منظور مقابله با این سیاست خطرناک عباسیان، کوشید تا پیروانش بیش از پیش به تقیه و رازداری و پنهانکاری رو آورند و خود نیز به بستگانش دستور داد که ولادت امام مهدی (عج) را افشا نکنند تا دشمن نتواند به هدف شوم خویش نایل شود. این کار اگر چه نقشه شوم عباسیان را خنثی کرد، ولی به ناچار مشکلاتی را برای شیعیان پدید آورد.

پی‌نوشت‌ها

۱۳. ینابیع المودة، ص ۴۴۷.
۱۴. منتخب الاثر، لطف الله صافی، ص ۱۹۱ به بعد.
۱۵. مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۳۷.
۱۶. همان، ص ۱۷.
۱۷. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۰۷.
۱۸. سنن ترمذی، ج ۲، ص ۴۶.
۱۹. ینابیع المودة، حنفی قندوزی، ص ۴۹۵.
۲۰. مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۹۶ و ج ۲، ص ۸۳ و ۹۳؛ صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۷۸.
۲۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۳۵.
۲۲. نهج البلاغه، کلمات حکمت شماره ۱۴۷.
۲۳. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۶۵.
۲۴. فتح الباری، ج ۱۶، ص ۳۳۹.
۲۵. مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۸.
۲۶. معالم المدرستین، ج ۱، ص ۵۴۷.
۲۷. بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۲۶۱.
۲۸. شرح نووی بر صحیح مسلم، ج ۱۲، ص ۲۰۲.
۲۹. کنز العمال، ج ۱۳، ص ۲۷.
۳۰. همان.
۳۱. اقتباس از معالم المدرستین، ج ۱، ص ۵۳۴ - ۵۴۱.
۳۲. تاریخ دمشق، ابن عساکر، ج ۱، ص ۳۶۶.
۳۳. مائده/۵۵.
۳۴. ینابیع المودة، حنفی قندوزی، ص ۴۹۴ و ۴۹۵.
۳۵. همان، ص ۴۹۵.
۳۶. منتخب الاثر، ص ۲۳ - ۲۶.

۱. ر.ک: الزام الناصب، علی یزدی حائری، ج ۱، ص ۳۲۱ تا ۳۴۰؛ دادگستر جهان، ابراهیم امینی، ص ۱۱۸ تا ۱۲۰.
۲. مهدی منتظر در نهج البلاغه، مهدی فقیه ایمانی، ص ۲۳-۳۹؛ سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، ص ۶۶۷.
۳. انبیاء/۱۰۵.
۴. بحارالانوار، ج ۹، ص ۱۲۶.
۵. توبه/۳۳.
۶. ینابیع المودة، قندوزی حنفی، ص ۴۲۳.
۷. تفسیر کبیر، فخر رازی، ج ۱۶، ص ۴۰.
۸. نور/۵۵.
۹. مجمع البیان، طبرسی، ج ۷، ص ۱۵۲.
۱۰. همان ج ۷، ص ۱۵۲؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۱۲۳.
۱۱. پیام قرآن، ج ۹، ص ۴۲۲.
۱۲. التاج، ج ۵، ص ۳۴۱؛ نقل از همان، ص ۴۲۸.



شده است که این اشارات را پیامبر^۹ و معصومان^{۱۰} در ذیل ۲۷۰ آیه تفسیر و تبیین کرده‌اند. و هر یک از سوره‌های قرآنی از یک تا پانزده آیه و گاهی تمام یک سوره به قیام و انقلاب حضرت مهدی تفسیر شده است مفسران عالی قدر به این روایات در ذیل آیات مربوط اشاره کرده‌اند.

از یک نگاه می‌توان گفت که روز ظهور امام مهدی^۷ روز تأویل قرآن است. محدث بزرگوار علی بن ابراهیم قمی در ذیل آیه (هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُهُ)؛ آیا آنها انتظار تأویل آیات دارند؟ آن روز که تأویل آنها فرارسد، فرموده: این آیه درباره حضرت قائم^۷ و روز قیامت است.^۲ امام مهدی^۷ مصداق بارز قرآن ناطق است که با آمدن وی همه آیات قرآن تفسیر می‌شود، قرآن بر جهان حکومت می‌کند، از مہجوریت بیرون می‌آید، همه مردم به معارف ناب آن به سرعت دست پیدا می‌کنند و حتی ضعیف‌ترین افراد جامعه به این موهبت الهی خواهند رسید.

آن حضرت را به حق می‌توان فرزند قرآن دانست. او با غیر از قرآن انسی ندارد و او است که پیش از ولادت در شکم مادر قرآن می‌خواند و نیز در حین ولادت و پس از آن، یا به تلاوت قرآن می‌پرداخت و یا به آن استدلال می‌کرد. این نوشتار



طلیعه

در هشتاد سوره از قرآن کریم به اشاره و اجمال، از حرکت عظیم الهی امام مهدی^۷ پرده برداشته



در روایت دیگری آمده که امام حسن عسکری به من امر کرد تا بر او (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ) را بخوانم. وقتی که خواندم، از درون نرگس شنیدم آنچه را که می‌خواندم، جنین نیز می‌خواند و به من سلام می‌کند. من از این جریان بسیار ترسیده بودم که امام صدا زد: هرگز از امر پروردگار تعجب نکن؛ چرا که پروردگار در کودکی حکمت را بر زبان ما جاری می‌سازد و در بزرگی ما را حجت خود در روی زمین قرار می‌دهد.^۷ در همین گفتگو که میان حکیمه دختر امام جواد و امام حسن عسکری^۷ بود، امام به عمه‌اش فرمود: «وَإِنْ الصَّبِيَّ مِّنَّا يَتَكَلَّمُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَ يَعْبُدُ رِبَّهُ عَزَّوَجَلَّ؛ کودکان ما در شکم مادر خود سخن می‌گویند و قرآن می‌خوانند و خدای خود را عبادت می‌کنند».^۸



به چند دوره از زندگانی امام مهدی^۷ و به سیره و سخن او می‌پردازد.

دوره نخست: پیش از ولادت

اگر چه خواندن قرآن و یا سخن گفتن در جنین مادر امری برخلاف عرف و عادت است، اما این امر در خاندان وحی و نبوت و در بین فرزندان فاطمه و علی بسیار عادی بوده است؛ چرا که در حالات هر یک از معصومان^۹ آمده است که پیش از ولادت سخن می‌گفته و یا قرآن می‌خوانده است؛ از جمله امام مهدی که این چنین بود.

حکیمه دختر امام جواد^۷ که به دعوت امام حسن عسکری^۷ شب را در خانه امام بیتوته کرده بود، گوید: وقتی که نیمه شب فرارسید، من و نرجس نماز شب خواندیم، سپس پیش خود گفتم سپیده دم نزدیک شده، اما هنوز حملی از او ظاهر نشده است که حضرت ابومحمد عسکری از درون حجره صدا زد که شتاب مکن. گوید از روی شرمساری به حجره برگشتم که نرجس به استقبالم شتافت؛ در حالی که به خود می‌لرزید. من نیز او را به سینه‌ام چسباندم و سوره (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) را و سوره (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ) و آیه الکرسی را بر او خواندم. هر چه را می‌خواندم، آن جنین نیز که در شکم او بود، همراه من می‌خواند.^۳



دوره دوم: هنگام ولادت

امام مهدی ⁷ به هنگام ولادت علاوه بر اینکه برخی آیات قرآن مجید را می‌خواند، تمام قرآن کریم بلکه تمام کتاب‌های آسمانی را نیز تلاوت می‌کرد. شیخ طوسی به سند خود از حکیمه دختر امام نقل کرده: وقتی که امام مهدی ⁷ به دنیا آمد، امام عسکری ⁷ دستی بر سر مبارک فرزندش کشید و به او فرمود: فرزندم! به قدرت خداوند سخن گوی. پس ولی خدا از شیطان رجیم به او پناه برده چنین گفت: (وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَتَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ ...) ¹؛ ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم و حکومتشان را در زمین پابرجا سازیم» آن گاه بر پیامبر خدا ⁹ و بر علی امیرمؤمنان و بر هر یک از امامان درود فرستاد تا اینکه به پدر بزرگوارش رسید. ⁷

تلاوت کتب آسمانی

همچنین حکیمه دختر امام جواد ⁷ از ماجرای لحظه ولادت امام مهدی چنین سخن گوید: پس امام حسن عسکری ⁷ صورت و دو دست و دو پای فرزندش را بوسید و آن گاه زبان خویش را در دهان او گذارد؛ همانند پرندگان که غذا در دهان جوجه

خود می‌گذرانند. سپس به او فرمود: بخوان! پس او شروع به خواندن قرآن کرد و از بسم الله الرحمن الرحیم آغاز کرد تا قرآن را به پایان رسانید. ⁸ حکیمه می‌گوید: در هفتمین روز از ولادت امام مهدی بر امام حسن عسکری ⁷ وارد شدم و بر او سلام گفتم و در محضرش نشستم. امام فرمود: فرزندم را بیاور. پس او را آوردم؛ در حالی که لباس‌های زرد رنگی بر تن داشت. امام عسکری ⁷ همانند روز اول زبانش را در دهان او قرار داد و فرمود: فرزندم! سخن بگو. و سپس فرمود: فرزندم! بخوان، هر آنچه را که خداوند بر پیامبران و رسولانش نازل کرده است. او نیز به زبان سریانی شروع به خواندن صحف آدم ⁷ کرد. همچنین کتاب حضرت ادریس، کتاب حضرت نوح، کتاب حضرت هود، کتاب حضرت صالح، صحف حضرت ابراهیم، تورات حضرت موسی، زبور حضرت داود، انجیل حضرت عیسی و فرقان جدم رسول الله ⁹ را تلاوت فرمود. سپس به نقل داستان‌های پیامبران و مرسلین پرداخت و آنها را یکی پس از دیگری ذکر کرد تا به زمان حضرت امام عسکری ⁷ رساند. ⁹

دوره سوم: دوران کودکی

از دو گفتگویی که حضرت امام مهدی ⁷ در زمان پدر و در دوران کودکی خویش داشته، روشن



سپس فرمود: آمده‌ای درباره سخن مفوضه
بپرسی؟ آنان دروغ گفتند، بلکه دل‌های ما ظرف‌های
مشیت و اراده‌ی خدای عزوجل است. هر گاه بخواهد،
ما هم می‌خواهیم و خداوند در این باره می‌فرماید:
(وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ...) ^{۱۴}. امام
عسکری به من فرمود: چرا نشسته‌ای؟ پرشت را
پاسخ داد. به پا خیز، و من برخاستم. ^{۱۵}

دوره چهارم: دوران غیبت صغرا

غیبت صغرا هفتاد و اندی سال به طول انجامید.
در این مدت حضرت امام مهدی ^۷ ملاقات‌های
بسیار محدودی داشت و گاه در پاسخ به سخن برخی
مدعیان، یا در بیان علت غیبت و یا در ردّ برخی از
افراد و گروه‌ها و جریان‌ات انحرافی نامه‌هایی را
می‌نویسد که برخی از آنها را نقل می‌کنیم.

پاسخ نامه احمد بن اسحاق

طبرسی از سعد بن عبدالله اشعری و او از شیخ
صدوق روایت کرده: یکی از یاران ما خدمت احمد
بن اسحاق بن سعد اشعری رسید و به وی اطلاع داد
که جعفر بن علی نامه‌ای به او نوشته و خودش را به
وی معرفی کرده و بدو اعلان داشته که وی پس از
برادرش امام عسکری ^۷ امام است و به حلال و
حرام و بر همه علوم و دانش احاطه دارد.

می‌شود که حضرت ضمن بیان برخی آیات قرآن به
پرسش‌های قرآنی نیز پاسخ داده است. حضرت در
گفتگو با سعد بن عبدالله اشعری قمی در بیان مراد
خداوند از (إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ
بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طَوًى) ^{۱۰} می‌فرماید که یعنی: «ای
موسی! محبت اهل خود را از قلبت بیرون کن» و
آنگاه به مقصود از کهیص ^{۱۱} می‌پردازد و در آخر به
آیه شریفه (وَاخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا
لِّمِيقَاتِنَا...) ^{۱۲} پرداخته، راه و روش گفتگو را با
دشمنان به سعد بن عبدالله می‌آموزد. ^{۱۳}

گفتگو با کامل بن ابراهیم مدنی

محمد بن انصاری روایت کرده است: گروهی از
مفوضه کامل بن ابراهیم مدنی را نزد امام حسن
عسکری ^۷ فرستادند. او می‌گوید: با خود گفتم: وقتی
خدمت آن حضرت رسیدم، درباره حدیثی که از او
روایت شده، بپرسم که فرموده است جز کسی که
حق مرا شناسد، وارد بهشت نخواهد شد.

وقتی که وارد شدم، کنار دری که پرده‌ای آن را
پوشانده بود، نشستیم. در همان حال بادی وزید و
گوشه‌ای از پرده کنار رفت. ناگاه جوانی را چون پاره‌
ماه دیدم که حدود چهار بهار از عمر او می‌گذشت.
به من فرمود: ای کامل بن ابراهیم! من از سخنش
برخود لرزیدم و گفتم: بلی، مولای من ...!



احمد بن اسحاق گوید: وقتی نامه او را خواندم، نامه‌ای به صاحب الزمان^۷ نوشتم و نامه جعفر راضمیمه آن کردم. حضرت چنین پاسخ داد:

به نام خداوند بخشنده مهربان. نامه‌ات و نامه‌ای که همراه آن بود، به من رسید. خداوند تو را حفظ فرماید! بر اختلاف الفاظ و اشتباهات مکرر آن نامه آگاه شدم و اگر شما هم دقت می‌کردی، به برخی از آن اشتباهات پی می‌بردی ... او با ادعایی که کرده، بر خدا دروغ بسته است. نمی‌دانم او چگونه می‌خواهد ادعایش را ثابت کند؛ آیا (ادعای او) به (سبب) آشنایی‌اش با احکام دین است؟ به خدا سوگند! نه حلال و حرامی می‌داند و نه خوب و بد را از یکدیگر تمیز می‌دهد. آیا این کار را با علم و دانش خود انجام می‌دهد؛ در صورتی که او حق را از باطل و محکم را از متشابه باز نمی‌شناسد و حدود نماز و وقت آن را نمی‌داند. آیا همه اینها از سر تقواست؟ خدا گواه است که او چهل روز نماز واجب را ترک کرد. این دعا برای شعبده بازی است. شاید خبر آن به شما برسد که هنوز ظرف‌های میگزاری او برقرار و آثار گناه و معصیت و تمرد او بر خداوند عیان و پابرجاست و شاید می‌خواهد این کار را با معجزه انجام دهد. اگر راست می‌گوید، معجزه‌ای بیاورد و یا با دلیلی آن کار را انجام دهد و اگر راست‌گو است، آن دلیل را اقامه کند و اگر این امر را با دلیل و

برهان انجام می‌دهد، در این صورت دلیلش را ذکر کند. خدای عزوجل در کتاب خویش می‌فرماید: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حَم تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى ...) ^{۱۶}؛ «هم این کتاب از سوی خداوند عزیز و حکیم نازل شده است. ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را که در میان این دو است، جز به حق و برای وقت معینی نیافریدیم، اما کافران از آنچه انذار می‌شوند، روی گردان‌اند. به آنان بگو: این معبودهایی را که غیر از خدا پرستش می‌کنید، به من نشان دهید. چه چیزی از زمین را آفریده‌اند یا شرکتی در آفرینش آسمان‌ها دارند؟ کتابی آسمانی پیش از این یا اثر علمی از گذشتگان برای من بیاورید، اگر راست می‌گویید! چه کسی گمراه‌تر است از آن کسی که معبودی غیر خدا را می‌خواند که تا قیامت هم به او پاسخ نمی‌گوید و از خواندن آنها بی‌خبر است. و هنگامی که مردم محشور می‌شوند، معبودهای آنها دشمنانشان خواهند بود، حتی عبادت آنها را انکار می‌کنند؟!» ^{۱۷}

پاسخ اسحاق بن یعقوب

در پاسخ نامه‌ای که به وسیله عمروی به اسحاق بن یعقوب نوشت، چنین آمده است: «و اما علت



هم ثواب سوره‌ای که ترک کرده، به او داده می‌شود همچنین جایز است غیر از این دو سوره را بخواند و نمازش هم تمام است، ولی این شخص فضیلت را رها کرده است.

بیزاری از غالیان

در نامه‌ای که از حضرت امام مهدی ^۷ در رد غالیان و بیزاری از ایده‌های باطلشان صادر شده، ان حضرت به محمد بن علی بن هلال کرخی چنین نوشته است:

«ای محمد بن علی! خدای متعال اجل است از آنچه توصیفش می‌کنند. (بدان که) ما هرگز شریکان خدا در علم و قدرتش نیستیم، بلکه علم غیب را کسی جز او نمی‌داند؛ همان گونه که در کتاب محکم خود فرموده: (قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ)؛^{۲۰} بگو که در آسمان‌ها و زمین جز خداوند کسی غیب را نمی‌داند».

من و تمام پدرانم از گذشتگان همچون حضرت آدم و نوح و ابراهیم و موسی و غیر اینان از انبیا و همچنین از آخرین که رسول خدا و علی بن ابی طالب و غیر اینان از امامان گذشته تا روزهای ظهور و انتهای دورانم، همه ما بندگان خدای هستیم. و او می‌فرماید: (وَمَنْ أَعْرَضَ عَنَّا

غیبت این است که خداوند عزوجل می‌گوید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنَ أَشْيَاءٍ إِن تَبَدَّلَ لَكُمْ تَسْوُكُمُ)^{۱۸}؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از چیزهایی نپرسید که اگر برای شما آشکار گردد، شما را ناراحت می‌کند.

هیچ یک از پدرانم نیستند، مگر آنکه بر عهده‌اش بیعتی از طاغوت زمان خود باشد و هنگامی که من خارج می‌شوم، هیچ بیعتی از طاغوت‌ها بر من نخواهد بود.^{۱۹}

فضیلت سوره توحید و قدر

در نامه‌ای محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری به امام زمان ^۷ می‌نویسد: در ثواب قرائت قرآن در نمازهای فریضه از عالم ^۷ رسیده است که فرمود: تعجب است از کسی که در نمازش، (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ) نخواند، چگونه نمازش پذیرفته می‌شود؟ همچنین روایت شده: هیچ نمازی رشد و نمو نمی‌کند، در صورتی که در آن (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) خوانده نشود. امام در پاسخ فرمود: مقدار ثواب در سوره‌ها به همان اندازه‌ای است که روایت در مورد آن وارد شده است. و اگر سوره‌ای را که خواندنش ثواب دارد، رها کند و به جایش (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) و (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ) را به خاطر فضیلتشان بخواند، هم ثواب این دو سوره و



رهایی از سرگردانی

شیخ طوسی به سند خود از علی بن ابراهیم رازی نقل کرده: فردی مورد وثوق در مدینه السلام برای من نقل کرد که در پی مشاجره و گفتگوی ابن ابی غانم قزوینی و جماعتی از شیعیان درباره جانشین پس از امام حسن عسکری^۷ و گفته ابن ابی غانم که امام بدون جانشین از دنیا رفته است، عده‌ای از همان‌ها نامه‌ای نوشتند و آن را به ناحیه فرستادند و امام را از ماجرای گفتگو و مشاجره باخبر ساختند. پس جواب آنها به خط مبارک امام زمان^۷ چنین آمد:

«بسم الله الرحمن الرحيم. خداوند ما و شما را از گمراهی و فتنه‌ها سلامت بدارد و به ما و شما روح یقین عنایت بفرماید و ما و شما را از سوء عاقبت پناه دهد! به من خبر رسیده که گروهی از شما در دین و همچنین در مورد والیان امورتان به شک و تردید افتاده‌اید که این اختلاف ما را به خاطر خود شما اندوهگین کرده است... ای مردم! شما را چه شده است که پیوسته در شک سرگردانید و در حیرت و سردرگمی، واژگون و وارونه هستید؟ آیا فرمایش خدای عزوجل را نشنیدید که می‌گوید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ)^{۲۳}؛ ای کسانی که ایمان

ذکری فإن له معيشة ضنكا و نحشره يوم القيامة أعمى * قال رب لم حشرتني أعمى و قد كنت بصيراً * قال كذلك أتتك آياتنا ففسيختها و كذلك اليوم تُنسى^{۲۱}؛ هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی سخت و دشواری خواهد داشت و روز قیامت او را نابینا محسور می‌کنیم، می‌گوید: پروردگارا! چرا نابینا محسورم کردی، من که بینا بودم؟ می‌فرماید: آن گونه که آیات ما برای تو آمد و تو آنها را فراموش کردی، امروز نیز تو فراموش خواهی شد.

ای محمد بن علی! افراد نادان و ابلهان و سبک‌مغزان از شیعه، ما را (به خاطر برخی از سخنان آزار داده‌اند. پس خدا را که جز او نیست و شهادت همو برای ما بس است، شاهد می‌گیرم و همچنین پیامبر^۹ را و تمام فرشتگان و پیامبران الهی و اولیای او و تو را و هر کس که بر این نام آگاهی یافت، شاهد می‌گیرم که من از کسی که درباره ما بگوید که (بدون تعلیم الهی) علم غیب می‌دانیم، به خدا بیزاری می‌جویم و یا اینکه بگوید ما در ملک و پادشاهی خداوند شریک هستیم و یا اینکه بخواهند برای ما جایگاهی غیر از جایگاهی که خداوند برای ما پسندیده است و برای آن آفریده شده‌ایم، قرار دهند...»^{۲۲}.



آری، آن دوران وقت ظهور کتابی است که قرن‌ها مردم از آن فاصله گرفته و طبق هواهای نفسانی خود به تأویل و تفسیر آن پرداخته‌اند. آن روز زمان نشستن بر سر سفره معارف قرآنی و بهره جستن از حقایق پنهانش می‌باشد.

اینک همراه ما باشید تا در محضر قرآن و در کنار امام زمان به هنگام ظهورش باشیم.

اولین سخن

امام صادق ^۷ می‌فرماید: آن زمانی که امام مهدی ^۷ ظهور می‌کند، به کعبه تکیه می‌کند؛ در حالی که ۳۱۳ نفر نزد او جمع شده‌اند. اولین سخن و گفته‌اش این آیه است: (بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) ^{۲۶}؛ «آنچه خداوند برای شما باقی گزارد، برایتان بهتر است، اگر ایمان داشته باشید». سپس می‌فرماید: «منم بقية الله و من حجت خدا و خلیفه او بر شمایم». پس سلام کننده‌ای بر او سلام نمی‌کند، مگر آنکه می‌گوید: السلام علیک یا بقية الله فی ارضه، و زمانی که نزد او چهار هزار نفر جمع شوند، از مکه بیرون می‌رود و در روی زمین معبودی غیر از خدای عزوجل از بت و غیر آن باقی نمی‌ماند، مگر آنکه آتش در آن می‌افتد و خواهد سوخت. ^{۲۷}

آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر خدا و اولوا الامر را اطاعت کنید.

آیا ندانستید آنچه را که نقل شده از حوادث و رویدادها، همه‌اش درباره امامان گذشته و باقی‌ماندگان آنهاست؟ آیا ندیدید که چگونه خداوند برای شما دژ و پناه قرار داد تا به سوی آنها پناه ببرید و نیز نشانه‌هایی را روی زمین قرار داد تا در پرتو همان‌ها راه را بیابید؟ از زمان حضرت آدم ^۷ تا اینکه ماضی ^{۲۴ ۷} ظاهر شد و هر گاه یکی از آن نشانه‌ها غایب شد، نشانه دیگر ظاهر می‌گشت و اگر ستاره‌ای غایب می‌شد، ستاره دیگر طلوع می‌کرد. حال که خداوند او را به سوی خود فراخواند، گمان بردید که خدای متعال دین خود را باطل کرده است و یا آن را که بین خود و بندگانش قرار داده بود، قطع کرده؟! هرگز چنین نیست و چنین چیزی نخواهد بود تا قیامت و رستاخیز به پا شود و امر خداوند ظاهر گردد؛ گر چه ناراضی باشند... ^{۲۵}.

دوره پنجم: در دوران ظهور

اما در دوران ظهور و قیام و انقلاب امام مهدی ^۷ ماجرا به گونه دیگری خواهد بود؛ چرا که یکباره قرآن مجید از غربت و هجران بیرون می‌آید، آن زمان، وقت حاکمیتش و هنگام اجرای قوانین روح‌بخش آن و زمان داوری به آن است.



استناد به آیه‌ای دیگر

جابر بن یزید جعفی از امام محمد باقر ⁷ درباره حوادث روز ظهور امام مهدی ⁷ نقل کرده که ماجرای فرو رفتن لشکر سفیانی در سرزمین بیداء در وقتی خواهد بود که حضرت قائم ⁷ در مکه به خانه خدا تکیه کرده و به خانه پروردگار خود پناه برده است. امام ⁷ در آن هنگام فریاد می‌زند: «ای مردم! ما از خداوند کمک و یاری می‌طلبیم. پس هر که به ندای ما لبیک گوید، ما اهل بیت پیامبران حضرت محمد ⁹ می‌باشیم و به خدا و پیامبرش نزدیک هستیم.

ای مردم! هر که با من درباره آدم محاجّه و گفتگو کند، من به حضرت آدم نزدیک‌ترم، و هر که درباره نوح با من محاجّه کند، من از دیگران به حضرت نوح نزدیک‌ترم، و هر کس با من درباره ابراهیم محاجّه کند، من از هر کس دیگر به ایشان نزدیک‌ترم، هر کس با من درباره حضرت محمد مصطفی ⁹ محاجّه کند، من به او از دیگران نزدیک‌تر هستم و هر کس با من درباره پیامبران گفتگو کند، من از دیگران به همه پیامبران نزدیک‌ترم. آیا خداوند در کتاب خود نمی‌فرماید: (إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ) ^{۲۸}؛ خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برتری داد.

ای مردم! من یادگار آدم و دخیره نوح و برگزیده ابراهیم و حضرت محمد هستم. هان، ای مردم! هر که با من درباره کتاب خدا محاجّه کند، پس من به کتاب خدا از همه نزدیک‌ترم و هر که با من درباره سنت رسول خدا گفتگو و مناظره کند، پس من به سنت رسول خدا از همه کس نزدیک‌ترم.

خدای را گواه می‌گیرم، هر که امروز سخن مرا شنید به افراد غایب پیام مرا برساند، شما را به حق خدا و پیامبرش ⁹ و به حق من که بر شما حق قرابت با رسول خدا دارم، ما را یاری دهید و از کسی که به ما ستم می‌کند، جلوگیری کنید؛ چرا که ما را ترسانده‌اند و به ما ظلم شده است و از شهر و دیارمان طرد شده‌ایم و از حقمان جلوگیری کرده‌اند. اهل باطل به ما افترا بسته‌اند. ای مردم! خدا را درباره ما در نظر بگیرید. ما را تنها نگذارید و یاری‌مان کنید که خداوند شما را یاری خواهد کرد» ^{۲۹}.

مضطرّ حقیقی

امام صادق ⁷ می‌فرماید: «زمانی که حضرت قائم ⁷ ظهور می‌کند، داخل مسجد الحرام شده، روبه روی کعبه ایستاده، پشت به مقام حضرت ابراهیم دو رکعت نماز می‌خواند، سپس از جای برخاسته، می‌گوید: ای مردم! من از هر کس دیگر به حضرت آدم نزدیک‌ترم، من به حضرت ابراهیم از



که قائم ما قیام می کند، مردم به سویش می آیند و همه آنها کتاب خدا را در برابر او تأویل می کنند و با آن حضرت به احتجاج و لجاجت می پردازند.^{۳۲} و در روایت دیگری امام صادق^۷ می فرماید: «هنگامی که قائم^۷ ظهور می کند، (گروهی) بر او خروج می کنند و با تأویل کردن قرآن به دفاع از آن می پردازند و با این بهانه با حضرت به جنگ بر می خیزند».^{۳۳}

ایجاد فضاهای قرآنی

محمد ابراهیم نعمانی در کتاب الغیبة به چند حدیث اشاره می کند که دلالت بر ایجاد فضاهای قرآنی از سوی امام زمان دارد. بر اساس برخی از این روایات، این مسئولیت به یاران و به شیعیان و در برخی دیگر این به دست ایرانیان سپرده می شود. حبه عرنی گوید: امیرمؤمنان فرمود: «گویا می بینم که شیعیان ما در مسجد کوفه چادرهایی برقرار ساخته اند و به مردم قرآن را همان گونه که نازل شده، می آموزند».^{۳۴} اصْبَغ بن نباته همین روایت را از امیرمؤمنان درباره عجم نقل کرده است.^{۳۵}

بهره مندی زنان از کتاب خدا

مصدق های بارز ایجاد این گونه فضاها، دستیابی زنان به معارف الهی و استفاده بهتر از کتاب خدا و

دیگران اولی هستیم، من به حضرت اسماعیل اولی هستم. ای مردم! من از دیگران به پیامبر^۹ اولی هستم. سپس دو دست خود را به سوی آسمان بالا برده، پروردگار خویش را می خواند و به درگاهش گریه و زاری و التماس می کند تا اینکه با صورت به زمین می خورد. و همین است معنای فرمایش خداوند که فرموده: (أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ إِلَهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ)^{۳۰}؛ یا کسی دعای مضطر را اجابت می کند و گرفتاری را برطرف می سازد و شما را خلفای زمین قرار می دهد. آیا معبودی با خداست؟ کمتر متذکر می شوید».^{۳۱}

جهاد با تأویل گران قرآن

بخش دیگر سیره قرآنی امام مهدی^۷ این است که وی به هیچ گونه اجازه نمی دهد تا برخی از دشمنان، قرآن را وسیله و دستاویزی برای جنگ با امام زمان قرار دهند. فضیل بن یسار گوید: از امام جعفر صادق^۷ شنیدم که می فرمود: «هنگامی که قائم ما قیام می کند، از جهل و نادانی مردم بیش از آنچه که پیامبر^۹ از مردم دید، می بیند. گوید عرض کردم: چگونه؟

فرمود: پیامبر^۹ وقتی مبعوث شد که آنان سنگ و چوب تراشیده شده را پرستش می کردند. اما زمانی



وحی آسمانی است. حمران بن اعین گوید: از امام ابوجعفر (محمد باقر)^۷ شنیدم، می‌فرمود: «گویا می‌بینم دین شما پیوسته در خون خود دست و پا می‌زند و بر نمی‌گرداند آن را برای شما، مگر مردی از ما اهل بیت^۸ پس در هر سال دو مرتبه به شما عطا و بخشش خواهد کرد و در هر ماه دو مرتبه حقوق و روزی خواهد داد و در زمان او به حکمت و دانش می‌رسید؛ به گونه‌ای که حتی زن در خانه خویش به کتاب خدا و سنت رسول الله به داوری می‌پردازد».^{۳۶}

همراه داشتن قرآنی که امام علی^۷ جمع کرد

در تفسیر برهان در ذیل آیه (وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ) گفته است: آنان اختلاف کردند، همان طور که این امت اختلاف ورزیدند در آن کتاب که همراه قائم است و برای ایشان می‌آورد؛ تا اینکه بسیاری از مردم آن را انکار می‌کنند. پس او جلو ایشان می‌آید و گردنشان را می‌زند.^{۳۷}

طبرسی در کتاب احتجاج از ابوذر نقل کرده است: چون رسول خدا^۹ درگذشت، علی^۷ بنابر وصیت پیامبر قرآن را جمع کرد و نزد مهاجرین و انصار آورد و آن را بر ایشان عرضه داشت. چون

ابوبکر آن را گشود و در نخستین صفحه آن فضیحت‌های آنان بیرون آمد، عمر آن را پرتاب کرد و گفت: یا علی! آن را بازگردان که به آن نیازی نداریم. حضرت آن را گرفت و بازگشت. چون عمر به خلافت رسید، از علی^۷ درخواست کرد که آن قرآن را به آنها بازگرداند و گفت: یا ابا الحسن! کاش قرآنی را که برای ابوبکر آوردی، اکنون بیاوری تا بر آن گرد آییم. آن جناب فرمود: هیئات، راهی به آن نیست. آن را آوردم تا بر شما حجت تمام شود و روز قیامت نگوئید که ما از آن غافل بودیم، یا بگوئید آن را برای ما نیاوردی. قرآنی که نزد من است، بر آن دست نمی‌گذارد مگر پاکیزگان و اوصیایی از فرزندانم. عمر گفت: آیا برای اظهار کردن آن وقت معلوم است؟ امام فرمود: آری، زمانی که قائم فرزندان من قیام کند، آن را آشکار سازد و مردم را بر آن وا می‌دارد و سنت الهی را جاری می‌کند».^{۳۸}

در اینجا باید توضیح دهم که ممکن است امیرمؤمنان برخی مطالب را از زبان پیامبر به عنوان توضیح و تفسیر برخی آیات نقل کرده بود که خوشایند عمر بن الخطاب نبوده است. لذا قرآن را پرتاب می‌کند، اما پس از تثبیت خلافت خودش از امیرمؤمنان می‌خواهد که همان را بیاورد تا بر گرد آن جمع شوند، اما با پاسخ منفی امیرمؤمنان روبه‌رو می‌شود.



پی‌نوشت‌ها

۲۷. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۳۵. در متن اصلی
جایش مشخص نیست.
۲۸. آل عمران/۳۳.
۲۹. کتاب الغیبة، ص ۲۷۹.
۳۰. نمل/۶۲.
۳۱. تأویل الآیات، ج ۱، ص ۴۰۲.
۳۲. کتاب الغیبة، ص ۲۹۷.
۳۳. همان.
۳۴. همان، ص ۳۱۸.
۳۵. همان.
۳۶. کتاب الغیبة، ص ۲۳۹.
۳۷. تفسیر برهان، ج ۲، ص ۹۶۴.
۳۸. ستاره درخشان، ص ۴۵۹، به نقل از احتجاج
طبرسی.



۱. اعراف/۵۳.
۲. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۳۵.
۳. الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۴۵۵.
۴. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۲۶.
۵. همان.
۶. قصص/۵.
۷. غیبة شیخ طوسی، ص ۱۴۰.
۸. دلائل الامامة، ص ۲۶۸.
۹. الهدایة الكبرى، ص ۷۰.
۱۰. طه/۱۲.
۱۱. مریم/۱.
۱۲. اعراف/۱۵۵.
۱۳. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۵۴.
۱۴. انسان/۳۰.
۱۵. با خورشید سامراء، ص ۲۶۷.
۱۶. احقاف/۱-۶.
۱۷. احتجاج، ج ۲، ص ۴۶۸.
۱۸. مائده/۱۰۱.
۱۹. اعلام الوری، ص ۴۲۳.
۲۰. نمل/۶۵.
۲۱. طه/۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶.
۲۲. معادن الحکمه، ج ۲، ص ۲۸۲.
۲۳. نساء/۵۹.
۲۴. مقصود امام حسن عسکری^۷ است.
۲۵. کتاب الغیبة، ص ۱۷۲.
۲۶. هود/۸۶.



شب آفتابی

م . طلوع

در دلش آشوبی بر پا بود، نمی توانست دست
روی دست بگذارد. باید کاری می کرد. کاش
آن روز شوم هرگز از راه نمی رسید؛ روزی که
علی و حسین در یک لحظه از فراز کوهها
برای همیشه پرواز کردند و جان سپردند.

نمی دانست برای کدام اندوهش بگریزد.
فکر می کرد با گذشت زمان، همه چیز درست
می شود. اما شاید دو سال، زمان کمی بود! دست کم
برای مادری که لحظه لحظه در خانه، جای پسران
جوان و معصومش را خالی می دید. آهسته با خودش
زمزمه کرد:

مگر آنها چه گناهی کرده بودند؟
اما نه! خیالش از بابت آنان راحت بود؛ از ته دل!

شب بود و ستاره ها بودند و نبودند. از
جا برخاست. دلش آرام و قرار نداشت.
یادش آمد شب جمعه است؛ شب دعا و
توسل. نباید فرصت را از دست می داد و
نداد. لبخندی بر گوشه لب هایش نقش
بست. باید زودتر دست به کار می شد.
نمی دانست از کجا شروع کند. در اتاقش
قدم می زد. ناگهان ایستاد. انگار دختر
خردسالش را می دید؛
- بابا! برام قصه می گی؟

پیرمرد، حال خوشی نداشت. چهره لاغر و تکیده
همسرش لحظه ای از جلوی چشم هایش دور
نمی شد. به هر دری زده بودند، اما بی فایده بود.
پزشکان هم، امید چندانی نداشتند. با خود
می اندیشید:

خب! مادر است. اگر من هم، جای او بودم ...
ناخود آگاه، اشک از دیدگانش سرازیر شد. بر
بالین زن رفت اما طاقت نیاورد و فوراً خارج شد.

یادش آمد
افزونی



– چه قصه‌ای؟

– قصهٔ اونایی که امام زمانو دیدن!

پیرمرد رفت، تا کتابی بیاورد:

– حالا هر شب، یک قصهٔ خوب برات می‌گم؛

زهر خانم!

هنوز به قفسهٔ کتاب‌ها نرسیده بود، که برگشت. دستی به چشم‌های خود کشید و دلش لرزید. اشک از دیدگانش جاری شد. هیچ کس در اتاق نبود. پاهایش توان نداشتند. آرام بر زمین نشست. یادش آمد یک ماه پیش، دختر کوچکش از او خواسته بود تا قصه کسانی که امام زمان (عج) را دیده بودند، برایش تعریف کند. پیرمرد، هرگز این حکایت‌ها را فراموش نکرده بود. دلش شکست. قرآن را باز کرد و مشغول قرائت شد. دعا‌های شب جمعه را خواند، ولی هنوز بی‌تاب بود؛

خب! من هم مثل همهٔ مردم به آقا، متوسل می‌شوم ... اما نه! آخر به چه رویی در خانهٔ مولا را بزنم. من کجا و ...

به جای خالی دخترش نگاه کرد. فکری به نظرش رسید. رویش را به طرف قبله کج کرد:

– خدایا! تو مقلب القلوب؛ اجازه بفرما آقا به داد گرفتاران برسد. صدایی ضعیف از طبقهٔ پایین به گوش می‌رسید. همسر و بستگانش هم که می‌خواستند صبح جمعه برای معالجه، او را به تهران منتقل کنند، دعا می‌کردند. صدای همسرش را شناخت.

انگار نه انگار سگته کرده بود و نمی‌توانست تکان بخورد! حالا دیگر خودش را تنها نمی‌دید؛ هر چند در خلوت تنهایی‌اش به کنجی خزیده بود. پلک‌هایش سنگین شد، اما در صحن دلش، شوقی شگرف موج می‌زد. در دل آن شب بلند و سرد زمستانی با خود نجوا کرد:

ذره ذره آب شد دلم، ببین

قطره قطره می‌چکد ز گونه‌ام

مثل هر شب، ساعتی پیش از اذان برخاست. اما نه! انگار آن سحر، صفایی دیگر داشت. صدایی به گوشش رسید. در اتاق همسرش همه‌ای بر پا بود. دلش گرفت. ناگهان سر و صداها خوابید. دیگر وقت خواب نبود. آن شب همه چیز برای اتفاقی بزرگ آماده بود. سکوت بود و دعا؛ عشق بود و خدا. پیرمرد مشغول توسل شد. انگار در و دیوار، همزبانی‌اش می‌کردند. شفای همسرش را از خداوند خواست. همزمان با آوای ملکوتی اذان، از پله‌ها پایین رفت. دخترش را دید که در حیاط قدم می‌زد. می‌خندید و از خوشحالی در پوستش نمی‌گنجید. دختر جلو آمد و نفس زنان گفت:

– آقا! مادرم را شفا دادند!

پیرمرد با تعجب پرسید:

– چه کسی؟

– مادرم یک ساعت پیش، ما را بیدار کرد. دائماً می‌گفت: «آقا را بدرقه کنید!» وقتی خودم را به او



... نیز آمدند. آیت الله اراکی (ره) نیز حکایت شفای او به وسیله حضرت ولی عصر (عج) را در خطبه‌های نماز جمعه، در مسجد امام حسن عسکری^۷ برای مردم بازگفتند.

شیخ محمد متقی همدانی به شکرانه این معجزه، در ایام فاطمیه همان سال، مجلسی در منزل خویش برپا کرد که پیر و جوان در آن حضور یافتند. پزشکان نیز مبهوت از این حکایت غریب، آن را معجزه‌ای آشکار خواندند؛ درمانی غیر عادی که پس از یک ماه، منجر به درمان روماتیسم خانم نیز گردید، و دیگر بار، شگفتی همگان را برانگیخت.

دیگر هیچ چیز، شیخ را پریشان نمی‌ساخت، حتی سال‌ها بعد، مصطفایش را نیز راهی جبهه‌ها کرد و پس از شهادتش، «سجده شکر» به جای آورد. وی خود را مرهون آن راز می‌دانست؛ راز آن شب بلند زمستانی؛ رازی که همواره او را خرسند می‌ساخت و خاطره آن «شب آفتابی» را به یادش می‌آورد.

* منبع: ستارگان حرم (شرح حال علما)، ج ۲۰، ص ۱۰۸ - ۱۱۲، گروهی از نویسندگان فرهنگ کوثر، انتشارات زائر، قم.

۱. این دو برادر دانشجوی مبارز در سال ۱۳۵۲ ش. به طور مشکوکی در کوه‌های شمیران تهران، به وسیله ساواک جان باختند.

رساندم، جلو در حیاط بود و به ما اعتراض می‌کرد «هر چه خواستم شما را بیدار کنم، تکان نخوردید».

- خودش بلند شد؟ چطوری؟

- بله، خودم دیدم. نزدیک در حیاط پرسیدم: آن آقا، کی بود که ما را برای بدرقه‌اش صدا زدید؟ جواب داد: «سیدی بود، نه پیر و نه جوان، که در کسوت اهل علم، به بالینم آمد و گفت:

- برخیز!

گفتم: نمی‌توانم.

بار دیگر با لحنی تندتر گفت:

- گریه نکن. برخیز، خداوند شفایت داد.

و من برخاستم؛ اما چون شما خواب بودید، خودم رفتم دنبال آقا!»

زن، از شوق می‌گریست. دیگر از هیچ چیز رنج نمی‌کشید. چشم راستش هم - که کم بینا شده بود - همه جا را به خوبی می‌دید. بعد از چهار روز، احساس گرسنگی می‌کرد. لیوانی شیر برایش آوردند. رنگ و رویش پس از نوشیدن آن، بازتر شد. نگاهش که به داروها افتاد، لبخندی زد و گفت:

- به دستور آقا، دیگر آنها را نمی‌خورم!

حادثه در تاریخ ۱۳۵۵/۱۱/۱۹ اتفاق افتاد. در قم، هیاهویی بر پا بود. همه برای دیدن خانم می‌آمدند؛ آیت الله مرعشی نجفی، آیت الله گلپایگانی و



چهره بی حال زن برداشت و به گل‌های قالی خیره شد. بغضی سنگین گلویش را فشرد. صدای دکتر در گوشش پیچید.

حرف‌های زن، دل مرد را لرزاند. حرف‌های غریبی بود. بوی خداحافظی می‌داد. بچه‌ها خواب بودند. زن تند تند نفس می‌کشید. مرد نگاهش را از

- گفتید پرونده پزشکی شو کجا نشون دادید؟ فکر نمی‌کنم از دست ما کاری بریاد. خانم شما دچار بیماری سخت MS یا ناراحتی مغز و اعصاب شده. متأسفانه کاری از دست ما ساخته نیست. باید به خدا توکل کنید. تنها یه معجزه می‌تونه، اونو از این وضع نجات بده. زن چشمان بی‌رمقش را از هم گشود. لب‌هایش به زحمت جنبید.
- علی! از وقتی رفتیم مشهد زیارت آقا یه حال غریبی دارم.
مرد سرش را به صورت زن نزدیک کرد.

حسن غریب

لیلا اسلامی گویا

السلام علیک
یا قاضی محمد





- چی شده مریم؟ چطور شد یاد مشهد افتادی؟
 اگه دلت می‌خواد باز می‌برمت! می‌خواهی بری؟ آره؟
 - نمی‌دونم تا کی باید این روزای زجر آور رو
 تحمل کنم و تو رو عذاب بدم. خجالت می‌کشم تو
 چشات نگاه کنم. باعث دردسرت شدم. از کار و
 زندگی انداختمت. نه خواب داری، نه خوراک. دیگه
 تحمل ندارم... .

شانه‌های زن به لرزه افتاد. قطرات اشک
 گونه‌اش را خیس کرد.

- مریم! تو درباره‌ی من چی فکر می‌کنی. با این
 حرفا دلمو آتیش زدی، مگه تا حالا چیزی گفتم.
 برخورد تندی از من دیدی؟

زن با پشت دست، اشک‌ها را از پهنای صورتش
 پاک کرد. به پای فلجش خیره شد و گفت:

- هر وقت چشم باز کردم، تو رو بالای سر خودم
 دیدم. یه خواهش ازت دارم: منو ببر قم. فقط همین!

هوای دم‌کرده‌ی اتوبوس، مجبورش کرد سر از
 پنجره بیرون بیاورد و نفس تازه کند. نگاهی به زن
 انداخت. آرام بود و چهره‌اش معصوم‌تر از همیشه به
 نظر می‌رسید. به یاد روزهای خوش گذشته افتاد.

- علی آقا!

مرد نگاهش را به سوی زن چرخاند. لبخندی
 روی لب‌هایش نشست.

- چیزی می‌خواهی؟

- خیلی مونده به قم برسیم؟ دیگه صبرم داره
 تموم می‌شه!

زن دستش را روی شانه‌ی مرد گذاشت و ادامه داد:
 - بعد از زیارت حضرت معصومه، بریم جمکران.
 یه چیزی تو دلم می‌گه زود خودتو برسون مسجد
 امام زمان. یکی اونجا منتظرته.
 مرد خم شد و از داخل کیف، پاکتی پر از قرص
 بیرون آورد.

- اصلاً یادم نبود! قرصاتو نخوردی!

اتوبوس به قم رسید. بعد از مدت‌ها دوباره نگاه
 مرد به گنبد حرم حضرت معصومه افتاد. گنبد طلایی
 درخشش خاصی داشت. در دل احساس شرمندگی
 کرد. از خانم خجالت می‌کشید. بارها قصد زیارت
 کرده بود. اما هر بار مسئله‌ای پیش آمده بود و او از
 آمدن منصرف شده بود. زنش را نگاه کرد. بی‌تابی
 می‌کرد و اشک می‌ریخت. انگار محرم رازی پیدا
 کرده بود. نگاه خسته‌ی زن با دیدن گنبد طلا، جلایی
 دوباره یافت. خودش را به زحمت سرپا نگه داشت.
 در یک دست، عصا داشت و با دست دیگر، به مردش
 تکیه داده بود. می‌خواست هر چه زودتر به وصل یار
 برسد و ضریح را در آغوش بکشد. وارد صحن بزرگ
 شدند. دست به سینه ایستادند.

- السلام علیک یا بنت رسول الله...



تحویل بچه‌هاش بدم. دل اونا به این خوشه که مادرشون سالم برگرده. ادرکنی یا صاحب الزمان! ... لحظاتی بعد سر از سجده برداشت. زن را دید که عصا رو به گوشه‌ای انداخته و بدون کمک کسی، روی پاهایش ایستاده. زن فریاد زد: - علی! پاهامو ببین دیگه فلج نیستیم. دیدی آقا جوابمو داد. نگاهم کرد.

زن گریه کنان به سمت مسجد دوید. مقابل مسجد به سجده افتاد. مرد با تعجب به حرکات او خیره شد. دقایقی بعد، صدای صلوات‌های پی در پی در فضا پیچید. جمعیتی انبوه مرد و زن را در میان گرفتند. آنها آمده بودند به چشم خود ببینند صاحب خانه چه لطف بزرگی در حق مهمان خویش کرده؛ مهمانی که امید به زنده ماندن نداشت.

* منبع: کرامات حضرت مهدی (عج)

۱. مسجد مقدس جمکران تجلیگاه صاحب الزمان^۷، ص ۱۵۷.
۲. دفتر ثبت کرامات مسجد مقدس جمکران، شماره ۱۱۰، سال ۱۳۷۷ ش.

رنگ از چهره زن پرید. نه صدایی می‌شنید و نه چیزی می‌دید. زمزمه‌های غریبانه‌اش دل هر شنونده‌ای را به درد می‌آورد. - خانم جان! از یه شهر دور برات مهمون اومده. می‌دونم حرفمو گوش می‌دی. می‌دونم نگاهم می‌کنی. دیگه طاقت زنده موندن ندارم. نمی‌تونم نفس بکشم. نمی‌تونم حرف بزنم. بی‌بی‌جان! به امیدی به این شهر اومدم. ناامید برم نگردون. نذار برای راه رفتن خجالت بکشم. نذار بیشتر از این شرمندۀ بنده‌ها باشم!

صدای ملکوتی اذان ظهر از بلندگوی حرم در صحن طنین انداز شد. زن با چشمانی اشکبار نگاه به آسمان دوخت. هنوز نتوانسته بود علت آن «حسّ غریب» را پیدا کند. چیزی درونش او را به سوی خود می‌خواند. بعد از زیارت حضرت معصومه^۳ راهی جمکران شدند. حیاط مسجد لبریز از جمعیتی بود که به میهمانی آقا آمده بودند. نگاه زن به پای بی‌رمقش افتاد. عجیب درد می‌کرد. دست روی پایش گذاشت و از شدت درد به گریه افتاد. مرد با دیدن این صحنه پیشانی بر زمین گذاشت. دیگر نمی‌خواست سر بلند کند و همسرش را در آن حال ببیند. تحمل پرپرشدن گل زندگی‌اش را نداشت. آرام زمزمه کرد:

- آقا جان! برات مهمون آوردم. مهمونی که دکترها ازش قطع امید کردن. نمی‌تونم جنازه‌اش رو



مسجد

یک

داستان

مرتضی عبدالوهابی

- خدا خیرت بدهد جوان!
جوان بازوی پیرمرد را گرفت و با او همراه شد.
- رفته بودید مسجد جمکران؟
- بله، قیافه‌ات آشنا نیست! نام مرا از کجا می‌دانی؟

زانوهای پیرمرد می‌لرزید. با زحمت نمازش را تمام کرد و از مسجد بیرون آمد. مسجد کوچک با دیوارهای خشتی و گلی بیرون از آبادی قرار داشت. چهار طرفش بیابان بود و سقفش با چوب پوشیده شده بود. پیرمرد عصا زنان و با قدم‌هایی لرزان، به سمت آبادی رفت. موی سر و محاسنش مثل برف سفید بود. در این هنگام، جوانی به او نزدیک شد:
- شیخ حسن! اجازه می‌دهی کمکتان کنم؟



- شیخ حسن، بیدار شو! امام مهدی صاحب الزمان (عج) تو را می‌خواند.

برخاستم و با عجله لباس‌هایم را پوشیدم. در همان حال گفتم:

- صبر کنید الان می‌آیم.

- جامه‌ای که پوشیدی از آن تو نیست. لباس خودت را بپوش!

به دقت نگاه کردم. فهمیدم از شدت عجله جامه یکی از اهل خانه را پوشیده‌ام! لباس‌های خودم را پیدا کردم و پوشیدم، آن گاه به سراغ کلید در خانه رفتم. دوباره صدا به گوشم رسید:

- در باز است، نیازی به کلید نیست!

از خانه بیرون آمدم. گروهی را به انتظار خود دیدم.

- سلام.

علیکم السلام. مرحبا شیخ، با ما بیا.

با آن جماعت همراه شدم. از آبادی جمکران بیرون آمدم. به محلی رسیدیم. منظره‌ای شگفت در مقابل خود دیدم. تخت چوبی بزرگی در میان بیابان بود. روی تخت، فرش بزرگ و زیبایی پهن شده بود. روی فرش نیز پر از بالش‌های زیبا بود. جوانی حدود سی سال مثل قرص ماه، روی تخت به چهار بالش تکیه داده بود. پیرمردی سبز پوش در کنار جوان نشسته بود. کتابی در دست داشت و برای او می‌خواند. اطراف تخت حدود شصت مرد، گروهی

- از قم آمده‌ام، هاشمی هستم و اهل حجاز. عازم طوس بودم. در قم به حرم حضرت معصومه رفتم و در آنجا داستان مسجد جمکران را شنیدم. به من گفتند شیخ حسن هنوز زنده است. آمدم اینجا تا داستان را از زبان خودتان بشنوم.

- باشد جوان، برایت خواهیم گفت. به خانه من بیا. تو مهمانی و مهمان، حبیب خداست.

غروب خورشید نزدیک بود. شیخ حسن و جوان در ایوان خانه نشسته بودند. جوان از ورای دیوار کوتاه خانه به چشم انداز مقابلش نگاه می‌کرد. تکه ابرهای سرخ در افق دیده می‌شدند. کوه «دو برادر» به آرامی در تاریکی شب محو می‌شد. پیرمرد زبان به سخن گشود. جوان با اشتیاق به صورت او چشم دوخت.



بیست و هفت سال پیش بود. شب سه‌شنبه هفدهم ماه رمضان سال ۳۹۳ خواب بودم. نیمه شب صدایی مرا از خواب بیدار کرد.



- مولای من! نشانه‌ای می‌خواهم که مردم حرفم را بپذیرند. آنان سخنان مرا بی‌حجت و نشانه قبول نخواهند کرد.

- ما در این زمین علامتی قرار خواهیم داد. فردا به محله موسویان قم نزد «سید ابوالحسن الرضا» برو، و بگو به جمکران بیاید، حسن مسلم را حاضر کند و منافع چند ساله زمین را از او بگیرد و به مردم بدهد تا مسجد را بنا کنند. اگر کفایت نکرد، به روستای رهنق مشهد اردهال برو. آنجا ملک ماست. وجه طلب کند و مسجد را به اتمام برساند. نیمی از رهنق را وقف این مسجد کردیم. مردمش هر ساله وجوهات را بیاورند و صرف عمارت مسجد کنند.

- چشم، آقای من!

- به مردم بگو: با شوق و رغبت به اینجا بیایند و چهار رکعت نماز بخوانند: دو رکعت نماز تحیت مسجد، و دو رکعت نماز برای من... حال می‌توانی بروی.

برخاستم. دست ادب بر سینه نهادم و دور شدم. در همان حال، امام صدایم کرد:

- در گله جعفر چوپان کاشانی، بزی ابلق است، موی بسیار دارد با هفت نشان در بدن. سه نشان در یک سو و چهار نشان سمت دیگر. نشانه‌های سیاه و سفیدی چون درهم. آن بز را بخر، اگر مردم آبادی پولش را دادند که هیچ، و گر نه از پول خودت بخر. فردا شب بز را به همین محل بیاور و بکش. روز

با جامه‌های سبز و بعضی با جامه‌های سفید در حال خواندن نماز بودند. در این موقع پیرمرد نگاهش به من افتاد. کتاب را بست و با دست به من اشاره کرد. یکی از همراهانم گفت:

- شیخ حسن! نزدیک برو، حضرت خضر تو را می‌خواند.

با قدم‌های آهسته پیش رفتم. کنار حضرت خضر⁷ نشستم. جوان نگاهش را به من دوخت. لبخند زد و گفت:

- شیخ حسن! فردا به نزد «حسن مسلم» برو و از جانب ما به او بگو: تو چند سال است در این زمین زراعت می‌کنی و گندم و جو می‌کاری. اما ما خراب می‌کنیم. پنج سال زراعت کردی، امسال نیز دوباره مشغول شخم زدن و آماده کردن زمینی. اجازه نداری بار دیگر در اینجا زراعت کنی. اگر سال‌های قبل منفعتی از این زمین برده‌ای بازگردان تا در محل زمین، مسجدی بنا کنند.

در این موقع امام سکوت کرد. اما من محو صورت نورانی و زیبایی آن حضرت و در حالت خلسه فرو رفته بودم.

- شیخ! به حسن مسلم بگو اینجا زمین شریفی است. خداوند آن را بر زمین‌های دیگر برتری داده. چرا آن را جزء زمین‌های خودت کردی؟ خداوند دو پسر جوانت را از تو گرفت؛ تنبیه نشدی. اگر باز ادامه دهی، آن گونه تو را بیازارد که خود آگاه نباشی. امام دوباره سکوت کرد، گفتم:



منتظر تو هستم. حال سخن بگو که جانم به لب رسیده!

همه چیز را برایش تعریف کردم. دستور داد اسبها را زین کردند. به جمکران برگشتیم. بیرون آبادی به جعفر چوپان برخوردیم. گله‌اش را برای چرا به صحرا می‌برد. پیاده شدم و به میان گله رفتم. بز ابلق را پیدا کردم و پیش چوپان بردم.

- این بز را چند می‌فروشی؟

- به خدا، من تا به امروز این بز را ندیده بودم. صبح متوجه آن شدم. هر چه خواستم، او را بگیرم نتوانستم.

بز را به جایگاه بردیم و کشتیم. سید، حسن بن مسلم را حاضر کرد و پول را از او گرفت. وجوهات رهق را آوردند و مسجد را از خشت و گل بنا کردند. رویش را هم با چوب پوشاندند. این هم داستان مسجد جمکران. مسافر حجاز! راضی شدی؟

- چه حکایت شگفتی!

- سرت را درد آوردم. برخیز، به اندرون برویم، حتماً گرسنه هستی.

پیرمرد و جوان به داخل اتاق رفتند. شب، چادر سیاهش را روی آبادی جمکران کشیده بود.

هیجدهم ماه مبارک رمضان گوشت آن را به بیماران بده. خداوند همه را شفا خواهد داد. ما تا چند روز دیگر در اینجا خواهیم بود.

به خانه آمدم. تا صبح نخوابیدم. صبح زود به سراغ همسایه‌ام «علی المنذر» رفتم و ماجرا را با او درمیان گذاشتم. با هم به همان محل رفتیم. او گفت:

- شیخ حسن! به خدا قسم، نشان و علامتی که امام به تو گفت، همین جاست.

زنجیرها و میخ‌ها را نگاه کن!

هر دو به قم رفتیم. در محله موسویان، خودمان را به خانه سید ابوالحسن الرضا رساندیم. خدمت‌کاران سید که بیرون خانه بودند، به سمت ما دویدند.

- شما اهل جمکرانید؟

- بله.

- کدامتان حسن بن مثله هستید؟

- من هستم!

- با ما به داخل خانه بیا. آقا از دیشب منتظر شماست.

به نزد سید رفتم. به استقبالم شتافت و گفت:

- ای حسن بن مثله! دیشب در خواب شخصی به من گفت مردی صبحگاهان از جمکران به نزد تو می‌آید. هر چه گفت، سخنش را بپذیر و به او اعتماد کن که سخنش سخن ماست. بیدار شدم و تا به حال

* منبع: نجم الثاقب، محدث نوری، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۳۸۳.



مَدِیحه سرایان مهدوی

محمد تقی ادهم نژاد



مجموعه حاضر، گلچینی از اشعار فارسی است که به پیشگاه منتظران و محبان آن حضرت تقدیم می‌شود. امید است زمزمه نام و یادش، جان و دل همگان را عطرآگین سازد. ان شاء الله.

سلیمان عصر

حکیم نظامی گنجوی

ای مدنی برقع و مکی نقاب
سایه نشین چند بود آفتاب
منتظران را به لب آمد نفس
ای ز تو فریاد، به فریاد رس

عاشقان و ارادتمندان امام زمان⁷ در طول تاریخ غیبت، از یاد و نام آن حضرت غفلت ننموده و همراه با روش‌های گوناگون (نگارش کتاب و مقاله، سخنرانی، برپایی جشن نیمه شعبان، خواندن دعای ندبه و غیره) دلدادگی خود را ابراز داشته‌اند.

در این میان «مدیحه سرایان» به سبب توفیقات الهی، مناقب و فضائل امام مهدی⁷ را در قالب‌های زیبایی ادبی به تصویر کشیده و دل‌های مردم را به سوی آن کانون محبت و خوبی‌ها سوق می‌دهند.



تاج اتقیاعطار نیشابوری

صد هزاران اولیا، روی زمین
از خدا خواهند مهدی را یقین
یا الاهی، مهدیم از غیب، آر
تا جهان عدل گردد آشکار
مهدی هادیست تاج اتقیا
بهترین خلق بُرج اولیا...^۲

دم مسیحائیحافظ شیرازی

مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید
که ز انفاس خوشش بوی کسی می آید
از غم هجران مکن ناله و فریاد که دوش
زده ام فالی و فریاد رسی می آید
کس ندانست که منزلگه معشوق کجاست
این قدر هست که بانگ جرسی می آید^۲

ای پادشاه خوبان، داد از غم تنهایی
دل بی تو به جان آمد، وقت است که بازایی
دایم گل این بستان شاداب نمی ماند
دریاب ضعیفان را در وقت توانایی

سوی عجم ران منشین در عرب
زردۀ روز اینک و شبذیز شب
ملک برآرای و جهان تازه کن
هر دو جهان را تو پر آوازه کن
سکه تو زن تا امرا کم زنند
خطبه تو خوان تا خطبا دم زنند
ما هم جسمیم، بیا جان تو باش
ما همه موریم، سلیمان تو باش
شحنه توئی، قافله تنها چراست؟
قلب تو داری، عَلم آنجا چراست؟

خیز و بفرمای سرافیل را
باد دمیدن دو سه قندیل را
خلوتی پرده اسرار شو
ما همه خفتیم، تو بیدار شو
ز آفت این خانه آفت پذیر
دست برآور، همه را دست گیر
هر چه رضای تو، بجز راست نیست
با تو کسی را سرِ واخواست نیست
گر نظر از راه عنایت کنی
جمله مهمات کفایت کنی
از نفست بوی وفائی ببخش
ملک سلیمان به گدائی ببخش
از تو یکی پرده برانداختن
وز دو جهان خرقة درانداختن^۱



مشتاقی و مهجوری، دور از تو چنانم کرد
 کز دست بخواهد شد پایاب شکیبایی
 ای درد توام درمان در بستر ناکامی
 وی یاد توام مونس در گوشه تنهایی
 حافظ شب هجران شد، بوی خوش وصل آمد
 شادیت مبارک باد، ای عاشق شیدایی^۴

پیراهن صبر

آیت الله میرزا علی اکبر نوقانی خراسانی

افسوس که عمری پی اغیار دودیدیم
 از یار بماندیم و به مقصد نرسیدیم
 سرمایه ز کف رفت و تجارت ننمودیم
 جز حسرت و اندوه، متاعی نخریدیم
 بس سعی نمودیم که ببینیم رخ دوست
 جانها به لب آمد، رخ دلدار ندیدیم
 ما تشنه لب اندر لب دریا متحیر
 آبی به جز از خون دل خود نچشیدیم
 شاها به تولای تو در مهد غنودیم
 بر یاد لب لعل تو ما شیر مکیدیم
 ای حجت حق، پرده ز رخسار برافکن
 کز هجر تو ما پیرهن صبر دریدیم
 ای دست خدا، دست برآور که ز دشمن
 بس ظلم بدیدیم و بسی طعنه شنیدیم

شمشیر کجت راست کند قامت دین را
 هم قامت ما را که ز هجر تو خمیدیم
 شاها ز فقیران درت روی مگردان
 بر درگهت افتاده به صد گونه امیدیم^۵

چشمه هستی

آیت الله سید محمد مهدی مرتضوی

لنگرودی (عبدالصاحب)

دائم به دل هوای سلیمانم آرزوست
 یعنی ظهور حجت رحمانم آرزوست
 دیدار روی مهدی موعود گر شود
 قربان روی او به خدا جانم آرزوست
 گر او نهد به کاسه چشمان من قدم
 خاک قدم به جاروب مژگانم آرزوست
 اسکندر ارکه بود پی چشمه حیات
 حق داشت چون نداشت که من آنم آرزوست
 زیرا که آب چشمه هستی، ظهور اوست
 یارب، ظهور دولت سلطانم آرزوست
 اندر یم ولایت او غوطه‌ور شدم
 دیگر چرا به چشمه حیوانم آرزوست
 یارب، نما ظهور ولایت به مولدش
 یعنی به روز نیمه شعبانم آرزوست
 آن آفتاب دین بنما چهره‌اش عیان
 از ابر غیبت، نور فراوانم آرزوست



بر تخت دین بگو بنشین یوسف زمان
دیدار روی یوسف دورانم آرزوست
صوت هزار و بلبل دستان شنیده‌ام
آواز دلرباش به یک آنم آرزوست
گر تو ظهور می‌کنی ای ولی عصر (عج)
بنمای رخ که نیر تابانم آرزوست
قرآن ناطقی تو به آواز دلربا
قرآن بخوان که نغمه قرآنم آرزوست
ایمان کند زیاد مرا صوت دلکشت
ایمان زحدّ زیاده بر ایمانم آرزوست
گر رفتم از جهان، ندیدم ظهور تو
با آن ولای روضه رضوانم آرزوست
گر شد مقدّم که به دوزخ کنم مکان
دل غم مخور که آتش سوزانم آرزوست
بُرد و سلام می‌شود آتش برای من
همچون خلیل شعله نیرانم آرزوست^۶

بشارت ظهور

یوسف صدیق

عاقبت دنیا پر از آوای قرآن می‌شود
نور حق از پرده غیبت نمایان می‌شود
ظلمت جهل و ستم دیگر نماند در جهان
عالم از نور حقیقت، نورباران می‌شود

عاقبت معدوم خواهد گشت آثار فساد
کفر و الحاد و ستم از ریشه ویران می‌شود
دور، دور مؤمنان خواهد شد از لطف خدای
هر ستمکاری ز کردارش پشیمان می‌شود
حامی حق شو که حق پویان همیشه زنده‌اند
رتبه پوینده حق، چون شهیدان می‌شود
بعد از این شیرین شود بر هر مسلمان زندگی
دادگاه ویژه اسلام، بنیان می‌شود
دیگر از حکم ستمکاران نماند رونقی
حکم، حکم بندگان پاک رحمان می‌شود
بعد از این نوبت به مهدی، نور قرآن می‌رسد
آنکه با فرمان او گیتی گلستان می‌شود
قسط توحیدی فراگیرد سرای زندگی
خانه اسلام پاک از دزد ایمان می‌شود
روز مهدی^۷ روز فجر رحمت است
درد مردان خدا، آن روز درمان می‌شود^۸

آفتاب گمشده

سید رضا مؤید

گر قسمتم شود که تماشا کنم تو را
ای نور دیده، جان و دل اهدا کنم تو را
این دیده نیست قابل دیدار روی تو
چشمی دگر بده که تماشا کنم تو را
تو در میان جمعی و من در تفکرم
کاندر کجا برآیم و پیدا کنم تو را



مصلح کل

مرتضی موحدی

شها تا چهره ننمایی، جهان خرم نمی‌گردد
 اساس فتنه و غوغا، کم از عالم نمی‌گردد
 بساط ظلم و جور ظالمان بر هم نخواهد شد
 بنای شرع و دین و معدلت محکم نمی‌گردد
 فرو تا پرده از رخ نفکنی، ای زاده خاتم
 فرود از چرخ چارم، زاده مریم نمی‌گردد
 قلوب دوستدارانت ز درد هجر مجروح است
 به جز وصل تو دارویی ورا مرهم نمی‌گردد
 اگر ای شیر حق از بیشه غیبت به درائی
 در عالم خیل روبه، چیره بر ضیغم نمی‌گردد
 اگر ای حامی حق، آئی و باطل فنا سازی
 بدینسان حق و باطل در جهان توأم نمی‌گردد
 الا ای مصلح کل، تا که از عالم نهان باشی
 شرار فتنه و غوغا ز عالم، کم نمی‌گردد
 اگر تیغ کجت آید به عالم، پشت یارانت
 ز بار هجر و طعن دشمنانت خم نمی‌گردد
 تو قطب محور عالم، تو قلب عالم امکان
 چو نقشانی به عالم نور، خاک آدم نمی‌گردد
 ز بس نعمت فزون گردد، گه سلطانیت آری
 که کس محتاج بر سیم و زر و درهم نمی‌گردد^{۱۰}

هر صبح جمعه ندبه‌کنان در دعای صبح
 از کردگار خویش تمنا کنم تو را
 یابن الحسن، اگر چه نهانی ز چشم من
 در عالم خیال، هویدا کنم تو را
 گویند دشمنان که تو بنموده‌ای ظهور
 زین افترای محض، مبرا کنم تو را
 همچون مؤیدم به تکاپو، مگر دمی
 ای آفتاب گمشده، پیدا کنم تو را^۸

... گویا سواری می‌رسد

مفتون امینی

ای دل بشارت می‌دهم، خوش روزگاری می‌رسد
 یا درد و غم طی می‌شود، یا شهریاری می‌رسد
 گر کارگردان جهان، باشد خدای مهربان
 این کشتی طوفان زده، هم بر کناری می‌رسد
 اندیشه از سرما مکن، سر می‌شود دوران دی
 شب را سحر باشد ز پی، آخر بهاری می‌رسد
 ای منتظر غمگین مشو، قدری تحمل بیشتر
 گردی به باشد در افق، گویی سواری می‌رسد
 یار همایون منظر، آخر در آید از درم
 امید خوش می‌پرورم، زین نخل باری می‌رسد
 «مفتون» منال از یار خود، گر بر تو گاهی تلخ شد
 کز گل بدان لطف و صفا، گه نیش خاری می‌رسد^۹



گل بوسه

من که لایق نیستم آن روی زیبا را ببوسم
 دلبرم هر جا گذارد پا، من آنجا را ببوسم
 کاشکی باد صبا باشم که ره یابم به کویش
 تا از آن محبوب، موی عنبرآسا را ببوسم
 ای که گوئی مأمن سرگشته در کوه است و صحرا
 سر به صحرا می‌نهم تا کوه و صحرا را ببوسم
 «وادی رضوی» نمی‌دانم کجا باشد خدایا
 گر بدانم می‌روم تا کوه و صحرا را ببوسم
 یک نظر افکند بر نوح و رهانیدش ز طوفان
 عاشقم رخسار نوح و موج دریا را ببوسم
 دوست دارم زنده باشم تا جمالش را ببینم
 سر به پایش افکنم تا پای مولا را ببوسم
 کاش آید «قبر زهرا» را نماید آشکارا
 تا روم با چشم خونین، قبر زهرا را ببوسم^{۱۱}

آرامش طوفانی

قیصر امین‌پور

طلوع می‌کند آن آفتاب پنهانی
 ز سمت مشرق جغرافیای عریانی
 دوباره پلک دلم می‌پرد، نشانه چیست؟
 شنیده‌ام که می‌آید کسی به مهمانی
 کسی که سبزتر است از هزاربار بهار
 کسی شگفت کسی، آن چنان که می‌دانی

تو از حوالی اقلیم ناکجا آباد

بیا که می‌رود این شهر رو به ویرانی
 در انتظار تو تنها چراغ خانه ماست
 که روشن است در این کوچه‌های ظلمانی
 کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق
 بیا که نام تو آرامشی است طوفانی^{۱۲}

مرتضی عبدالوهابی

هر هفته شبی به جمکران باید رفت
 از روی زمین به آسمان باید رفت
 بر بال فرشتگان به سوی دلدار
 تا خیمه صاحب الزمان باید رفت

دوست و شاعر ارجمندمان، آقای احمد باقریان
 نیز اشعاری ارسال کرده‌اند که تقدیم می‌شود.

آتش عشق

محمدرضا حکیمی

آتش عشق تو تا شعله زد اندر دل ما
 داده بر باد فنا، یکسره آب و گل ما
 تا که از ما بنهفتی رخ خود را، شاها
 چون شب هجر شده تار و سیه منزل ما
 مشکلی نیست محبان تو را جز غم هجر
 عمر بگذشت و نشد حل به جهان مشکل ما
 تا که شد کشتی ما غرقه دریای فراق



سالها از هجر تو مغموم و مُهرم بر لب
 همدمی کو، تا برآرم نغمهٔ مستانه‌ای
 نازنینا، رحم کن بر «ناصر» آن بیمار هجر
 پیش از آن هنگام کز هجرت کند هنگامه‌ای

امیدواران

آیت الله حاج میرزا محمد ارباب

چه خوش باشد که بعد از انتظاری
 به امیدی رسند امیدواران
 جمال اله شود از غیب طالع
 پدیدار آید اندر بزم یاران
 دمد از قرن قدرت نفخهٔ صور
 ببارد ابر رحمت آب باران
 به آواز انا الحق مرغ توحید
 کند پرواز اندر شاخساران
 جهان شد تیره چون شب‌های تاریک
 خدایا، در رسان خورشید تابان
 تو ای جام جهان، رخساره بنما
 که خستند از تعب آئینه داران
 ببین ما را اسیر بند کفار
 گرفتار شکنج روزگاران
 قدم در کربلا بگذار و بستان
 سر پر خون ز دست نیزه داران

بر سر کوی وصال تو بود ساحل ما
 به امیدی که ببینیم رخ دوست دمی
 ساریبان تند مران بهر خدا محمل ما
 گر به ما گوشهٔ چشمی فکند از ره لطف
 بشود خیل سلاطین جهان سائل ما
 حجة بن الحسن ای خسرو خوبان جهان
 دارم امید شود لطف خدا شامل ما
 چهره بگشائی و آئی ز پس پرده برون
 نور گیرد ز طفیل رخ تو منزل ما
 روز پاداش که پرسند ز اعمال عباد
 نیست جز مهر رخت چیز دگر حاصل ما
 هدیهٔ ماست (حکیمی) دو سه شعری که مگر
 بپذیرد ز کرم، هدیهٔ ناقابل ما

بیمار هجر

آیت الله ناصر مکارم شیرازی

گر نداری عشق او، بیگانه‌ای بیگانه‌ای
 گر که مجنونش نه‌ای، دیوانه‌ای دیوانه‌ای
 پیش شمع روی او، از جان خود پروا مکن
 ورنه اندر بزم جان، کمتر ز یک پروانه‌ای
 نیست غیر از نقد جان سرمایهٔ بازار عشق
 گر نداری جان به کف، بیمایه‌ای بیمایه‌ای
 داستان حُسن یوسف گر چه عالمگیر شد
 لیک پیش حُسن تو نبود به جز افسانه‌ای



تو ای دست خدا، از شست قدرت
 بکش تیر از گلوی شیرخواران
 خبرداری که از سم ستوران
 دگر جسمی نماند از شهسواران^{۱۳}

یوسف کنعان

شیخ شهید فضل الله نوری (ممتاز)

ای آنکه کسی سرو چو قد تو ندیده
 چون لعل لبث غنچه ز گلزار نچیده
 چون نرگس مستت به همه گلشن عالم
 نه دیده چنین دیده و، نه گوش شنیده
 ای مظهر خوبان، همه خوبند تو «خوبی»
 نوری است جمالت که ز انوار چکیده
 شناخته گفتند گروهی که خدایی!
 پس مرد شناسای تو را چیست عقیده؟
 واقف نشد از سرّ تو ای مخزن اسرار
 جز عارف چل ساله که در خرقه خزیده
 ذات تو معمّاست، به بویش نبرد پی
 آن کس که یکی جرعه ز جامت نچشیده
 دانم به یقین گر به رخت پرده نبودی
 کس یوسف کنعان به کلافی نخریده
 می کرد تجلّی اگر این یوسف ثانی
 دلباختگان، دل عوض دست بریده
 در مردمک دیده و، از دیده نهانی
 پیدا و نهان، غیر خداوند که دیده؟!

جز دیدن روی تو ندارد غرضی چرخ
 زین گردش روز و شب و با قدّ خمیده
 دانی ز چه در پای گل سرخ بود خار؟
 از بس که به گلزار به شوق تو دویده

پی نوشت ها

- * در مواردی گزیده‌ای از اشعار را آورده‌ایم.
۱. خمه حکیم نظامی گنجوی، ص ۴۹، چاپ آفتاب.
 ۲. گلاژه ۲، ص ۲۲۱.
 ۳. دیوان حافظ، تصحیح: محمد قدسی حسینی، چاپ سنگی، بمبئی ۱۳۲۲، ص ۴۷۰.
 ۴. همان، ص ۹۶۸، (غزل ۴۸۴).
 ۵. آثار الحجه، ج ۲، ص ۳۹۸؛ گل‌های معطر از بوستان آل محمد^۹، محمد باقر حسینی زفره‌ای.
 ۶. کلیات دیوان مرتضوی، سید محمد مهدی مرتضوی (عبدالصاحب)، ص ۴۴.
 ۷. شقایق خونین کربلا، حجت الاسلام یوسف صدیق عربانی، ص ۱۴۰، چاپ سلمان فارسی، قم، ۱۳۷۵ ش.
 ۸. گل‌های معطر، ص ۱۸۰.
 ۹. همان، ص ۱۸۱.
 ۱۰. همان، ۱۹۰.
 ۱۱. همان، ص ۱۸۷.
 ۱۲. آخرین سپیده، (برگزیده شعر معاصر مذهبی در ستایش حضرت مهدی)، امیر مسعود طاهریان، ص ۳۲، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۲ ش.
 ۱۳. آثار الحجة، محمد شریف رازی، ج ۱، ص ۲۲۰، مؤسسه دارالکتاب الطباعة و النشر، قم،



وکلائی حضرت مهدی علیه السلام



در دوران غیبت صغرا علاوه بر سفرای چهارگانه و نواب خاص، از افرادی به عنوان وکلا نام برده شده که نامه‌ها و احکام خاص به وسیله آنها به ناحیه مقدسه می‌رسید و از آن طرف فرامین، رهنمودها، ادعیه یا عنایات خاص از طریق آنان به جامعه اسلامی می‌رسید. گاهی به اشتباه به آنها سفیر گفته می‌شد؛ چنان که در مورد نواب خاص به تسامح «وکیل» به کار رفته است.

البته عالمان شیعه برای تفکیک اصطلاحات و عدم اشتباه القاب مرتبطین با ناحیه مقدسه، توافق کردند که بر نواب چهارگانه سفیر و بر مرتبطین دیگر وکیل اطلاق گردد.

تعداد سفرا، محدود به چهار نفر است، ولی تعداد وکلا بسیار بوده که در شهرها و کشورهای مختلف می‌زیستند. نام و نشان و شخصیت سفرا تا حدودی روشن است؛ ولی شخصیت و نام وکلا و سرگذشت



آنان برای جامعه ناشناخته است. از این رو، لازم است در این زمینه توضیحاتی داده شود.

فرق سفیر و وکیل

از جهت وظایف و اختیارات، بین نواب خاص (سفرا) و وکلای آن حضرت دو فرق اساسی به نظر می‌رسد:

۱. سفرا به طور مستقیم با حضرت مهدی^۷ ملاقات می‌کردند و سؤالات و مشکلات شیعه را مطرح می‌ساختند و جواب می‌گرفتند، آنان وجوهات شرعی را خدمت حضرت می‌رسانیدند یا به دستور او آن را در مواردش مصرف می‌کردند؛ درحالی که وکلا چنین اختیاراتی نداشتند. وکلا بیشتر وقت‌ها با واسطه سفرا پیام‌های خود را به ناحیه مقدسه می‌فرستادند یا از آن ناحیه پیام دریافت می‌کردند. اگر چه وکلا گاهی به حضور حضرت می‌رسیدند و به طور مستقیم از او کسب فیض می‌کردند، ولی غالب روابط با واسطه سفیر و زیر نظر او بود.

۲. سفرا مسئولیت عام جامعه شیعه را عهده‌دار بودند و در همه زمینه‌ها از آن حضرت نیابت تام داشتند؛ در حالی که وکلا در محدوده خاص انجام وظیفه می‌کردند. به عبارت دیگر، وکالت شعبه فرعی

سفارت و وکلا، نمایندگان سفرا بودند و این کار دو فایده اساسی داشت:

(الف) با توجه به جو اختناقی که از طرف خلفای بنی عباس اعمال می‌شد و مراقبت بر احوال سفرا برای ردیابی و دستگیری حضرت حجت^۷ یا سفرای خاص وجود داشت، تشکیلات وکالت، وسیله خوبی برای ارتباط سفرا با توده مؤمنان با رعایت استتار و تقیه بود. در نتیجه خود سفیر نیازی به ارتباط مستقیم با مردم نداشت و ارتباطات به طور غالب با واسطه این وکلای امین و زیرک و آشنا با روش ائمه صورت می‌گرفت و به این وسیله، از افشای نام سفرا در میان مردم و فشار بر رهبری شیعه جلوگیری می‌شد.

(ب) یاری سفیران و گسترش هدایت مهدوی و ارشادات قدسی ناحیه مقدسه در منطقه وسیع جغرافیایی خاورمیانه؛ بلکه خارج آن؛ زیرا شیعیان در مناطق مختلف به سفرا دسترسی نداشتند و از طرفی هم سفرا به تنهایی توان تأمین همه نیازهای شیعه را نداشتند. در نتیجه با تعیین وکلا در نقاط مختلف، شیعیان به ایشان رجوع می‌نمودند.

توثیق عام وکلا

بعضی از عالمان رجال، وکالت از امام را از توثیقات عامه شمرده، بلکه آن را ملازم عدالت



دانسته‌اند؛ آیت الله خویی با این نظر مخالفت کرده و وکالت را برای عدالت کافی ندانسته؛ وی معتقد است وکالت تنها در امور مالی بر امانت وکیل دلالت می‌کند. از این رو، توکیل شخص فاسق امین جایز است. از طرفی، عده زیادی از وکلای ائمه مورد لعن و مذمت آن بزرگواران قرار گرفته‌اند و اگر وکالت با عدالت ملازمه داشت، چگونه این افراد فاقد عدالت هستند.^۱

در پاسخ به این سؤال باید گفت: اگر وکالت از سایر ائمه^۲ بر عدالت دلالت نکند، به یقین وکالت از ناحیه مقدسه در زمان غیبت صغرا - جز در موارد محدود - با عدالت ملازمه دارد. علت ملازمه هم این است که وکالت، به عنوان شعبه سفارت بخشی از تشکیلات سرّی رهبری شیعه در آن زمان اختناق بود و جز کسانی که از مراحل مختلف امتحان پیروز در آمده بودند، به این مقام نمی‌رسیدند. و عزل و مطرود شدن کسانی مانند: شلمقانی و احمد بن هلال - که به این مقام رسیده بودند - بر نقض ملازمه وکالت و عدالت دلالت نمی‌کند؛ زیرا منظور از ملازمه، مفهوم فلسفی آن نیست؛ بلکه منظور ملازمه عرفی آن دو است. پس هر جا وکالت ناحیه مقدسه ثابت شد، عدالت هم ثابت است؛ مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. مؤید این نظر توقیع شریفی است که به دست حسن بن عبدالحمید رسید.

هنگامی که وی در کار یکی از وکلا به نام حاجز شک کرد، از ناحیه مقدسه آمد: «لیس فینا شک ولا فی من یقوم بأمرنا ردّ ما معک إلی حاجز ابن یزید؛ هیچ شکی در کار ما نیست و نیز شکی در وکلای ما نیست. آنچه از اموال داری، به حاجز بن یزید تحویل بده».^۲

تعداد وکلا

شیخ صدوق در روایتی از محمد بن ابی عبدالله کوفی به دوازده نفر از وکلا اشاره می‌کند و می‌گوید: وکلایی که با امام زمان^۷ ارتباط داشتند و از معجزات او مطلع بودند و آن حضرت را دیدند، به شرح ذیل هستند:

۱. از بغداد: عثمان بن سعید عمری و فرزندش محمد بن عثمان، حاجز بن یزید و شاء، ابوطاهر محمد بن علی بن بلال، عطار که مردّد بین چند نفر است و یکی از آنان احمد بن محمد یحیی العطار است.

۲. از کوفه: عاصمی، که لقب دو نفر است: عیسی بن جعفر بن عاصم و احمد بن محمد بن طلحه عاصمی کوفی.

۳. از اهواز: محمد بن ابراهیم بن مهزیار.

۴. از قم: احمد بن اسحاق بن سعد اشعری.

۵. از همدان: محمد بن صالح.



همگام با سفیران

اکنون به بررسی شخصیت و عملکرد بعضی از وکلا می‌پردازیم؛ زیرا این بزرگان در شرایط سخت حاکمیت جور خلفا با ایثار و فداکاری نقش بزرگی در نشر انوار ولایت و هدایت مهدوی داشتند و بعضی از آنان در این راه به زندان افتادند و شکنجه‌ها تحمل کردند که متأسفانه برای جامعه ایمانی ما ناشناخته‌اند. البته نام دو سفیر اول و دوم به تسامح یا به جهت آنکه مدتی به عنوان وکیل عمل می‌کردند، در این فهرست آمده است. لازم است بدانیم محمد بن ابی عبدالله، - همان محمد بن جعفر اسدی - خودش وکیل ناحیه مقدسه و استاد شیخ کلینی و صاحب نظر در این گونه مسائل است. این بزرگان عبارت‌اند از:

۱. قاسم بن علاء

کنیه‌اش ابومحمد و اهل آذربایجان و ساکن آنجا بود و ۱۱۷ سال عمر کرد که ۸۵ سال آن را صحیح و سالم بود و بعد از هشتاد سالگی نابینا شد. وی در شهر آران^۵ زندگی می‌کرد. او به واسطه نایب دوم، محمد بن عثمان با حضرت مهدی^۷ رابطه داشت و پی در پی نامه‌های حضرت برایش می‌آمد و این نامه‌ها پس از محمد بن عثمان به واسطه حسین بن روح، نایب سوم، به دست او می‌رسید.^۶

۶. از منطقه ری: بسامی، که نسب او شناخته

نیست، ابوالحسین اسدی یعنی محمد بن جعفر بن محمد بن عون که خودش راوی این فهرست است و به محمد بن ابی عبدالله کوفی معروف است.

۷. از آذربایجان: قاسم بن علاء.

۸. از نیشابور: محمد بن شاذان.^۳

از همین عبارت مرحوم صدوق استفاده می‌شود که این افراد تنها تعدادی از وکلای بسیار ناحیه مقدسه بوده‌اند. آیت الله شهید سید محمد صدر به هفت نفر دیگر از آنان اشاره می‌کند^۴ که عبارت‌اند از: ابراهیم بن مهزیار اهوازی، محمد بن حفص عمری، حسین بن علی بن سفیان بزوفری، حسین بن روح نوبختی که در دوران سفیر دوم، وکیل ناحیه مقدسه بود، ابراهیم بن محمد همدانی، احمد بن الیسع بن عبدالله قمی و ایوب بن نوح نخعی.





در اینجا مرحوم قطب راوندی از ابوعبدالله صفوانی داستان جالبی نقل می‌کند. وی می‌گوید من در شهر آران در خدمت قاسم بن علاء بودم. مدت دو ماه نامه‌ای از ناحیه مقدسه به دستش نرسید. او از این جهت نگران شد. روزی در خانه او همگی سر سفره غذا نشسته بودیم که دربان بشارت آورد که پستیچی وارد شهر شده و فقط سراغ او را می‌گیرد! قاسم سجده شکر به جا آورد. در این حال مردی میانسال که گرد و غبار سفر بر سر و صورت او نشسته بود، وارد شد که توبره‌ای بر دوش و جلیقه‌ای پشمین و راه راه بر تن داشت.

قاسم برخاست و با او معانقه کرد و برای او آب و غذا آورد. نامه‌رسان پس از شستن سر و صورت و صرف غذا، برخاست و کتابچه‌ای را بیرون آورد و به قاسم داد. او کتابچه را گرفت و بوسید و آن را به کاتب خود داد تا بخواند. کاتب کتابچه را خواند؛ اما وقتی به قسمتی از نامه رسید، شروع به گریه کرد! قاسم متوجه گریه او شد و علت آن را پرسید. کاتب پاسخ داد: در این نامه از ناحیه مقدسه خبر مرگ تو را پس از چهل روز دیگر داده‌اند و دیگر آنکه هفت روز پس از رسیدن این نامه تو مریض می‌شوی؛ ولی خداوند بینایی را به تو برمی‌گرداند و در ضمن هفت پیراهن نیز برای تو هدیه فرستاده‌اند.

قاسم پرسید: آیا در حال مرگ، دینم سالم است؟ کاتب پاسخ داد: آری، از آن جهت راحت باش! قاسم خندید و گفت: دیگر پس از این، عمر نمی‌خواهم! آنگاه نامه‌رسان از توبره‌اش هدایای دیگری در آورد و به او داد. قاسم همکاری سنی و متعصب به نام عبدالرحمن داشت. به دوستانش گفت آن نامه را به وی نشان دهند. دوستان صلاح ندانستند و گفتند این نامه را شیعیان تحمل نمی‌کنند، چه رسد به او! ولی قاسم که خیلی دوست داشت وی هدایت شود، نامه را به او نشان داد. همکار قاسم پس از خواندن خبر دقیق وقت مرگ به او اعتراض کرد که تو مرد فاضل و با تقوایی هستی و قرآن می‌گویی: (وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ)؛ «هیچ کس نمی‌داند در چه زمینی می‌میرد»، و نیز می‌فرماید: (عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا)؛ «او عالم به غیب است و کسی را بر علم غیب خود مطلع نمی‌سازد».

آن شخص افزود: پس این خبر که در نامه آمده، با قرآن تعارض دارد! قاسم گفت: دنباله آیه را نیز بخوان که می‌فرماید: (إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ)، مگر رسولان پسندیده خود را که بعضی از علم غیب را در اختیار آنان قرار می‌دهد، و این



مولای ما از همان نسل رسولان مرضی خداوند است که از غیب مطلع‌اند.

آن گاه گفت: تاریخ امروز را به خاطر بسپار. اگر از روزی که برای وفات معین شده، بیشتر زنده ماندم، بدان مذهب من باطل است! عبدالرحمن هر دو تاریخ را یادداشت کرد و از او جدا شد. هفت روز بعد قاسم تب کرد و حال او هر روز بدتر شد تا آنکه به حال احتضار افتاد. دوستان او گرد او جمع شده بودند که ناگهان قاسم با زحمت بر دست‌هایش تکیه داد و و نیم‌خیز شد و این جملات را بر زبان آورد: ای محمد، ای علی، ای حسن، ای حسین، ای مولای من! شما شفیع من به سوی خداوند عزوجل باشید! و سپس نام یکایک ائمه را برد و دقیقاً در صبحگاه چهارم روز موعود از دنیا رفت. این خبر در شهر پیچید و بزرگان شهر و عالمان و مؤمنان از واقعه خبردار شدند و آن را با تعجب برای همه نقل می‌کردند، تا آنکه دوست متعصب وی، عبدالرحمن، متوجه این قضیه شد. وی با سر و پای برهنه به سوی خانه او می‌دوید و فریاد می‌زد: وای بر آقای من! عبدالرحمن به مردمی که در مراسم تشییع پیکر قاسم، او را در این حالت می‌دیدند، می‌گفت: ساکت باشید! من چیزی از او دیدم که شما ندیدید و همین واقعه باعث شد عبدالرحمن شیعه شود. قاسم را

غسل دادند و با پیراهن‌هایی که امام^۷ برای او هدیه فرستاده بود، کفن و دفن کردند.^۹

شهرت دیگر این شخص، قاسم بن علاء همدانی است، به اعتبار آنکه وی از قبیله همدان بود. همان طور که مرحوم آیت الله خویی به طور قطع و مرحوم مامقانی با احتمال گفته‌اند و دلیلشان اتحاد راوی آن دو روایت (صفوانی) است.^{۱۰}

قاسم بن علاء همدانی، همان کسی است که شیخ طوسی در مصباح المتعجد می‌گوید: توقیعی از ناحیه مقدسه برای روز سوم شعبان (تولد امام حسین^۷) به دست او می‌رسد و در آن توقیع، معارف بلندی آمده است: «اللهم انی أسئلك بحق المولود فی هذا الیوم، الموعود بشهادته قبل استهلاله و ولادته، بكتة السماء و من فیها، والارض و من علیها...»^{۱۱}

این شخصیت بزرگوار در منطقه آذربایجان، شمع فروزان هدایت مهدوی و چشمه زلال معرفت علوی برای تشنگان حقیقت بود. همچنین نامه ناحیه مقدسه در لعن و طرد احمد بن هلال عبرتایی به جهت افشای خط انحرافی او، به دست قاسم بن علاء همدانی می‌رسد تا مؤمنان به این وسیله از فریب آن شخص منحرف در امان بمانند.



۲. حاجز بن یزید و شاء

شیخ صدوق این شخص را از وکلای ناحیه مقدسه می‌شمارد. در این زمینه شیخ مفید از حسن بن عبدالله روایت می‌کند: من در وکالت حاجز تردید داشتم و به این دلیل، مالی را جمع‌آوری کردم و به سوی سامرا رفتم. در آنجا نامه‌ای از ناحیه مقدسه برایم آمد که تردیدی در کار ما و کسانی که قائم مقام ما هستند، وجود ندارد! آنچه همراه داری، به حاجز بن یزید برسان!^{۱۲}



از این روایت استفاده می‌شود که رسانیدن بخشی از اموال امام^۷ به وسیله حاجز به ناحیه مقدسه، امر رایجی بود؛ بلکه امام^۷ هر نوع شک و تردید در کار وکلا را ناروا می‌دانست و در روایت دیگر رسیدن این وجوه را به ناحیه مقدسه تأیید

می‌کند. به عنوان مثال، کلینی از محمد بن حسن کاتب مروزی روایت می‌کند که: مبلغ دویست دینار برای حاجز و شاء فرستادم و این مطلب را به ناحیه مقدسه نوشتم و خبر دادم. پس از مدتی از آنجا برایم نامه‌ای آمد که مبلغ مزبور رسید؛ بلکه در نامه، خبر دادند که نزد من هزار دینار مال امام بود و من تنها دویست دینار آن را فرستادم. آن گاه افزودند: از این پس با ابوالحسین اسدی در این زمینه داد و ستد کن! راز این نکته اخیر برایم مبهم بود تا اینکه پس از دو روز خبر وفات حاجز و شاء به دستم رسید.^{۱۳}

از این حدیث استفاده می‌شود که حاجز و شاء شخص مطمئنی برای رسانیدن اموال به ناحیه مقدسه بود و پس از وفات او، در منطقه ری ابوالحسین اسدی به وکالت برگزیده شد.

۳. محمد بن ابراهیم بن مهزیار

این شخص از کسانی است که ابن طاووس در کتاب ربیع الشیعه وی را از سفرا و ابواب معروف امام زمان^۷ معرفی کرده است. البته مراد از سفیر در اینجا همان مفهوم اعم آن یعنی وکیل است؛ ولی مرحوم خویی می‌گوید: وکالت ایشان ثابت نیست؛ زیرا هم سند روایت آن ضعیف است و هم راوی آن خود ایشان است و امر وکالت با روایت خود شخص



ثابت نمی‌شود؛^{۱۴} چنان که عدالت و وثاقت با روایت خود شخص ثابت نمی‌گردد.

متن روایت چنین است: شیخ طوسی از محمد بن ابراهیم بن مهزیار نقل می‌کند: بعد از شهادت امام حسن عسکری^۷ دچار شک و حیرت شدم. اموال زیادی (از سهم امام) نزد پدرم جمع شده بود. آن را برداشته، همراه پدرم با کشتی به سوی بغداد حرکت کردیم. پدرم سخت مریض شد و به من گفت: مرا برگردان؛ زیرا من خواهم مرد؛ ولی خیلی مواظب این مال باش. و پس از وصیت به من، وفات کرد. من با خود گفتم: پدرم بیهوده در این مال به من وصیت نکرده، پس من این مال را به عراق می‌برم و خانه‌ای را در کنار رود دجله اجاره می‌کنم و جریان را به کسی نمی‌گویم؛ اگر تکلیف این مال چون زمان امام حسن عسکری^۷ برایم روشن شد، به همان عمل می‌کنم، و گر نه آن را صدقه می‌دهم. وارد بغداد شدم و خانه‌ای را کنار رود دجله اجاره کردم. چند روزی در آنجا به سر بردم تا اینکه پیکی (از ناحیه مقدسه) نامه‌ای برای من آورد و در آن به من دستور داده شد که: ای محمد! شما فلان مقدار پول در فلان کیسه داری... و تمام جزئیات آن مال را که حتی من آن را نمی‌دانستم، بیان کرد. من نیز مال را به آن پیک دادم. چند روز در بغداد

تنها و غمگین ماندم؛ تا آنکه نامه‌ای به این مضمون از ناحیه مقدسه آمد که: تو را به جای پدرت قرار دادیم. شکر خدا را به جای آور!

هر چند این روایت از زبان خود محمد بن ابراهیم بن مهزیار است، ولی وکالت ایشان به وسیله روایتی که از محمد بن ابی عبدالله کوفی نقل کردیم، ثابت شد و معلوم نیست ایشان در این سخن به ادعای محمد بن ابراهیم اکتفا کرده باشد؛ بلکه ایشان که هم وکیل و هم کارشناس این تشکیلات بوده، دلیل دیگری هم داشته است. علاوه بر آنکه محمد بن ابراهیم بن مهزیار، برادرزاده علی بن مهزیار، صحابی معروف سه امام (رضا، جواد و هادی^{۱۵}) و از خاندان اصیل و سرشناس شیعی در جنوب ایران و عراق بود. بنابراین علی بن ابراهیم بن مهزیار، همان صاحب حکایت معروف تشریف به خدمت حضرت صاحب الزمان^۷ پس از بیست سفر حج است؛^{۱۶} اگر چه در زبان‌ها به مسامحه علی بن مهزیار گفته می‌شود؛ زیرا او را به جدش نسبت می‌دهند، در نتیجه وکالت چنین شخصی در منطقه شیعه نشین اهواز طبیعی می‌نماید.

۴. محمد بن جعفر اسدی رازی

کنیه‌اش ابوالحسین است و وکیل ناحیه مقدسه در منطقه شهر ری بود. شیخ صدوق، فهرست



وکلائی ناحیه مقدسه را از او نقل و در آن از وی به نام «اسدی» و وکیل ناحیه مقدسه در منطقه ری یاد می‌کند؛ در حالی که در سند آن فهرست، وی با نام محمد بن عبدالله کوفی معرفی شده و این، مؤید وحدت صاحب این نام است. آیت الله خویی نیز بر همین مطلب تأکید می‌کند؛ اگر چه وی گاهی به عنوان کوفی، اسدی و رازی معرفی شده. او استاد مرحوم کلینی و شخص موثق بوده و پی در پی از محمد بن اسماعیل برمکی رازی روایت کرده است.^{۱۷}

شیخ طوسی می‌نویسد:

«در زمان غیبت صفرا و سفارت نواب چهارگانه، افراد مورد اعتمادی بودند که نامه‌های امام زمان - که به دست صفرا می‌رسید - به واسطه آنان به مردم می‌رسید. یکی از آنان ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی - رحمة الله علیه - است.»^{۱۸}

همچنین وی وکیل وجوهات مالی از طرف آن حضرت بود. از این رو، محمد بن شاذان نیشابوری می‌گوید: ۴۸۰ درهم متعلق به امام، نزد من جمع شده بود. با خود گفتم: این رقم را به پانصد درهم برسانم، زیرا خوب نیست به خاطر بیست درهم، این مال، ناقص باشد. من بدون آنکه به کسی اطلاع دهم، بیست درهم از مال خودم به آن افزودم و آن

را به وسیله اسدی به ناحیه مقدسه فرستادم. پس از مدتی از آنجا پاسخ آمد که مبلغ ۵۰۰ درهم که ۲۰ درهم آن از خودت بود، به ما رسید.^{۱۹}

روایات متعددی نیز به مراجعه شیعیان و پرداخت سهم امام به ایشان و رسانیدن آن اموال توسط او به ناحیه مقدسه دلالت می‌کند.^{۲۰}

شیخ طوسی می‌گوید:

«مات الاسدی لم یتغیر و لم یطعن فیه ... فی شهر ربیع الاول ۳۱۲ق؛ وی در ماه ربیع الاول سال ۳۱۲ق. در حال وارستگی و خوشنمایی از دنیا رفت.»^{۲۱}

نجاشی پس از توثیق اسدی، می‌گوید: «وی از ضعفا نقل حدیث کرده و معتقد به مذهب جبر و تشبیه بوده»؛^{۲۲} اتهامی که هرگز با مقام والای این وکیل شایسته ناحیه مقدسه نمی‌خواند. علاوه بر آنکه معارض با نظری است که از شیخ طوسی نقل کردیم. از طرفی، لازم است توجه کنیم که مسائلی چون جبر، تفویض و مقامات ائمه بسیار پر دامنه و قابل تفسیرها و برداشت‌های گوناگون است. در گذشته، اعتقاد به برخی مسائل «غلو» محسوب می‌شد؛ اما اکنون بخشی از عقائد رسمی شیعه است. چه بسا اعمالی که نسبت آن به خداوند در نظر عده‌ای جبر باشد، دیگران صاحب آن عقیده را جبری ندانند. از این رو، چنان که رجالی بزرگ آیت الله



خدا قسم به نحوی غایب می‌شود که از هلاکت در آن زمان نجات نمی‌یابد، مگر کسی که خداوند عزوجل او را بر قول به امامتش ثابت بدارد و توفیق دعا برای تعجیل فرج به او اعطا فرماید.

احمد عرض کرد: مولای من! آیا علامتی هست که دل من به آن آرام شود؟
در این وقت، کودک (که بر دوش حضرت بود) با زبان عربی فصیح فرمود:

«أنا بقية الله في أرضه و المنتقم من أعدائه...؛ منم بقية الله بر روی زمین و انتقام گیرنده از دشمنانش. پس از این دیدار، دیگر اثری از من مجوی!»^{۲۴}

برنامه امام حسن عسکری^۷ در مورد فرزند عزیزش بر محور دو کار به ظاهر متضاد استوار بود. از طرفی، فرزندش را از چشم مأموران خلیفه، دشمنان و نامحرمان پنهان می‌کرد و از طرفی دیگر، برای اتمام حجت و معرفی جانشین خود، او را به شیعیان خاص و افراد مورد اعتماد، نشان می‌داد. این خبر بین خواص و مؤمنان منتشر می‌شد تا شیعیان پس از وفات حضرت، تکلیف خود را بدانند.

احمد بن اسحاق از افراد خاصی بود که به این افتخار بزرگ نایل شد. در این شرفیابی، حضرت تأکید می‌کند که: «در دوران غیبت، تنها کسانی

خوبی می‌گویند: این شخص از این اتهام پاک است، به ویژه آنکه شاگرد ماهرش شیخ کلینی - که بیش از همه به حال استادش آشناست - اگر چنین انحراف عقیدتی از او سراغ داشت، این همه از او روایت نمی‌کرد. علاوه بر آن، از همین شخص روایات متعددی در باطل بودن عقیده جبر و تشبیه نقل شده است.^{۲۳}

۵. احمد بن اسحاق اشعری

کنیه‌اش ابوعلی قمی و وکیل ناحیه مقدسه در قم است. بعضی از پیام‌های امام^۷ به نواب خاصش از طریق این شخص به مردم ابلاغ می‌شد. وی یکی از افراد مورد اعتمادی بود که امام حسن عسکری^۷ فرزند عزیزش، حضرت مهدی^۷ را در کودکی به او نشان داد و به او فرمود:

«ای احمد بن اسحاق! اگر کرامت و احترام تو نزد خداوند عزوجل و اولیائش نبود، این فرزندم را به تو نشان نمی‌دادم. او همانم و هم کنیه پیامبر^۹ است که خداوند زمین را به برکت او پس از آنکه پر از ظلم و ستم شود، از عدالت پر می‌سازد. ای احمد بن اسحاق! مثل او در این امت، مثل خضر و ذوالقرنین است.»

آن گاه فرمود: «و الله لیغیب غیبة لا ینجو من الهلکة فیها الا من ثبته الله عزوجل علی القول بامامته و وقَّعه فیها للدعاء بتعجیل فرجه؛ به



درک و از آنان روایت کرد. وی چنان جایگاه بلندی در نزد شیعیان داشت که مرحوم نجاشی از او به عنوان «نماینده قمیون» نام برده است.

وی در سفری همراه سعد بن عبدالله اشعری پس از بازگشت از محضر امام عسکری^۷ و فرزند عزیزش در سامرا، هنگامی که خواست با حضرت خداحافظی کند، امام به او خبر داد که زمان مرگش فرا رسیده و در این سفر وفات خواهد کرد، آن گاه سیزده درهم به او داد تا آن را خرج خود نماید. (از جمله تهیه کفن که از امام درخواست کرده بود) و فرمود: بیش از آن نیاز نداری!

رفیق او سعد بن عبدالله می گوید:

هنگام بازگشت از سامرا، احمد بن اسحاق تب کرد. وقتی سه فرسنگ از شهر حلوان گذشتیم، حال او بدتر شد. او یکی از همشهریان خود را که ساکن حلوان بود، طلبید و از ما خواست که او را شب تنها بگذاریم.

صبح که برخاستیم، خادم امام عسکری^۷ به نام «کافور» به ما تسلیت گفت و خبر داد که: اکنون از غسل و کفن رفیقان فراغت یافتیم، برخیزید و او را دفن کنید و بدانید که او برترین شما نزد امامتان است. وی این را گفت و از چشم ما پنهان شد!^{۲۶}

نجات می یابند که خداوند آنان را ثابت بدارد و توفیق دعا برای نزدیکی ظهورش عطا فرماید». این جمله اهمیت این دعا را به عنوان راه نجات می رساند. همچنین این حدیث از تحول بزرگ غیبت در تاریخ شیعه خبر داده و آن را همانند غیبت خضر و ذوالقرنین دانسته است.

البته قبل از این تشریف، امام حسن عسکری^۷ نیز پس از تولد فرزند عزیزش ضمن ارسال نامه ای، وی را از آن با خبر کرد؛ ولی دستور فرمود آن را از مردم پنهان دارد. آن گاه می فرماید: «فَإِنَّا لَم نَظْهَرْ عَلَيْهِ إِلَّا الْأَقْرَبَ لِقْرَابَتِهِ وَ الْمَوْلَى لَوْلَايَتِهِ أَحْبَبْنَا أَعْلَامَكَ لَيْسَرَكُ اللَّهُ بِهِ مِثْلَ مَا سَرَّنا بِهِ وَالسَّلَامُ؛ ما این خبر را جز به خویشاوندان نزدیک و شیعیان خاص از جمله شما، به کس دیگری ندادیم تا خداوند تو را به این خبر مانند ما خوشحال کند».^{۲۵}

همه این امور جایگاه ویژه احمد بن اسحاق را نزد امام^۷ و شیعیان خاص به خوبی نشان می دهد. علاوه بر این، وی از مؤلفانی بود که کتب متعددی در رشته های مختلف، از جمله کتاب علل الصوم و مسائل الرجال... تألیف کرد.

این بزرگوار از زمان امام جواد^۷ در خدمت ائمه شیعه بود، در نتیجه وی محضر چهار امام بزرگوار را



مرحوم آیت الله خویی سند این روایت را به جهت راویان غالی و مجعول، به شدت ضعیف می‌داند. علاوه بر این، طبق این روایت، احمد قبل از امام حسن عسکری^۷ وفات کرد؛ پس نمی‌تواند وکیل ناحیه مقدسه امام دوازدهم در زمان غیبت صغرا باشد.^{۲۷}

رجال شناس بزرگ، مرحوم کشی تأکید می‌کند که او پس از وفات امام عسکری^۷ زنده بوده است؛ از این رو، خویی ضمن تأکید نظر کشی به حدیثی از عبدالله بن جعفر حمیری استناد می‌کند که: با شیخ ابوعمر (عثمان بن سعید، نایب اول) در نزد احمد بن اسحاق نشسته بودیم. احمد از من خواست از ابوعمر و بیرسم: آیا جانشین امام حسن عسکری^۷ را به چشم دیده است؟ او پاسخ داد: آری.^{۲۸}

پس تردیدی در حیات و وکالت احمد بن اسحاق در زمان «غیبت صغرا» نمی‌ماند.^{۲۹}

پی‌نوشت‌ها

۱. معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۷۵.
۲. ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۶۱، چاپ آل البيت.
۳. کمال الدین، ص ۴۴۲.
۴. تاریخ الغيبة الصغرى، ص ۶۲۰.

۵. شهری در آذربایجان بین مراغه و زنجان که در آن زر و سرب یافت می‌شود (لغت نامه دهخدا ماده «ران» به نقل از معجم البلدان).
۶. معجم رجال الحديث، ج ۱۴، ص ۳۳.
۷. لقمان/۳۴.
۸. جن/۲۶.
۹. الخرائج و الجرائح، قطب راوندی، ج ۱، ص ۴۶۷، چاپ مؤسسه امام المهدی.
۱۰. رجال مامقانی، ج ۳، ماده قاسم بن علاء همدانی.
۱۱. مفاتیح الجنان، اعمال روز سوم شعبان.
۱۲. ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۶۱.
۱۳. الغيبة، شیخ طوسی، ص ۲۵۷، چاپ بصیرتی.
۱۴. معجم رجال الحديث، ج ۱، ماده ابراهیم بن مهزیار.
۱۵. همان، ج ۱۲، ص ۱۹۸.
۱۶. منتخب الاثر، ص ۴۵۰.
۱۷. معجم رجال الحديث، ج ۱۴، ص ۲۷۱.
۱۸. الغيبة، ص ۲۵۷.
۱۹. همان.
۲۰. معجم رجال الحديث، ج ۱۵، ص ۶۲۰.
۲۱. الغيبة، ص ۲۵۸.
۲۲. معجم رجال الحديث، ج ۱۵، ص ۱۶۸.
۲۳. همان.
۲۴. کمال الدین، ص ۳۸۴.
۲۵. همان، ص ۴۳۴.
۲۶. همان، ص ۴۶۴.
۲۷. معجم رجال الحديث، ج ۸، ص ۷۸.
۲۸. همان، ج ۲، ص ۴۹.
۲۹. زندگینامه مفصل احمد بن اسحاق قمی، در دفتر چهارم «ستارگان حرم» آمده است.



تجلی یار در جبهه

محمد اصغری نژاد

یار محمد زکریا



ائمه اطهار علاوه بر ولایت تشریعی، از ولایت تکوینی برخوردارند و در پرتو آن می‌توانند بسیاری از اموری را که در نگاه دیگران ناممکن می‌نماید، امکان‌پذیر کنند. در اصطلاح به چنین اموری که خارق عادت است، معجزه و کرامت گویند. این گونه افعال هر چند بر طبق نظام علّی و معلولی حاکم بر نظام هستی رقم می‌خورد، ولی برای غالب افراد، چندان شناخته نیست.

البته معجزه بر خلاف کرامت، در مقام اثبات نبوت است و در همین جهت معنا و مفهوم می‌یابد. در طول تاریخ معجزات و کرامت‌های فراوانی از سوی پیامبران و جانشینان آنان و اولیای برحق الهی صورت گرفته است. بدون تردید معجزات و کرامت‌های رسول اعظم و عترت او که برترین انسان‌ها به شمار می‌روند، ارزش و جایگاه ویژه‌ای دارد. این امور خارق العاده به مناسبت‌های گوناگون از این فرزندگان وارسته به منصف ظهور رسیده است.

در زمان حاضر نیز که حضرت مهدی سکان‌دار کشتی نجات بنی آدم است، کرامت‌های فراوانی به دست آن وجود نازنین تحقق یافته که پاره‌ای از این امور در دوران هشت ساله جنگ تحمیلی رخ داده است. برخی از این کرامت‌ها در کتاب‌های مربوط به دفاع مقدس گرد آمده که پاره‌ای از آنها را در اینجا نقل می‌کنیم.



جبهه میمک

یکی از طلاب بسیجی می‌گوید:

در تابستان ۶۱ در جبهه میمک بودم. گرمای هوا غوغا می‌کرد. آب در منطقه نبود، حتی برای خوردن. دشمن از فرصت استفاده کرد و گاز شیمیایی تاول زد. علاج این عامل مخرب، آب بود. بعد از زدن گاز شیمیایی تاول‌زا، بدن رزمندگان و برادران ما شروع کرد به متورم شدن و تاول زدن.

بچه‌ها در حال از دست دادن امید خود بودند. ما سه طلبه بودیم که در آن جبهه به فعالیت می‌پرداختیم. به رزمندگان امیدواری داده، گفتیم: ما یک چیز را فراموش کرده‌ایم و آن دعاست که

پیش از آن، بیانات مقام معظم رهبری و امام خمینی(ره) را در این زمینه می‌آوریم. آیت الله خامنه‌ای(مدظله) می‌گوید:

«من قویاً معتقدم که وجود مقدس ولی عصر (صلوات الله علیه) همچنان که در میدان‌های بزرگ مبارزه بزرگ ملت مادر طول سالیان دراز حضور داشته است و به ما کمک کرده است، در این جنگ هم - این جنگی که مزدوران استکبار و امپریالیسم جهانی بر ما تحمیل کرده‌اند - در جبهه‌های جنگ حضور خواهد داشت. من معتقدم برکات و فضل و رأفت و رحمت پروردگار به خاطر حضور ولّیش امام برحق، مهدی موعود، در جبهه‌های ما در میان جوانان ما، بر ما بیشتر خواهد بود. امام زمان [که] این خون‌های پاک و عزیز را می‌بیند، یقیناً برای آنها دعا می‌کند و ما هم باید توجهمان و اظهار ارادتمان و ارتباطمان را با ولی عصر (صلوات الله علیه) هرگز کم نکنیم و قطع نکنیم. از خدا کمک بخواهیم، از آن بزرگوار دعا بخواهیم»^۱.

امام خمینی در پی پیروزی رزمندگان اسلام در عملیات فتح المبین فرمود:

«این پیروزی [فتح المبین] و دیگر پیروزی‌ها مرهون عنایات غیبی خداوند متعال و پشتیبانی بقیه الله (ارواحنا له الفدا) و ادعیه خالصه صاحب نفسان و بزرگان است»^۲.



مهم‌ترین سلاح می‌باشد. ما هنوز از این فرایند برخوردار نیستیم.

با گفتن این حرف، نور امیدی به دل برادران تابید. همگی تیمم کرده، به نماز ایستادیم و بعد دعا خواندیم و خدا را به امام زمان (عج) سوگند دادیم و از حضرت ولی عصر (عج) یاری طلبیدیم. هنوز دعای ما تمام نشده بود که ابری سیاه با سرعتی زیاد آسمان را فراگرفت و بعد از چند ثانیه آن چنان بارید که لباس‌های ما خیس شد؛ به گونه‌ای که هر کس می‌دید، گمان می‌کرد لباس‌ها مان را شسته‌ایم. این باران به مدت سه دقیقه بارید و تمام ظروف و کلاه‌های آهنی را پر از آب کرد و دیدیم آثار تاول‌ها از بین رفت و همه تندرستی خود را باز یافتند.^۳

راهکار آزاد سازی بستان

از جایی که عملیات بستان برای آزادسازی این شهر صورت گرفت، تا خود شهر، شصت کیلومتر فاصله بود. بعد از پیشروی خوبی که برای آزادسازی صورت گرفت، تا ده کیلومتری شهر جلو آمدیم. از آنجا تا بستان با سه پل مواجه بودیم: سابلۀ اول و دوم و سوم. عراقی‌ها سعی می‌کردند نگذارند قوای اسلام از پل‌ها عبور کنند؛ زیرا عبور از آنها آزادی بستان را در پی داشت. نمی‌دانستیم چگونه از پل‌ها بگذریم. برای رفع آن مشکل به ائمه اطهار به ویژه آقا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) متوسل شدیم.

هنگام غروب بود. ناگهان یک نفر روحانی با پوششی سبز به ما نزدیک شد. گمان کردیم از روحانیون رزمندۀ قمی است. ایشان فرمودند: من نقشه اطلاعات و عملیات را دارم. آن را به شما می‌دهم تا از پل عبور کنید.

در کنار او نشستیم. او گفت: «دشمن، بیشتر متوجه بالای پل‌هاست. شما می‌توانید از زیر پل‌ها عبور کنید و شهر را دور بزنید».

جمعی از رزمندگان اسلام از او پرسیدند: آیا ما می‌توانیم از زیر پل‌ها عبور کنیم؟ آن آقا فرمود: «آری، بعد از آنکه گروه اطلاعات و عملیات عبور کردند، شما هم پشت سرشان بروید».

ما طبق دستور فوق عمل کردیم و بستان را محاصره و سرانجام آزادش کردیم.

وقتی داخل شهر شدیم، دیگر آن فرد را ندیدیم. آزادی بستان را که جشن می‌گرفتیم، از فرماندهان پرسیدیم: آیا شما چنین شخصی را که نقشه اطلاعات و عملیات به همراه داشت، می‌شناسید؟ همگی آنها از آن موضوع اظهار بی‌اطلاعی کردند.^۴

یا صاحب الزمان!

در خاطراتی یکی از جانبازان ساکن مشهد آمده است: در آخرین عملیاتی که شرکت داشتیم. زخمی شدم. بعضی‌ها بعد از به اسارت درآوردن، من را بالای کامیون انداخته، به طرف عراق بردند. بین راه



داخل بستیم. می دانستیم کشته یا اسیر می شویم. به امام زمان (عج) متوسل شدیم. یک ساعت گذشت. صدای رگبار دشمن که به هر طرف شلیک می کرد، قطع نمی شد. ناگهان اطراف خانه ای که بودیم، صدای «دخیل یا خمینی» شنیدیم. تعجب کردیم و با این گمان که نیروهای خودی عراقی ها را دستگیر کرده اند، از خانه بیرون آمدیم، ولی فقط چند عراقی دیدیم که دست ها را روی سر گذاشته بودند و با التماس به ما نگاه می کردند و دخیل یا خمینی می گفتند.



راحت باشید

گردان ما ۲۴ ساعت قبل از عملیات کربلای یک در شکاری مستقر شد. آن قدر به دشمن نزدیک بودیم که با پرتاب سنگ هم می توانست ما را مورد هدف قرار دهد. بعد از ظهر، گرما و تشنگی نفس

کامیون متوقف شد تا تعدادی دیگر از اسیران را سوار کنند. در آن بین، ناگهان یک سرباز عراقی اسلحه را مسلح کرد و مرا مورد هدف قرار داد. همان طور که با ترس و اضطراب به اسلحه نگاه می کردم، عرض کردم: یا صاحب الزمان، عنایتی فرما این سرباز عراقی من را نکشد!

در آن لحظه یک افسر عراقی آمد با لگد سرباز را به گوشه ای پرتاب کرد. پیش من حضور به هم رسانده، گفت: انت شیعی؟ (تو شیعه ای) پاسخ دادم: نعم (آری). گفت: انا شیعی (من شیعه ام). آن گاه مرا بوسید، نوازش کرد و خداحافظی نمود و رفت.^۵

در ورای دیده ها

برادر حسن عابدی - که در فاو ردای شهادت به تن کرد - در خاطره ای مربوط به «خط شیر» آبادان در ماه های اول جنگ گوید: عراقی ها از سلمانیه هم عبور کردند. دیگر در مقابل آنها نیرویی نمانده بود. البته بچه ها در کمین آنها نشسته بودند. ما چند نفر که با خمپاره ۱۲۰ کار می کردیم، غافل گیر شدیم. ناگهان دیدیم از چپ و راست جاده، با نفر بر و به صورت نیروی پیاده در حال تهاجم هستند. صدای هلهله و صحبت آنها را به عربی می شنیدم. دیگر راهی برای عقب نشینی نمانده بود. قبضه ۱۲۰ در حیاط یکی از خانه های روستایی بود. ما سلاح انفرادی هم نداشتیم. در خانه پنهان شدیم و در را از



پشت خاکریز قرار دارند. از طرف عراقی‌ها آن قدر خمپاره شلیک می‌شد که به آن عادت کرده بودیم. در یکی از آن روزها که من مشغول تمیز کردن اسلحه‌ام بودم، خمپاره‌ای نزدیک من - در فاصله حدود ۱/۵ متر - منفجر شد و یکی از ترکش‌هایش به سرم اصابت کرد و باعث شد من بعضی از حواس خود را از جمله بینایی‌ام را از دست بدهم. بچه‌ها مرا به بیمارستان آبادان رساندند، دکتری که مرا معاینه کرد، گفت: اگر ایشان تا یکی - دو ساعت دیگر استفراغ نکند، خون‌ریزی مغزی پیدا کرده و شاید شهید بشود.

تقریباً دو ساعت بعد استفراغ کردم و دکتر با خوشحالی گفت: شاید ایشان زنده بماند.

یک هفته در بیمارستان تحت نظر پزشک بودم. در عین حال معمولاً شب‌ها خوابم نمی‌برد. در یکی از شب‌ها حالت توسلی پیدا کرده، حدود ساعت ۲:۳۰ دقیقه بعد از نیمه شب برای چند دقیقه به خواب رفتم و در همان مدت کوتاه حضور آقا امام زمان^۷ را در خواب درک کردم. یک مرتبه از خواب پریدم و احساس کردم حال خوبی دارم.^۹

در وصیت نامه شهیدان نیز جلوه‌های گوناگونی از معرفت و ارادت به پیشگاه امام مهدی(عج) مشاهده می‌شود؛ لذا به یادآوری نمونه‌هایی، تبرک می‌جویم!^{۱۰}

همه را گرفته بود. ابوالفضل کوه پیما^۶ درحالی که نشسته بود، به خواب رفت. بعد به طور ناگهانی بیدار شد و گریست. گفت: سیدی خوش‌سیمای^۷ و نورانی به خواب دیدم. بالای سر بچه‌ها در تردد بود و ذکر می‌گفت. به ایشان عرض کردم: آقا، بچه‌ها در دل مواضع دشمن هستند. تشنگی و گرما خیلی اذیت می‌کند.

آقا فرمود: شما راحت باشید. ما پشتیبان شما هستیم و کمک می‌کنیم. نصرت و پیروزی از آن شماست.

بچه‌ها با شنیدن رؤیای کوه‌پیما گریه کردند. وقت عملیات، با اعتماد به نفس و اطمینان به پیروزی، حمله کردیم و مهران آزاد شد.^۸



درک حضور

اواخر سال ۵۹ بود. ما که ده الی دوازده نفر نیرو بودیم، در جبهه فیاضیه آبادان، پشت خاکریزی به طول ۵/۵ کیلومتر در حال نبرد با عراقی‌ها از زوایای مختلف بودیم تا دشمن تصور کند نیروهای زیادی

**شهید محمد علی احصائی**

مژده که مهدی^۷ یار شماست! به خود سستی
راه ندهید که صاحب اصلی این کشور و این انقلاب
اوست، و مژده که او با ذوالفقار علی^۷ خواهد آمد!

شهید امین احمدی تبار

می‌روم تا ثابت کنم که من مسلمانم و عاشق
مهدی^۷.

ای مادر! به همه بگو که لاله [و شهید] من
هم عاشق بود، عاشق مهدی^۷.

شهید فرامرز بخشی پور

اگر انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی تداوم
نمی‌یابد مگر با کشته شدن من؛ و اگر فرج مولایم
ولی عصر^۷ نزدیک نمی‌شود مگر با کشته شدن من؛
ای رگبارها و ای خمپاره‌ها! [بدن] مرا پاره پاره کنید.

شهید عبدالله بیژنی

مردم! روزی امام زمان^۷ خواهد آمد؛ یاری‌اش
کنید نه به عنوان تکلیف و با دو دلی، به عنوان
عشق، به عشق سردادن.

شهید ضربعلی سرادی

راستی باید بدانیم که چه زیباست موقعی که
«شهادت» نصیب کسی می‌گردد و امام مهدی^۷ را
فوراً می‌بیند!

شهید احمد گلزاری

سلام بر مهدی (روحی فدا) منجی انسان‌ها، که
عاشق دیدار او بودم؛ ولی تا به حال موفق نشدم و

امیدم به این است که در لحظات آخر، بتوانیم روی
مبارکش را ببینیم.

شهید محمدرضا مصلی نژاد

ای بندگان خدا! ... با انجام دادن کارهای
پسندیده و ترک کارهای ناپسند، ظهور امام زمان^۷
را نزدیک کنید.

شهید الله بخش یزدان‌پناه

امیدوارم فرزندم، سربازی سربلند برای امام
زمان^۷ و نائیش خمینی به بار آید، حاضر نیستم که
قلب نازنین امام زمان^۷ از ما و خانواده ما ناراحت
شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۳۸۲ و ۳۸۳، به نقل از عوامل
معنوی و فرهنگی دفاع مقدس، ج ۱، ص ۱۵۷ (علی تقی زاده،
مرکز تحقیقات اسلامی، قم، چ اول، ۱۳۸۰).
۲. همان، ص ۳۳۱.
۳. عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس، ج ۱، ص ۲۵۳ و
۲۵۴.
۴. عنایات امام زمان^۷ در هشت سال دفاع مقدس، ص ۴۴
- ۴۶. راوی: محمد پورپاریزی.
۵. عنایات امام زمان^۷، ص ۵۶ - ۵۸.
۶. او بعداً به خیل شهدا پیوست.
۷. آن سید احتمالاً وجود نازنین مهدی فاطمه^۷ بوده است.
۸. عطش (ویژه‌نامه یاد یاران، ۸۴/۳/۳۰) ص ۹. راوی:
علی‌رضا جان آبادی.
۹. امام و دفاع مقدس، ص ۱۱۰ و ۱۱۱.
۱۰. ر.ک: امام زمان^۷ و شهدا، سالم جعفری، ص ۱۹۰ -
۲۰۷، انتشارات محمد و آل محمد^۹، قم، اول، ۱۳۸۱ش.



نگاهی به کتاب مکیال المکارم

مؤلف کتاب «مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم (عج)» مرحوم آیت الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی مشهور به فقیه احمدآبادی فرزند سید عبدالرزاق از علمای بزرگ اصفهان است. وی سال ۱۳۰۱ق در اصفهان به دنیا آمد. مقدمات علوم اسلامی را نخست نزد پدر و پسر عمه‌اش سید میرزا اسدالله و سید محمود حسینی گلشادی اصفهانی آموخت. سطوح عالی را نیز از محضر سید ابوالقاسم دهکردی و شیخ عبدالکریم گزی و حاج آقا منیرالدین بروجردی، حاج میرزا بدیع درب امامی و آقا محمد کاشانی استفاده کرد و از بعضی از آنها اجازهٔ اجتهاد و روایت دریافت کرد.^۱



عبدالرحیم اباذری



او علاوه بر کتاب مکیال، کتب دیگری از جمله: تذکرة الطالبین فی ترجمه آداب المتعلمین، ابواب الجنات فی آداب الجمعات، بساتین الجنان فی المعانی و البیان، آداب صلاة اللیلة ووظيفة الانام فی زمن غیبة الامام، سراج القبور، توضیح الشواهد، ترغیب الطلاب، انیس المتأدبین، کتاب المنابر، محاسن الادیب فی دقایق الاعاریب و دیوان اشعار دارد و در شعر به تقی یا شرعی زاده تخلص می‌کند.^۲

از مقدمه‌ای که مرحوم سید محمد تقی بر مکیال نوشته، چنین برمی‌آید که از شدت عشق و علاقه‌ای که به حضرت حجت (عج) داشته، شبی آن حضرت را در خواب می‌بیند. امام^۷ تألیف این کتاب را به وی توصیه و تأکید می‌فرماید و حتی نام آن را نیز «مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم» تعیین می‌کند. سید از خواب بیدار می‌شود، ولی توفیقی برای تألیف آن برایش حاصل نمی‌شود. تا اینکه در سال ۱۳۳۰ ق عازم سفر حج شد. در این سفر بسیاری از حاجیان گرفتار مرض وبا شدند و از دنیا رفتند. آیت الله سید محمد تقی با خدای خویش عهد بست اگر از این سفر سالم برگردد، کتابی را درباره حضرت ولی عصر (عج) به رشته تألیف درآورد.^۳ چون از سفر برگشت، به عهد خود وفا کرد و کتاب مکیال المکارم را که حاوی موضوعات مهم در شناخت امام

زمان و وظایف شیعیان در قبال آن حضرت است، به رشته تحریر درآورد.

این کتاب نخستین بار سال ۱۳۶۹ ق در یک مجلد با ۵۸۷ صفحه و بار دوم سال ۱۳۹۷ ق در دو مجلد در اصفهان به چاپ رسید. بعد چاپ سوم آن به صورت افست با تحقیق و اضافات مؤسسة الامام المهدی در سال ۱۳۶۳ ش برابر با ۱۴۰۴ در قم چاپ شد.

کتاب مکیال المکارم در اصل به زبان عربی نگارش شده است و اخیراً محقق محترم آقای سید مهدی حائری قزوینی آن را به فارسی ترجمه کرده که در دو مجلد، با ۶۲۵ صفحه، در تیراژ ۴۰۰۰، آبان ۱۳۷۹ ش برابر شعبان ۱۴۲۱ از چاپ خارج شد و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت. همین ترجمه بار دیگر در سال ۱۳۸۲ ش از طریق انتشارات مسجد جمکران تجدید چاپ شد.

این کتاب ارزشمند دارای هشت بخش مهم است که در آن مؤلف ژرفاندیش با استناد به آیات و روایات متعدد، موضوعات بسیار اساسی و سرنوشت‌سازی را که اغلب جنبه کاربردی است و مورد ابتلای شیعیان و مسلمانان می‌باشد، مورد کاوش و دقت نظر و تأکید قرار داده است.

در بخش اول به موضوع وجوب شناخت امام زمان (عج) از دیدگاه عقل و نقل می‌پردازد. بخش



مؤلف محقق در این بخش نیز با استناد به آیات و روایات، بحث‌های جذاب و جالبی را برای خوانندگان ارائه می‌دهد و بدین ترتیب، جلد اول کتاب مکیال المکارم به پایان می‌رسد.

جلد دوم کتاب با بخش ششم آغاز می‌شود. در این بخش مؤلف کتاب با تحقیق فراگیر خود که از میان آیات و روایات استخراج کرده، به پنجاه زمان و هشت مکان مشخص اشاره می‌کند که دعا برای آن حضرت در این زمان‌ها و مکان‌ها مورد عنایت و تأکید قرار گرفته است؛ از جمله زمان‌ها: بعد از نمازهای واجب، در حال سجده، روز پنجشنبه، شب جمعه، در خطبه نماز جمعه، شب و روز نیمه شعبان، هنگام غم و اندوه، بعد از ذکر مصیبت امام حسین⁷، روز غدیر، روز عرفه، روز عاشورا، روز عید نوروز، روز دحوالارض، و ... و از جمله مکان‌ها: مسجد الحرام، عرفات، سرداب، حرم سید الشهداء⁷، حرم امیرمؤمنان و سایر ائمه اطهار⁷ است.

بخش هفتم، به چگونگی دعا برای تعجیل ظهور امام مهدی (عج) اختصاص دارد. این بخش از سه مقصد تشکیل یافته است. در مقصد اول، مؤلف کتاب در ضمن بیست تذکر، به آداب کلی دعا می‌پردازد. آنگاه در مقصد دوم با مطرح کردن بیست تذکر دیگر، به چگونگی دعا برای تعجیل به صورت آشکار یا به کنایه بسنده می‌کند و در نهایت در

دوم کتاب اختصاص به اثبات وجود حضرت حجت (عج) دارد که خود شامل سه فصل جداگانه می‌شود و هر کدام با استناد به آیات و روایات و معجزات و کرامات، اباحت گران‌سنگی را تقدیم حضور خوانندگان می‌کند.

بخش سوم در بیان پاره‌ای از حقوق و توجهات آن حضرت بر شیعیان است که به صورت مختصر و مفید ارائه شده است.

بخش چهارم که از بخش‌های مهم و مفصل کتاب به شمار می‌آید، اختصاص به توضیح درجات و ویژگی‌های آن حضرت دارد که سبب دعای ما شیعیان به آن امام غایب می‌گردد. جالب اینکه این درجات و خصوصیات به طرز ابتکاری و به ترتیب حروف الفبا تنظیم و از حرف الف آغاز شده و در حرف ی پایان پذیرفته است.

مثلاً در حرف «شین» موضوعاتی از قبیل: شجاعت، شفاعت، شهادت و شرافت آن حضرت و در حرف «غین» غیبت، غربت آن حضرت و غلبه و پیروزی و غنا و بی‌نیازی مؤمنان به برکت ظهور آن حضرت با استناد به آیات و روایات، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

بخش پنجم نیز که از فصول مفصل کتاب به شمار می‌آید، به ثمرات و پیامدهای گوارای دعا برای فرج حضرت حجت (عج) اختصاص یافته است و



مقصد سوم، دعا‌هایی را که در این مورد از جانب امامان معصوم^ع نقل شده است (با توضیح و دفع اشکال از بعضی از آنها)، مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد.

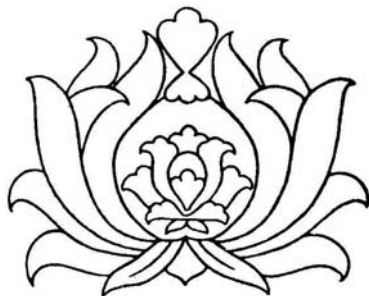
بخش هشتم که آخرین بخش کتاب است، در تبیین وظایف و تکالیف بندگان به خصوص شیعیان و مسلمانان در برابر ساحت مقدس حضرت حجت، امام مهدی (عج) است. در این بخش باز با استناد به آیات و روایات متعدد که حکایت از اشراف و تبحر مؤلف به کتب روایی و حدیثی دارد، تعداد هشتاد وظیفه مورد دقت و تأمل قرار گرفته است که از جمله آن می‌توان به موضوعاتی مانند: شناخت صفات و آداب و خصوصیات امام، رعایت ادب در مورد ایشان، انتظار فرج، اظهار اشتیاق به دیدار، درخواست معرفت آن حضرت، هدیه نماز مخصوص، اهتمام به یاری آن حضرت، صله دادن برای امام، خشوع در هنگام یادآوری، تهذیب نفس، تأسی به اخلاق و اعمال امام، حفظ زبان از اغیار، تکذیب مدعیان نیابت خاصه و ... در آن اشاره کرد.

این کتاب گران سنگ در نوع خود کم نظیر است و از ابتکار عمل و نوآوری مؤلف حکایت دارد و به همین سبب مورد استقبال رجال علمی، پژوهشگران و عموم مردم قرار گرفته است.

در انتهای کتاب بنابر نوشته آقای سید محمد موسوی اصفهانی، فرزند مؤلف، مرحوم مؤلف در آخر عمر شریف خویش، قصد داشت خاتمه‌ای بر این کتاب اضافه کند، ولی با کمال تأسف اجل مهلت نداد^و و او در ماه رجب ۱۳۴۸ ق برای زیارت عتبات عالیات عازم عراق شد. ماه شعبان به اصفهان بازگشت. بی‌درنگ کسالت بر وی عارض شد و در بستر بیماری افتاد، تا اینکه در ۲۵ رمضان همان سال چشم از جهان فروبست و در قبرستان تخت فولاد اصفهان جنب مقبره پدر اندیشمندش آرام گرفت.^و

پی‌نوشت‌ها

۱. شرح حال وی در مقدمه ترجمه مکیال المکارم، به قلم سید محمد علی روضاتی، ص ۱۶ - ۱۷.
۲. همان، ص ۱۹.
۳. همان، مقدمه مؤلف، ص ۲۶.
۴. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۴۸۹.
۵. همان، ج ۱، ص ۳۲.





از نکات مفید برای هر پژوهش، تعیین «محور» و «موضوع» است. هر چه محورهای تحقیق بیشتری در اختیار باشد، هم امکان عملی پژوهش فراهم‌تر است، هم ابعاد بیشتری از یک موضوع مورد کاوش قرار می‌گیرد.

در موضوع «مهدویت» پژوهش‌های زیادی به صورت مقاله و کتاب انجام گرفته و این موضوع و اعتقاد به منجی جهانی، که در فرهنگ اسلامی جایگاه مهمی داشته است، همواره نظر اندیشمندان و محققان حتی غیر مسلمانان را هم به خود معطوف داشته است. دشمنان اسلام و تشیع و مهدویت هم به نوع دیگر به این مسئله پرداخته‌اند.

آنچه در پی می‌آید، محورهایی پیرامون مهدویت و شخصیت حضرت مهدی^۷ و موضوعات مرتبط به آن امام غایب است، باشد که محققان اهل مطالعه را به کار آید و برای کار بیشتر انگیزه آفرین گردد (البته ترتیب دقیق و منطقی خاصی میان این سرفصل‌های پژوهشی نیست):

۱. صفات معنوی و مقام امام زمان^۷ نزد خدای متعال و جایگاه او به عنوان حجت الهی و خلیفه الله.

۲. شکل و شمایل ظاهری و نیروی بدنی حضرت مهدی^۷ و ویژگی‌های چهره و قامت و اندام او.





۱۱. دولت‌های اسلامی در آستانه ظهور حضرت مهدی و وضعیت قرآن و سنت رسول خدا و بروز بدعت‌ها و تحریف‌ها و فرقه‌های باطل.

۱۲. وضعیت عمومی مسلمین در عصر سلطه جباران از نظر دینی، معیشتی، سستی ارزش‌های اخلاقی و رواج گناهان و مفاسد.

۱۳. نقش علما در عصر غیبت در هدایت افکار و مقابله با بدعت‌ها، علمای صالح و علمای سوء، نقش مثبت عالمان ربّانی در حرکت بدعت ستیزانه و زمینه سازانه.

۱۴. شیعه در عصر انتظار، فضایل منتظران ظهور، اهمیت «انتظار فرج» و انتظار سازنده و مخرب.

۱۵. وضعیت اقوام عرب و فتنه‌های دامن‌گیر جهان عرب، وضع حجاز و نیروهای منطقه‌ای.

۱۶. سرزمین یمن و نقش آن در «حرکت تمهیدی مهدوی» و خروج یمانی و علائمی که در این سرزمین به ویژه رخ خواهد داد.

۱۷. فلسطین و بیت المقدس و ورود امام زمان به آن سرزمین و پایان سلطه اسرائیل.

۱۸. وضعیت و قضایای مربوط به سرزمین مصر، مغرب، عراق، شام، اردن و بحرانی‌های منطقه‌ای، آشوب‌ها و زلزله‌ها در این مناطق، قبل از ظهور حضرت مهدی^۷.

۳. بشارت‌های پیامبران گذشته و پیامبر اسلام و امامان^۸ درباره آمدن او و حتمیت ظهور و اصل غیبت و «موعود» بودن آن حضرت، و همگرایی ادیان و مذاهب در اعتقاد به موعود.

۴. نام، کنیه‌ها، القاب و صفات شریف آن امام غایب.

۵. نسب شریف امام عصر^۷ که این عناوین را دارد: انتساب او به پیامبر، از عترت بودن وی و اینکه فرزند فاطمه^۳ و علی^۷ و امام حسین^۷ است.

۶. خانواده او، پدر و مادرش، کیفیت ولادت و مخفی بودن آن و اعجاز الهی در این مسئله و موضوع طول عمر.

۷. غیبت امام زمان^۷ (غیبت صغرا و کبرا) و حالات او در زمان غیبت و رمز و راز غیبت و پیشینه غیبت در تاریخ انبیای گذشته و فلسفه و آثار آن، کیفیت زندگی امام در عصر غیبت، داشتن همسر و فرزند یا نداشتن؟

۸. علائم ظهور، فتنه‌های جهانی و وضعیت عمومی عالم در آستانه ظهور منجی.

۹. علامت‌ها و نشانه‌های نزدیک شدن ظهور در شرق و غرب جهان و روز ظهور.

۱۰. ویژگی‌های «آخرالزمان» و مردم آن دوره، و وضع جهان از نظر افکار و عقاید و رفتار.



۲۶. کیفیت خروج و جهان گشایی، حرکت فرهنگی یا نظامی؟ ساختار سلاح‌ها و نحوه غلبه بر سلاح‌های مدرن.

۲۷. علت درگیری و مخالفت گروه‌هایی با آن حضرت، فتوحات وی، قلمرو کشور مهدوی، نحوه اداره جهان در عصر امام زمان.

۲۸. حکومت جهانی حضرت مهدی^۷، نظم نوین جهانی، کیفیت اداره جهان با یک حکومت و دولت، ویژگی‌های حکومت مهدوی و جایگاه قسط و عدل در آن نظام، رشد اقتصادی و فرهنگی و فکری بشر در دوره ظهور و حضور، وفور نعمت‌ها و افزایش برکت‌ها و شرایط رفاهی و معیشتی مردم.

۲۹. خروج دجال، ماهیت دجال و صفات او و پیروانش، واکنش مردم و پیروان امام به حرکت‌های دجالانه، و سرانجام دجال و دار و دسته اغواگر او.

۳۰. مدت حکومت امام زمان و سرانجام وی و پایان دوره امامت آن حضرت، وفات و کیفیت شهادت آن حضرت.

۳۱. موضوع «رجعت» و بازگشت صالحان و امامان حق به دنیا در تداوم حکومت مهدوی، اثبات و امکان رجعت و نمونه‌های آن در عصر پیامبران پیشین، رجعت چهره‌های شاخص حق و باطل.

۳۲. خروج یاجوج و ماجوج و فتنه‌گری‌هایشان و بالاخره شکست و نابودی نهایی آنان.

۱۹. پدیده «سفیانی» و ماهیت او، خروج او قبل از قیام امام، تفکرات و گرایش و رفتار او و فتنه‌گری‌هایش در منطقه عراق، حجاز و بیت المقدس.

۲۰. نقش خراسانی‌ها (ایرانی‌ها) و پرچم‌های سیاه و حرکت اقوام شرق و یاری امام زمان و سید خراسانی و میزان تطبیق این پیشگویی‌ها بر حرکت اسلامی در ایران و منطقه.

۲۱. تحرکات روم، ترکه جنگ‌های منطقه ارمنستان و آذربایجان که در روایات آمده است و پیوند آن با موج بیداری اسلامی در اروپا و غرب.

۲۲. قوم یهود و نصارا در عصر ظهور و احتجاج امام زمان با یهود و مسیحیان و نقش عیسی مسیح در این میان و رابطه نزول حضرت عیسی با ظهور حضرت مهدی^۷.

۲۳. نحوه شروع قیام امام زمان، آغاز ظهور، حوادث مرحله به مرحله آن نهضت جهانی تا استقرار کامل و نهایی.

۲۴. یاران امام زمان (یاران خاص و یاران عام)، سپاه او، ویژگی‌های اصحابش و تعداد و صفات آنان، جنسیت و قومیت اصحاب او و نقش‌هایی که بر عهده خواهند گرفت و کیفیت ابلاغ حکم به آنان.

۲۵. دشمنان حضرت مهدی^۷ و خروج کنندگان بر ضد او و مخالفان حکومتش (چه عناصر به ظاهر مسلمان و چه از دیگران).



۴۱. آسیب شناسی آداب و سنن و شاعر مرتبط به امام زمان و خرافه‌زدایی از سیمای حقیقت مهدویت و انتظار.
۴۲. بازتاب مسئله مهدویت در رسانه‌های غربی.
۴۳. تولیدات سینمایی هالیوود و موضوع امام زمان و منجی در آثار هنری غرب.
۴۴. سایت‌های خاص مهدویت و روش بهره‌گیری از این امکان برای نشر تفکر مهدی‌باوری.
۴۵. نقش انتظار در عصر حاضر و وظیفه منتظران و زمینه‌سازان در عصر غیبت.
۴۶. کیفیت پیوند میان انقلاب اسلامی و انقلاب جهانی حضرت مهدی^۷.
۴۷. شباهت‌های موسی و مهدی^۸ در حرکت نجات‌بخشی و ابعاد فوق‌عادی در دو حرکت.
۴۸. ابعاد غیر مادی و فوق بشری در موضوع امام زمان و تکیه آن به قدرت غیبی خدا (از ولادت، تا غیبت، ظهور و تشکیل حکومت).
۴۹. شبهه شناسی در باب موضوع مهدویت و پاسخ آن شبهات و سوالات.
۵۰. انعکاس مهدویت و انتظار در اشعار شاعران و آثار ادبی.
۵۱. شباهت‌های ظهور امام زمان و قیامت کبرا.
۵۲. ...

۳۳. علامات قیامت و نزدیک شدن رستاخیز پس از دولت و حکومت حضرت مهدی^۷ و امامان دیگر، خروج «دابة الارض» و مسخ و گرفتاری مجرمان.
۳۴. عقیده شیعه و اهل سنت درباره امام زمان و خصایص آن حضرت در روایات فریقین.
۳۵. پیشگامان عرصه مهدویت پژوهی در تاریخ اسلام و تشیع و آثار تألیف شده در این موضوع و کتاب‌شناسی خاص مهدویت و امام زمان.
۳۶. سوء استفاده‌های شیادان از احساسات و عواطف دینی و مذهبی مردم نسبت به امام عصر، و بروز فرقه‌ها و مذهب‌های باطل و دکان‌داری هواپرستان با سوء استفاده از اعتماد مؤمنان.
۳۷. مدعیان دروغین مهدویت در طول اعصار و قرون، و مذاهب ساختگی بر پایه این عقیده دینی و نقش استعمار و بیگانگان در پیدایش این فرقه‌ها، مثل بابی‌گری، بهائیت، قادیانیه و
۳۸. انگیزه استعمار از دامن زدن به فرقه‌های باطل و حمایت مالی و سیاسی و تبلیغاتی از آنان.
۳۹. قالب‌ها و روش‌های نو در تبیین موضوع مهدویت برای جامعه امروز و بشریت معاصر.
۴۰. تصور غربیان (اروپا و آمریکا) از موضوع امام زمان و شیوه‌های مقابله آنان با این تفکر شیعی و اسلامی و لوٹ کردن آن و آمیختن به خرافات.



آشنایی با پایگاه ها و مراکز مهدویت



علی کریمی
با همکاری علی باباجانی

۱. مؤسسه آینده روشن

این مؤسسه در سال ۱۳۸۳ در شهر مقدس قم به همت شماری از فضلا و اساتید حوزه و دانشگاه و دلسوزان نظام مقدس جمهوری اسلامی با هدف تبیین و گسترش معارف و آموزه‌های بالنده مهدویت در سطح داخلی و بین المللی، بنیان نهاده شد. این مؤسسه، مجموعه‌ای مستقل و غیرانتفاعی است که با رعایت قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران، اهداف و برنامه‌های زیر را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار داده است:

۱. تبیین، تعمیق و گسترش فرهنگ مهدوی؛
۲. اجرای امور پژوهشی، آموزشی، هنری، رسانه‌ای و تبلیغی در جهت تحقق جامعه مهدوی؛
۳. تربیت پژوهندگان و مبلغان ورزیده در زمینه مهدویت؛
۴. پاسخ به نیازهای فکری و اعتقادی گروه‌های

مسئله مهدویت و بررسی مبانی، ضرورت‌ها و مباحث دیگر آن، از مسائلی است که در عصر حاضر مورد توجه قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که مراکز بسیاری در قالب مؤسسه، پژوهشکده، سایت، وبلاگ و مانند آن به اطلاع رسانی، پژوهش، تبلیغ و مانند آن به فعالیت در این زمینه می‌پردازند و اقدامات شایان توجهی انجام داده‌اند و برخی از آنان شایسته تقدیر هستند. یادآوری می‌کنم که معرفی این مراکز و مؤسسات، به معنی تأیید آنها و یا صحت مطالب و برنامه‌های آنها نیست. هدف این نوشتار، نوعی اطلاع رسانی به علاقه‌مندان و پژوهشگران این عرصه است. از این رو، در معرفی برخی از مراکز، تنها بخشی از فعالیت‌ها و برنامه‌های آنها و در بسیاری از آنها تنها نشانی و دست‌کم نام سایت آنها در پایان مقاله ذکر شده است.



شده را برای نقد و بررسی در فصلنامه علمی - پژوهشی مشرق موعود منتشر می کنند. این نشریه همچنین مقالات ممتاز رسیده از دیگر پژوهشگران را نیز با رعایت استانداردهای علمی و پژوهشی منتشر می کند.

۳. فصلنامه‌های الموعود و The Bright Future : فصلنامه تخصصی الموعود (به زبان عربی) و فصلنامه The Bright Future (به زبان انگلیسی) در گستره بین المللی توزیع و منتشر می شود. ارائه جدیدترین مقالات به زبان عربی و انگلیسی، معرفی پژوهش‌های برگزیده و مصاحبه با پژوهشگران بین المللی از فعالیت‌های این نشریه است.

۴. فصلنامه عصر آدینه. با هدف گردآوری آثار پراکنده هنر مهدوی و تشویق هنرمندان به فعالیت در این حوزه، فصلنامه ادبی - هنری عصر آدینه منتشر می شود. مباحث نظری هنری، داستان، شعر، هنرهای تجسمی، هنرهای تصویری و نمایشی از قالب‌های مورد استفاده در این نشریه تخصصی است.

۵. هفته نامه الکترونیک ساعت صفر

www.zerotime.org

این نشریه با محور قرار دادن موضوع انتظار و معارف مهدویت و در زمینه های فرهنگی در فضای جهانی وب (اینترنت) برای جوانان منتشر می شود.

مختلف جامعه، به ویژه نسل جوان و حوزه و دانشگاه؛ ۵. پاسخ گویی به شبهات و مقابله علمی، تبلیغی با افکار و تبلیغات انحرافی و خرافی درباره مهدویت؛ ۶. ایجاد ارتباط و تعامل علمی بین پژوهندگان مهدویت در سطح داخلی و بین المللی؛ ۷. تلاش در جهت تهیه گنجینه منابع مهدوی؛ ۸. نشر مجلات تخصصی و ایجاد سایت‌های ویژه مهدوی.

دستاوردها

این مؤسسه دستاوردهای فراوانی داشته است که به این قرار است:

۱. تأسیس کتابخانه. برای تسهیل در کار پژوهشگران و محققان، کتابخانه تخصصی مهدویت از ابتدای فعالیت مؤسسه شکل گرفت. وجود کتاب ها و پایان نامه‌های تخصصی در کنار کتاب های عمومی مورد نیاز پژوهشگران از مزیت های این کتابخانه است و نیز بهره گیری از دانش فهرست نویسی باعث شده تا ارائه خدمات به محققان بهینه سازی شود. این کتابخانه زیر نظر معاونت پژوهش مؤسسه فعالیت می کند.

۲. انتشار فصلنامه علمی - پژوهشی مشرق

موعود.

گروه های پژوهشی معاونت پژوهش (پژوهشکده مهدویت) در جهت فعالیت های پژوهشی خود، مقاله های علمی و پژوهشی تولید



خبرگزاری به طور تخصصی در زمینه مهدویت، موعود گرایی، آخرالزمان و معنویت به اطلاع رسانی مفید و سازنده می پردازد. تولید، توزیع و بازتوزیع اخبار این حوزه، از رسالت های عمده این خبرگزاری است. ارائه اخبار و مطالب به زبان های انگلیسی و عربی از دیگر برنامه های این خبرگزاری به شمار می آید.

۹. پایگاه اطلاع رسانی بین المللی مهدویت:

www.futureisbright.net

معرفی حضرت مهدی(عج) به زبان های گوناگون (در حال حاضر سی زبان مورد توجه قرار گرفته است)، پاسخ به سؤالات، ارائه اخبار و ایجاد شبکه ارتباطی علاقه مندان و محققان کشورهای گوناگون از اهداف این پایگاه اطلاع رسانی است. عرضه محصولات و ارتباطات بین المللی از دیگر برنامه های این پایگاه به شمار می رود.

۱۰. پایگاه اطلاع رسانی آینده روشن:

www.ayandehroshan.com

برای ارائه اخبار و اطلاعات مؤسسه به علاقه مندان و جمع آوری بازخوردها و نظرات مخاطبان و همچنین دریافت سؤالات مهدوی، پایگاه اطلاع رسانی مؤسسه آینده روشن به پنج زبان فارسی، عربی، انگلیسی، فرانسوی و اردو شکل گرفته است. برقراری ارتباط مؤثر با مؤسسه آینده

ساعت صفر دارای بخش های شعر، ادبیات داستانی، رسانه، هنری، اندیشه و مخاطبان است. مخاطبان نشریه عمده نوشته های این نشریه را می نگارند.

۶. ماهنامه انتظار نوجوان

www.intizarmag.ir

نشریه انتظار نوجوان برای پاسخ گویی به نیاز نوجوانان و با هدف ایجاد محفلی صمیمی و دوستانه برای همه نوجوانان ایرانی منتشر می شود. شعر، داستان، مقاله، رسانه و هنری با همکاری خبرنگاران افتخاری از سراسر کشور، درونمایه مباحث انتظار نوجوان را تشکیل می دهد.

۷. ماهنامه ملیکا

www.melikamag.com

ماهنامه ملیکا نام رومی مادر امام زمان(عج) را برای خود برگزیده و برای کودکان منتشر می شود. این نشریه با هدف تربیت و راهنمایی کودکان، آینده سازان فردا، شکل گرفته است و با بهره گیری از زبان مناسب و مطالب ارسالی کودکان، در بخش های داستان، شعر، هنری و رسانه فعالیت می کند.

۸. خبرگزاری آینده روشن

www.bfnews.ir

تهیه و تنظیم اخبار و اطلاعات مهدوی و استفاده مناسب و سریع از این اطلاعات در فضایی گسترده، بر عهده خبرگزاری آینده روشن است. این



بخش‌های : کتاب و مقاله، شبکه سلام، سخنرانی‌ها،
فتنه وهابیت و ... مطالب با ارزشی ارائه کرده است.

پاسخ‌گویی به سؤالات کاربران، از جمله اهداف
این سایت اینترنتی است. همچنین معرفی نرم
افزارهای تولیدی این مؤسسه از امکانات دیگر این
سایت است.

محصولات نرم‌افزاری

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر(عج) از
تولید کنندگان فعال نرم افزارهای مذهبی و مهدوی
است که فهرست کامل آنها از طریق سایت اینترنتی
این مرکز قابل دسترسی است. از جمله نرم افزارهای
این مؤسسه، می‌توان به «شمیم گل نرگس» اشاره
داشت.

برای ارتباط با این مؤسسه، می‌توان از شماره و
آدرس زیر استفاده کرد:

قم : میدان شهدا - خیابان معلم - کوچه ۱۲ -
مؤسسه تحقیقاتی ولی عصر (عج).

شماره تلفن: ۷۷۳۵۸۳۱ -

شماره فاکس ۷۷۳۵۳۳۶ -

آدرس ایمیل:

info@Valiasr-aj.com

سایت اینترنتی این مؤسسه

(<http://www.valiasr-aj.com>)

روشن، هدف عمده این پایگاه اطلاع رسانی به شمار
می‌رود.

نشانی مؤسسه : قم - خیابان شهدا(صفاییه) -
کوچه ۲۳ - پلاک ۵.

تلفکس: ۷۸۳۳۳۴۶ و ۷۸۳۳۳۴۵ - ۹۸۲۵۱

پایگاه اینترنتی:

www.intizar.ir

پست الکترونیکی:

intizar@intizar.ir

۲. مؤسسه تحقیقاتی ولی عصر (عج)

این مؤسسه در سال ۱۳۷۰ ش زیر نظر آیت الله
خزعلی با مسئولیت حجت الاسلام سید محمد
حسینی قزوینی در زمینه تحقیقات معارف اسلامی
در سه بخش فقه، رجال و حدیث تأسیس شد.

این مؤسسه از جمله مؤسسات پاسخ‌گو به
سؤالات دینی و مهدوی است. که ماهانه به ۵۰
سؤال کتبی، ۲۰ سؤال حضوری، ۱۰۰ - ۱۵۰ سؤال
تلفنی و ۵ - ۱۰ سؤال اینترنتی پاسخ می‌دهد.
افزون بر آن، تاکنون بیش از سی‌هزار پرسش و پاسخ
را از مراکز مختلف جمع‌آوری و در ششصد موضوع
طبقه‌بندی کرده است.

فعالیت‌های اینترنتی

سایت اینترنتی مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی
عصر(عج) از سایت‌های فعال مهدوی است که در



۳. پژوهشکده انتظار نور

این پژوهشکده وابسته به پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی است و با اهداف علمی، پژوهشی در مهرماه ۱۳۷۷ش تأسیس شد. از جمله برنامه های این پژوهشکده می توان به امور زیر اشاره نمود:

۱. پژوهش های میدانی و کتابخانه ای در مورد مهدویت؛
۲. تدوین کتب مهدویت (بیست جلد کتاب برای گروه های مختلف سنی و اجتماعی)؛
۳. برگزاری چهارمین گفتمان علمی آموزشی مهدویت؛
۴. برگزاری جشنواره انتخاب برترین های فرهنگ مهدویت در موضوع آثار مکتوب (دهه هفتاد) و مطبوعات.
۵. همکاری با برنامه های صدا و سیما درباره مسائل مهدویت؛
۶. راه اندازی سایت منجی در راستای پاسخ گویی به نیاز مهدی پژوهان.

نشانی :

قم - چهار راه شهدا - ابتدای خیابان معلم - پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی - پژوهشکده انتظار نور .

صندوق پستی: ۳۷۱۸۵-۳۹۷۸

- تلفکس: ۷۷۴۹۹۷۳ - پست الکترونیکی:

info@monjee.org

آدرس سایت:

<http://www.monjee.com>

۴. اجلاس حضرت مهدی (عج)

این اجلاس زیر نظر معاونت پژوهشی سازمان تبلیغات اسلامی با هدف تعیین و گسترش فرهنگ انتظار و انجام برنامه های علمی و تبلیغی در سال ۱۳۷۴ش آغاز به فعالیت کرد، و دارای کمیته ای علمی است.

سایت اجلاس مهدی به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی اطلاع رسانی می کند و شامل قسمت های مختلفی است؛ مانند کتابخانه، مسابقه، پایگاه اینترنتی و مؤسسات مهدوی.

نشانی سایت:

<http://www.ejlasmahdi.com>

پست الکترونیکی:

<mailto:info@ejlasmahdi.org>

۵. مسجد انگجی

این مسجد از مساجد معروف شهر تبریز است و در زمینه های گوناگون دینی و فرهنگی به ویژه تبلیغ و ترویج فرهنگ مهدویت فعالیت دارد. انتشار بیش از چهل عنوان کتاب با رویکرد ویژه به موضوع مهدویت، انتشار چهارده شماره از ویژه نامه سالانه «شمس ولایت» با صدها مقاله تخصصی در حوزه مهدویت، تولید و ارائه فیلم های مستند مذهبی و برنامه های اجرا شده در طول سال از سوی بنیاد



نویسندگان اسلامی تا کنون ارائه داده است. علاقه
مندان می توانند به نشانی ذیل مراجعه کنند:
قم - بلوار شهید صدوقی - کوچه شماره ۱۱ -
پلاک ۷۲.

صندوق پستی: ۱۵۹ - ۳۷۱۶۵

تلفن: ۲۵۱-۲۹۱۰۷۰۵

کدپستی: ۱۵۹۸۷ - تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۷۲۷۱

آدرس سایت:

<http://www.islamicdatabank.com>

پست الکترونیکی:

info@islamicdatabank.com

۷. الإمام مهدی

این مؤسسه به تبلیغ و ترویج مسائل مهدویت به
زبان انگلیسی فعالیت می کند و در این زمینه
مقالاتی را درباره امامت، قرآن و حدیث ارائه کرده و
به پرسش های مربوط به امام مهدی (عج) پاسخ داده
است. افزون بر آنها، ارائه قطعات ادبی و راه اندازی
کنفرانس ها و سمینارهایی درباره اهل بیت^{علیهم السلام}، تشیع
و مهدویت را در دستور کار خود قرار داده است. دفتر
اصلی این مرکز، در اصفهان و دفتر اروپایی آن، در
انگلستان قرار دارد.

نشانی: اصفهان - سی و سه پل - ابتدای خیابان
چهارباغ - مقابل بلوار ملت

فرهنگی و خیریه مسجد در قالب سی دی، فیلم
ویدئو و ...، راه اندازی کتابخانه تخصصی مهدویت،
دعوت از سخنرانان میرز در برنامه های مذهبی،
راه اندازی پایگاه اینترنتی شمس ولایت در موضوع
امام مهدی (عج)، تشکیل جلسات ماهانه سخنرانی
درباره موضوعات روز به ویژه امام عصر (عج)،
تشکیل بیش از ۲۵۰ پرونده برای رسیدگی به
وضعیت معیشتی مؤمنان نیازمند، تأمین اقلام
جهیزیه و راه اندازی صندوق قرض الحسنه حضرت
قائم (عج) و ... از جمله فعالیت های خیریه و فرهنگی
این بنیاد در سال های گذشته بوده است

علاقه مندان برای ارتباط با این بنیاد فرهنگی
می توانند به نشانی
www.shamsevelayat.com مراجعه کنند.

۶. پایگاه اطلاع رسانی سراسر اسلامی (پارسا)

این پایگاه اینترنتی نیز در باره بسیاری از مسائل
اسلامی از جمله مسائل مهدویت اطلاع رسانی می
کند و در این زمینه با سه زبان فارسی، عربی و
انگلیسی فعالیت هایی در قالب کتاب شناسی، چکیده
نویسی و معرفی منابع اسلامی و مهدویت به همراه
قابلیت جستجوی ساده و پیشرفته و بانک اطلاعات
ناشران، کتابخانه ها، مراکز و نرم افزارها و



۱. بانک اطلاعات: شامل ده‌ها نرم افزار در منابع و متون مهدویت و...؛

۲. کتابخانه تخصصی مهدویت: کتابخانه‌ای غنی شامل صدها عنوان کتاب و نشریه (فارسی و عربی) و پایان نامه ها؛

۳. کتابخانه الکترونیکی جامع مهدویت: ارائه متن کلیه کتاب‌ها و منابع مهدویت با نمایه‌های موضوعی، از طریق پایگاه اطلاع رسانی مهدویت به همراه ارائه نرم افزار (در دست اقدام)؛

۴. دانشنامه الکترونیکی: تبیین اعلام، معارف و اماکن و اصطلاحات روز و موضوعات مربوط به مهدویت (به صورت الکترونیکی و ارائه CD)؛

۵. کتاب شناسی جامع، به منظور معرفی منشورات مهدویت: این پروژه به بررسی بیش از ۳۳۰۰ عنوان کتاب، پایان نامه و مقاله با موضوع مهدویت پرداخته است. محصول این کار در اسفند ماه ۱۳۸۳ با عنوان «مرجع مهدویت» به همراه لوح فشرده عرضه شده و در پایگاه اطلاع رسانی نیز انعکاس یافته است و به روز می‌گردد. بررسی نسخه های خطی و آثار جدید، قسمت بعدی این پروژه است؛

۶. فصلنامه انتظار: یکی از دستاوردهای مهم و با برکت بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود^۷، فصلنامه علمی - تخصصی «انتظار» است. این نشریه حاصل تلاش جمعی از فرهیختگان و اساتید

تلفن: ۰۰۹۸-۳۱۱-۲۴۲۲۵۶ و ۲۴۷۶۰۰

فاکس: ۰۶۳۹۴۵

آدرس سایت:

<http://www.imammahdi.net>

۸. بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) در سال ۱۳۷۹ به پیشنهاد حجت الاسلام محسن قرائتی و با همکاری برخی از شخصیت های علمی و فرهنگی و موافقت مقام معظم در سال ۱۳۸۰ با هدف گسترش و تعمیق فرهنگ مهدویت در سطح جامعه (به ویژه نسل جوان و فرهیخته) و تربیت مبلغ، پژوهشگر و مدرّس در زمینه مباحث مهدویت و به عنوان پشتوانه علمی و فرهنگی - با کسب مجوز از شورای عالی حوزه علمیه قم - مرکز تخصصی «امامت و مهدویت» در قم تأسیس و راه اندازی شد.

این بنیاد در دو محور به فعالیت می پردازد:

محور اول، آموزش است که شامل بخش های آموزش تخصصی ویژه طلاب حوزه علمیه، آموزش کوتاه مدت، آموزش مکاتبه ای و مرکز آموزش مجازی مهدویت است؛

محور دوم، پژوهش است که شامل این بخش ها است:



نشانی‌های بنیاد:

۱. قم - خیابان شهدا - کوچه ۲۲ - بنیاد
فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) - مرکز
تخصصی مهدویت.
تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۴۰۸۵۹
سایت:

<http://www.imammahdi-s.com>

۲. تهران - خیابان ایتالیا - ستاد اقامه نماز
استان تهران - صندوق پستی: ۳۵۵-۱۵۶۵۵-
تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹ - فاکس: ۸۸۹۵۹۰۴۹

۹. مؤسسه موعود

«مؤسسه موعود» مرکزی است فرهنگی که در
سال ۱۳۷۴ با هدف نشر فرهنگ مهدوی و ارتقای
شناخت و مطالعات فرهنگی، تأسیس و راه اندازی
شد. این مؤسسه مجموعه‌ای مطبوعاتی، انتشاراتی و
پژوهشی است و در حال حاضر علاوه بر نشر کتاب،
مجلات «موعود» و «موعود جوان» را منتشر
می‌سازد.

تالیف و تدوین «دایرة المعارف موعود آخرالزمان»
از اولین روزهای تأسیس در دستور کار مؤسسه قرار
گرفت و علی رغم بسیاری از فراز و نشیب‌ها،
مجموعه «جامع ترین کتاب‌شناسی تحلیلی
مهدویت» به همت این مؤسسه به انتشار رسیده
است. برای ارتباط با این مؤسسه می‌توان به نشانی
سایت ذیل مراجعه کرد:

<http://www.almawood.net>

حوزه و دانشگاه است و مرکز تخصصی مهدویت قم
آن را تدوین و منتشر می‌کند. فصلنامه مزبور عهده
دار مباحث و موضوعات مهدویت به طور علمی و
دقیق بوده و تا کنون بیش از ده شماره آن منتشر
شده است. دو ویژه‌نامه «دکترین مهدویت» و
«عدالت مهدوی» نیز از جمله شمارگان فصلنامه
است.

این مرکز در جهت گسترش فرهنگ مهدویت،
با بهره‌گیری از فناوری‌های جدید، «پایگاه اطلاع
رسانی مهدویت» را با موضوعات متنوع، در سال
۱۳۸۱ راه اندازی کرده است. از مهم ترین
بخش‌های این پایگاه، ارائه اطلاعات مربوط به
کتاب‌ها، مقالات و پایان نامه‌هایی است که در این
زمینه نگارش یافته است. و نیز مقالات فصلنامه
تخصصی انتظار، در این سایت قابل دسترسی است.
افزون بر آن، متن کامل کتاب‌های منتشر شده بنیاد
در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. از دیگر بخش-
های این پایگاه، برگزاری میزگرد است که کاربران
علاقه‌مند به موضوعات مهدوی را قادر می‌سازد تا
در این بخش با هم به گفتگو بپردازند. همچنین
بخش مسابقه پایگاه نیز فعال است و هر ماه به
برندگان جوایزی اهدا می‌کند. بخش «مهدیه» که
حاوی سخنان استادان کارشناس در عرصه مهدویت
است، مورد استقبال بسیاری قرار گرفته است.



۱۰. مؤسسه آرماگدون

این مؤسسه فرهنگی، با مدیرمسئولی علی صابونچی، فعالیت خود را با هدف انجام تحقیقات و فعالیت‌های فرهنگی در این زمینه‌ها آغاز کرده و در این زمینه، اقداماتی را در کارنامه خود به ثبت رسانده است. تشکیل گروه تحقیق و بررسی در زمینه آخرالزمان، مهدویت و صهیونیسم، تشکیل گروه نقد فیلم و بازی‌های کامپیوتری و تولید بازی‌های مناسب در این خصوص، ارتباط با مؤسساتی که در زمینه مهدویت فعالیت دارند، برگزاری کارگاه‌های آموزشی، نمایشگاه‌های فرهنگی، همایش‌ها و نشست‌های تخصصی و ایجاد سایت اینترنتی آرماگدون، تولید نرم‌افزارهای تخصصی در این زمینه و نشر الکترونیک از فعالیت‌ها و اقدامات انجام شده و در دست اجرای آن است.

مؤسسه فرهنگی آرماگدون، غیردولتی، غیرسیاسی، غیرتجاری و غیرانتفاعی است که با هدف نشر معارف مهدوی فعالیت می‌کند. علاقه‌مندان می‌توانند از طریق نشانی‌های زیر با این مؤسسه ارتباط برقرار کنند

پست الکترونیک :

info@armageddon.ir

نشانی پستی : تهران صندوق پستی ۱۷۱-

۱۱۴۹۵ تلفکس: ۰۲۱-۷۷۶۳۹۰۹۲ - مدیر مؤسسه:

۰۹۱۲۳۳۹۹۰۵۴

پست الکترونیک:

saboonchi@armageddon.ir

- قائم مقام مؤسسه: ۰۹۱۲۵۲۶۳۸۰۱

پست الکترونیک :

ehtesham@armageddon.ir

- مدیر امور اجرایی مؤسسه: ۰۹۱۲۲۰۶۹۷۰۶

پست الکترونیک :

benhari@armageddon.ir

۱۱. مرکز مجازی مهدویت

مرکز مجازی مهدویت، پایگاهی است چند منظوره که در شبکه جهانی اینترنت ایجاد شده و بستر سازی مناسبی را برای گردهمایی و تعاملات موعودگران در جهت زمینه سازی ظهور منجی آخرالزمان حضرت مهدی (عج) فراهم می‌آورد و در این زمینه بخش‌ها و گروه‌های گوناگونی مشغول فعالیت‌اند؛ مانند: گروه‌های تخصصی، کتابخانه الکترونیک مهدوی، مدرسه مجازی مهدوی، دانشگاه مجازی مهدوی، باشگاه مجازی مهدی یاران، اتاق‌های گفتگو، بانک اطلاعات چند رسانه‌ای، بانک اطلاعات اشخاص حقیقی و حقوقی فعال در زمینه مهدویت، مسابقات مجازی، گالری آثار هنری و ادبی، کارگاه مجازی ایده پردازی و ... که تمامی آنها در قالب برنامه‌های اجرایی از سوی کمیته‌های کمیسیون‌های شش‌گانه مرکز، نیازسنجی، طراحی،



استفاده از استادان برجسته حوزه و دانشگاه، شهریه مناسب، استفاده از سرفصل های مناسب و امکاناتی از قبیل کتاب و لوح فشرده، از مزایایی است که دانش پژوهان از آن بهره می برند. مهدویت در اندیشه فرق خاصه و عامه، مهدویت و علوم تجربی، جامعه شناسی، تاریخ عصر غیبت، مهدویت از دیدگاه مستشرقان، فرق انحرافی مانند بابیت، جامعه شناسی، روان شناسی و ولایت فقیه، نظام اخلاقی مهدوی، مهدویت و مسائل کلام جدید، منجی در ادیان، مهدویت در قرآن، شبهه شناسی، تاریخ حدیث و آسیب شناسی، از مهم ترین مباحث ارائه شده به دانش پژوهان در آموزش تخصصی است.

از سال ۱۳۸۴ تاکنون در بخش آموزش غیرحضوری و دانشگاه مجازی، سی هزار نفر از طریق پایگاه اطلاع رسانی این مرکز به نشانی www.mahdaviat.net آموزش مهدویت دیده اند.

مباحثی که در آموزش مجازی مهدویت به دانش پژوهان ارائه می شود، شامل اثبات وجود امام زمان (عج)، تاریخ و زندگی آن حضرت، منبع شناسی، حدیث شناسی، فلسفه غیبت، فواید امام غایب، انتظار، حکومت جهانی، شرایط و علایم ظهور، رجعت، مهدویت و غرب و فرجام شناسی است. از جمله فعالیت های صورت گرفته از سوی مرکز

اجرا و مدیریت می شود. این کمیسیون ها عبارت اند از: کمیسیون فناوری اطلاعات و ارتباطات، کمیسیون اخبار و اطلاع رسانی، کمیسیون علمی و پژوهشی، کمیسیون ادب و هنر، کمیسیون ورزش و سرگرمی و کمیسیون بین الملل که هر کدام از آن کمیسیون ها بر اساس شرح وظایف ویژه و در جهت اهداف مرکز به فعالیت می پردازند. به عنوان نمونه، به چگونگی فعالیت کمیسیون علمی و پژوهشی اشاره می شود: وظیفه اصلی این کمیسیون: تألیف، شناسایی، گردآوری و تحلیل کتب، نشریات، مقالات، پایان نامه ها، گزارش ها و به طور کلی تمامی مباحث علمی - پژوهشی درباره موضوع مهدویت و موعود گرایی است. این کمیسیون شامل کمیته نویسندگی، کمیته مقاله نویسی، کمیته پایان نامه ها، کمیته گزارش نویسی، کمیته کتاب شناسی، کمیته رسانه ها، کمیته تحلیل و پژوهش، کمیته مراکز علمی و کمیته ویراستاری است.

مرکز مجازی مهدویت در سه محور آموزش، پژوهش و تبلیغ فعالیت می کند و در بخش آموزش به آموزش تخصصی، آموزش مجازی از طریق دانشگاه و آموزش کوتاه مدت می پردازد. این مرکز در سال ۱۳۸۶، در بخش آموزش تخصصی در مقطع سطح سه کارشناسی ارشد از بین حدود سیصد نفر طی یک مرحله آموزش و مصاحبه، ۲۹ نفر را برای آموزش انتخاب کرد.



آموزش و پرورش و صدا و سیما ارتباط برقرار و حدود ۹۳ جلسه پرسش و پاسخ در سراسر کشور را برگزار کرده است.

البته چهل عنوان نقد فیلم، مباحث آخرالزمان و برگزاری چهارصد جلسه سخنرانی درباره حضرت ولی عصر (عج) و پوشش حدود پنجاه مورد اردو، از اقدامات مرکز تبلیغ مرکز تخصصی مهدویت است. حضور فعال در جشنواره های مهدویت، برگزاری پنجاه نمایشگاه کتاب، تکمیل پروژه اردوگاه یاوران مهدی در کنار مسجد مقدس جمکران، همکاری با شبکه های مختلف صدا و سیما از قبیل شبکه هامون در سیستان و بلوچستان، شبکه باران در گیلان و برنامه به سوی ظهور از شبکه دو سیما، از دیگر برنامه های آن در سال ۱۳۸۵ است.

این مرکز در سال گذشته برای اولین بار دوره آموزش تربیت مربی مهدویت ویژه خواهران را برگزار کرده است که از بین آنان بیست نفر برای آموزش انتخاب شده اند.

علاقه مندان برای ارتباط با این مرکز می توانند به نشانی اینترنتی <http://www.zohoortv.com> مراجعه کنند.

تخصصی مهدویت می توان به راه اندازی کتابخانه دیجیتالی به نشانی www.imammahdi-s، برگزاری مسابقه وبلاگ نویسی با عنوان «بیعتی دوباره با وارث غدیر»، راه اندازی سایت مجله امان و مجله انتظار موعود، سایت پاسخ گویی به شبهات و سایت بنیاد فرهنگی مهدی موعود (عج) اشاره کرد.

این مرکز در بخش پژوهش، کتاب هایی با عناوین درسنامه مهدویت، مهدویت در دیدگاه دین پژوهان غربی، فصلنامه انتظار، نشریه امان، زنان در حکومت حضرت مهدی (عج)، نگین آفرینش، پله پله تا مهربانی و نیز هفت نوع بروشور با عناوینی چون: مهدی یاوران، امام مهدی در قرآن، آثار و برکات امام و فواید امام غایب، علل غیبت و امام مهدی در قرآن را در سال ۱۳۸۵ به چاپ رسانده است. راه اندازی کتابخانه تخصصی مهدویت، گسترش بانک اطلاعات برای استفاده محققان، تولید لوح فشرده نقد فیلم «پیشگویی نوستراموس»، برگزاری همایش «مهدویت، غدیر و پایان تاریخ» با همکاری بنیاد غدیر، برپایی همایش «عاشورا و انتظار» با همکاری مرکز مطالعات راهبردی خیمه و پاسخ به سوالات و شبهات حضوری همراه با موضوع بندی و تهیه نمایه سؤال ها از جمله اقدامات بخش پژوهشی مرکز تخصصی مهدویت در سال ۱۳۸۵ است.

این مرکز در بخش تبلیغات با حدود پنجاه مرکز تخصصی مهدویت مانند: مساجد، حوزه، دانشگاه،



۱۲. مرکز جهانی تخصصی حضرت ولی عصر (عج)

این مرکز در سال ۱۳۶۴ از سوی حجت الاسلام سید محمود بحر العلوم میردامادی با عنوان «مهدیه میرداماد» به منظور احیای آثار چاپ نشده و خطی جد مؤسس محترم، و فعالیت های دینی، فرهنگی دیگر تأسیس و سپس بر اساس نیاز جامعه امروزی به تبیین بیشتر مهدویت، به مرکز مهدوی تبدیل شد و چهار هدف اصلی را دنبال می کند:

۱. تبلیغ جهانی مهدویت با استدلال و برهان و ابزارهای روز؛ ۲. نظم و هماهنگی در عرصه تبلیغات بین المللی اندیشه مهدوی؛ ۳. تعامل و انتقال تجارب و آرا و نظریات مراکز و مؤسسات مختلف؛ ۴. برپایی جشنواره ها و کنفرانس های منطقه ای مهدویت و آخر الزمان شناسی.

موعودشناسی و آشنایی با علائم ظهور، سیمای مهدویت در قرآن، آشنایی با فرق انحرافی، بررسی و ردّ شبهات، و امام شناسی بر محور کتاب الحجه اصول کافی، از موضوعات دوره هایی است که تاکنون در این مرکز برگزار شده است.

۱۳. مرکز مطالعات و مباحث ادیان

این مرکز به منظور ترویج و گسترش معارف مهدوی و مقابله با افکار و عقاید منحرف، به

اقداماتی چون: پاسخ گویی روزانه به مسائل و شبهات به صورت حضوری و تلفنی، بحث و گفتگو با افراد غیرمسلمان و غیرشیعی علاقه مند به اسلام و مکتب اهل بیت (ع)، پذیرایی از گردشگران و محققان خارجی که برای کامل کردن تحقیقاتشان به این مرکز مراجعه می کنند، ارتباط و دعوت از ره یافتگان فرهیخته برای سخنرانی در جلسات مرکز و اهدای قرآن و نهج البلاغه و کتاب های اعتقادی شیعه به زبان های مختلف به گردشگران و محققان خارجی پرداخته است.

این مرکز دارای پایگاه جهانی اطلاع رسانی اینترنتی به نشانی www.imamalmahdi.com است که به زبان های مختلف به منظور نشر معارف نورانی اسلام به ویژه در موضوع مهدویت فعالیت می کند و بخش فارسی آن در سال ۱۳۸۰ آغاز به کار کرده است. از جمله فعالیت های این قسمت، پاسخ گویی به ایمیل های دریافتی از سوی واحد پرسمان پایگاه در موضوعات مختلف عقیدتی و مهدوی است. تصویربرداری از جلسات مرکز، تدوین و تبدیل آنها به CD در قالب های MP3, VCD و نرم افزار، ضبط و انتشار کاست صوتی جلسات عمومی و تخصصی مرکز، ساخت کلیپ ها و فلش های تصویری در موضوع مهدویت، طراحی پوستر به مناسبت های مختلف، و تایپ و تکثیر جزوات مربوط به دوره های آموزشی و اطلاعیه های مربوط به



و مجلس ختم صلوات جهت سلامتی امام زمان (عج)؛

۲. پشتیبانی از جلسات مذهبی که در مناسبت های مربوط به امام زمان (عج) در هیئت ها و مساجد منعقد شده است و اعزام مبلغ به مساجدی که امکان برگزاری مراسم را نداشته اند؛

۳. چاپ و توزیع بیش از دویست هزار بروشور رنگی و برگه های تبلیغی با موضوعات دعای فرج، احادیث انتظار و ...؛

۴. اهدای بیش از پنجاه هزار جلد کتاب، نوار کاست، لوح تبلیغی و سی دی به مناسبت های عید غدیر، میلاد امام زمان (عج) و... بین مشترکان فرهنگی مؤسسه، پرستاران و خیرین مرتبط با مؤسسه و عموم مؤمنان و ...؛

۵. اجرای طرح احیای ادعیه امام زمان (عج)؛
۶. اجرای مسابقات در زمینه مهدویت مانند مسابقه کتابخوانی، و مسابقه حفظ دعای عهد؛
۷. تشکیل شورای سیاست گذاری فرهنگی و کاربردی کردن فرهنگ مهدویت با حضور فضایی دینی، اساتید دانشگاه و فرهیختگان علمی و هنری.
۸. برگزاری جلسات شعر انتظار با حضور شعرا و ارادتمندان حضرت صاحب (عج).
نشانی سایت مؤسسه:

info@m-imamzaman.com

برنامه های مختلف، از جمله فعالیت های واحد رایانه و سمعی و بصری مرکز جهانی تخصصی حضرت ولی عصر (عج) است.

واحد «انتشارات بهار قلوب» این مرکز نیز عهده دار چاپ و نشر کتاب های اعتقادی در موضوع امامت و مهدویت و ردّ شبهات است که غالباً محصولات خود را با تخفیفات ویژه به مراکز فرهنگی و محققان ارائه و اهدا می کند.

این مرکز افزون بر داشتن شاخه های فراوان در سراسر ایران، شعبه های متعددی در اقصی نقاط دنیا دارد؛ از جمله در کشورهای غنا، مالی، آلمان، آمریکا، انگلستان، ایتالیا، استرالیا، فرانسه و... . علاقه مندان می توانند به نشانی سایت مرکز که پیشتر بیان شد، مراجعه کنند.

۱۴. مؤسسه تبلیغ و انفاق امام زمان^۷

مؤسسه تبلیغ و انفاق امام زمان (عج) در سال ۱۳۷۹ همزمان با ولادت حضرت فاطمه زهرا^۳ تأسیس شد و تا کنون اقداماتی در زمینه های تبلیغی، فرهنگی، ورزشی و امور خیریه و انفاق انجام داده است که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. تشکیل بیش از یک هزار جلسه فرهنگی مانند مراسم دعای ندبه، جلسات شرح زیارت جامعه کبیره، شرح زیارت عاشورا، شرح حدیث شریف کساء



۱۵. مسجد مقدس جمکران

مسجد مقدس جمکران در ۶ کیلومتری شهر مقدس قم واقع شده و همواره پذیرای زائرینی از نقاط مختلف ایران و جهان می‌باشد. این مکان مقدس، تحت توجهات خاصه حضرت بقیه الله الاعظم (ارواحنا فداه) قرار دارد و آن حضرت از شیعیانشان خواسته‌اند که به این مکان مقدس روی آورند؛ چرا که این مکان، دارای شرافتی ویژه است و حق تعالی آن را از میان سرزمین‌های دیگر برگزیده است.

این مسجد دارای بخش‌های گوناگون اداری و فرهنگی است. یکی از بخش‌های مهم آن انتشارات است که یکی از بزرگ‌ترین ناشران در زمینه علوم و معارف اسلامی به ویژه موضوع مهدویت به شمار می‌رود. این واحد با راه اندازی دو فروشگاه بزرگ کتاب، CD، و فیلم و اقلام فرهنگی مربوط با مباحث مهدویت در صحن مسجد توانسته گام‌های بلندی در ارتباط با نشر معارف دینی بردارد و ده‌ها کتاب به زیور چاپ مزین کند؛ از جمله کتاب‌های منتشر شده در باره مهدویت می‌توان به کتاب‌های ذیل اشاره نمود: آئینه اسرار نوشته حسین کریمی قمی و اصالت مهدویت در اسلام از دیدگاه اهل تسنن نوشته مهدی فقیه ایمانی و برکات حضرت ولی عصر (عج) (خلاصه عبقری الحسان) نوشته

شیخ علی اکبر نهاوندی (ره) و حضرت مهدی فروغ تابان ولایت نوشته محمدی اشتهاردی و الامام المهدی^۷ نوشته السید علی حسینی المیلانی والغیبة الصغری و السفراء الاربعة نوشته فاضل مالکی و کتاب‌های دیگر. و افزون بر آنها نشریه جمکرانیه است که به معرفی و تبیین ابعاد شخصیتی امام عصر (عج) و معارف مهدویت می‌پردازد.

واحد فرهنگی برادران و خواهران از دیگر بخش‌های این مسجد مقدس است که این واحد مسئولیت ارائه خدمات فرهنگی مانند برگزاری مراسم مختلف، چاپ بروشور به مناسبت‌های مختلف و عرضه آن به میهمانان این مکان مقدس، پاسخ‌گویی به سؤالات شرعی، اعتقادی و شبهات مهدویت و ثبت کرامات و خاطرات و کتابخانه عمومی و تخصصی صاحب الزمان (عج) را به عهده دارد.

از دیگر بخش‌های فعال این مسجد پایگاه اینترنتی مسجد مقدس جمکران است که در سال ۱۳۷۹ با سه زبان شروع به فعالیت نمود، در سال ۱۳۸۴ با رویکرد جدید تولید محترم مسجد مقدس جمکران به بحث اینترنت، این بخش به عنوان یک واحد مستقل و با عنوان «اینترنت و سایت خبررسانی» شروع به فعالیت نمود. اهداف کلی سایت نشر فرهنگ مهدویت، معرفی مسجد مقدس



<http://www.yamahdi.org>

۵. شبکه ابا صالح (عج):

<http://www.ghadeer.org>

۶. پیشگویی :

<http://www.prophecy.org>

۷. پرسمان:

<http://www.porsman.net>

۸. رشد:

<http://www.roshd.org>

پست الکترونیکی:

info@roshd.org

۹. المبین :

<http://www.al-mubin.org>

۱۰. پایگاه حضرت مهدی:

<http://www.hazratmahdi.com>

پست الکترونیکی:

info@hazratmahdi.com

۱۱. سحر:

<http://www.sahar.org>

۱۲. مرکز شیعه:

<http://www.shiacenter.com>

۱۳. صبح:

<http://www.sobh.org>

۱۴. رسانه :

<http://www.e-resaneh.com>

جمکران بعنوان پایگاه عظیم تشیع و ارائه خدمات به زائران این مکان مقدس است. این بخش دو سایت است یکی با عنوان www.mahdisearch.com دایرکتوری «راهنمای» پایگاههای مهدوی در شبکه جهانی اینترنت نیاز محققان و کاربران اینترنت در بخش مهدویت را مرتفع می سازد و دیگری با عنوان www.mahdilink.com می باشد.

آدرس سایت مسجد

www.jamkaran.info

تلفن: ۰۲۵۱ - ۷۲۵۰۵۰ و ۰۲۵۱ - ۷۲۵۰۳۷۰۰

فاکس: ۰۲۵۱ - ۷۲۵۳۳۴۰

۱۶. مراکز دیگر

به دلیل کثرت مراکز و موسسات مهدویت در داخل و خارج از کشور، در پایان فقط به ذکر نام و نشانی پایگاه اینترنتی آنها بسنده می شود:

۱. شبکه امام مهدی:

<http://www.montazar.net/>

۲. پایگاه شاهرودی:

<http://www.shahroudi.net>

۳. المنتظر(عج):

<http://www.almuntazar.com>

۴. یا مهدی (عج):



۲۳. کنگره بین‌المللی مصلح موعود (عج) :
<http://www.moslih.org>
۲۴. پایگاه هیئت امام مهدی (عج) :
<http://www.geocities.com/lightmah>
۲۵. پایگاه اطلاع رسانی محبان المهدی (عج):
www.ya-mahdi.info
۲۶. مؤسسه فرهنگی موعود عصر(عج) :
www.mouood.org
۲۷. همایش جهانی دکترین مهدویت:
www.mahdaviat-conference.com
۲۸. مجله المهدی:
<http://almahdi.mybravenet.com>
۲۹. پایگاه منجی:
www.monjee.org
۳۰. سلام ایران:
www.salamiran.org



- پست الکترونیکی:
e-resaneh@e-resaneh.com
۱۵. رهپویان:
www.rahpouyan.org/mahdi/links
۱۶. میترا:
<http://www.maitreya.org>
۱۷. ایده نگار:
<http://www.idehnegar.net.ir>
۱۸. پایگاه اطلاع رسانی اتوری:
پست الکترونیکی:
search4truth@hotmail.com
- سایت:
www.etori.tripod.com/dajialsystem.html
۱۹. تی سی :
www.islam.tc
- پست الکترونیکی:
Webmaster@islam.tc
۲۰. پایگاه ظهور:
<http://www.zohour.ir>
۲۱. پایگاه به سوی ظهور:
<http://www.zohoor.net>
۲۲. پایگاه یوسف زهرا (عج) :
<http://www.yoosof.com>



سه‌شنبه ۱۳۸۵/۳/۲۳

آخرین روز نجف

صبح ساعت ۴:۳۰ با اتوبوس حرکت کردیم و توفیق زیارت حرم امام علی^۷ دست داد و ساعت ۷ برگشتیم.

پس از صرف صبحانه، ساکها را بستیم. همه اعضای کاروان ساکهایشان را در اتاقی گذاشتند و اتاقها را تخلیه کردند تا نظافت‌کاران، آنها را برای گروه بعد آماده کنند.

ساعت ۹ برای آخرین زیارت، راهی حرم مطهر شدیم. در زاویه جنوب شرقی صحن، در سایه تجمع کردیم. روحانی دعای عهد، زیارت امین‌الله، وداع امیرالمؤمنین و نیز اشعاری را خواند:

مرغ روحم به نجف میل پریدن دارد

چون کبوتر دلم از شوق پریدن دارد

کاظمین و نجف و سامره و صحن حسین

خوش‌تر از خلد برین است که دیدن دارد

... در پایان، روحانی کاروان با امام علی^۷

مناجات کرد و چون آخرین لحظات تشرّف در حرم بود، حاضران مخصوصاً خانم‌ها حال خوبی پیدا کرده بودند و می‌گریستند. اما من در این بین گریه نمی‌کردم. نمی‌دانم آیا در کربلا گریه خواهم کرد یا نه. اگر چنین شد، خواهم نوشت.



مکتب‌خانه‌ها هم به دلیل اینکه جویندگان دانش بر گرد استاد می‌نشستند، به آنان «شاگرد» گفته‌اند.^۱

نمونه‌ای از فقر

ساعت ۱۱ برای صرف ناهار و آخرین نماز در نجف به هتل برگشتیم. هنگام ناهار، چهار زن و یک پسر بچه به در هتل آمدند و غذا درخواست کردند. به زنی که بچه شیرخوار در بغل داشت، خواستم مبلغی به او بدهم، اما او با دست به دهانش اشاره کرد که یعنی گرسنه است و غذا می‌خواهد. هرچه کردم پول را قبول نکرد. یکی از آنها می‌گفت: «ایران، برکات». منظورش این بود که نعمت در ایران فراوان است. به داخل رفتم و مقداری از میوه‌های خود و همسفران را بردم، اما همگی هجوم آوردند و به سختی توانستم مقداری از میوه‌ها را به او بدهم. با اینکه مابقی آن را میانشان تقسیم کردم، اما آنان هنوز در اطراف هتل حضور داشتند. در پاکت‌های پلاستیکی کثیفی که گویا از زباله‌دانی پیدا کرده بودند، غذا ریختم. هنگام دادن غذا آن قدر هجوم آوردند و سر و صدا راه انداختند که یکی - دو نفر از کارکنان هتل آمدند و آنها را با تندی دور کردند و در را بستند.

روحانی گفت: این قبیل رفتارها در زمان صدام بسیار زیاد بود و آنچه دیدی، تنها گوشه‌اندکی از چیزی بود که آن زمان می‌دیدیم.

پس از ذکر مصیبت و مناجات، قرار شد ساعت ۱۱ گرد آییم و با اتوبوس به هتل برگردیم. سپس همه متفرق شدند.

یادی از امام خمینی

امروز پس از زیارت مفصل، محل سکونت امام خمینی را به هنگام تبعید در نجف یافتیم. هنگام ورود به شارع‌الرسول از طرف چهارراه، خانه در چهارمین کوچه سمت چپ واقع است و فاصله اندکی تا خیابان دارد. منزل در حال ویرانی است.

روحانی را در خیابان دیدم. با تعجب گفتم: قصابی‌ای را دیدم که یخچال نداشت. پس از گفته او قصابی‌ای را دیدیم که یخچال بستنی‌فروشی داشت، اما گوشت‌ها را به قلاب آویزان کرده بود.

به اتفاق او به «مسجد هندی» در شارع‌الرسول رفتیم. امام خمینی در زمان تبعید خود در این مسجد تدریس می‌کرد. مسجد، مجاور کتابخانه آیت‌الله سید محسن حکیم قرار دارد. در آنجا طلاب و روحانیان فراوانی را دیدیم که حلقه حلقه گرد استاد نشسته‌اند و به درس او گوش می‌دهند. این صحنه، بیننده را به یاد معنای لغوی «شاگرد» می‌اندازد. می‌گویند: این کلمه در اصل «شاه‌گرد» بوده است. شاهان خدمتکارانی داشتند که برگرد او آماده به خدمت بودند و لذا به آنها «شاگرد» می‌گفتند. در



به سوی کربلا

پس از ناهار، نماز جماعت در نمازخانه هتل برگزار شد. اتوبوس ساعت ۲ به طرف کربلا حرکت کرد و دو ماشین نظامی، اسکورت شش اتوبوس را به عهده داشتند. ساعت ۳:۳۰ به قبر منسوب به شهید کربلا «عون بن عبدالله بن جعفر» رسیدیم. قبر عون در گذشته بیرون کربلا بود، اما اکنون جزء شهر شده است.

پس از زیارت عون، با حفاظت ماشین‌های نظامی به طرف مزار «حرّ» حرکت کردیم. براساس اخبار، حضرت عباس^۷ دور از بقیه شهدای کربلا و علی اکبر پایین پای امام حسین^۷ مدفون است و بقیه شهدا در یک جا پایین پای امام^۷ دفن شده‌اند و خبری در مورد جدا بودن قبر عون وجود ندارد. روحانی کاروان هنگام حرکت به سمت مزار حر، طی سخنانی این عون را امام‌زاده دیگری معرفی کرد که نامش عون بن عبدالله بوده است؛ اما از شهدای کربلا نبوده است.

توفیق زیارت حرّ نیز نصیب شد. قدیمی‌ترین مدرکی که پیدا کرده‌ام که جدا بودن قبر حرّ از دیگران را نشان می‌دهد، «کامل بهایی» است که در سال ۱۶۷۵ ق. تألیف شده است.^۲ «نزهة القلوب» که به سال ۷۴۰ ق. نوشته شده، قبر حرّ را جدا دانسته است.^۳ شهید اول (م ۷۸۶ ق.) در کتاب «دروس»

یادآور شده که مناسب است پس از زیارت امام حسین^۷، علی اکبر و سایر شهدا و حضرت عباس و حرّ زیارت شوند.^۴ شهادت شهید اول نگذاشت این کتاب به اتمام رسد. پس «دروس» را در پایان حیاتش نوشته است. بنابراین می‌توان مزار معروف را به حرّ نسبت داد.

در کربلا

عصر ساعت ۵:۳۰ به محل اقامت در کربلا؛ یعنی هتل سفینه، واقع در ابتدای خیابان جنّه الحسین^۷ رسیدیم. به دلیل نزدیک بودن این هتل به حرم مطهر، دیگر نیازی به اتوبوس نیست، بلکه نیروهای نظامی، از مقابل هتل، راه را بر ماشین‌ها می‌بندند و عابرانی که می‌خواهند وارد جنّه الحسین شوند، بازرسی بدنی می‌شوند.

امکانات اتاق ما: چهار تخت، کولر، تلویزیون، پنکه دیواری، حمام، توالت معمولی و فرنگی، دستشویی، آینه بزرگ، ساعت دیواری، تلفن داخلی، کمد، یخچال، فلاسک (فلاکس) چای.

در اینجا هم مانند نجف، آب جوش و چای کیسه‌ای، بطری آب بهداشتی و دربسته در هتل موجود است و مسافران هر مقدار بخواهند، می‌توانند رایگان از هتل‌دار بگیرند.



در هتل ساعات خاصی برای صرف غذا اعلام شده است: صبحانه: ۷:۳۰ - ۹، ناهار: ۲ - ۳، شام: ۹ - ۱۰.

در اینجا به دلیل نزدیکی به حرم، تنها بعضی جاها که ممکن است زائران بتوانند راه را پیدا کنند، بنا شد با هم برویم. عصر ساعت ۷ همگی از مقابل هتل به طرف حرم راه افتادیم و از پشت مرقد حضرت عباس^۷ سر در آوردیم. به احترام امام حسین^۷ آن مزار را دور زدیم و از بین الحرمین به طرف آستان سیدالشهدا^۷ حرکت کردیم.

در حال حرکت دسته جمعی، یکی از همسفران با گوشی همراهش فیلمبرداری را شروع کرد. او رو به جمعیت و عقب عقب راه می رفت. با دست دیگر به یکی از زائران کاروان ما اشاره کرد که جلو بیاید. همسفر با این تصور که می خواهد از او فیلم بگیرد، فوری جلو جمعیت رفت و ژست شخصیت ها را به خود گرفت. چند قدمی راه نرفته بود که دوباره فیلم بردار به او اشاره کرد که: جلو بیا. معلوم شد فیلم بردار می خواسته بفهماند که آن شخص دوربین را بگیرد تا او بتواند میان جمعیت برود!

بین الحرمین

در گذشته هردو بارگاه میان خانه های مسکونی بود و بین دو حرم، علاوه بر خانه، بازار هم وجود

داشت. تا اینکه به محض فرو نشاندن قیام، در سال ۱۴۱۱ ق. رژیم صدام شروع کرد به خراب کردن ساختمان های اطراف و بین دو حرم. اکنون میان دو حرم و بر گرد آنها خیابان عریضی ساخته اند. اگر دو طرف بین الحرمین، مانند اطراف صحن ها حجره یا دیوار بسازند، صحن بزرگ و کم ماندی بنا خواهد شد و ساختمان هردو حرم، جزء یک مجموعه به حساب می آید.

در مورد علت این اقدام صدام، نظریات مختلف می دهند. بعضی می گویند: او می خواست با این کار ظاهر مذهبی به خود بگیرد. بعضی دیگر می گویند: برای رفاه زائران و جلب زائر، بلکه از نظر او برای جلب توریست، این کار صورت گرفت تا به درآمدهایش افزوده شود و... اما به نظرم هدف اصلی صدام، هیچ یک از اینها نبود. او به محض فرونشاندن قیام، چنین کرد. در آن موقع هواپیماها و موشک های کشورهای خارجی مراکز مهم اقتصادی عراق را نابود کرده بودند. عراق از نظر اقتصادی در موقعیتی نبود که بتوان آن را آباد کرد. اگر صدام اهل آباد کردن عراق بود، کارهای مهم تری هم وجود داشت. به نظر می رسد به علت اینکه قیام کنندگان، به «حرمین» پناه بردند و کوچه پس کوچه های بین دو حرم محل امنی برای مجاهدان بود و از سوی دیگر هجوم به بارگاه های مذهبی



خشم مردم را برمی‌انگیزد، او برای سرکوبی آسان مبارزان، اقدام به تخریب اطراف دو حرم و میان آنها کرد.

ذکر مصیبت

آقای ابراهیمی در بین‌الحرمین حال خوبی پیدا کرده بود و در طول مسیر گریه‌کنان اشعاری را می‌خواند. او گریه دروغین نمی‌کرد و به شنوندگانش هم اصرار و التماس نمی‌کرد که حتماً بگیرند. اگر شنونده با صدای بلند گریه نمی‌کرد، سخنان بی‌اساس و غیر منطقی را به کار نمی‌برد: «نکنه دلت برای حسین فاطمه نمی‌سوزه؟ نکنه گناه، قلبت رو سیاه کرده؟ نکنه؟ نکنه؟» مدّاحی که این سخنان بی‌اساس را به زبان می‌آورد، بعید است که برای «حسین فاطمه» این کلمات را بر زبان آورده باشد، بلکه او احتمالاً مقاصدی جز این دارد؛ زیرا روایات افراد متفاوت است: بعضی سریع به گریه می‌افتند و بعضی دیرتر. این حرف‌های نامربوط، باعث شده تا عده‌ای در مورد خودشان به شک بیفتند که نکند گرفتار ضعف ایمان‌اند و چه بسا بعضی به همین دلیل رغبتی به شرکت در مراسم عزاداری نشان نمی‌دهند و حتی ممکن است به دلیل گریه نکردن، خجالت بکشند. انسان‌های باتقوایی را سراغ داریم که در مراسم عزاداری به آسانی نمی‌گیرند و در مقابل، شارلاتان‌هایی هم هستند که به شدت گریه

می‌کنند. «گریه» عملی مستحبی است مانند خیلی از مستحبات دیگر. همین که شخصی عملی مستحبی را به جا نیاورد، متهم به بی‌تقوایی نمی‌شود. خوشبختانه آقای ابراهیمی اهل این حرف‌ها نیست. او راست و دروغ را به هم نمی‌بافد تا به هر نحو ممکن شنونده را بگیراند.^۵ وظیفه خود را انجام می‌دهد، خواه کسی گریه کند یا نکند. با این حال همراهان، به ویژه خانم‌ها، خیلی می‌گریستند: پیش از ورود به صحن، روحانی اذن دخول خواند و علاوه بر مناجات با امام^۷ ذکر مصیبت کرد.

اولین زیارت سیدالشهدا^۷

در صحن، دسته‌جمعی زیارت وارث را خواندیم. روحانی زبان حال حضرت زینب^۳ را در قالب اشعاری بیان کرد.

آقای ابراهیمی نیز ابیاتی در رثای حضرت علی اصغر^۷ خواند:

می‌رود تا آسمان‌ها

آه غربت از دل من

یک طرف من با گل خود،

یک طرف هم خیل دشمن

سینه‌ام دارد شراره،

روی دستم شیرخواره

تیر زهرآگین دشمن،

سوی او دارد نشانه



چون قبلاً صحن و سرای کوچک امام علی^۷ را دیده بودم، انتظار داشتم آستانه امام حسین^۷ هم کوچک باشد و لذا کوچکی آن، سبب شگفتی ام نشد.

پس از مراسم کوتاه، پراکنده شدیم و قرار شد بعد از نماز عشا همگی با هم به حرم حضرت عباس^۷ مشرف شویم. اولین زیارت حضرت اباعبدالله^۷ را به جا آوردیم. در بارگاه باشکوه سیدالشهدا^۷ معنویت خاصی حاکم است. خانمی در کاروانی دیگر با اولین نگاه به گنبد مطهر، بیهوش شده بود.

اینجا محل رفت و آمده اطهار^۷، علمای بزرگ و صالحان فراوان بوده است. بهترین انسان‌ها در این مکان به نماز ایستاده‌اند؛ بهترین انسان‌ها در همین جا به شهادت رسیده‌اند، چه در عصر امام حسین^۷ و چه در عصر ما. محل اصابت هزاران گلوله بر در و دیوار حرم نمایان است. مردم عراق در سال ۱۴۱۱ق. علیه حکومت صدام قیام کردند و شهرهای مهمی چون کربلا را به تصرف خود درآوردند. اما وقتی قیام با شکست مواجه شد، مردم با این گمان که لشکر صدام حرمت حرم اباعبدالله^۷ و حضرت ابوالفضل^۷ را نگه می‌دارد، به آن دو جا پناه بردند. اما بعثیان وحشی، به هر دو حرم هجوم بردند و مردم را به رگبار مسلسل بستند و عده زیادی را در جوار مولایشان به شهادت

رساندند. مهاجمان می‌توانستند پناهندگان را با گازهای مخصوص از حرم خارج کنند، اما آنان با قتل عام در حرم و تیراندازی به ضریح‌های مقدس، به مردم فهماندند که هیچ چیز مانع دنیای آنها نمی‌شود و با هر وسیله ممکن و از هر راهی، مخالفانشان را نابود می‌کنند.

بگذریم، مدفن سیدالشهدا^۷ جدا از بقیه شهدا است و علی اکبر^۷ پایین پای حضرت مدفون است. چند متر پایین‌تر، بقیه شهدا در یک بقعه مدفون‌اند و نام‌هایشان را بر تابلویی نوشته‌اند. البته مزار حضرت عباس^۷ جدا است. مزار حرّ هم جدا است. حجره‌ها گرداگرد حرم را فراگرفته‌اند و کارگران در حال ساخت و ساز طبقه دوم آنها هستند. سقف برخی قسمت‌ها ساخته شده و هنوز آجری است و در برخی قسمت‌ها مشغول اسکلت‌بندی هستند.

مقام شهدای کربلا

ابهامی که تا پیش از سفر کربلا برایم حل نشده بود و شاید حل آن از برکات این سفر باشد، علت برخورداری شهدای کربلا از مقام استثنایی است. در مورد علت آن می‌گویند: با اینکه آنها قبل از عاشورا از شهادتشان خبر داشتند، دست از حمایت امام حسین^۷ برنداشتند.

به نظر می‌رسد اگر فضیلت آنها صرفاً به دلیل خبر داشتن از مرگ باشد، کسانی که عملیات



شهادت طلبانه انجام می‌دهند، باید دارای همان مقام باشند؛ در حالی که کسی این را نمی‌پذیرد. پس آگاهی از کشته‌شدنشان، تنها یکی از عوامل مقام والای آنها است و باید موارد دیگر را نیز جستجو کرد. اهمیت حرکت امام تا پیش از عاشورا با عقل بشری قابل درک نبود و معلوم بود سرانجامش مرگ است. لذا شخصیت‌های برجسته‌ای چون: ابن عباس، محمد حنفیه، جابر بن عبدالله انصاری، ابوسعید خدری و فرزددق، امام را از این قیام باز می‌داشتند و عاقبت وخیم را گوشزد می‌کردند.

امام در مقابل سفارش آنها، یا جواب نمی‌داد یا جواب او نوعاً استدلالی نبود. خلاصهً برخی پاسخ‌های آن حضرت چنین است: بهتر از تو می‌دانم که کشته می‌شوم؛ هرچه قضای الهی باشد محقق می‌شود؛ بر نمی‌گردم؛ اینها نامه‌هایشان است؛ حرکتی به امر خدا و رسول او بوده است؛ به کوفی‌ها وعده داده‌ام؛ دیگر تصمیم خود را گرفته‌ام.

پاسخ‌های امام نشان می‌دهد حضرت چیزی در سینه داشت که نمی‌خواست به زبان آورد یا اینکه دیگران نمی‌توانستند درک کنند. امام فلسفه قیام خود را «امر به معروف و نهی از منکر» اعلام کرد؛ اما برای همه قابل درک نبود حرکتی که سرانجامش کشته شدن خود و اصحابش است، چگونه منشأ امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند باشد؟ با اینکه توجیه سیاسی همه‌پسند تا پیش از عاشورا وجود

نداشت، امام «بیعت» را نپذیرفت و نه تنها جو جامعه با امام نبود، بلکه به عکس، این قیام، بی‌نتیجه تلقی می‌شد. درباره شهدای کارزارهای دیگر می‌توان گفت که استدلال و منطق مورد پسندشان و گاه تبلیغات و جو جامعه، آنان را به میدان شهادت می‌کشاند، اما در قضیه کربلا تبلیغاتی به نفع امام نبود و تا پیش از عاشورا استدلال همه‌کس فهم برای این حرکت وجود نداشت؛ بلکه به عکس، این قیام، ناموفق تلقی می‌شد و تقریباً همه می‌دانستند که پایش مرگ است. در چنین وضعی، عده‌ای تا پای جان از امام حمایت کردند. آنان به دنبال فلسفه قیام نبودند، بلکه تنها چیزی که آنان را به حمایت واداشت، ایمانشان به حضرت بود، خواه خودشان درک کنند که امام چه می‌کند و خواه ندانند و خواه جو موجود، قیام حضرت را تأیید کند یا نکند. اگر امام برمی‌گشت، همه آنها برمی‌گشتند و اگر بیعت می‌کرد، آنان نیز بیعت می‌کردند.

لذا تا آنجا که سخنان «شهدای کربلا» را دیده‌ام، آنها نمی‌گفتند: ما برای مبارزه با یزید یا با ظلم یا برای امر به معروف و نهی از منکر می‌جنگیم؛ بلکه می‌گفتند: ما خودمان را فدای امام می‌کنیم. چنین روحیه‌ای حتی در میان نوع اصحاب پیامبر⁹ و امام علی⁷ نبود. در جنگ‌های پیشین، پیامبر⁹ و امام علی⁷ اصحاب را به نبرد دعوت می‌کردند؛ اما در این قضیه نه تنها



امام ⁷ اصحابش را در شب عاشورا تشویق به نبرد نکرد، بلکه بیعت خود را برداشت و اختیار را به آنان سپرد و شکست ظاهری را گوشزد کرد، حتی به آنان فرمود:

«دشمنان، تنها مرا می‌خواهند و پس از دست یافتن به من، دیگر کاری با شما ندارند».

عقل عادی اقتضا می‌کند حال که شکست مسلم است و دشمنان، تنها در صدد دستگیری یا شهادت امام هستند و از دست اصحاب کاری ساخته نیست و از سوی دیگر، امام هم اجازه ترک میدان را داده، دیگر لزومی ندارد خود را به خطر بیندازند. اما اصحاب چنین نکردند و کشته شدن را ترجیح دادند. دو گروه از دوستداران اهل بیت ^ع، امام را یاری نکردند: یک عده، ترسوها و آنان که وابستگی مادی داشتند و گروه دیگر، کسانی بودند که نه ترسو بودند و نه دلبستگی به دنیا داشتند، اما اوضاع را تجزیه و تحلیل، و سبک و سنگین می‌کردند و با مصلحت‌اندیشی می‌خواستند کارها را پیش ببرند. پس کسانی به یاری امام شتافتند، که اهل این حرف‌ها نبودند. به عبارت دیگر، مجنون‌وار دنباله‌رو امام شدند.

جالب است که یکی از اصحاب به نام ضحاک بن عبدالله در میدان جنگ وقتی دید تنها اهل بیت امام و دو نفر دیگر زنده مانده‌اند، کاملاً ناامید شد و از سیدالشهدا ⁷ اجازه ترک میدان گرفت. حضرت

به او اجازه داد و او از میدان جنگ فرار کرد. ^۶ اگر هرکدام از شهدای کربلا چنین درخواستی می‌کردند، امام به آنها اجازه می‌داد، اما آنها چنین نکردند.

پس از عاشورا معلوم شد که امام و یاران او با شهادت خود، بهترین مشعل هدایت شده‌اند. اگر آن فداکاری‌ها نبود، مسلماً اسلام از نظر رشد و شکوفایی در وضعیت فعلی نبود. چه بسیار غیر شیعیانی که تحت تأثیر عزاداری سیدالشهدا ⁷ و اصحاب او به تشیع گرویدند. شهادتی که خالصانه منشأ این همه آثار و برکات بودند، باید به آن مقام هم دست یابند. کسانی که می‌پندارند اگر در آن زمان زندگی می‌کردند، جزو اصحاب حضرت بودند، اگر به خوبی نکته فوق را دریابند، متوجه می‌شوند که این پندارشان نادرست است و خدا را سپاس می‌گویند که در آن زمان نبودند. چنین نیست کسی که برای امام حسین ⁷ چند قطره اشک ریخت و حتی غش کرد، اگر در آن زمان بود، جزء اصحاب حضرت می‌شد.

زیارت قمر بنی‌هاشم ⁷

پس از نماز جماعت مغرب و عشا در بارگاه سیدالشهدا ⁷ دسته‌جمعی به طرف صحن باصفای حضرت ابوالفضل ⁷ به راه افتادیم. در صحن، زیارت مخصوص حضرت را خواندیم، همراه ذکر مصیبت و اشعار روحانی کاروان و آقای ابراهیمی.



پس از مراسم کوتاهی، به حرم مطهر باب الحوائج آقا ابوالفضل العباس⁷ مشرف شدیم؛ محلی که حاجتمندان فراوانی را از دور و نزدیک به خود جلب کرده و حاجت‌های بی‌شماری را روا داشته است.

سنگ‌های حرم ابوالفضل⁷ را که جای گلوله‌ها و تیرها بر آنها نمایان بود، تعویض کرده‌اند. به جای آنها، دیوارها را مانند حرم سیدالشهدا⁷ تا حدود سه متر سنگ مرمر نصب کرده‌اند و بالای آن در حال نصب کتیبه‌ای به عرض تقریبی هفتاد سانتی‌متر هستند. بر کتیبه، آیات قرآن نوشته شده است. شنیدم سنگ‌های قبلی را به موزه منتقل کرده‌اند. اما سنگ‌های حرم امام حسین⁷ همچنان برجای خود باقی است. این سنگ‌ها را هم می‌خواهند عوض کنند که ای کاش چنین نمی‌کردند. این سنگ‌ها بیانگر گوشه‌ای از تاریخ عراق، بلکه تاریخ ایران هستند. این سنگ‌ها نشان می‌دهند که مردم عراق و ایران با چه جنایتکاری روبه‌رو بوده‌اند. وجود این سنگ‌ها در حرم مطهر، بی‌احترامی به امام⁷ به حساب نمی‌آید که ناچار به تعویض آنها باشند.

چه خوب است «موزه جنایات رژیم صدام سفاک» را تأسیس کنند و ابزار قتل و شکنجه به وسیله این رژیم را در آن نگهداری کنند و در معرض نمایش قرار دهند. اگر آن چرخ گوشت بزرگ را که پسر صدام، انسان‌ها را در آن تکه تکه می‌کرد تا به

ماه‌یانش بدهد، و اگر آن حوض اسید را که انسان‌ها را در آن می‌انداختند و ذوب می‌شدند، در معرض دید قرار دهند، به حتم گردشگران فراوانی از سراسر جهان به خود جلب خواهد کرد. آیت الله سید احمد مددی بیرجندی، از قول یکی از سادات عراقی نقل کرد: «برادرم را به جرم فعالیت سیاسی علیه رژیم دستگیر کردند و در مقابل چشمان من، او را در ظرف اسید انداختند و تنها مقداری از موی او بالا آمد». جنایات صدام بیش از اینهاست؛ بگذاریم و بگذریم.

به طور کلی، هر سه بارگاه امام علی⁷ و امام حسین⁷ و حضرت عباس⁷ شباهت زیادی به هم دارند. هر سه حرم در وسط صحن‌های تقریباً هم‌اندازه واقع‌اند و در صحن می‌توان حرم را طواف کرد؛ تقریباً شبیه صحن و سرای امام‌زاده آقا علی عباس - در پنجاه، شصت کیلومتری کاشان - اما با صحنی کوچک‌تر. هر کدام از سه بارگاه تنها یک ایوان با روکش طلا دارند و دو طرف ایوان‌ها دو گلدسته قرار دارد. تصاویر بارگاه عسکریین⁸ در سامرا نشان می‌دهد که آن نیز به همین صورت است.

در هتل

پس از زیارت مختصر و بوسه بر ضریح حضرت ابوالفضل⁷، به طرف هتل برای صرف شام



برگشتیم. در اطراف دو حرم، سی‌دی‌های مختلف مدّاحی فارسی و عربی می‌فروشنند.

شام عبارت است از: سوپ، دو سیخ گوشت، کمی ماکارونی، قدری پیاز خرد شده، نوشابه، ماست. دسر: گوجه، خیار، پرتقال، موز.

روی میوه‌ها سلفون^۷ کشیده‌اند. در نجف تنها روز آخر چنین کردند. گویا گوشت‌های به سیخ کشیده، همان برگ در ایران است، اما برگ ایرانی کجا و برگ آنها کجا! آنها تخصص در درست کردن برگ ندارند و شاید حوصله در دسر آن را نداشته باشند. کباب برگ آن قدر سفت بود که جویدن آن برای من که بعضی دندان‌هایم را کشیده‌ام، خیلی مشکل بود. برای جویدن گوشت‌ها آن قدر چانه‌ام را حرکت دادم که همسفری از من پرسید: شما دندان مصنوعی دارید؟! جواب دادم: دندان من مصنوعی نیست، این برگ‌ها مصنوعی‌اند.

بیشتر غذاها تاکنون خوب و مناسب بوده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. رک: لغتنامه دهخدا، واژه «شاگرد».

۲. رک: کامل بهایی، ص ۲۸۷.

۳. رک: نزهة القلوب، ص ۷۱.

۴. رک: دروس، ج ۲، ص ۱۱.

۵. در مجلس روضه‌ای بودم که مدّاح از ابتدا تا انتها، روضه دروغ خواند. حتی یک جمله راست به زبان نیاورد. و مرتب تکرار می‌کرد: من این حرف‌ها را از خودم در نمی‌آورم؛ همه اینها در کتاب‌های مقاتل نوشته شده است. گویا خودش می‌دانست که سخنانش واقعیت ندارد. پس از پایان روضه، در کوچه جلوش را گرفتم و پرسیدم: آن روضه در کدام مقتل است؟ ابتدا پرت و پلا جواب داد و به تعبیر خودمانی خواست سرکار بگذارد. وقتی دید حریف نمی‌شود، گفت: از فلان مدّاح شنیدم. تا اینکه زبان به اعتراف گشود که: برادر، من روضه‌خوانم؛ روضه درست را از نادرست تشخیص نمی‌دهم. شما کتابی را به من معرفی کن تا از روی آن بخوانم.

سخن آخرش راست بود. مانند بسیاری از مداحان دیگر تخصص در تاریخ عاشورا نداشت. اما آنان باید بعد از آگاهی درست از تاریخ عاشورا، روضه‌خوانی را شروع کنند. در اینجا چند کتاب را معرفی می‌کنم که نسبتاً از بیان تاریخ عاشورا به خوبی برآمده‌اند و برای مجالس عزاداری مفیدند:

«منتهی الآمال»، حاج شیخ عباس قمی؛ «تاریخ حضرت سیدالشهدا^۷»، عباس صفایی حائری؛ «موسوعة شهادة المعصومین^۸»، تهیه شده توسط پژوهشکده باقرالعلوم که با عنوان «مقتل چهارده معصوم^۹» ترجمه شده است. در مؤسسه دارالحديث قم، کتاب «موسوعة الامام الحسين^۷» در حال تدوین است که بناست با ترجمه، چاپ و منتشر شود. این اثر، کتابی ارزشمند در تاریخ عاشورا خواهد بود.

۶. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۳۹.

۷. سلفون: روکش پلاستیکی.



امام مهدی علیه السلام در آینه کوثر



در شماره‌های قبلی «فرهنگ کوثر» عناوین زیر درباره حضرت حجت^۷ است.

۱۳. نوید صبح (جواد محدثی)/ش ۳۳
۱۴. پیک نور/ش ۳۵
۱۵. حسرت دیدار/ش ۴۴
۱۶. سلام بر مهدی/ش ۴۴
۱۷. انتظار وظیفه ساز (ظهوری فر)/ش ۴۴
۱۸. انتظار سبز (خدامراد سلیمیان)/ش ۴۴
۱۹. حضرت مهدی آینه فیض الهی/ش ۵۳
۲۰. حضرت مهدی در نگاه سبط اکبر/ش ۵۵
۲۱. نرم افزارهای مهدوی/ش ۵۹
۲۲. معرفی پایگاه‌های مهدویت/ش ۵۹
۲۳. تو را با ندبه می‌خوانم (احمد راهدار)/ش ۵۹
۲۴. ابدال یا پیشکاران امام زمان (ع)/ش ۵۹
۲۵. مهدویت از منظر امام باقر(ع)/ش ۶۲

۱. هنوز به او فکر می‌کنم/ش ۱۳
۲. در انتظار رؤیت خورشید/ش ۲۱
۳. با چهار نایب حضرت مهدی آشنا شویم/ش ۲۱
۴. دیدار با مهدی در سایه قرآن/ش ۲۱
۵. عصاره هستی (سیدابوالقاسم هاشمی)/ش ۲۱
۶. عصر انتظار - کوچ - آن روز دیدنی (جواد محدثی، مریم حدادیان)/ش ۲۱
۷. انار شگفت (نسرین امینی)/ش ۲۲
۸. سیمای حضرت مهدی (عج) از نگاه روح الله/ش ۳۱
۹. مصلح بزرگ (احمد زمانی)/ش ۳۲
۱۰. در پرتو قرآن به انتظار مهدی(ع)/ش ۳۳
۱۱. روزنه‌های امید/ش ۳۳
۱۲. میراث انبیاء در محضر مهدی(ع)/ش ۳۳



بدین وسیله از مدیران مسئول و سردبیران نشریات زیر که در تبادل فرهنگی با کوثر فعال بوده‌اند، تشکر می‌شود. وصول شماره‌های زیر را اعلام می‌داریم. دوام توفیق و خدمت همه فعالان جبهه فرهنگی را از خدای بزرگ خواهیم.

مدیر داخلی

نشریات	شماره‌های رسیده	نشریات	شماره‌های رسیده
آراز آذربایجان	۶۱، ۶۳، ۶۶، ۶۷	سفیر	۴
اخبار شیعیان	۳۰ تا ۳۲	سفینه	۱۵
اسوه	۱۲۴ - ۱۲۵	شمیم یاس	۶۱ تا ۶۳
امانت	۷۹۵	شیعه شناسی	۲۰
اندیشه حوزه	۶۹	صنعت فراگیر	۲۶، ۲۵
بازتاب اندیشه	۹۴ - ۹۶	صنوف	۱۸۶
بعثت	۱۳۳۲ تا ۱۳۳۵	طلوع	۲۴
پادنگ	۴۲	فقه اهل البیت (ع)	۴۹، ۴۸
پرسمان	۶۴، ۶۳	روزنامه قدس	هر روز
پژوهش و حوزه	۳۱ تا ۳۹	گلپانگ مسجد	۲۵۴ تا ۲۴۷، ۲۴۳، ۲۴۰، ۲۳۸
پژوهشنامه پیام غدیر	۱۱، ۱۰	میلغان	۱۰۵، ۱۰۳، ۱۰۲
پژوهشهای قرآنی	۵۱ - ۵۲	موعود	۸۹ تا ۸۷
پگاه حوزه	۲۳۴ تا ۲۲۸	نامه جامعه	۴۵ تا ۴۳
پیام بوستان	۱۲	نگاه به رویدادهای آموزش و پرورش	۳۴۷ تا ۳۴۵، ۳۴۱ تا ۳۳۸
خبرنامه دبیرخانه انجمن های علمی حوزه	۵ - ۷	هدی	۵، ۶
راه رشد	۱۰۶	یاد	۸۷

برگ اشتراک

مشخصات متقاضی:	شماره اشتراک:
مرکز:.....	
این جانب:.....فرزند:.....ت:.....میزان تحصیلات:.....	
شغل:.....مایلم مجله فرهنگ کوثر به صورت پستی از شماره.....	
تا.....به آدرس ذیل برایم ارسال شود.	
آدرس:.....	
کد پستی:.....تلفن:.....کد:.....	
امضاء	

برگ اشتراک فصلنامه فرهنگ کوثر

اشتراک (۴ شماره) : ۳۲۰۰۰ ریال

لطفاً وجه اشتراک را به حساب جاری ۱۲۳۳۱، بانک ملی، به نام مجله فرهنگ کوثر، کد ۲۷۰۸، شعبه خیابان شهداء، قم، واریز و رسید آن را همراه برگ اشتراک به آدرس: قم، ص پ ۳۵۹۶ - ۳۷۱۸۵ ارسال نمایید.

نشانی: قم، خیابان شهداء، جنب مدرسه امیرالمؤمنین (ع)، فصلنامه فرهنگ کوثر

تلفن: ۷۷۳۵۴۷۸ - ۰۲۵۱

«هزینه پستی از مشترکان داخلی دریافت نمی‌شود.»

تلفن توزیع: ۷۷۳۵۳۰۳

